



پوهنتون سلام  
پوهنځی شرعیات و قانون  
پروگرام ماستری فقه و قانون



امارت اسلامی افغانستان  
وزارت تحصیلات عالی  
معینیت امور علمی

# زکات کالاهای تجارتي و تطبیقات معاصر آن

(اسهم، سندات، اوراق نقدی و حسابات جاری)

رساله ماستری

محصل: عبدالحلیم "حکمت" حکیمی"

استاد رهنما: دوکتور محمد یونس "ابراهیمی"

سال: 1401 هـ.ش مصادف با 1444 هـ.ق



پوهنتون سلام  
پوهنځی شرعیات و قانون  
پروگرام ماستری فقه و قانون



امارت اسلامی افغانستان  
وزارت تحصیلات عالی  
معینیت امور علمی

# زکات کالاهای تجارتي و تطبیقات معاصر آن

(اسهم، سندات، اوراق نقدی و حسابات جاری)

رساله ماستری

محصل: عبدالحلم "حکمت" حکیمی

استاد رهنما: دوکتور محمد یونس "ابراهیمی"

سال: 1401 هـ.ش مصادف با 1444 هـ.ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# پوهنتون سلام



پوهنځی شرعیات و قانون

دیارتمنت فقه و قانون

بورد ماستری

## تصدیق نامه

محترم عبدالحمید ولد عبدالحمید ID: SH-MSF-S1400-815 محصل دور نهم فقه و قانون که رساله ماستری خویش را زیر عنوان: زکات کالا های تجارتي و تطبیقات معاصر آن به روز پنجشنبه ۱۳/۲۴/۱۴۰۲ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس بررسی هیات تحکیم مستحق ۹۳ (نمره به عدد) نود و سه (نمره به حروف) گردید، موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

ردیف	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	استاد عبدالملک ثاقب	عضو هیات	
۲	استاد وزیر محمد سعیدی	عضو هیات	
۳	دکتور محمد یونس ابراهیمی	استاد رهنما و رئیس جلسه	

..... معاون علمی

..... آمر بورد ماستری

## اهداء

دروهله ای نخست تقدیم به والدین گرامی ام که از چشمه زلال محبت شان کالبد وجودم را سیراب نمودند، ولحظه های شیرین وگرانبهای زندگی شان را برایم در آموزش، تقوی محبت و صداقت و اخلاق حمیده وقف نمودند و در دشواری های زندگی با من همکار بودند.

و درگام بعدی به برادران و خواهران عزیزم که از هیچ گونه همکاری مادی و معنوی که در دست توان داشتند در راه کسب دانش و حکمت از من دریغ نه ورزیدند.

درپی این تقدیم به تمام برادران و خواهران مسلمانم در تمام گوشه و کنار امت بزرگ اسلامی که یگانه آرزوی شان فهم درست از احکام شرع شریف عمل به مقتضای آن است.

همچنین تقدیم به تمام اساتید گرانمایه و گرانمهرم، به خصوص استاد عزیز و کوهی از حوصله مندی و پشت کار، دکتور محمد یونس "ابراهیمی" که از رهنمود های ارزنده ای شان در راستای تدوین رساله ای تحقیقی خویش بهره ای زیادی برده ام، که استاد را چون یک پدر مشفق و دلسوز یافتم.

## سپاس گزاری

درگام نخست جای دارد که الله متعال را از بابت این همه نعماتش سپاس گزاری و قدردانی نمایم که بنده ای ضعیف را نوازش کرده با تمام کاستی هایم یک بار دیگر توفیق بخشید تا دوره کارشناسی ارشدم را با نوشتن یک رساله به پایه اکمال برسانم، در کنارشکر پرورد گارم از باب اظهار امتنان و قدردانی از والدین گرامی ام، اعضای فامیل و دوستانم که هرکدام به نوبه خویش بنده را در روزهای دشوار زندگی مرا همیاری نمودند، تا بتوانم به این آرمان مقدس نایل آیم، و از بارگاه ایزد منان مسئلت دارم تا بنده را باعث سردی چشمان شان بگرداند، و از این منظر لایق میبینم تا از اساتید گرانمایه ام که بنده یک دوره ای تحصیلی را زیر هدایات و رهنمودهای ایشان سپری نمودم و از ایشان اندوخته های زیادی را به ذخیره علمی ام افزودم تشکر و قدردانی نمایم،

در فرجام روی هم رفته از استاد مشرفم محترم استاد دکتور محمد یونس "ابراهیمی" که در واقع در حصه تدوین رساله تحقیقی ام مدیون رهنمودهای ارزنده ایشان هستم اظهار امتنان و قدردانی مینمایم و همچنان از وزارت محترم تحصیلات عالی، رهبری پوهنتون سلام و دست اندرکاران محترم شان قدردانی مینمایم که برایم از هیچ گونه همکاری غرض تسهیل دروس دریغ نکرده با تمام توان در خدمت مایان بوده اند، و از الله متعال توفیق مزید خدمت گذاری و سعادت دارین نخست برای خودم و ثانیاً برای همه ای رهپویان دانش مسئلت دارم.

## خلاصه

بنده با در نظر داشت حجم رساله ای تحقیقی خویش وبا رعایت تسلسل منطقی موضوعات این اثر را به سه فصل، و در تحت هر فصل سه مبحث و در ذیل هر مبحث چندین مطلب را ترتیب و گردآوری نموده ام، طوریکه در فصل اول: کلیات که هر موضوعی را لایبى از آن است تا آغازی باشد برای درک کامل از موضوع مطروحه، و در فصل دوم روی زکات کالاهای تجارتی بحث و مذاقه نمودیم که جزء اهم عنوان رساله ای تحقیقی بنده است، و در فصل سوم همان طوریکه از عنوان رساله معلوم است روی موضوعات معاصر از قبیل زکات اسهم، سندات تجارتی، حسابات جاری، و اوراق نقدی و موضوعات مرتبط به آن متمرکز است که خلاصه ای این رساله ای تحقیقی طورآتی است: زکات در لغت: مصدر (زکا) است به معنای نمو و زیادت شی آمده است، و (زکا فلان) وقتی که شخصی صالح شود؛ و به معنای چون: برکت، نمو، پاکی و صلاح مستعمل است، در اصطلاح شریعت: به اندازه ای مشخصی از مال گفته میشود که الله ﷻ آن را بالای بنده های مومنش فرض گردانیده تا برای نیازمندان بپردازند، چنانچه به نفس اخراج همین سهم معین نیز اطلاق میشود، جا، زکات در اسلام از جایگا ویژه ای برخوردار است که ما از آن در کتاب خویش به تفصیل بحث نموده ایم که در این خلاصه جای آن نیست؛ مقاصد شریعت از زکات: تحقق تعبد از برای الله ﷻ به امتثال اوامر و قیام به فریضه اش، شکر نعمت الله ﷻ به وسیله ای ادای زکات که خداوند تعالی به او انعام کرده است، پاک کردن مزکی از گناه، پاک شدن دهنده ای زکات از بخل با تمام مفاهیمش، دوچند شدن نیکیها و رفع درجات پرداخت کننده ای زکات میباشد، کمک و هم یاری ثروت مندان برای فقراء است، افزایش مال زکات، متحقق شدن تکافل اجتماعی، رشد اقتصاد اسلامی، دعوت به سوی الله متعال؛ شرایط مالی که زکات در آن لازم است: مزکی باید ملکیت تام، سرپرستی، تصرف و حق اختصاص داشته باشد؛ مال نمو و زیادت حقیقی و یا حکمی داشته باشد، به نصاب رسیده باشد، از حوایج اصلی صاحب مال اضافه باشد، صاحب مال مدیون نباشد، حولان حول شده باشد؛ مصارف زکات: فقراء و مستمندان، موظفین زکات، مولفة القلوب، برده گان، قرضداران، فی سبیل الله، این سبیل؛ کسانی که دادن زکات برایشان جائز نیست: ثروت مندان، کسبه کاران دارای درآمد بیشتر، کفار و ملحدین که عملا با مسلمانان در جنگ اند اجماعا، و اهل ذمه در نزد جمهور فقهاء، کسی که نفقه اش بالای مزکی لازم است، اصول و فروع مزکی و خانم وی، اما باقی اقارب اختلافی است نیاز به تفصیل دارد، اهل بیت پیامبر ﷺ که آنها بنی هاشم هستند به اتفاق علماء و بنی مطلب اختلافی است، فاسق و مبتدع (اختلافی است)؛ جهات خیر غیر از اصناف هشت گانه (اختلافی است).

مفهوم کالاهای تجارتی، جایگاه و شروط آن در فقه اسلامی: کالاهای تجارتی در لغت: هر آن چیزی که نقد نباشد به آن عرض یا کالا گفته میشود، در اصطلاح: هر آنچه که برای خرید و فروش جهت حصول فایده آماده شده باشد؛ حکم زکات کالاهای تجارتی در فقه اسلامی، زکات کالاهای تجارتی فرض است به اساس عموم کتاب الله ﷻ و سنت رسول الله ﷺ و آثار و اجماع اکثریت از دانشمندان فقه اسلامی و قیاس صحیح؛ اقسام کالاهای تجارتی در عصر حاضر عبارت از تمام کالاهای است که به نوعی در تجارت و اعمال تجارتی دخیل است، و در تجارت به حیث بضعه تجاری خرید و فروش و یا غرض فروش تولید میگردد، میتواند بحیث اقسام کالاهای تجارتی بحساب آید؛ دلایل اثبات زکات کالاهای تجارتی: از قرآن کریم و سنت مطهر رسول الله ﷻ اجماع امت که ما در نص کتاب به تفصیل بحث کرده ایم، اما بعضی مذاهب شاذه چون مذهب ظاهری زکات را در کالاهای تجارتی لازم نمیدانند، اما امامیه بنا بر قول صحیح تر در نزدشان زکات در کالای تجارتی را واجب نه بلکه مستحب میدانند، ایشان نظر دیگری مبنی بر وجوب خمس در فایده ای تجارت دارند؛ شرایط زکات کالاهای تجارتی: نیت تجارت در کالاهای تجارتی، رسیدن قیمت کالاهای تجارتی به نصاب اقل از نقدین، حولان حول کالای تجاری، ثروت که تاجر از آن در تجارت خود بکار میبرد خالی از سه صورت نیست: ثروت که به شکل کالا و بضایع است که تاجر برای فروش

و تجارت خریداری نموده اما تا هنوز به فروش نرسانیده است، یا به صورت نقدی در اختیارش است، و یا هم در بانک ها نگهداری میکند، یا به صورت قرض بالای دیگران دارد، که بعضی آن قابل حصول و یا هم صعب الحصول و بعضی غیر قابل حصول است، که در دو صورت اول تاجر مکلف است، سرمایه نقدی را همراه کالاها بعد از نرخ گزاری زکات بپردازد، اگر قرض قابل حصول باشد مثل این است که در بانک، اما اگر صعب الحصول بود، بنابر رای که ما آن را ترجیح دادیم از زمان حصول آن باید یک سال بگذرد سپس زکات بدهد؛ فرق میان تاجر مدیر و محکر: جمهور فقهاء در میان این دو فرق قایل نیستند اما امام مالک رحمه الله بخلاف جمهور نظر دیگری ارائه نموده است که به اساس آن در میان این دو فرق قایل شده است، تاجر مدیر از دیدگاه امام مالک رحمه الله کسی است که خرید فروش به قیمت حاضر میکند، در خرید و فروش کدام وقت تعیین شده ندارد؛ حولان حول: مراد از حولان حول گذشتن یک سال قمری از سرمایه مزکی است، اگر در جریان سال نصاب دچار نقص شود و در آخر سال پوره گردد کدام باقی ندارد، تاجر مکلف است در آخر سال همراه سرمایه اش مفاد را هم سنجش نموده در صورت پوره شدن نصاب زکات بدهد، حولان حول کالاهای تجارتی به مبادله و بیع انقطاع را نمی پذیرد، تمام اصناف کالاهای تجارتی غرض تکمیل نصاب در زمان پرداخت زکات یکجا کرده میشود؛ کالاهای تجاری در آخر سال به نصاب نقدی که برای اهل زکات مفید تر باشد نرخ گزاری میشود، در آلت تجارتی که برای فروش نیست، و آماده شده برای اجرت یا کرایه هم نیست، زکات نمی باشد، لیکن در اجرت آنها زمانیکه حولان حول شده باشد زکات میباشد، مقدار زکات در کالاهای تجارتی ربع عشر و یا 2.5 فیصد میباشد، و به اساس دیدگاه راجح فقهاء ادای زکات کالای تجارتی از عین آن نیز جائز است؛ مفهوم اسهم: به فتح همزه و ضم را به معنی نصیب و حصه آمده که عبارت از چکی است تمثیل از یک حصه از حصص متساوی را میکند، مقسم الیها راس المال مطلوب برای مساهمه است، این مساهمه برای صاحبش یک حق را محفوظ میدارد، در جهت حصول سودش در وقت تقسیم ممتلكات، اگر زبانی متوجه تجارت شود، متحمل خسارت به اندازه سهم خودش میشود، مفهوم سند: در لغت به معنای متکا آمده، عبارت از جزء از قرض دراز مدت میباشد که به اساس آن فایده ای ثابت در اوقات معین داده میشود، و ارزش همان قرض در زمان که دوطرف با آن اتفاق کرده اند بازگردانده میشود؛ به اساس تفاوت های که بیان نمودیم اسهم از معاملات مجاز و سندات از معاملات ربوی میباشد اما با وجود حرام بودن معاملات صاحب آن از پرداخت زکات معاف نمیگردد، بلکه شخص مکلف است زکات آن را بپردازد، دیدگاه راجح در آن این است که از تمام شرکت ها، به اندازه ربع عشر بر حسب ارزش اسهم در بازار گرفته میشود.

زکات سندات: قول صحیح در دین قابل حصول که او بالای شخصی ثروت مند، معترف به قرض و غیر مماثل باشد پرداخت زکات آن در هر سال وقتی که به نصاب برسد در نزد جمهور فقهاء، و ابو عبید و غیره لازمی و واجب است؛ حکم خرید و فروش اسهم و سندات: حلیت و حرمت خرید و فروش اسهم به تبع نوع شرکت بیان میشود اگر شرکت مباح بود خرید و فروش اسهم آن نیز مباح است، اگر شرکت ربوی و یا غیر مباحه بود خرید و فروش اسهم آن نیز ناجایز و حرام است، حکم خرید و فروش سندات: به اساس تفاوت های که ما بیان نمودیم اگر سندات با همان خصوصیات باشد حرام و ناجایز است؛ زکات حیواناتیکه برای تجارت است و محصولات آن و میوه برای تجارت، همان ربع عشر از سرمایه و مفاد آن لازمی است؛ در مکان و آلت صنعتی زکات لازم نبوده بلکه از مفاد و محصول آن به اندازه ربع عشر لازم است، زکات اوراق نقدی نیز همان ربع عشر است، زکات حساب جاری: این یک قرض از جانب سپرده گزار نزد بانک میباشد، حکم سپرده در حساب جاری مانند حکم زکات دین است در صورتیکه این دین بالای شخص قادر به پرداخت دین و غیر مماثل باشد.



## فهرست مطالب

## عناوین

## صفحات

1	مقدمه
2	اهمیت موضوع:
2	اسباب اختیار موضوع:
2	اهداف تحقیق:
3	سوالات
3	پیشینه ای تاریخی موضوع:
3	روش تحقیق:
4	مشکلات تحقیق:
5	خطه بحث
8	فصل اول
9	مبحث اول
9	مفهوم زکات و جایگاه آن در اسلام و مقاصد شریعت از آن
9	مطلب اول: تعریف زکات
11	مطلب دوم: جایگاه زکات در اسلام
23	مطلب سوم: مقاصد شریعت از زکات
29	مطلب چهارم: شروط مالی که در آن زکات لازم میشود
32	مطلب پنجم: مصارف زکات
46	مبحث دوم
46	مفهوم کالاهای تجاری، جایگاه و شروط آن در فقه اسلامی
46	مطلب اول: عرض یا کالاهای تجاری در لغت و در اصطلاح
46	مطلب دوم: حکم زکات کالاهای تجاری در فقه اسلامی
46	مطلب سوم: اقلام کالاهای تجاری در عصر حاضر
48	مبحث سوم
48	دلایل اثبات زکات کالاهای تجاری
48	مطلب اول: قرآن کریم
49	مطلب دوم: سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم
51	مطلب سوم: آثار صحابه رضی الله عنهم

51.....	مطلب چهارم: اجماع
52.....	مطلب پنجم: قیاس
52.....	مطلب ششم: شبهات مخالفین
56.....	فصل دوم
56.....	زکات کالاهای تجارتي
57.....	مبحث اول
57.....	شرایط زکات کالاهای تجارتي، چگونگی پرداخت زکات، فرق میان تاجر مدیر و محتکر
57.....	مطلب اول: شرایط زکات کالاهای تجارتي
63.....	مطلب دوم: تاجر چگونه زکات کالاهای تجاری خود را خارج کند؟
64.....	مطلب سوم: فرق میان تاجر مدیر و تاجر محتکر
66.....	مبحث دوم
66.....	حولان حول کالاهای تجارتي و فایده ای آن
66.....	مطلب اول: حولان حول کالاهای تجارتي
69.....	مطلب دوم: حولان حول فایده کالاهای تجارتي
70.....	مطلب سوم: عدم انقطاع حولان حول کالاهای تجارتي به مبادله و بیع
70.....	مطلب چهارم: آیا برای تکمیل نصاب تمام کالاهای تجاری را یکجا کرده میشود؟
71.....	مبحث سوم
71.....	حکم زکات وسایل و آلات که در تجارت بکار برده میشود
71.....	چگونگی قیمت گذاری کالاهای تجارتي و مقدار واجب
71.....	مطلب اول: چگونگی تقویم کالاهای تجارتي
71.....	مطلب دوم: حکم زکات آلات تجارتي که برای فروش نباشد
72.....	مطلب سوم: مقدار زکاتیکه در کالاهای تجارتي واجب است
76.....	فصل سوم
76.....	زکات اسهم، سندات تجاری
76.....	و حیوانات که برای تجارت است و محصولات آن،
76.....	درخت، و میوه برای تجارت،
76.....	زکات مکان و آلات صنعتی،
76.....	زکات اوراق نقدی و حساب جاری
77.....	مبحث اول

77	..... زکات اسهم و سندات
77	..... مطلب اول: مفهوم اسهم در لغت و در اصطلاح
78	..... مطلب دوم: مفهوم سند در لغت و در اصطلاح
80	..... مطلب سوم: حکم پرداخت زکات از اسهم و سندات
80	..... مطلب چهارم: چگونگی اخراج زکات اسهم و سندات، انواع شرکت ها
90	..... مبحث دوم
90	..... حکم خرید و فروش اسهم و سندات
90	..... مطلب اول: حکم خرید و فروش اسهم
91	..... مطلب دوم: حکم خرید و فروش سندات و تعامل با آن
91	..... مطلب سوم: بیان کیفیت زکات اسهم
92	..... مطلب چهارم: بیان کیفیت زکات سندات
94	..... مبحث سوم
94	..... زکات حیوانات که برای تجارت است و محصولات آن،
94	..... درخت، و میوه برای تجارت، زکات مکان و آلات صنعتی،
94	..... زکات اوراق نقدی و حساب جاری
94	..... مطلب اول: زکات حیوانات تجاری و محصولات آن
102	..... مطلب دوم: زکات میوه ای که برای تجارت باشد
105	..... مطلب سوم: زکات مکان و آلات صنعتی، اشیای ساخته شده و مواد خام آن
113	..... مطلب چهارم: زکات اوراق نقدی
134	..... نتیجه گیری
137	..... پیشنهادات
138	..... فهرست آیات قرآن کریم
140	..... فهرست احادیث نبوی
142	..... فهرست اعلام
145	..... فهرست مصادر و مراجع

## مقدمه

الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره، ونعوذ بالله من شرور أنفسنا و من سيئات أعمالنا، من يهده الله فلا مضل له، و من يضلله فلا هادي له، و أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله. اما بعد.

{وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَاتَّقُوا أَنفُسَكُمْ مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ}.<sup>1</sup>

ترجمه: نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و آنچه که شما برای نفسهای تان از نیکی پیش میفرستید آن را نزد الله ﷻ میآید بی شک الله ﷻ به آنچه که میکنید بینا است.

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّنْ طَيَّبْتُمْ مَّا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِأَخِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ}.<sup>2</sup>

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید، از چیزهای پاک کسب کرده خود خرج کنید، و از چیزی که ما برایتان از زمین بیرون کردیم، و از چیز ناپاک آن قصد به انفاق نکنید که خود تان آن را نمی گیرید مگر با بند کردن چشم در آن، بدانید که به درستی الله متعال بی نیاز و ستوده شده است.

بانگریستن در منابع و مصادر فقه اسلامی در میابیم که موضوع زکات در هر مقطع زمانی مورد توجه جدی شریعت اسلامی قرار داشته و مسلمانان را مکلف دانسته تا یک بخش معین از مال خود را که به نصاب رسیده باشد برای مستحقین زکات بپردازند، و دولت های اسلامی را مکلف دانسته تا در صورت امتناع از پرداخت زکات از نزد افراد به اساس فشار جمع آوری به بیت المال مسلمانان ذخیره نموده تا برای اهل آن بشکل عادلانه توزیع گردد، روی هم رفته موضوع زکات کالاهای تجارتي و تطبیقات معاصر آن، از قبیل اسهم و سندات و حسابات جاری، ماهیت و زکات اوراق نقدی، بحث روی حکم زکات شرکت های صنعتی و تجارتي به عناوین مختلف به زبان های مختلف دنیا بحث شده و توضیح داده شده است تا افراد جوامع اسلامی از حکم شرع در این خصوص مطلع شوند.

### بیان موضوع:

هر عنوانی را که محقق برای تحقیق و کاوش بر میگزیند، از خود چپستی دارد؛ بنابراین ملحوظ عنوانی را که بنده جهت بحث و تحقیق برگزیده ام، (زکات کالاهای تجارتي و تطبیقات معاصر آن) میباشد این موضوع طوریکه از نام آن پیداست، در کل به ذات خود بازگوکننده موضوع و مفهوم آن است، اما با وجود آن میتوان گفت که موضوع فوق مورد توجه جدی فقهای اسلامی بوده است، بنا بر این باحث این پژوهش، اینجا سعی کرده تا روی موضوعاتی چون: تعریف لغوی و اصطلاحی زکات، مشروعیت زکات کالاهای تجارتي از نظر فقه اسلامی، مقاصد شریعت از زکات و شرایط زکات کالاهای تجارتي، نصاب

<sup>1</sup> سورة البقرة. 110.

<sup>2</sup> سورة البقرة 267.

وچونگی پرداخت زکات کالاهای تجاری، زکات اسهم و سندات و حسابات جاری، بحث روی حکم زکات شرکت های صنعتی و تجاری و مفاد و تولیدات آن ها، بحث روی زکات اوراق نقدی و موضوعات مرتبط به این موضوع کندکاوای داشته باشد، و از لابلای این بحث به چیستی این موضوع پاسخ قناعت بخش به آن ارائه کند، تا نفعی برای اهل پژوهش رسانده باشد.

### **اهمیت موضوع:**

درواقعیت امر هیچ موضوعی وجود ندارد که برای تحقیق انتخاب شود و آن عاری از اهمیت و ارزش باشد، اما نکته قابل توجه این است که اهمیت و جایگاه هر عنوان یا موضوع یکسان نیست و نبوده؛ روی همین ملحوظ است که در هر بحث ایجاب میکند در رابطه به همان موضوع موشگافی شود و یا از ارزش و جایگاه آن مستقلانه بحث صورت گیرد.

بدین اساس طوریکه برای همه مبرهن است موضوع زکات کالاهای تجاری از جایگاه و منزلتی خاصی برخوردار است، چون موضوع زکات یک موضوع اصلی در فقه اسلامی است که از منابع عمده عایداتی بیت المال حکومت های اسلامی را تشکیل میدهد، از این رو است که حکومت های اسلامی نسبت به این امر توجه جدی دارند.

### **اسباب اختیار موضوع:**

باحثین و پژوهشگران در عموم روی عناوینی که به خاطر تحقیق انتخاب میکنند، انگیزه های متفاوت دارند، به این بیان که هر محقق انگیزه ای خاصی را تعقیب میکند و میخواهد به مامول خویش دست یابد، بنابراین اسباب مختلف و گوناگون در انتخاب این عنوان جهت بحث و بررسی نقش دارند، اما باوجود این برخی از آنها سبب عمده و اساسی شمرده میشوند که از جمله،

- 1- این موضوع در محدوده جغرافیایی ما به عنوان موضوع بکر قلمداد میشود و به همین شکل به زبان های معمولی که مردم به آنها سخن میزنند، چنین چیزی به رشته تحریر در نیامده است.
- 2- مهمتر از همه انگیزه ای باحث میتواند به عنوان بارزترین سبب ایفای نقش نماید؛ آن انگیزه اصلی که بر قلب بنده نقش بست همان علاقه ای خاص خودم نسبت به این موضوع بود که باعث شد بنده روی آن تحقیق و کند کاوی را شروع کنم.

### **اهداف تحقیق:**

مقصد و هدف تحقیق در واقع دورنمای یک بحث را از پیش تعیین میکند، از این رو تحقیق بدون تعیین غرض و مقصد، لایعنی است، بدین جهت برای محقق لازم است که اهداف و یا هدف از تحقیق خویش را پیش از پیش ترسیم نماید، تا نتایج متوقعه از تحقیق خویش را به درستی بتواند به جامعه تقدیم کند، و اینجاست که تحقیق محقق دردی را دوا، مشکلی را حل، دشواری را سهل، و موانع را بر خواهد داشت، در غیر آن گره گشای مشکل نخواهد بود و سودی نخواهد داشت.

روی اهداف فوق الذکر مقاصد تحقیق خویش را در چند نکته ذیل طوری موجز تحریر می‌دارم:

- 1- مفهوم کالاهای تجاری و نمونه های معاصر آن.
- 2- حکم زکات کالاهای تجاری و چگونگی پرداخت آن.
- 3- جایگاه زکات کالاهای تجاری در فقه اسلامی.
- 4- بحث روی اسهم و سندات، حسابات جاری، و اوراق نقدی و بیان ماهیت و حکم زکات آنها.

## سوالات

### سوال اصلی:

تکلیف فقهی کالاهای تجاری و تطبیقات معاصر آن از نظر شریعت اسلامی چیست؟

### سوالات فرعی:

- 1- کالاهای تجاری چیست؟
- 2- شرایط و مقاصد زکات کالاهای تجاری چیست؟
- 3- چی چیزها میتواند کالاهای تجاری در عصر حاضر محسوب شود؟
- 4- کدام موضوعات از موارد معاصر کالاهای تجاری است؟

### پیشینه ای تاریخی موضوع:

از اینکه ما در خطه ای زیست می کنیم که اکثریت مردم آن به زبان های دری و پشتو صحبت می کنند، و تسلط شان بیشتر بر این دو زبان ملی می باشد؛ ازین منظر در کشور ما به اساس معلوماتی که بنده درین مورد حاصل نمودم، کتاب مشخص و معین زیر عنوان زکات کالاهای تجاری و تطبیقات معاصر آن، به این دو زبان مستقل ملی نوشته نشده است، اگر چیزی هم ازین موضوعات به شکل سطحی و گذرا به چشم بنده مشاهده شد، در ضمن مقاله های پراکنده می باشد که در آن طوری اجمالی اشاره شده است. و همچنان در منابع عربی که بنده، به آن ها نیز دست رسی داشتم یک عنوان مقاله کوتاه را یافتیم زیر عنوان (زکات عروض التجارة) از د. سعید بن علی بن وهف القحطانی، که خیلی موجز ارائه شده بود که برای یک محقق این موضوع برای درک همه جانبه کافی نبود، و در عین حال به زبان دری نبود، بنا بنده اثر تحقیقی خود را تحت عنوان (زکات کالاهای تجاری و تطبیقات معاصر آن) به زبان مردم این مرزوبوم تحریر نموده ام تا که گوشه ای از مسؤلیت علمی خود را اداء نمایم. و از الله \* خواهان توفیق مزید برای تکمیل و تقدیم هرچی بهتر آن به جامعه اسلامی و افغانی هستم.

### روش تحقیق:

به طوری معمول هر محقق سعی میکند روشی خاصی را در تحقیق خویش بکاربرد، و این هم برمیگردد به محیط تحقیق و اوضاع حاکم بر آن، بنده نیز با در نظر داشت موارد فوق با وجودیکه در محیط

ما دست رسی کافی به کتاب خانه ها وجود ندارد، در این رساله بیشتر از روش کتاب خانه پی، و مکتبه های الکترونیکی چون: مکتبه شامله و روش تحلیلی و وصفی بهره جسته ام، و در مواردی نیز به سایت های انتر نییتی مراجعه نموده موضوعاتی را از آنجا توام با آدرس شان نقل نموده ام. و هر بحثی را که در متن رساله مطرح شده، آدرس دقیقش را در پاورقی ذکر کرده ام، به همین روش آیات و احادیث متبرکه نقل و ترجمه شده است.

### **مشکلات تحقیق:**

بحث و تحقیق عموماً در هر عرصه و هر جامعه ای چالش ها و مشکلات خود را دارد، ولی در برخی از جوامع چون افغانستان این دشواری ها بیشتر از سایر جوامع است، البته بیشتر بودن دشواری ها در جامعه ای چون افغانستان دلایل عدیده ای دارد، که طوری نمونه بعضی آن را یاد آوری مینماییم.

1- یکی از دلایل عمده این چالش ها تاخت و تاز بیگانگان در افغانستان عزیز ما که متأسفانه کشورهای که خود را حامی حقوق بشر میدانند همواره به این سرزمین چشم دوخته همواره تاخت و تاز نموده داشته های مادی و معنوی مردم مسلمان و فقیر این دیار را به یغما برده اند.

2- دور ماندن مردم این مرزوبوم از نعمت دانش و علم، مصروف شدن به امور لایعنی و بی فایده.

3- جنگ های داخلی و مهلک بر سر تقسیم قدرت به وسیله ای سلاح های کشنده و دامن زدن به پدیده منفور و بدبوی تعصب.

4- نبود کتاب خانه های مدرن و منابع آبدید شده در کشور.

بنابراین عوامل و اموردیگر باعث شده تا روی انگیزه ای جوانان و قشر تحصیل کرده تاثیر منفی بر جا گذاشته محققین و اهل قلم را به چالش میکشاند.

## خطه بحث

(تقسیم بندی موضوع به فصلها، مباحث و مطالب)

✓ پلان و ساختار تحقیق

- این اثر تحقیقی شامل مقدمه، سه فصل، نتیجه گیری، پیشنهادات و فهرست منابع میباشد.
- ✓ در مقدمه:

1. اهمیت موضوع.

2. اسباب اختیار موضوع.

3. سوال های تحقیق.

4. پیشینه موضوع

5. مواد و روش تحقیق.

6. اهداف تحقیق.

7. مشکلات تحقیق (محدودیت های تحقیق)

- ساختار و پلان تحقیق.

فصل اول

کلیات

این فصل دارای سه مبحث می باشد

- ✓ مبحث اول: مفهوم زکات و جایگاه آن در اسلام و مقاصد شریعت از آن.

این مبحث دارای پنج مطلب می باشد

- مطلب اول: تعریف زکات در لغت و در اصطلاح

- مطلب دوم: جایگاه زکات در اسلام

- مطلب سوم: مقاصد شریعت از زکات

- مطلب چهارم: شرایط زکات

- مطلب پنجم: مصارف زکات

- ✓ مبحث دوم: مفهوم کالاهای تجاری، حکم زکات کالاهای تجاری در فقه اسلامی و اقلام کالاهای

تجاری در عصر حاضر

این مبحث دارای سه مطلب می باشد

- مطلب اول: کالاهای تجاری در لغت و در اصطلاح

- مطلب دوم: حکم زکات کالاهای تجاری در فقه اسلامی

- مطلب سوم: اقلام کالاهای تجاری در عصر حاضر



✓ مبحث سوم: دلایل اثبات زکات کالاهای تجارتي

این مبحث دارای شش مطلب میباشد

- مطلب اول: از قرآن کریم
- مطلب دوم: از سنت نبوی شریف
- مطلب سوم: از آثار صحابه رضی الله عنهم
- مطلب چهارم: از اجماع فقهاء (تابعین، سلف).
- مطلب پنجم: از قیاس صحیح
- مطلب ششم: شبهات مخالفین

فصل دوم

زکات کالاهای تجارتي

این فصل دارای سه مبحث میباشد:

✓ مبحث اول: شرایط زکات کالاهای تجارتي، چگونگی پرداخت زکات، و فرق میان تاجر مدیر و محتکر

این مبحث دارای سه مطلب میباشد:

- مطلب اول: شرایط زکات کالاهای تجارتي
- مطلب اول: تاجر چگونه زکات کالاهای تجارتي خود را خارج کند؟
- مطلب سوم: فرق میان تاجر مدیر و محتکر

✓ مبحث دوم: حولان حول کالاهای تجارتي و فایده ای آن

این مبحث دارای چهار مطلب میباشد.

- مطلب اول: حولان حول کالاهای تجارتي.
  - مطلب دوم: حولان حول فایده ای کالاهای تجارتي.
  - مطلب سوم: عدم انقطاع حولان حول کالاهای تجارتي به مبادله و بیع.
  - مطلب چهارم: آیا برای تکمیل نصاب تمام انواع کالاهای تجارتي را یکجا کرده میشود؟
- ✓ مبحث سوم: حکم و سایل که در تجارت بکار برده میشود؛ کیفیت تقویم کالاهای تجارتي و مقدار واجب این مبحث دارای سه مطلب می باشد:

- مطلب اول: چگونگی تقویم کالاهای تجارتي
- مطلب دوم: حکم زکات آلات تجارتي که برای فروش نباشد.
- مطلب سوم: مقدار زکاتیکه واجب است در کالاهای تجارتي

فصل سوم

زکات اسهم، و سندات تجارتي

این فصل دارای سه مبحث می باشد

✓ مبحث اول: زکات اسهم

این مبحث دارای چهار مطلب می باشد

▪ مطلب اول: مفهوم اسهم در لغت و در اصطلاح

▪ مطلب دوم: مفهوم سند در لغت و در اصطلاح

▪ مطلب سوم: حکم پرداخت زکات از اسهم و سندات

▪ مطلب چهارم: چگونگی اخراج زکات اسهم و سندات

✓ مبحث دوم: حکم خرید و فروش اسهم و سندات

این مبحث دارای چهار مطلب می باشد

▪ مطلب اول: حکم خرید و فروش اسهم

▪ مطلب دوم: حکم خرید و فروش سندات

▪ مطلب سوم: کیفیت زکات اسهم.

▪ مطلب چهارم: کیفیت زکات سندات.

✓ مبحث سوم: زکات حیوانات که برای تجارت است و محصولات آن، میوه برای تجارت، زکات

مکان و آلات صنعتی، زکات اوراق نقدی، زکات حسابات جاری

این مبحث دارای پنج مطلب میباشد:

▪ مطلب اول: زکات حیوانات که برای تجارت است و محصولات آن

▪ مطلب دوم: زکات میوه ای که برای تجارت باشد

▪ مطلب سوم: زکات مکان و آلات صنعتی، اشیای ساخته شده، و مواد خام آن

▪ مطلب چهارم: زکات اوراق نقدی

▪ مطلب پنجم: زکات حسابات جاری

✓ خاتمه

8. نتیجه گیری بحث.

9. پیشنهادات.

✓ فهرست:

10. فهرست آیات قرآن کریم.

11. فهرست احادیث نبوی .

12. فهرست اعلام.

13. فهرست مصادر و مراجع.

## فصل اول

### کلیات

تحت این فصل مباحثی اساسی همچون مفهوم زکات و جایگاه آن در اسلام و مقاصد شریعت از آن، مفهوم کالاهای تجارتي جایگاه و شروط آن در فقه اسلامی، و دلایل اثبات زکات کالاهای تجارتي بحث میشود که هر کدام دارای مطالب متعدد میباشد.

در این فصل سه مبحث اساسی بحث میشود

- 1- مبحث اول: مفهوم زکات و جایگاه آن در اسلام و مقاصد شریعت از آن.
- 2- مبحث دوم: مفهوم کالاهای تجارتي، جایگاه و شروط آن در فقه اسلامی.
- 3- مبحث سوم: دلایل اثبات زکات کالاهای تجارتي.

## مبحث اول

### مفهوم زکات و جایگاه آن در اسلام و مقاصد شریعت از آن

این مبحث دارای شش مطلب میباشد

#### مطلب اول: تعریف زکات

1. زکات در لغت: مصدر (زکا) است به معنای نمو و زیادت شی آمده است، و (زکا فلان) وقتی که

شخصی صالح شود، بنا به معانی چون: برکت، نمو، پاکی و صلاح مستعمل است.<sup>1</sup>

در لسان العرب گفته: اصل زکات در لغت: به معنای چون: طهارت، نمو، برکت، مدح، آمده است

که تمام آن در قرآن و حدیث مستعمل است.

قول واضح این است که چنانچه دکتور قرضاوی رحمه الله از واحدی.<sup>2</sup> و غیره نقل کرده: اصل ماده

ای زکات زیادت و نما را گفته میشود: (زکا الزرع، یزکو، زکاء) به معنای زیادت شی، زمانیکه کشت نمو نداشت بلکه از دغل خلاص شد در آن صورت زکات به معنای طهارت دلالت دارد.

زمانیکه اشخاص به زکا توصیف شوند در آن صورت به معنی صلاح است که دلالت به کثرت

خیر مینماید، چنانچه گفته میشود (رجل زکی) یعنی بیش از حد از جمله مردم نیک است.<sup>3</sup>

1. زکات در اصطلاح شریعت: به اندازه مشخصی از مال گفته میشود که الله ﷻ آن را

بالای بنده های مومنش فرض گردانیده تا برای مستحقین اش بپردازد. چنانچه به نفس اخراج

همین سهم معین نیز اطلاق میشود.<sup>4</sup>

این سهم مشخص به خاطری زکات نام گرفته که باعث زیادت معنوی در مال تزکیه شده میشود،

واز آفات و قایه میکند، چنانچه امام نووی<sup>5</sup> رحمه الله از واحدی نقل کرده است.<sup>6</sup>

ابن تیمیه رحمه الله فرموده: زکات دهنده زمانیکه زکات میدهد قلبش تزکیه و مالش زیادت معنوی

پیدا میکند.<sup>7</sup>

نما و پاکی منحصر به مال نیست، بلکه پاک کننده نفس مزکی نیز است چنانچه الله ﷻ میفرماید:

1 المعجم الوسیط، مجموعه از فرهنگیان در مصر، ج 1 ص 398

2 واحدی: علی بن احمد بن محمد بن علی الواحدی نیسابوری شافعی ابوالحسن مفسر نحوی لغوی فقیه شاعر، اصل وی از ساوه است و اولاد تجار میباشد، در نیسابور در سال 468 ه ق در ماه جماد آخره وفات شد. (المکتبة الشاملة آنلاین).

3 فقه الزکاة، د. یوسف عبدالله القرضاوی، مؤسسة الرسالة، تاریخ انتشار 1999م، ص 37/1.

4 الفایق، جارا الله زمخشری ناشر: دار المعرفه لبنان، ج 1 ص 536 ط اول.

5 ابو زکریا یحیی بن شرف النووی مشهور به امام النووی عالم، مجتهد و محدث مسلمان برجسته شافعی بود؛ که در میان سالهای 631-676 ه ق زندگی داشته که تولد وفات وی در منطقه نوا، قریه حوران، کشور سوریه شد. ه است، وی چندین کتاب در حوزه حدیث، سیره نبوی، و فقه تألیف کرده است او هیچگاه ازدواج نکرد. (المکتبة الشاملة آنلاین).

6 المجموع، ابوزکریا محیی الدین یحیی بن شرف النووی، دار الفکر-بیروت، ج 5 ص 324.

7 مجموع فتاوی، تقی الدین احمد ابن عبدالحلیم، ابن تیمیه ج 25 ص 8، قاهره، ب ط.

{خُدَمِنَ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلَّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ}.<sup>1</sup>

ترجمه: از مالهای مومنین صدقه بگیر و به سبب آن ایشان را پاک و صالح شان گردان و برایشان دعای مغفرت نما به درستی که دعای توسیب آرامش برایشان است و الله ﷻ شنوا و دانا است.

د. قرضاوی.<sup>2</sup> رحمه الله از از هری نقل نموده و فرموده: زکات نما دهنده ای مستمند است، و این یک گام پسندیده بوده که سبب تحقق غنای نفسی و مالی وی میگردد.<sup>3</sup>

امام نووی شافعی رحمه الله از صاحب (الحاوی) نقل کرده، گفته: بدان که زکات لفظ عربی است که قبل از ورود شرع شریف معروف و شناخته شده و در اشعار عرب مستعمل بوده است، بنابراین استعمال کلمه ای زکات در اشعار عرب قبل از آمدن اسلام برای استدلال کافی است.<sup>4</sup>

داوود ظاهری.<sup>5</sup> گفته است: در لغت هیچ اصلی در رابطه به کلمه ای زکات نیست، فقط در شریعت دانسته شده است، صاحب الحاوی گفته است: این گفته ای داوود ظاهری اگرچی که فاسد است، پس خلاف کردن در این باره موثر در احکام زکات نیست.<sup>6</sup>

زمانیکه از تعاریف لغوی و اصطلاحی و توضیحات بالا دانستیم، مجالی برای ادعای مستشرق یهودی معروف (شاخه) نویسنده مضمونی (زکات) در دائرة المعارف الاسلامی، نمیبینیم، طوریکه او گمان میکند که پیامبر ﷺ کلمه ای زکات را به معنای فراخ تر از معنای لغوی اش به کار برده است، که مدعی است این را از الفاظ که مستعمل نزد یهود است گرفته است. (که در یهودیت ال آرامیه- زاکوت) گفته شده است: که پیامبر ﷺ زمانیکه در مکه هم بود از کلمه زکات و مشتقات آن که به معنی طهارت که مرتبط به زکات به اساس معنی لغوی در نزد عرب است استفاده میکرد که این مشتقات در قرآن کریم غیر از این معنای که عربی اصیل هم نیست دیگر معنایی ندارد، بلکه این معنی ماخوذ از یهودیت است که به معنای تقوی آمده است.<sup>7</sup>

1 سورة التوبه آیه 103.

2 د. یوسف عبدالله القرضاوی 1926-2022م عالم بزرگ مصری باتابعیت قطری، از متفکران اسلامی میانه روعرب، رئیس سابق اتحادیه بین المللی دانشمندان مسلمان، از تربیت شده گان مدرسه حسن البنا و اخوان المسلمین یوسف عبدالله قرضاوی در تاریخ 9 سپتامبر 1926م در روستای «صفت تراب» استان «غریبه» مصر متولد شد. دوساله بود که پدرش را از دست داد و عمه اش سرپرستی اش را به عهده گرفت، ایشان متفکر اسلامی بود که در عرصه های فقه اسلامی و شعر و فعالیت های اسلامی دست بالای داشت که مردم او را منحصیث دانشمند متفکر و نویسنده چیره دست میشناسند، وی روز دوشنبه ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۲م برابر با 30 صفر 1444ق در دوحه قطر وفات یافت از ایشان کتب و مقالات زیادی بجا مانده است که در اینجا به همین بسنده میکنیم. (موقع الشیخ دوکتور یوسف القرضاوی).

3 فقه الزکاة 38/1.

4 المجموع جلد5 ص 325.

5 داوود بن علی بن خلف اصبهانی با کنیه ابوسلیمان معروف به داوود ظاهری در میان سالهای 201-270 ه ق زندگی کرده، فقیه و محدث و بنیان گذار مذهب ظاهری بود او در کوفه متولد شد و در بغداد و نیشاپور به تحصیل علم پرداخت و شاگرد ابو ثور شافعی و اسحاق بن راهویه از شاگردان بزرگ امام شافعی بود وی نخست از پیروان سرسخت مذهب شافعی بود ولی پس از مدتی مکتب ظاهری را در فقه بنا نهاد. (الاعلام للزرکلی ج 2 ص 333). المکتبۃ الشاملۃ آنلاین.

6 المجموع جلد 5 ص 325. (الاعلام، خیرالدین بن محمود بن محمد بن علی بن فارس الزرکلی الدمشقی، ناشر: دار العلم للملایین، چاپ پانزدهم سال 2002م).

7 موجز دائرة المعارف الاسلامیة، مجموعه ای از مولفین، ناشر: المركز الشارقة للادب الفکری، چاپ اول 1418ق، ج 10 ص 355 و 356.

اینها(مستشرقین) از قبیل(شاخت) و امثال آن تمام توان خود را به خرچ میدهند تامفاهیم، الفاظ، افکار، و اخلاق اسلامی را برگرفته از مصادر یهودی و یا نصرانی ثابت کنند، و یا به مصادری شرقی و یا غربی که خود شان میخواهند نسبت دهند، اینها جزگمان وهوی نفس چیزی دیگری را پیروی نمیکند، غرض رد این مدعی برای ما فقط دو دلیل کافی است:

اول: قرآن کریم زکات را از اوایل عهد مکی به معنای اصلی اش که در نزد مسلمانان وجود دارد بکار برده است، چنانچه در سوره ای اعراف، آیه 156، و سوره مریم آیه 31، 55 و سوره الانبیاء، آیه 72، سوره المومنون آیه 4 سوره النمل آیه 3، سوره الروم آیه 39، سوره لقمان آیه 3، سوره فصلت آیه 7 موید این مدعی است.

با این وجود دلیل دیگری تائید کننده ای ادعای ما است اینکه، بدون شک رسول الله ﷺ زبان عبری را نمی دانسته جز زبان عربی مبین، در عین حال همراه یهود ملاقات نکرده جز بعد از هجرت به مدینه ای منوره، پس چگونه وچی وقت از یهود و یهودیت گرفته است چنانچه که ساخت گمان دارد.؟

دوم: بیهوده کاری غیرمنتسب از اخلاق دانشمندان و مناهج تحقیق نخواهد بود که گمان کننده به فکر نقل یک لغت از زبان دیگر بیفتد زمانیکه کلمه ای مشترک در معنا میان دولغت بیابد؛ زیرا اشتراک لزوما تقاضای نقل یک لغت از دیگری را نمیکند.

به فرض اینکه این موضوع را قبول کنیم، یک زبان ناقل و زبان دیگر منقول عنه قرار گیرد، این فرض بلا دلیل، و ترجیح بلا مرجیح خواهد بود، اگر کسی به اساس دنائت این منهج را میپذیرد بدون شک از دائره ای امانت علمی و اخلاق علما خارج شده است.<sup>1</sup>

### مطلب دوم: جایگاه زکات در اسلام

آ. دادن زکات در عهد مکی: الله تعالی در دوران مکی به شیوه های تشویق و ترغیب و دیگر شیوه های پسندیده مردم را به این امر مهم(فرضیت زکات) متوجه میسازد، چنانچه در این آیه(ایتاء الزکاة) دهنده زکات را توصیف و تارک آن را به بدی یاد میکند، همچنان در سوره ای روم الله تعالی امر به ادای حق نزدیکان و مستمندان و ابن سبیل میکند، والله ﷻ میفرماید:

{فَاتِ ذَا آلِ قُرْبَىٰ حَقَّهُ وَآلِ مَسْكِينٍ وَأَبْنَ السَّبِيلِ ۚ ذَٰلِكَ حَىٰ رَ لِّلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ ۗ وَأُولَٰئِكَ

هُمُ آلُ الْمُفْلِحِينَ ۗ وَمَا ءَاتَىٰكُمْ مِّن رَّبٍّ ءَلَّا لَّيْرَبُؤًا فِیْ أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرَبُؤًا عِنْدَ اللَّهِ ۗ وَمَا ءَاتَىٰكُمْ

مِّن زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ آلُ الْمُضْغِفُونَ}.

<sup>1</sup> فقه الزکاة، ص 39-40.

ترجمه: پس بده حق نزدیکان، مستمندان، و این سبیل را، این امر بهتر است از برای کسانی که رضایت الله متعال را میطلبند، و این گروه کسان، خاص رستگاران اند، و قرضی را که شما غرض سود جویی می دهید تا در اموال مردم زیاد شود و نمو کند، آن مال در نزد خداوند زیاد نخواهد شد، و چیزی را که به عنوان زکات برای مستحقین آن می دهید و از آن رضای پروردگار را طلب دارید، آن را الله متعال میپذیرد و چند برابر میسازد.

در آغاز سوره ای نمل الله ﷻ مومنین را به خوبی یاد میکند که کتاب (قرآن) را برایشان وسیله هدایت و خوش خبری گردانیده است، میفرماید: {تِلْكَ آيَاتُ آلِ قُرْآنٍ وَكِتَابٍ مُّبِينٍ هُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ}.<sup>1</sup>

ترجمه: این آیات قرآن و کتاب واضح است، سبب هدایت و خوش خبری برای مومنین است، همان مومنان که نماز برپا میدارند، و زکات میدهند، و خاص ایشان در روز آخرت باوردارند. محل استشهاد: در عطف زکات بر نماز دلیل بر این است که در این جا زکات مال مراد است، چنانچه شیوه بیان قرآن چنین است و در آغاز سوره ای لقمان الله جل جلاله میفرماید: {هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ}.<sup>2</sup>

ترجمه: سبب هدایت و رحمت برای نیکوکاران است، آنانیکه نماز برپا میدارند و زکات میدهند و ایشان خاص به آخرت ایمان دارند. استدلال به این آیه مثل آیه قبلی است. قابل ذکر است که وقتی بحث زکات در سوره های مکی مطرح میشود این است که کلمه زکات در این سوره ها به صیغه امر وارد نشده است که طوری واضح دلالت بر وجوب نماید ولیکن به صورت خبری آمده است، به اعتبار اینکه پرداخت زکات وصف اساسی مومنین و متقین و نیکوکاران است؛ {ويؤتون الزكاة}<sup>3</sup>. ترجمه: مومنین کسانی اند که زکات میدهند. و یا {والذين هم للزكاة فاعلون}.<sup>4</sup> ترجمه: مومنین کسانی اند که به امر زکات عمل کننده گان هستند؛ چنانچه ترک پرداخت زکات را از جمله خصوصیات مشرکین بیان نموده است {الذين لا يؤتون الزكاة}<sup>5</sup>. ترجمه: از صفات مشرکین این است که آنها زکات نمی پردازند.

1 سورة النمل آية 1-3.

2 سورة لقمان آية 4.

3 سورة المائدة آية 55.

4 سورة المومنون آية 4.

5 سورة فصلت آية 7.

زمانیکه معلوم گردید که دادن زکات از اوصاف اساسی مومنین رستگار و ندادن آن از صفات لازمی مشرکین بوده، پس این امر دلالت به وجوب دارد، زیرا مزین کردن خود به صفات مومنین و دور نگه داشتن خود از صفات مشرکین امر لازمی است که اختلافی در آن نیست، بر علاوه آن این قول الله ﷻ مؤید آن است که فرموده: {وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ}. ترجمه: بدهید حق آن را (عشرکشت) در زمان درو کردن (برداشتن) آن.

#### ب. زکات در عهد مدنی

مسلمانها در مکه حالت بی قرار محکوم به خروج بخاطر دعوت شان بودند، اما در مدینه منوره یک جماعت بودند که سرزمین و سکونت و حکومت داشتند، بنابراین مکلفیت های اسلامی به خود صورت جدید مناسب به این دور گرفت: صورت تحدید و تخصیص بعد از اطلاق و تعمیم، صورت قوانین الزامی بعد از وصایای توجیهی تنها بود، سپس طوری شد که اتکا به قوت و قدرت نمود، همراه با اتکاء به وجدان و ایمان، این روش مدنی در زکات ظاهر شده: شارع حکیم اموالی را که از آن زکات لازم میشود مشخص نموده، شروط وجوب آن، مقادیر واجبه، مصارف آن، و جهت تنظیم کننده، اداره گر و گرد آورنده ای آن را نیز تعریف نموده است.

آیات مدنی احکام وجوب زکات را تاکید و بعضی احکام آن را بیان میدارد: آیات مدنی قرآن کریم در زمان نزول به صراحت اعلان وجوب زکات را به صیغه امر نمود، به صورت واضح دعوت به پرداخت آن نموده چنانچه سوره ای بقره با این عبارت چنین مشعر است: {وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ}.<sup>1</sup> ترجمه: نماز را برپا دارید، و زکات پرداخت کنید.

چنانچه به اسالیب و شیوه های دیگری به کثرت وارد شده است، مجال بحث در این مورد زیاد است اما یک سوره به طوری نمونه تذکر میآید زیرا در آن عنایت بیشتر در خصوص زکات شده است که آن سوره (التوبه) است زیرا از جمله سوره های است که در اواخر نزول قرآن فرود آمده است.

سوره ای توبه نمونه ای از سوره های مدنی است که در آن بیشتر ترکیب در مورد زکات شده است؛ (آ). در آغاز این سوره مسلمانها مأمور به جهاد مسلحانه همراه مشرکینی شده اند که شکننده گان پیمان های خود بوده اند، که برای شان چهار ماه مهلت داده شده بود که به روی زمین به سیاحت و کار پردازند و از آن استفاده نمایند، الله تعالی فرموده:

{فَإِذَا أَنْسَلَخَ الْأَشْهُرَ الْحُرْمَ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَأَحْصُرُواهُمْ وَأَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ}.<sup>2</sup>

<sup>1</sup> سوره البقره آیه 110.

<sup>2</sup> سوره التوبه آیه 5.



ترجمه: زمانیکه ماه های حرام گذشت مشرکین را بکشید هرچاکه میابید، و بگیریید و در بند بیندازید شان و در کمین شان در هر کمین گاهی بنشینید، اگر توبه کردند، و نماز برپا داشتند و زکات پرداخت کردند در آن صورت راه شان را رها کنید، به درستی که الله متعال بسیار بخشنده و نهایت مهربان است. این سه شرط که در آیه کریمه تذکر رفت در صورت تحقق آنها باید همراه شان جنگ صورت نگیرد، و راه شان باز گذاشته شود.

شرط اول: توبه نصوح از شرک طوریکه این کلمه توحید را در قلب و زبان بجا بیاورند.  
شرط دوم: اقامه نماز های فرضی بالای مسلمین، که این مظهر ایمان و بزرگترین رکن اسلام است که بجا آوردن آن در هر روز و شب مطلوب است، فرق میان کافر و مسلمان است، و رابطه ای دینی، روحی اجتماعی، بین مسلمانان است.

شرط سوم: پرداخت زکات فرضی که در اموال اغنیاء برای فقراء و مصالح عام امت که این رابطه مالی اجتماعی سیاسی میان جماعت مسلمان ها میباشد.

ب) و بعد از شش آیه از همین سوره (التوبه) الله تعالی در مورد قومی دیگری از مشرکین میفرماید: {فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَنُفَصِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ} 1.  
ترجمه: اگر توبه کردند و اقامه نماز نمودند و زکات را پرداخت کردند در آن صورت برادران دینی شما هستند و ما آیات را به تفصیل بیان میکنیم برای قومی که بدانند.

برای کافر تحقق دخول اسلام میسر نیست، تا که باهم برادران دینی گشته به منزله ای فرد واحدی از جامعه اسلامی محسوب شود، مگر به توبه از شرک و توباع آن و اقامه نماز و پرداخت زکات مفروضه. و بدون شک علما از بدو اسلام آگاهی داده اند که از سنت های بیان در قرآن کریم این است که زکات و نماز را پی هم ذکر میکند، بسیار کم اتفاق میفتد که زکات از نماز جدا ذکر شود.  
عبدالله ابن مسعود رضی الله عنه فرموده: مامور استید به اقامه نماز و پرداخت زکات و کسی که زکات ندهد در حقیقت نمازش به مفادش نیست.<sup>2</sup>

ابن زید فرموده است: نماز و زکات هر دو یکجا فرض گردیده و در میان شان فرق نگذاشته و این آیه را تلاوت کرد: {فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَنُفَصِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ} 3. از قبول نماز بدون زکات ابا نموده است. و گفت: الله ﷻ در حق ابوبکر رضی الله عنه رحم کند چقدر فقیه بوده، که به این قول استناد نموده: من در میان دو چیزیکه الله ﷻ جمع کرده جدایی نمی آورم.

1 سورة التوبه آیه 11.

2 تفسیر الطبری، محمد بن جریر طبری ج 14 ص 153 ط المعارف.

3 سورة التوبه آیه 11.

ج) در همین سوره (التوبة) الله ﷻ ذکر نموده کسانی که مساجد را اعمار مینماید از جمله اهل قبول در نزدش محسوب میشود، فرموده: {إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسْجِدَ اللَّهِ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَءَاتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَحْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ}.<sup>1</sup>

ترجمه: بدون شک کسانی مساجد خدا را اعمار میکند که ایمان به الله ﷻ و روز آخرت داشته و نماز را برپا دارد، و زکات پرداخت کند و از هیچ کسی جز الله ﷻ ترس نداشته باشد، پس زود است که این گروه از جمله هدایت شونده گان قرار گیرند؛ با این وجود هم اهل قبول نیستند تا اینکه ایمان بیاورند و اقامه نماز نمایند و زکات بپردازند.

د) در این سوره الله تعالی وعید شدید بیان کرده برای آن کسانی که طلا و نقره را ذخیره میکنند و از آن حق الله ﷻ را ادا نمی نمایند بنابراین الله ﷻ میفرماید: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لِيَآكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبُطْلِ وَيَصْنُدُونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۝ ۳۴ يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَٰذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ}.<sup>2</sup>

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید؛ به درستی که بسیاری از علمای اهل کتاب (یهود و نصاری) اموال مردم را به باطل میخورند، و مانع مردم از ورود به دین اسلام میشوند، و کسانی که طلا و نقره را ذخیره میکنند و در راه الله متعال به مصرف نمی رسانند، به ایشان عذاب درد آور را خوش خبری بده، روزیکه گرم کرده شود همان گنج هایشان به آتش جهنم، سپس داغ کرده میشود به آن پیشانی و پهلوها و پشت هایشان، و برایشان گفته میشود این همان گنج هایتان است که برای خود نگهش داشته بودید، پس بچشید عذاب را به سبب گنجی که ذخیره کرده بودید.

علما گفته اند: بخش عمده ای وعید در این باب است زیرا در خصوصیات بنده ها حرص بر جمع کردن مال و بخل در اعطای آن است، در وقت خوف از وعید در ادای طاعت گردن میدهند.<sup>3</sup>

ه) در این سوره بیان صدقات، اشخاص و جهات مصارف زکات شده است، این بیان برای رد طامعین شرور است که بدون حق چشم طمع به اموال زکات دارند.

الله ﷻ میفرماید: {وَمِنَهُمْ مَّن يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَإِنْ لَّمْ يُعْطَوْا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ ۝ ۵۸ وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا ءَاتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا

<sup>1</sup> سوره التوبه آیه 18.

<sup>2</sup> سوره التوبه 34.

<sup>3</sup> احکام القرآن، قاضی محمد ابن عبدالله ابن العربی مالکی طبع الحلبي ج 2 ص 924.

إِلَى اللَّهِ رُغْبُونَ ٥٩ ﴿٥٩﴾ إِنَّمَا الصَّدَقَتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَمَلِينَ عَلَيْهَا وَالْمَوْلَاةُ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْأَعْرَمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ. 1.

ترجمه: و بعضی از ایشان (منافقین) کسی است که در تقسیم صدقات عیجوبی ترا میکند اگر از صدقات برایش داده شود راضی میباشد، در صورتیکه از آن داده نشود در آن وقت خشمگین و غمگین میشود، اگر به آنچه که الله ورسولش برایشان داده بود راضی میشدند و میگفتند که ما را الله تعالی کافی است، زود است که الله متعال ورسولش از فضل خویش بدهد و ما به الله متعال امید میبندیم، برایشان بهتر بود، به درستی که صدقات از آن مستمندان و حاجت مندان و موظفین زکات، و اشخاص مولفة القلوب و برده گان و دین داران و فی سبیل الله و ابن سبیل است، به عنوان فریضه الهی از جانب اوتعالی میباشد، و الله متعال بسیار دانا و درست کار است.

در این آیه الله ﷻ طمع طامعین را قطع و زبان های افراد شرور را بند کرده است، توزیع زکات را به مستحقین اش در اختیار طمع طامعین و هوای نفس حکام نگذاشته است، بلکه تقسیم آن را به اصناف هشت گانه، خود بدوش گرفته است، از الله ﷻ کرده عادل ترکیست.؟

در این آیه دلالت بر این دارد که زکات توسط موظفین زکات جمع آوری و تصرف میشود، و چیزیکه معلوم است این است که سرپرستی جمع آوری زکات و تقسیم آن را حکومت ها دارند نه افراد. (و در این سوره بیان مقومات مجتمع مومن است، زیرا الله تعالی میفرماید: ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۗ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾. 2.

ترجمه: زنان و مردان مومن دوستان همدیگر هستند، امر به کارهای نیک و منع از کارهای نا روا میکنند، و نماز را برپا میدارند و زکات میدهند، از الله ورسولش اطاعت میکنند، این مجموعه خاص کسانی هستند که زود است الله متعال در حق ایشان رحم کند، به درستی که الله متعال غالب و درست کار است. الله ﷻ زکات را از مقومات دین قرارداد که توسط آن مومنین از منافقین تفکیک میشوند، که مومنین دست باز دارند در بخشش و در حال ایمان بنا بر این مستحق رحمت الهی شده اند اما منافقین دست خود را از انفاق فی سبیل الله میگیرند در حال حرص و بخل بنابراین مستحق نسیان الله ﷻ شده اند.

ز) در این سوره مبارکه (التوبه) الله ﷻ رسول الله ﷺ و تمام کسانی که بعد از ایشان اقامه امر الله ﷻ را مینمایند خطاب نموده، میفرماید: ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ ۚ إِنَّ صَلَوَاتِكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾. 3.

1 سوره توبه آیه 58-60.

2 سوره التوبه آیه 71.

3 سوره التوبه 103.

ترجمه: از اموال مومنین صدقه بگیر، به وسیله آن پاک شان گردان و تزکیه شان کن و بر ایشان نماز کن، به درستی که نماز تو سبب سکون قلب هایشان است و الله تعالی بسیار شنونده و دانا است.

ج: سنت رسول الله ﷺ موکد و مبیین اجمالات قرآن است

قرآن کریم دستور اسلام و مرجع اساسی آن است بنا براین مشتمل بر قواعد کلی و مبادی عام است و به سوی جزئیات و تفصیلات نرفته است مگر در صورتی که خوف تفرق و اضطراب نظریات باشد که به سبب آن خواهشات به گمراهه کشانده شود.

سنت رسول الله ﷺ بیان قولی ایشان و تطبیق عملی از برای قرآن است که تفسیر مبهمات قرآن، تقیید مطلق و تخصیص عام قرآن را موافق فهم رسول الله ﷺ از پروردگارش مینماید، الله ﷻ میفرماید: {بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ} 1.

ترجمه: و ما انبیای گذشته را با دلایل واضح و کتاب های آسمانی فرستاده بودیم و به سوی تو قرآن را نازل کردیم تا برای مردم از کتاب فرو فرستاده شده توضیح دهی آن اموری را که برایشان پوشیده است و شاید آنها بیندیشند.

در سنت رسول الله ﷺ تاکید بر وجوب زکات شده است البته این موضوع در عهد مکی بوده، جعفر طیار رضی الله عنه سخنگوی مسلمانان مهاجر در حبشه که نجاشی شاه حبشه را مخاطب قرار میدهد و از رسول الله ﷺ برایش میگوید: و یا امرنا بالصلاة و الزكاة و الصيام 2 .

مراد از این امر مطلق نماز، زکات و روزه است، زیرا این فرایض مشخص شده با چار چوکات آن تا هنوز فرض نشده بود؛ اما در مدینه مجال وسیعی برای بحث روی فریضه زکات بوده برای تحدید نصاب و مقادیر و شروط آن و برای بیان جایگاه زکات در اسلام و برای تشویق در ادای آن و ترهیب در صورت امتناع از آن و برای اعطای صورت های عملی برای تنفیذ حکم زکات.

تعیین کردن سنت رسول الله ﷺ نصاب و مقادیر زکات را: سنت برای بیان اموالی که در آن زکات واجب است آمده، و نصاب هر کدام از آن و مقدار واجب در آن، و اشخاص و جهات که در آن ذی دخل اند به تفصیل بیان نموده است که در این آیه از آن ها تذکر به عمل آمده است {انما الصدقات... الآية} در این باره قدر لازم بحث خواهیم کرد اما حالا بر ایمان فهم تاریخ فرضیت زکات که با خصوصیات چونی نصاب و مقادیر واجبه در آن است مهم و لازمی است.

بیشتر دانستیم که مطلق فرضیت زکات در عهد مکی بوده که زیادی از امامان این را ترجیح داده اند و چنانچه بر این قول آیات قرآن و احادیث رسول الله ﷺ دلالت دارد و بعضی از احکام آن را توضیح داده، و سنت رسول الله ﷺ متولی تفصیل اجمال قرآن است و نصاب و اندازه ای واجبه را بیان نموده است؛

1 سورة النحل آیه 44.

2 ابن خزیمه در صحیح خود از حدیث ام سلمه رضی الله عنه روایت نموده است.

اما سوال اینجا است که چی زمانی بعد از هجرت رسول الله ﷺ حکم فرضیت زکات معینه نازل شده است.؟

مشهور این است که فرضیت زکات محدده در سال دوم هجرت به وقوع پیوسته است، و بعضی قایل به این است که پیش از فرضیت رمضان فرض شده است، که امام نووی رحمه الله در باب سیر در کتاب «الروضه» تذکر داده است، و بعضی به این باور اند که فرضیت زکات در سال نهم هجری شده و دیگران میگویند که قبل از سال نهم هجری فرض گردیده است.<sup>1</sup>

د: زکات سومین رکن اسلام است

پیامبر ﷺ در مدینه منوره بر فرضیت زکات تاکید نموده و جایگاه شامخ آن را در اسلام بیان نمود که زکات یکی از ارکان اساسی این دین است که به وسیله احادیث گهربار و شیوه های مختلف آن جناب در ادای آن مردم را تشویق و از امتناع آن ترسانیده، چنانچه در حدیث جبریل علیه السلام مشهور است زمانیکه نزد پیامبر ﷺ آمد و از ایشان پرسید: ما الاسلام؟ ایشان فرمودند: اسلام شهادت دادن به کلمه توحید لا اله الا الله محمد الرسول الله، اقامه نماز، ادای زکات و روزه ای ماه مبارک رمضان و زیارت خانه الله ﷻ است بر کسی که توانایی داشته باشد.<sup>2</sup>

در حدیث مشهور از عبدالله ابن عمر رضی الله عنه: بنی الاسلام علی خمس: شهادة ان لا اله الا الله وان محمدا رسول الله، و اقام الصلاة، و ايتاء الزكاة و صوم رمضان و حج البيت من استطاع اليه سبيلا.<sup>3</sup> و حدیث حضرت معاذ رضی الله عنه زمانیکه ایشان را پیامبر ﷺ به حیث والی یمن میفرستاد، این همه و همه احادیث، که طوری نمونه تذکر رفت به جایگاه شامخ و فرضیت زکات دلالت صریح دارد.

ه: بر حذر داشتن از امتناع پرداخت زکات

در احادیث دیگری رسول الله ﷺ مانعین زکات را به عذاب درد آور در روز آخرت و عید داده است تا به وسیله ای آن قلوب غافل را بیدار و نفس های بخیل را در تحرک بیندازد تا اینکه برای بخشش آماده شوند و مردم را به عصای ترغیب و ترهیب به پرداخت زکات به اراده ای خودشان وا دارد، در غیر آن به وسیله ای قانون و فشار حاکم مجبور به اطاعت از احکامات الهی خواهند شد.

و: عذاب اخروی

امام بخاری از ابوهریره رضی الله عنه روایت نموده که رسول الله ﷺ فرمود: من اتاه الله مالا فلم یودی زکاته مثل له یوم القيامة شجاعا اقرع، له زببتان، یطوقه یوم القيامة، ثم یأخذ بلهزیمتیه - یعنی بشدقیه - ثم یقول: انا مالک، انانکزک، ثم تلا النبی ﷺ ﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا ءَاتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا

<sup>1</sup> فقه الزکاة 71/1.

<sup>2</sup> متفق علیه: بخاری شماره 4777 ج 6 ط سلطانیه 115، مسلم شماره 9 ج 1 ص 39.

<sup>3</sup> متفق علیه: بخاری شماره 8 ج 1 ص 11، مسلم شماره 16 ج 1 ص 45.

لَهُمْ بَلٌّ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ مِيرِثُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ. 1.

ترجمه: امام بخاری از ابو هریره رضی الله عنه روایت نموده که رسول الله ﷺ فرمود: کسی را که الله متعال نعمت مال ارزانی فرماید، اما وی زکات آن را پرداخت نکند، آن مال در روز قیامت به ماری بزرگی تبدیل خواهد گشت که از شدت زهر آلود بودن سرش موندارد، که دارای دونیش میباشد، به گردن صاحبش روز قیامت حلقه میشود، سپس از دوکنج دهانش میگیرد، خطاب به وی میگوید: من مال تو و من ذخیره ای تو هستم، سپس پیامبر ﷺ این آیه را تلاوت نمود: گمان نبرند کسانی که بخل میورزند به آنچه که الله متعال برایشان از فضل خویش داده است برایشان خیر است، بلکه این کار سبب شرارت است برایشان زود است که همان مالی را که به آن بخل ورزیده اند طوقی شود به گردن هایشان در روز رستاخیز، از آن الله متعال است، بازمانده ای آسمان ها و زمین، و الله متعال به آنچه که میکنند آگاه است.

ز: عذاب دنیوی برای مانعین زکات

سنت نبوی تنها به وعید عذاب اخروی برای مانعین زکات اکتفاء نکرده بلکه به عذاب دنیوی (قدری و شرعی) نیز تهدید کرده است، هر کسی که در حق خدا و بنده اش در مال داده شده از جانب الله متعال بخل میورزد.

در رابطه به عقوبت قدری که متولی آن قدر اعلی است؛ پیامبر ﷺ فرموده: مامع قوم الزکاة الا ابتلاهم الله بالسنین. 2.

ترجمه: هیچ قومی مانع پرداخت زکات نمی شود مگر ایشان را الله متعال به قحطی دچار میکند.

ح: عذاب شرعی برای مانعین زکات

در رابطه به عذاب شرعی یا قانونی که حاکم و یا ولی امر مسلمین بدوش دارد؛ قول پیامبر ﷺ در این رابطه چنین مشعر است: من اعطاها موتجرا فله اجره و من منعها فانا آخذوها و شطر ماله، عزمة من عزمات ربنا لایحل لآل محمد منها شیء. 3.

ترجمه حدیث: کسی که زکات را به هدف مستحق شدن پاداش پرداخت میکند از آن اوست پاداش وی و کسی که امتناع میورزد، پس من گیرنده زکات و نصف مال وی هستم، حکم از احکام پروردگار ما است، برای اهل بیت محمد چیزی از آن روا نیست.

این حدیث شریف چند نکته مهم را در باب زکات در بردارد:

1 سورة آل عمران آیه 180.

2 المعجم الاوسط، ابوالقاسم سلیمان بن احمد الطبرانی و مجمع الزوائد ج 3 ص 96.

3 احمد و النسائی و ابوداؤد از روایت بهز بن حکیم عن ابیه عن جده، آن را روایت نموده اند.

یک: اصل در اعطای زکات پرداخت آن به نیت ثواب و پاداش است، زیرا در حقیقت شخص دهنده زکات عبادت الله ﷻ را بجا می‌آورد، کسی که چنین عمل را به نیت ثواب انجام داد برای او ثواب و مزد کارش در نزد پروردگارش است.

دو: اما اگر کسی را بخل و حب دنیا بالایش غلبه کرد و از پرداخت زکات ابا ورزید او را به حال خود وا گذاشته نمی‌شود بلکه از وی جبرا به وسیله قانون و قوت دولت گرفته میشود، و زیاده از آن به گونه تعزیر و تادیب نصف مالش را نیز اخذ می‌گردد تا به خود وی و دیگران پند شود.

بعضی از فقهاء گفته‌اند این مورد (اخذ نصف مال) در ابتدای اسلام بوده سپس منسوخ شده است، لیکن دلیلی بر منسوخیت وجود ندارد، و به اساس احتمال هم نسخ ثابت نمیشود.<sup>1</sup>

نظر دکتر قرضاوی رحمه الله: ایشان به این نظراند که این نوع عقوبت مفوض به رای امام است، در صورتیکه مردم را ببینند از پرداخت زکات عمدا امتناع می‌ورزند و غیر از این دیگر گزینه نباشد این عقوبت را تنفیذ کند.<sup>2</sup>

سه: این تشدید در مورد زکات برای حفظ حقوق فقراء و مستمندان که الله ﷻ برایشان بالای اغنیاء فرض گردانیده است، ویژه ای پیامبر ﷺ و اهل بیت شان کدام حق مشخص و تعیین شده از زکات نیست و برای شان حلال هم نیست، بخلاف چیزیکه در نزد اهل یهود از صدقات معروف است که ده یکه آن مخصوص آل هارون علیه السلام است آنها موروثی و نسل در نسل کاهن هستند، و یک قسمتی از صدقات شان را به اصحاب مناصب دینی داده میشود.<sup>3</sup>

ط: جنگ با کسانی که از پرداخت زکات امتناع می‌ورزند:

دین مقدس اسلام تنها برای مانعین زکات به جزای مالی و یا جزاهای تعزیری دیگری اکتفا نکرده، بلکه اعلان جنگ و قتال را علیه مانعین واجب گردانیده است، ولو که به قتل انسانها بیانجامد، عین عدالت است این امر به احادیث و اجماع صحابه ثابت شده است.

احادیث شریف که شیخین آن را روایت نموده‌اند:

عن عبدالله ابن عمر رضی الله عنهما قال: قال رسول الله ﷺ: «امرت ان اقاتل الناس حتی یشهدوا ان لا اله الا الله وان محمدا رسول الله و یقیموا الصلاة و یؤتوا الزکاة فان فعلوا ذالک عصموا منی دمائهم الا بحق الاسلام و حسابهم علی الله». <sup>4</sup>

<sup>1</sup> فقه الزکاة ج 1 ص 78.

<sup>2</sup> همان اثر ص 77-78..

<sup>3</sup> همان اثر ص 77-78.

<sup>4</sup> نیل الاوطار، محمد بن علی بن محمد بن عبدالله الیمینی الشوکانی، علامه شوکانی، جلد 4 ص 121 طبع عثمانی.

و عن ابی هریره رضی الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ: «امرت ان اقاتل الناس حتی یشهدوا ان لا اله الا الله ویؤمنوا بی وبما جئت به فاذا فعلوا ذالک عصموا منی دمائهم واموالهم الالبقها وحسابهم علی الله» اخرجه الشیخان والنسائی وخرج مسلم والنسائی نحوه من حدیث جابر ابن عبدالله رضی الله عنه .<sup>1</sup>

ترجمه حدیث: شیخین از عبدالله ابن عمر رضی الله عنه روایت نموده که رسول الله ﷺ فرمود: من مامور شده ام که تا با مردمان بجنگم تا اینکه شهادت دهند نیست معبود بر حق جز الله ﷻ وبدون شک محمد ﷺ رسول وفرستاده برحق خداوند است، ونماز را برپا دارند، وزکات را پرداخت کنند، اگر چنین کردند خون شان از من در امان است مگر به حق اسلام وحساب شان بر خدا ﷻ خواهد بود.

ترجمه حدیث: از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: من مامور گردیده ام که با مردم بجنگم تا شهادت بدهند به اینکه معبود برحق نیست جز الله ﷻ وبه من ایمان بیاورند وبه آنچه که من با آن آمده ام وقتی این کار را کردند، از من خونها واموال شان در امان خواهند بود مگر به حق وحساب شان بر الله ﷻ خواهد بود. این حدیث را شیخین ونسائی تخریج نموده ومسلم ونسائی مثل آن را از حدیث جابر بن عبدالله نیز تخریج کرده اند.

اجماع صحابه: اعلان جنگ خلیفه اول اسلام حضرت ابو بکر صدیق رضی الله عنه در مقابل مانعین زکات به اجماع صحابه ثابت شده است.

ی: زکات از بدیهیات دین است.

مهم این است که بدانیم که زکات از بدیهیات دین بوده و یکی از ارکان شریعت اسلام میباشد، خاص و عام این را نقل کرده اند، فرضیت زکات به اساس آیات قرآنی واحادیث نبوی به شکل متواتر واجماع امت نقل شده است.

ک: منکر زکات کافر است

علماء وفقهای شرع شریف تایید کرده اند مبنی بر اینکه کسی اگر منکر زکات میشود بدون شک کافر شده است واز دین خارج شده است طوری که تیراز کمان خارج میشود.

امام نووی رحمه الله فرموده: اگر از ادای زکات در حال انکار از وجوب زکات امتناع ورزید ، در صورت که از احکام زکات نمی دانست به علت اینکه قریب عهد در اسلام بود ویا در سحرای دور دست وامثال آن بزرگ شده بود حکم به کفر وی نمی شود بلکه حکم زکات را برایش تفهیم میشود واز وی اخذ میگردد، اگر باز هم انکار نمود حکم به کفر وی میشود؛ اگر از جمله کسانی بود که احکام زکات برایش معلوم بود، به سبب انکار زکات کافر میشود وبالایش حکم ارتداد تطبیق میگردد، از قبیل توبه دادن وکشتن وغیره، زیرا وجوب زکات معلوم من الدین بالضرورة است، اگر منکر شد در حقیقت خدا ﷻ وپیامبر

<sup>1</sup> همان اثر ص 121.



را تکذیب نموده است که تکذیب خدا و پیامبر کفر است که این را امام نووی<sup>1</sup> ابن قدامه رحمهما الله و دیگران تایید کرده اند.<sup>2</sup>

دکتر قرضاوی فرموده: به این حکم شرعی واضح مجمع علیه، جایگاه کسانی که حکم زکات را تحقیر و به سخریه میگیرند و میگویند که این حکم برای این زمانه مناسب نیست، حال آنکه فرزندان مسلمان اند و در قلب دیار اسلام بزرگ شده اند، در واقع این کلام ارتدادی است که ابوبکر ندارد.<sup>3</sup>

ل: تفاوت های اساسی بین زکات در اسلام و زکات در شرایع دیگر  
بعد از بیان فرضیت زکات و جایگاه آن در دین مقدس اسلام با استناد به قرآن و سنت و اجماع امت، میتوانیم بعضی نکات مهم و مختصر را در پیوند به این فریضه که متمایز میسازد از آنچه که ادیان دیگر راجع به احسان به فقراء و ضعفاء مردم را دعوت میدادند.

اول: زکات در اسلام مجرد عمل خیر نیست که اختیاری باشد بلکه رکنی از ارکان اسلام است و یکی از شعایر دین اسلام میباشد، کسی که مانع پرداخت زکات میشود محکوم به فسق و کسی که منکر زکات میشود محکوم به کفر میگردد.

دوم: زکات از نظر اسلام حق فقراء در اموال اغنیاء است این حقی است که مالک حقیقی مال تعیین کرده است که از اموال ثروت مندان توسط حاکم گرفته به فقراء داده میشود، در اینجا کدام احسان از جانب غنی بالای فقیر نیست دقیقاً طوری است که صاحب مال بالای امین خود امر نموده تا برفامیلش از همان پول که نزد امین است مصرف کند.

سوم: زکات حق معلوم است شریعت اسلامی اندازه و حدود و نصاب و شروط آن را معین کرده وقت اداء و طریقه ادای آن را توضیح داده تا مسلمان همه مسایل برایش واضح بوده باشد.

چهارم: این حق را به ضمایر افراد و اگذار نمیشود بلکه جمع آوری و توزیع آن را به عهده ای دولت عدل سپرده شده که توسط موظفین اش جمع آوری و توزیع مینماید، بنابراین تعبیر قرآن چی زیباست که میفرماید: خذ من اموالهم صدقه؛ از اموال شان به عنوان صدقه بگیر، و تعبیر سنت: انها توخذ من اغنیائهم؛ زکات از ثروت مندان شان اخذ میگردد.

پنجم: دولت حق دارد که مانعین زکات را به جزای مناسب که در نظر میگیرد تادیب کند و گاهی این جزای تادیبی به مصادره ای نصف اموال مانعین زکات می انجامد، چنانچی در حدیث شریف آمده است: «انا آخذوها و شطر ماله». ما گیرنده ای زکات و نصف مال مانع زکات هستیم.

<sup>1</sup> المجموع، ج 5 ص 334.

<sup>2</sup> المغنی، ابو محمد عبدالله ابن محمد عبدالله ابن احمد ابن محمد ابن قدامه، ج 2 ص 573 ط سوم، المنار.

<sup>3</sup> فقه الزکاة ص 85.

ششم: از جمله حقوق و واجبات امیرمسلمانان است که در مقابل مانعین زکات اعلان جنگ نماید چنانچه که خلیفه اول مسلمانان حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه این عمل را انجام داد.

هفتم: شخص مسلمان به حکم وجدان و ایمان خود مکلف است تا حکم این فریضه را دانسته سپس انجام دهد ولو که حکومت در این راستا کوتاهی کند چون زکات عبادت است که بوسیله ای آن شخص مزکی مال و خودش تزکیه میشود.

هشتم: زکات جمع آوری شده در اختیار هوای حکام و رجال دین سپرده نمیشود چنانچه در یهودیت چنین بود بلکه در اسلام مصارف آن به طبقات هشت گانه مشخص شده است.

نهم: زکات در اسلام محض کمک عاجل نیست که در یک زمان خاص برای مستحقین داده شود و بس و باقی به حال خود گذاشته شود بلکه هدف از اعطای زکات برای مستحقین مستغنی شدن آنهاست تا یک سره از تگدی اجتناب نمایند و دارای زندگی مستقل بوده و نیازمندی نداشته باشند.

دهم: زکات در اسلام به نسبت مصارف آن مشخص کرده میشود که تنها هدف فقر زدایی نیست بلکه هدف دیگری در آن نهفته است که همانا نشر دین مقدس اسلام توسط مخلصین در اطراف و اکناف دنیا و تجهیز و تشویق آنها و جلب توجه مخالفین اسلام مثل مولفة القلوب، قرضداران و ابن سبیل.... زکات با ضرایب فرق دارد که ضرایب طبق خواہشات حکام وضع و گاهی برداشته میشود که در زکات چنین نیست.<sup>1</sup>

### مطلب سوم: مقاصد شریعت از زکات

شریعت اسلامی بدون شک زکات را فرض گردانیده و یکی از ارکان اسلام است که دارای منزلت شامخ میباشد و از مقاصد شریعت تطبیق احکام زکات است که به خیر و صلاح مستمند و نیازمند و مجتمع اسلامی در دنیا و آخرت است این مقاصد قرار ذیل است:

اول: تحقق تعبد از برای الله ﷻ به امتثال اوامر و قیام به فریضه اش بدون شک نصوص متواتر برای امر به ادای این فریضه الهی وارد شده است.

چنانچه الله تعالی میفرماید: {وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ}.<sup>2</sup>

ترجمه: نماز برپا دارید، و زکات را بپردازید، همراه رکوع کننده گان رکوع کنید.

پرداخت زکات را از جمله ای صفات مومنین فرمان بردار بیان نموده است: {إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسْجِدَ اللَّهِ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَءَاتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَحْشَ إِلَّا لِلَّهِ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ}.<sup>3</sup>

<sup>1</sup> فقه الزكاة ص 86-88.

<sup>2</sup> سورة البقره 43.

<sup>3</sup> سورة التوبه 18.

ترجمه: به درستی کسی مساجد الله ﷺ را اعمار میکند که ایمان به الله و روز آخرت داشته و نماز را برپا دارند و زکات بدهند و جز از الله ﷺ از کسی هراس نداشته باشد، زود است که این گروه از جمله هدایت شده گان قرار گیرند.

انسان مومن با بجا آوردن امر الله ﷺ به پرداخت زکات برای مستحقین آن به اندازه ای خواست شریعت او را پرستش مینماید، این مالیه نیست بلکه پرداخت زکات اطاعت و قربت به الله ﷺ است که در بدل آن بنده از پروردگارش اجر و پاداش جزیل میخواهد.

چنانچه الله متعال میفرماید: {إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَءَاتَوْا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ}.<sup>1</sup>

ترجمه: به درستی کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده اند و نماز را برپا داشته اند و زکات را پرداخت کردند برایشان پاداش عمل شان در نزد پروردگارشان است، برایشان نه خوف است و نه هم غمگین میشوند.

دوم: شکر نعمت الله ﷺ به وسیله ادای زکات که خداوند تعالی به او انعام کرده است

الله متعال میفرماید: {وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ}.<sup>2</sup>

ترجمه: یاد کن زمانی را که پروردگارت به تاکید اعلام نمود، اگر سپاس گذاری کردید به نعمت های من هر آینه من آن را زیاد میکنم، اگر به نعمت های من کفر ورزیدید به درستی که عذاب من سخت است.

بنابراین شکر نعمت بالای مسلمان فرض است که بوسیله ای شکر نعمت، نعمت دوام و زیادت پیدامیکند، امام سبکی.<sup>3</sup> رحمه الله میفرماید: یکی از مقاصد زکات شکر نعمت الله متعال است، این موضوع در برگیرنده ای تمامی تکالیف بدنی و مالی است؛ زیرا الله تعالی بر انسانها هم انعام مالی و هم انعام بدنی کرده است و برایشان شکر این نعمات واجب است، لیکن میدانیم این سپاس گزاری، سپاسگزاری بدنی است و آن شکر مالی است که ما بر آن مرور کردیم و یکی از آن ها زکات است.<sup>4</sup>

بنابراین ملحوظ ادای زکات اعتراف کردن به فضل و نعمت الله ﷺ است و خرج کردن از جهت این نعمت در محل رضای الله ﷺ و طاعت وی است.

<sup>1</sup> سورة البقرة آیه 277.

<sup>2</sup> سورة ابراهيم 7.

<sup>3</sup> علی بن عبد الکافی، تقی الدین سبکی الانصاری الخزرجی " از علمای شافعی مذهبی است که در سال 683 ه. ق. در سبک از حوالی شام به دنیا آمد. پس از فوت جلال الدین قزوینی، قاضی القضاة دمشق، در سال 739 ه. ق، «ناصر» حاکم دمشق وی را به عنوان قاضی القضاة دمشق منصوب کرد. او همچنین مدتی در سال 742 ه. ق خطیب جمعه مسجد جامع اموی در دمشق شد و در سال 756 ه. ق دیده از جهان فرو بست. (المکتبة الشاملة آنلاین).

<sup>4</sup> فتاوی امام سبکی 1/ 198.

سوم: پاک کردن زکات دهنده از گناه، چنانچه الله متعال میفرماید: {خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ}.<sup>1</sup>

ترجمه: از اموال شان (مومنین) صدقه بگیر، به وسیله آن پاک شان گردان و تزکیه شان کن و برایشان نماز کن، به درستی که نماز تو (ای پیامبر) سبب سکون قلب هایشان است و الله تعالی بسیار شنونده و دانا است.

امام نووی رحمه الله میفرماید: بدون شک و جوب اخذ زکات در این آیه معلل به پاک کردن از گناهان است.<sup>2</sup>

در حدیث شریف نیز عبارتی وارد شده که تاکید بر معنای فوق دارد، چنانچه در حدیث معاذ ابن جبل رضی الله عنه آمده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «الصدقة تطفي الخطيئة كما يطفى الماء النار».<sup>3</sup> ترجمه حدیث شریف: صدقه خطا و گناه را خاموش میکند طوری که آب آتش را خاموش میکند. بدون شک آیه ای قبلی مقاصد و حکمت های زیادی را در محل استدلال به اثبات فرضیت زکات در دو کلمه {تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا} به خود جمع کرده است، از این الفاظ کم و معانی بسیار اعجاز علمی قرآن هویدا میشود.

چهارم: پاک شدن دهنده ای زکات از بخل با تمام مفاهیمش؛ در این مورد امام کاسانی رحمه الله فرموده: بدون شک زکات نفس دهنده را از ناپاکی های گناه پاک میگرداند اخلاق وی را به روحیه سخاوت و کرم و ترک انواع بخل مبدل میکند زیرا نفس در اصل خلقت به جمع کردن مال علاقه دارد که در نتیجه به سماحت باز میگردد و به ادای امانات و دادن حقوق به مستحقین اش راضی میشود، متضمن موارد قبلی این قول الله تعالی است: {خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ}.<sup>4</sup>

بنابراین بخل یک مرض کینه توز و مذموم است، زمانیکه انسان به آن مبتلا شود دوستی دنیا و دارایی در دلش راه پیدا میکند به اساس این ملحوظ الله تعالی برای بیان این حقیقت میفرماید: {وكان الانسان قتورا}.<sup>5</sup> انسان بخیل است، و همچنان الله تعالی میفرماید: {واحضرت الانفس الشح}.<sup>6</sup> بر نفس ها صفت بخل را پیش کرده شده است.

بنابراین بخل یکی از بزرگترین اسباب تعلق به دنیا و روگردانی از آخرت است و سبب از برای دعای هلاکت توسط النبی ﷺ در حق کسانی که بنده های مال و دنیا هستند میباشد، به این قول مبارکش:

<sup>1</sup> سورة التوبة 103.

<sup>2</sup> المجموع 5/ 197.

<sup>3</sup> رواه احمد (231/5، 248/5) به دو سند هر دو از حضرت معاذ روایت شده که ضعیف اند، لکن امام ترمذی در کتاب ایمان باب حرمت صلاة روایت کرده و حسن صحیح گفته و شیخ البانی این حدیث را صحیح گفته بخاطری که از طرق مختلف روایت شده است.

<sup>4</sup> سورة التوبة آیه 103.

<sup>5</sup> سورة الاسراء 100.

<sup>6</sup> سورة النساء 128.

«تعس عبدالدينار و عبدالدرهم و عبدالخميصه، ان اعطى رضى وان لم يعط سخط تعس وانتكس و اذا شيك فلا انتقش»<sup>1</sup>.

ترجمه حديث: هلاک شد برده ای دينار و درهم و برده ای گلیم های منقش و لباس های فاخر، اگر برایش داده شود خوش نود میشود و اگر داده نشود خشمگین میشود، هلاک شود و زندگی برایش دشوار گردد اگر وقتی خاری در جشمش بخلد نتواند آن را از وجودش بکشد و خود را درمان کند.

بنابر این دوستی دنیا و مال یکی از اصول خطاها و گناهان است زمانیکه انسان از این مرض نجات یافت و از بخل خود را وقایه کرد بدون شک مسحق رستگاری است، چنانچه الله تعالی فرموده است: {وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْآيْمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شَحْنًا نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ}.<sup>2</sup>

ترجمه: و کسانی که وطن گزیدند مدینه را و پیش از آمدن مهاجرین ایمان آوردند و دوست دارند مهاجرینی را که در آنجا رفته اند و در دل‌هایشان نسبت به مهاجرین بخاطر دادن ایشان را از مال فیئ حسادت نمی کنند، و بر نفس های خود با وجود نیاز، ایثار میکنند و مهاجرین را ترجیح میدهند، و کسی که از بخل نفسانی خود را نجات میدهد پس این گروه کسان خاص رستگاران اند.

اما در مورد مردمان شحیح و بخیل، الله تعالی فرموده است: {وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا ءَاتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لِلَّهِ مِيرَاتُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ}.<sup>3</sup>

ترجمه: گمان نکنند کسانی که بخل میورزند (در ندادن زکات) به آنچه که الله متعال از مال برایشان داده است، خیر است برایشان، بلکه بخل کردن برایشان سبب شرارت است، زود است که به گردن هایشان طوق شود آنچه که به آن بخل ورزیده اند در روز باز پرس، و از آن الله متعال است باز مانده ای آسمان ها و زمین و الله به آنچه که شما میکنید با خبر است.

امام فخر الدین.<sup>4</sup> رازی فرموده: غرق شدن در حب مال انسان را از یاد خدا<sup>5</sup> و از آماده گی گرفتن برای آخرت غافل میکند بنابر این حکمت شرع تقاضا مینماید که مالک مال را مکلف بسازد تا یک بخشی از مال خود را از دست خود خارج کند تا که باعث شکست نفس از تمایل بیشتر بسوی مال شود، برای انسان تنبه کرده باشد که سعادت انسان به مشغول شدن غرض جمع آوری مال نیست، بلکه سعادت دارین به انفاق فی سبیل الله است، بنابر این ایجاب زکات بهترین علاج برای این امر است تا دوستی دنیا از قلب

<sup>1</sup> امام بخاری رح از ابو هریره رض در کتاب جهاد به شماره 2886 روایت نموده است.

<sup>2</sup> سورة الحشر 9.

<sup>3</sup> سورة آل عمران 180.

<sup>4</sup> رازی: ابو عبدالله محمد بن عمر بن حسن بن حسین التیمی الرازی ملقب به فخر الدین در میان سالهای 544-606 ه ق زندگی کرده، در رای طبرستان به دنیا آمده، عالم ودانشمند برجسته اسلامی در بخش تفسیر و علم کلام و فلک و فلسفه و علم اصول و غیره بوده که کتابی تفسیر مفاتیح الغیب یا تفسیر کبیر از وی مشهور است. (المکتبة الشاملة آنلاین).

دور شود، بر همین سبب است که الله تعالی زکات را برای تحقق این امر الزامی کرده است؛ مراد این قول الله سبحان نیز همین دیدگاه بالا است: {خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ}.<sup>1</sup> یعنی: تزکیه و پاک کن مومنین را از بیشتر مشغول شدن در طلب دنیا.<sup>2</sup>

پنجم: دوچند شدن نیکیهها و رفع درجات؛ پرداخت کننده ای زکات میباید؛ این مقصد شرعی و مهم است که در این رابطه الله متعال میفرماید: {مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَنَابِلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَسِعَ عَلِيمٌ}.<sup>3</sup>

ترجمه: مثال کسانی که اموالشان را در راه خدا<sup>4</sup> صدقه میدهند همانند مثال دانه ای است که میرویانند هفت خوشه در هر خوشه اش صد دانه باشد و الله متعال دوچند میسازد از برای کسی که بخوهد و الله<sup>5</sup> فراخی آورنده و بسیار دانا است.

ششم: کمک و هم یاری ثروت مندان برای فقراء است، و دیگر از مقاصد فرضیت زکات همکاری و معاونت فقیر و برآورده کردن نیازهای مستمند است، امام کاسانی<sup>6</sup> رحمه الله فرموده: ادای زکات از باب اعانه ضعیف و فریاد رسی برای غمدیده است و تقویه نمودن شخص ناتوان بر ادای مکلفیت های شرعی اش از قبیل توحید و عبادات و وسیله برای ادای مفروضه اش میباید.<sup>4</sup>

ابن قییم.<sup>5</sup> رحمه الله میفرماید: حکمت شارع تقاضا دارد که در اموال یک قسمت را معین کرده که به آن احتمال معاونت باشد و به آن از هلاکت نجات یابد و برای مساکین کافی باشد تا نیاز پیدانکنند، بنابراین ملحوظ فرض گردانیده شده زکات را در اموال ثروت مندان مقداری را که مستمندان را کفایت کند.<sup>6</sup>

هفتم: افزایش مال زکات؛ دیگر از مقاصد زکات افزایش مال زکات است، به زیادت و حلول برکت در آن که در معانی لغوی زکات هم گفته شد که یکی از معانی زکات نمای مال است که شریعت اسلامی نیز به تایید آن صحه گذاشته است، در این مورد قرآن کریم و سنت رسول الله<sup>7</sup> دلالت صریح دارد.

الله تعالی میفرماید: {يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيلُ الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُجِبُ كُلَّ كَفَّارٍ أَتِيماً}.<sup>7</sup> یعنی: الله<sup>8</sup> نما و زیادت میبخشد صدقات را و مفاد ربا را از بین میبرد.

1 سورة التوبه 103.

2 تفسیر کبیر 81/16.

3 سورة بقره 261.

4 بدائع الصنائع، علاء الدین ابوبکر ابن مسعود الکاسانی الحنفی، ط اول ج 2، ص 3.

5 محمد بن ابی بکر بن ایوب بن سعد، زرعی دمشقی معروف به ابن قیم جوزیه در میان سالهای 691-751 هجری قمری زندگی داشته از فقهای حنبلی مذهب و شاگرد ابن تیمیه رحمه الله میباشند، او در 7 ماه صفر سال هجری قمری در روستای ازرق از توابع منطقه «حوران» سوریه متولد شد و کتب استادش را تهذیب نمود و علمش را نشر کرد، و همراه استادش در قلعه دمشق حبس شد که بعد از وفات امام ابن تیمیه آزاد گردید، در ایام نوجوانی به دمشق رفت و در محضر علمای آن شهر به کسب دانش پرداخت، و در ماه رجب سال 751 ه ق وفات یافت. (المکتبه الشامله آنلاین).

6 زاد المعاد، محمد ابن ابی بکر بن ایوب ابن سعد بن قیم جوزی، ناشر: السنة مجدیة ج 2 ص 8.

7 سورة البقره 276.

پیامبر ﷺ فرموده: «مامن يوم يصبح فيه العباد الا وملكان ينزلان فيقول احدهما: اللهم اعط منفقا خلفا، ويقول الآخر: اللهم اعط ممسكا تلفا».1.

ترجمه حدیث: پیامبر ﷺ فرموده: هیچ روزی نیست که در آن بنده ها صبح میکنند مگر دو فرشته پایین میشوند یکی از آنها میگوید، بار الهی برای نفقه کننده بدل آن را بده، و دیگری میگوید: بار الهی مال ممسک بخیل را تلف بده.

هشتم: متحقق شدن تکافل اجتماعی؛ زکات جزء ریزی از حلقه تکافل اجتماعی است طوری که برای اقامه ای ضروریات حیات انسانی اقامه میشود از قبیل خوردنی ها، نوشیدنی ها و جای بودوباش و پرداخت دیون، و کمک برای کسانی که از وطن شان دور هستند، و آزاد کردن انسانها از بند غلامی و غیره راهای تکافل که اسلام عزیز مشخص کرده چنانچه رسول الله ﷺ فرموده: «مثل المومنین فی توادهم وتراحمهم وتعاطفهم كمثل الجسد الواحد اذا اشتكى منه عضو تداعى له سائر الجسد بالسهر والحمى».2.

ترجمه حدیث: مثال مومنین در دوستی و شفقت با همدیگر به جسد واحد میماند، وقتی یک عضو به درد آید دیگر اعضای بدن نیز دردمند و دچار تب میشوند.

بنابراین زکات بزرگترین وسیله برای تعاون، تراحم و تضامن اجتماعی میان انسان ها است، به وسیله ای آن آفات بزرگی دفع میشود، مثل حسادت و کینه توزی، برای مسلمانان قدرت میبخشد جهت کمک به نیکی و تقوی، و متحقق شدن هدف که بخاطر آن پیدا شده اند که آن عبادت پروردگار شان است.3.

نهم: رشد اقتصاد اسلامی؛ زکات در پیشبرد و رشد اقتصاد اسلامی تاثیر بزرگی دارد، این از آن سبب است که رشد مال دهنده ای زکات منافعی به جامعه برمیگردد طوری که از جمع شدن مال به دست یک توده ای خاص منع میکند چنانچه الله متعال فرموده: {كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ}4.

ترجمه: تقسیم غنایم در میان مسلمانان به شکل عادلانه از آن سبب است تا همه در دست ثروت مندان شما تراکم نکنند، و آنچه که رسول الله صلی الله علیه وسلم برای تان میدهد پس آن را بگیرید، و آنچه را که شما را از آن باز میدارد، باز ایستید، و از الله پروا دارید، به درستی که الله سخت عذاب دهنده است.

1 متفق علیه، بخاری به شماره 1442 و مسلم به شماره 1010.

2 روه مسلم: از نعمان بن بشیر رضی الله عنهما کتاب البر والصله، باب تراحم المومنین وتعاطفهم، شماره: 2586.

3 الزکاة الضمان الاجتماعی الاسلامی، عثمان حسین عبدالله، ناشر: دارالوفاء-منصوره-مصر، ص 17 و فقه الزکاة 934/2.

4 سورة الحشر 7.

زمانیکه مال در دست اکثریت از جامعه باشد باعث رفع اکثریت ضروریات میشود، و مردم بیشتر میتوانند به خرید حوایج خود رو بیاورند و باعث زیادت تولید و عرضه در بازار میشود، و در عین حال کار زیاد و بیکاری از بین میرود؛ در نتیجه برای رشد اقتصاد اسلامی مفید خواهد بود.<sup>1</sup>

دهم: دعوت به سوی الله متعال: و دیگر از مقاصد اساسی زکات دعوت به سوی توحید و نشر پیام زیبایی اسلام به گوش کافه امت و برآورده کردن حاجات نیازمندان و محرومین میباشد طوری که برای انجام طاعات آماده شوند؛ چنانچه در تقسیم بندی مصارف زکات معلوم میگردد، طوری که یک سهم برای مولفة القلوب در نظر گرفته شده تا کفار مزایای اسلام را درک کرده ایمان بیاورند و برای مسلمانان است تا در دین خود ثابت قدم بمانند اینها همه برای حمایت و پشتیبانی دعوت به سوی الله متعال و تقویه ای آن است و همچنان در مصارف زکات از ابن سبیل نام برده شده است، اکثریت علما بدین باوراند که مراد از آن مجاهدین است و بعضی از علما دعوت را نیز شامل میدانند چون نوعی از جهاد است.

### **مطلب چهارم: شروط مالی که در آن زکات لازم میشود**

زمانیکه مال را تعریف نمودیم گفتیم که هر آنچه صاحب قیمت باشد مال گفته میشود، پس آیا به هر مالی زکات لازم است، هر مقداری که باشد؟ اگر از حوایج اولیه هم باشد؟ خانه ای که در آن زندگی دارد مال است، لباسیکه میپوشد مال است، کتب که برای خواندن نگهداری میکند مال است، و آلات که در حرفه اش بکار میبرد مال است، آیا به تمام اینها زکات لازم است؟ بادیه نشین که دونه فرشته دارد و یا چند بز و یاهم گوسفند دارد آیا به آنها زکات لازم است؟ و دهقانی که از زمینش یک و یا دو پیمان از حبوبات حاصل میگیرد برای قوت خود و عیالش آیا در آن بالایش زکات است؟ و انسانیکه یک مقدار درهم و دینار دارد آیا بالایش از آنها زکات است؟ و تاجریکه یک مقدار پول به دست دارد و به آن تجارت میکند اما به اندازه ای پولیکه به دست دارد و یا بیشتر از آن مدیون میباشد آیا بالایش از پول دست داشته اش زکات است؟

بدون شک عدل و آسانی که از آن اسلام عزیز نماینده گی میکند و برای تحقق آن آمده است، از تکلیف که باعث حرج و سختی که آنرا الله تعالی از عهده ای ایشان برداشته، ابا میورزد، بنابراین موارد فوق لازمی است که صفت مالیکه از آن زکات پرداخت میشود مشخص شود، و شروط آن بازگو گردد، پس میتوانیم شرایط مال زکات را قرار ذیل برشمردیم.<sup>2</sup>

#### **1. ملکیت تامه**

درواقع صاحب حقیقی مال الله متعال است، که اودات ایجاد کننده، و خالق مال است و اوست که میبخشد و رزق میدهد بنا بر این قرآن کریم از این حقیقت پرده بر میدارد، یا مال را به خود نسبت میدهد

<sup>1</sup> الزکاة و تطبیقاتها المعاصرة، عبدالله بن محمد الطیار، ص 23.  
<sup>2</sup> فقه الزکاة ص 127 با تصرف و اختصار اندک.



و میفرماید: {وأتوهم من مال الله الذي آتاكم}.<sup>1</sup> و {انفقوا مما رزقناكم}.<sup>2</sup> {ويبخلون بما آتاهم الله من فضله}.<sup>3</sup> و دیگر آیات همانند آن و یا با بیان اینکه ید تصرف انسان در مال، ید وکیل و یا خلیفه و یا امین خزانه است که الله متعال فرموده: {وانفقوا مما جعلكم مستخلفين فيه}.<sup>4</sup>

با وجود اینکه صاحب حقیقی مال الله متعال است باز هم نسبت مال را به بنده هایش نموده که این اضافت تکریمی و تفضلی است تا آزمایشی باشد برای بنده ها تا تکریم الله متعال را در حصه خود احساس کنند و انسانها خلیفه خدا در روی زمین است و احساس مسئولیت در مقابل این همه نعمت نمایند، مثل پدر که یک مقدار از مال خود را برای فرزندش میدهد برای اینکه این طفل شخصیت خود را درک کند و تمرین برای استقلالیت تصرف نماید، سپس مورد آزمایش در حسن و سوء تصرفش نماید، الله متعال بالاتر از این مثل ها است؛ بدون شک در قرآن کریم مثال های زیادی میآیم که اموال را به انسان نسبت کرده است با وجود آنکه در حقیقت مال الله سبحان است.

طوری نمونه، الله متعال فرموده: {انما اموالکم واولادکم فتنه}.<sup>5</sup> و {یاایها الذین آمنوا لاتلهکم اموالکم}.<sup>6</sup> با وجود این همه لطف و کرم خویش از بنده اش طلب قرض میکند در حال که این مال مال او و عطای او است، از بنده هایش نوازش گونه میخرد در حال که خود صاحبش است، الله متعال فرموده: {من ذا الذی یقرض الله قرضاً حسناً فیضاعفه له اضعافاً کثیرة}.<sup>7</sup> والله <sup>8</sup> فرموده: {ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة}.<sup>8</sup>

ترجمه: کیست که برای الله متعال قرض حسنه بدهد، تا مالش را چند چند بگرداند، والله متعال فرموده: به درستی که الله متعال خریده از مومنین نفسها و اموال شان را که در بدل از آنها جنت خواهد بود.

دوکتور قرضاوی رحمه الله به نقل از حسن بصری رحمه الله فرموده: از ایشان نفس هایشان را خریده در حالیکه خود آن را خلق کرده است، و اموال را در حالیکه خود رزق شان داده است.<sup>9</sup>

به هر حالت مراد از ملکیت تام در اینجا ملکیت حقیقی نیست بلکه مراد از آن سر پرستی و تصرف و حق اختصاص است که الله متعال به انسان داده است، مراد از ملک انسان در یک چیز اینست که وی احق در انتفاع به آن است یا به عین یا به انتفاع آن نسبت به دیگران، و این حق اختصاص به تسلط وی

<sup>1</sup> سورة النور 33.

<sup>2</sup> سورة البقره 254.

<sup>3</sup> سورة آل عمران 180.

<sup>4</sup> سورة الحديد 7.

<sup>5</sup> سورة التغابن 15.

<sup>6</sup> سورة المنافقون 9.

<sup>7</sup> سورة البقره 245.

<sup>8</sup> سورة التوبه 111.

<sup>9</sup> فقه الزکاة ص 128.

به وسیله ای یکی از اسباب کسب ملکیت مشروع از قبیل: کار، عقد، یا میراث و غیره به دست میآید، و این ملکیت به اجازه ای الله متعال و شرع آن ثابت میشود.

## 2. نمو زیادت

شرط دوم این است که مال که از آن زکات اخذ میگردد نمو کننده و در حال افزایش باشد، یا قابلیت نمو را داشته باشد، معنای نمو در لغت امروزی: از شان مال این باشد که برای صاحبش مفید فایده باشد و یا در نفس خود نموکند، این تعریف را دانشمندان فقه اسلامی تایید کرده اند و فلسفه آن را نیز طوری واضح و دقیق بیان نموده اند.

گفته اند: نمو در لغت زیادت را گفته میشود و در اصطلاح: دو نوع است

### 1. زیادت حقیقی

### 2. زیادت تقدیری.

زیادت حقیقی: زیادت به توالد، تناسل، و تجارات و... زیادت تقدیری: قابلیت زیادت را داشته باشد به دست خود صاحب مال و یا به دست نائیش.<sup>1</sup>

### 3. رسیدن به نصاب

دین مقدس اسلام در کمی از اموال زکات را لازم نگردانیده بلکه نصاب را شرط کرده است در احادیث متعدد در مورد نصاب آمده که به کمتر از پنج شتر و چهل گوسفند و کمتر از دوصد درهم و بیست مثقال و کمتر از پنج اوسق از حبوب و میوه ها و حاصلات زراعتی بنا بر اختلاف، زکات را لازم نگردانیده است.

فلسفه در اشتراط نصاب واضح است که زکات ضریبه ای است که از ثروت مندان گرفته جهت کمک به مستمندان و مشارکت در مصلحت اسلام و مسلمین، پس ضروری است که از مالی گرفته شود که احتمال مواسات در آن باشد، بی معنی است از نیاز مندان ضریبه گرفته شود که خود محتاج کمک است، بنابراین رسول الله ﷺ فرموده: «لأصدة الاعن ظهر غنی».<sup>2</sup> ترجمه: صدقه لازم نیست، مگر بر شخص ثروت مند.

در این عصر قانون گذاران مالیات اشخاص را که دارای سرمایه محدود اند از مالیات عفو کرده اند برای سهولت و مراعات حال شان به سبب عدم توانایی برای پرداخت مالیات حال آنکه شریعت اسلامی قبل از چهارده قرن در این مورد صراحت دارد.<sup>3</sup>

<sup>1</sup> حاشیه ردالمختار علی الدر المختار مشهور به حاشیه ابن عابدین، ناشر: مکتبه و مطبعة مصطفی البابی الحلبي و اولاده در مصر، چاپ دوم 1386 ق ج 2 ص 7 منقول از بحر المحيط.

<sup>2</sup> امام بخاری معلق به شماره 2749 ج 4 ص 5 و امام احمد رحمه الله به شماره: 9612 ج 15 ص 376 موصول روایت کرده است.

<sup>3</sup> فقه الزکاة ص 151.

#### 4. از حواجی اصلی اش اضافه باشد

بعضی از فقهاء در کنار شرط نموی مال گفته اند که نصاب اضافه از حواجی اصلی مالک نصاب باشد که این شرط را احناف در کتب عامه ایشان بیشتر تاکید دارند، زیرا در موجودیت این شرط ثروت و معنی نعمت، ادای زکات از طیب نفس محقق میشود در صورتیکه خود حاجت داشته باشد اداء ناقص میشود و طیب نفس در میان نمی آید، اما بعضی از علماء از اشتراط این شرط اسغنا جسته اند.<sup>1</sup>

#### 5. سلامتی از دین

دیگر از شرایط زکات این است که نصاب زکات سالم از دین باشد در صورتیکه مالک نصاب مدیون به دینی باشد که مستغرق تمام نصاب باشد و یا کمتر از نصاب باشد، در آن صورت زکات بالایش واجب نیست، لیکن علماء در این مورد اختلاف کرده اند به ویژه آن اموالیکه تعلق به دیون اموال ظاهره دارد، سبب اختلاف در بیان کیفیت زکات و اختلاف شان در این مورد است، چنانچه ابن رشد رحمه الله فرموده: آیا زکات عبادت است؟ یا حق مرتب در مال اغنیا از برای مستمندان؟

کسانیکه زکات راحق فقیر در مال ثروت مندان میدانند: قایل به این اند که زکات بالای مدیون نیست زیرا حق صاحب دین مقدم بر حق مساکین است در حقیقت مال صاحب دین است، نه ذوالید مال؛ کسانیکه قایل اند که زکات عبادت است، گفته اند: زکات بالای ذوالید مال واجب است؛ زیرا ذوالید بودن شرط تکلیف است، برابر است که دین دار باشد یا نباشد، در عین حال در اینجا دوحق در تعارض است، حق الله و حق آدمی، حق الله، احق برای اداء است.<sup>2</sup> ابن رشد. <sup>3</sup> رحمه الله فرموده: نزدیک تر به مقاصد شریعت اسقاط زکات از مدیون است.

#### 6. حولان حول

یعنی: مروردوازده ماه قمری بر مال که در دست مالک مال باشد، البته این شرط برای چهار پایان و نقود و کالاهای تجاری است، اما زراعت، میوه ها و عسل، مستخرجات از معادن و وگنج ها و امثال آن حولان حول شرط نیست.

#### مطلب پنجم: مصارف زکات

در روشنی بیانات آیات قرآنی و سنت نبوی و آثار خلفای راشدین و سایر صحابه رضی الله عنهم در رابطه به مصارف زکات طی هفت فقره بحث خواهیم کرد و در فقره ای هشتم از مسایل متفرقه خواهیم گفت تا برای خواننده گان واضح و قابل درک باشد.

<sup>1</sup> بدایع الصنایع کاسانی ج 2 ص 11.

<sup>2</sup> بدایة المجتهد، ابن رشد حفید، ص 238.

<sup>3</sup> ابوالولید محمد ابن احمد ابن رشد ملقب به ابن رشد، قرطبی اندلسی مالکی مشهور به ابن رشد حفید، زاده ای 520 هـ ق در قرطبه (کوردوبای کنونی) دانشمند و فیلسوف و فقیه مسلمان در هسپانیا بود که در 595 هـ ق در مراکش وفات نمود، که تعداد 5 اثر علمی از خود برجای گذاشته است (المکتبة الشاملة آنلاین).

1 فقراء و مستمندان: در سوره ای توبه مصارف زکات را مشخص و آن را به هشت دسته تقسیم بندی نموده است که در مرتبه ای اول و دوم فقراء و مستمندان را آورده است چون مستمندان اولین کسانی هستند که الله تعالی از مال زکات سهم برایشان قایل شده است این امر میرساند که هدف اول و اساسی از زکات از بین بردن فقر از جامعه اسلامی است، در میان اهل ادب چیزی اهم را مقدم میدارند چون قرآن به زبان عربی مبین نازل شده است، بنا هدف اساسی از زکات را مقدم نموده، و رسول الله ﷺ نیز در بعضی احادیث اش در این رابطه تاکید دارد، زمانیکه ایشان حضرت معاذ رضی الله عنه را به یمن میفرستادند برایشان گوش زد کردند، فرمودند: «اعلمهم ان عليهم صدقة تؤخذ من اغنيائهم وترد على فقرائهم»<sup>1</sup>.

ترجمه حدیث: برایشان بدانان که بالایشان صدقه لازم است که از ثروت مندان شان اخذ و به مستمندان شان داده میشود.

فقیر و مسکین کیها هستند: آیا هر دو یک صنف اند؟ و یا هر کدام فرق دارند؟ امام ابو یوسف رحمه الله و ابن قاسم از اصحاب امام مالک رحمه الله هر دو را یک صنف میدانند.<sup>2</sup> اما جمهور علماء با ایشان مخالفت نموده اند، در حقیقت دو صنف از نوع واحد است که مراد نیازمندی و حاجت است، مگر مفسرین و فقهاء در رابطه به مفهوم هر کدام اختلاف کرده اند، مراد آن در سیاق واحد جمع شده است، الفاظ فقیر و مسکین مثل الفاظ اسلام و ایمان است، از الفاظی است که در رابطه علماء گفته اند: اذا اجتمعوا افتراقا (برای هر کدام معنی خاص است) و اذا افترقا اجتماعا (یعنی وقتی یکی از دیگری جدا ذکر شود در آن صورت یکی در معنی دیگر که قرین است داخل میباشد، این دو لفظ در این آیه (انما الصدقات...) جمع شده اند پس معنی فقیر و مسکین در اینجا چیست؟<sup>3</sup>.

امام طبری رحمه الله فرموده: مراد از فقیر محتاجی است که پاکی اختیار کرده گدایی نکند، و مسکین محتاجی است که گدایی میکند، این دیدگاه خود را به این فرموده الله متعال که در شان یهود بیان داشته، مهر تایید زده است: وضربت عليهم الذلة والمسكنة.<sup>4</sup> لفظ مسکنه خبر از این واقعت میدهد.<sup>5</sup>

## 2: موظفین زکات

مصرف سوم از مصارف زکات موظفین زکات است مراد از آنها همه کسانی است که به نوعی در امور زکات کار میکنند، اهتمام قرآن کریم در مرحله ای سوم در حق موظفین زکات، نشان دهنده ای این امر است که جمع آوری زکات کارویا وظیفه ای فردی نیست بلکه این کار حکومت است، بالای آن

<sup>1</sup> امام ترمذی در جامع خود زیر عنوان (باب ما جاء في كراهية اخذ خيار المال في الصدقة) آورده است.

<sup>2</sup> حاشیة الدسوقي على الشرح الكبير، دسوقي محمد بن احمد بن عرفه مالکی ناشر: دار الفکر-بیروت ج 1 ص 492.

<sup>3</sup> فقه الزکاة ص 544-545.

<sup>4</sup> سورة البقره 61.

<sup>5</sup> تفسیر طبری، ابن جریر بن یزید ج 14 ص 308-309 ناشر: المعارف، ط اول.

اشراف داشته باشد و تدبیر امور نماید و موظفین را در این خصوص تعیین و مراقبت نموده و از حصیله ای زکات برایشان معاش تعیین نماید؛ برای جمع آوری زکات بر حکومت لازم است تا موظفین زکات را برای جمع آوری آن به محل فرستاده تا زکات را از نزد مزکی ها جمع آوری نمایند، که این امر مشهور است چنانچه در حدیث ابوهریره رضی الله عنه پیامبر صلی الله علیه وسلم حضرت عمر رضی الله عنه را برای جمع آوری زکات فرستاد، البته آن اموالیکه نیاز به حولان حول ندارد باید در وقت درو و چیدن و یا جمع کردن کشت و میوه ها بفرستد، و اموالیکه در آن حولان حول لازم است یک ماه را مشخص کند تا موظفین در همان ماه به جمع آوری زکات بپردازند، و بهترین ماه برای جمع آوری زکات ماه محرم است، که اولین ماه سال شرعی است، برابر است زمستان باشد یا تابستان.<sup>1</sup>

شروط موظفین زکات: 1. مسلمان باشد 2. مکلف (عاقل و بالغ) باشد. 3. امین باشد. 4. به احکام زکات علم داشته باشد 5. از نظر اکثریت فقهاء از اهل بیت (بنو هاشم) نباشد. 6. اهلیت داشته باشد. 7. بعضی از فقهاء مرد بودن را شرط کرده اند اما دلایل معتبر ندارند. 8. بعضی از فقهاء حریت یا آزاد بودن را شرط کرده اند، اما دلایل کافی ندارند و عکس آن که حریت را شرط نمی دانند دلایل قوی تری دارند، رسول الله ﷺ فرموده: «و اسمعوا و اطیعوا و ان استعمل علیکم عبد حبشی کان راسه زبیبه».<sup>2</sup>

ترجمه حدیث: پیامبر ﷺ فرموده: بشنوید و اطاعت کنید اگرچند که بالای شما برده حبشی را به عنوان موظف جمع آوری زکات تعیین کرده شود، که سرش چون کشمش یا انجیر خشک باشد. و دیگر اینکه مقصود (همان جمع آوری زکات است) به وسیله برده تحقق میابد پس از این ناحیه مثل آزاد عمل میکند.<sup>3</sup>

### 3: مولفة القلوب

مولفة القلوب کسانی هستند که برای متمایل شدن شان به اسلام و یا برای ثابت قدم ماندن به اسلام و یا برای وقایه مسلمانان از شرایشان و یا به امید اینکه شاید دفاع از آنها به نفع مسلمانان باشد، و یا کمک کردن آنها به ضد دشمنان مسلمین و امثال آن یک قسمت از زکات داده میشود.<sup>4</sup>

وجه دلالت این مصرف: این مصرف نیز برای ما واضح میسازد که زکات در اسلام احسان فردی نیست و نه عبادتی است که به دوش یک فرد و یا افراد گذاشته شده باشد، بلکه این عمل کاری است تنها ریس دولت و نایب آن و یا اهل حل و عقد از عهده اش بیرون میآید، اینها کسانی هستند که توانایی تثبیت نیازمندی به تالیف قلوب و یا نفی آن را دارند، و میتوانند که صفات اشخاص را که میتوان به این شیوه به اسلام جذب نمود مشخص کنند و ادامه دادن این کار و اندازه مورد نیاز از مال زکات که برایشان

<sup>1</sup> المجموع، ج 6 ص 167 و 170.

<sup>2</sup> فقه الزکاة ص 586.

<sup>3</sup> مطالب اولی النهی فی شرح غایة المنتهی، مصطفی بن سعد بن عبده سیوطی رحیبانی، ج 2 ص 138 ط 1380ق.

<sup>4</sup> فقه الزکاة ص 594.

داده میشود، با در نظر داشت مصلحت دین اسلام و حاجت مسلمانان از صلاحیت و مکلفیت های زعیم مسلمانان است.<sup>1</sup>

#### 4: الرقاب: (برده گان)

برده گان نیز یکی از مصارف زکات است، الله متعال برایشان دادن زکات را مشروع گردانیده است البته در ذکر اصناف مصارف زکات، الله منان شیوه ای بدیع را به کار برده است که در چهار اول (از لام) و در چهار اخیر از (فی) استفاده نموده که در این جا نکته ای بلاغی نهفته است مفسرین در این مورد زیاد گفته اند که طوری نمونه یکی از آنها را که به صواب نزدیک تر است تذکر میدهم.

امام فخرالدین رازی رحمه الله فرموده: الله متعال صدقات را برای اصناف چهارگانه اول به لام تملیک ثابت کرده که فرموده: انما الصدقات للفقراء و زمانیکه برده گان را ذکر نمود بجای حرف لام حرف (فی) را بکار برده است، و فرموده: {وفی الرقاب}، در این فرق یک فایده لازمی است، فایده این است که در چهار اول صدقات برای خود شان داده میشود تا چطوریکه میخواهند مصرف نمایند اما در چهار اخیر صدقات برایشان داده نمی شود بلکه نصیب شان برای آزادی شان هزینه میشود و برای خود شان داده نمی شود تا چطوریکه بخواهند مصرف نمایند، همچنان قرضداران را برای ادای دیون شان هزینه میشود، این چنین حق مجاهدین و ابن سبیل را در نیازمندی هایشان مصرف میشود.<sup>2</sup>

آیا برای آزادی اسیر مسلمان از سهم برده گان هزینه میشود؟ رقاب به معنی عام آن به برده گان اطلاق میشود، آیا میتوان به عموم آن اسیر مسلمان را که در دست کفار است، مثل برده در دست بدارش که در معرض خطر و برده شدن است از سهم برده ها غرض خلاصی آنها هزینه کرد؟

روایت شده از مذهب امام احمد رحمه الله جواز آن است، که اسیر مسلمان را از بند کفار به وسیله ای پول زکات خلاص کنند، زیرا در این کار آزادی یک انسان از اسارت است.<sup>3</sup>

ابن عربی مالکی.<sup>4</sup> فرموده: علماء در مورد آزادی اسیر از مال زکات مختلف قول کرده اند: اصبح.<sup>5</sup> میگوید جایز نیست، ابن حبیب.<sup>6</sup> قایل به جواز است زمانیکه آزادی برده ای مسلمان از دست بدار مسلمان عبادت و جایز و از جمله ای صدقه بشمار آید، این بهتر خواهد بود که از دست کفار و سایه آن خلاص شود و به طریق اولی باید صدقه شمرده شود.<sup>7</sup>

<sup>1</sup> همان اثر ص 594.

<sup>2</sup> تفسیر کبیر، رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر بن حسن بن علی المطبعة المصرية 1938م ج 16 ص 112.

<sup>3</sup> روض المربع، بهوتی، منصور بن یونس بن صلاح الدین بن حسن بن ادریس ط 1374 ق ج 1 ص 402.

<sup>4</sup> ابوبکر ابن العربی محمد بن عبدالله بن محمد المعافری الاشبیلی الاندلسی المالکی در میان سالهای 455 - 527 ه ق مصادف با 1076-1148م از جمله حفاظ حدیث بوده و منصب قضا را در اشبیلیه به عهده داشت، در علوم حدیث، فقه، اصول، تفسیر و ادب و تاریخ کتاب نوشته است. (المکتبة الشاملة آنلاین).

<sup>5</sup> اصبح بن فرج بن سعید بن نافع مالکی مفتی دیار مصر در میان سالهای 150-225 در مصر زندگی نموده است. (المکتبة الشاملة آنلاین).

<sup>6</sup> عبدالملک ابن حبیب ابن سلیمان ابن هارون القرطبی المالکی عالم و فقیه اندلس که اصلش از طلیطله بوده و در میان سالهای 174-238 ه ق زندگی داشته است. (المکتبة الشاملة آنلاین).

<sup>7</sup> احکام القرآن، ابن العربی، قاضی محمد بن عبدالله ابوبکر المعافری، ط الحلبي ج 2 ص 956.

اگرچی نظام برده گی از میان رفته اما جنگ ها ادامه دارد و تقابل و تسابق میان حق و باطل ادامه دارد بنا براین این سهم باید برای آزادی اسرای مسلمان هزینه شود.

آیا از سهم برده گان برای ملت های مستعمره جهت آزادی شان کمک میشود؟ رشید رضاء<sup>1</sup>. در تفسیر المنار خود گفته: در سهم الرقاب هزینه ای برای آزادی ملت های دربند افتاده میشود، در صورتیکه در این سهم مصرف آزادی افراد نباشد.<sup>2</sup>

و شیخ محمود شلتوت نیز به عبارات خود به تاکید کلام شیخ رشید رضاء پرداخته است.<sup>3</sup> نظر دکتر یوسف قرضاوی رحمه الله که بنده نیز به این نظر مایل هستم: دیدگاهی را که من به آن میل دارم این است که نیاز به این قدر توسع در مفهوم الرقاب نیست که اصطلاحات را از مفاهیم اصلی آن خارج کنیم، اما کمک به ملت های مستعمره که نیاز به آزادی دارند، در مال زکات یکی از مصارف زکات {سبیل الله} است که بر یک دولت اسلامی لازم است که برای کمک به آزادی ملت های مسلمان مستعمره سهم گرفته وجبیه خود را اداء کنند.<sup>4</sup>

## 5. قرضداران

مصرف ششم از مصارف زکات قرضداران است، قرضداران کیها هستند؟ در مذهب امام ابو حنیفه رحمه الله قرضدار کسی است که بالایش دین یاشد، مالک نصاب اضافه از دینش نباشد.<sup>5</sup>

در نزد امام مالک، شافعی و احمد رحمه الله: قرضداران دو نوع است، که هر کدام حکم خود را دارد:

1. قرضدار برای مصالح نفس خودش.

2. قرضدار برای مصالح مجتمع.

قرضدار برای مصالح نفس خودش: قرضداری که برای مصالح شخصی اش طلب دین نموده است، مثل دین برای نفقه و یا لباس و ازدواج .. در این موارد امام طبری رحمه الله از ابی جعفر و مثل آن را از قتاده روایت نموده است: قرضدار که بدون اسراف مدیون شده باشد بالای امام لازم است که از بیت المال دین وی را ادا نماید.<sup>6</sup>

<sup>1</sup> محمد رشید بن علی رضاء بن محمد شمس الدین بن محمد بهاء الدین بن منلا علی خلیفه قلمونی بغدادی الاصل مصری بنیان گذار مجله المنار و یکی از افراد جریان اصلاح اسلامی بود ایشان در میان سالهای 1282-1354 ه ق زندگی کرده است و از نویسندگان بالادست در علم حدیث ادب تاریخ و تفسیر میباشد، در قلمون از توابع طرابلس شام به دنیا آمد، و در همانجا و طرابلس علم آموخت، در طفولیت شهر میسرود و در بعضی از نشریه ها مینوشت، در سال 1315 ه ق راهی مصر شد و در نزد شیخ محمد عبده زانوی تلمیذی زد، وی به سوریه، حجاز، هند و اروپا سفر کرده است و در قاهره در یک موت ناگهانی فوت نمود. (المکتبة الشاملة آنلاین).

<sup>2</sup> تفسیر المنار، رشید رضاء، محمد رشید بن علی رضا بن محمد، ناشر: الهيئة المصرية العامة للكتاب، ج 10 ص 598 سال 1990م.

<sup>3</sup> الاسلام عقیده و شریعة، شلتوت محمود، ناشر: ص 446 ط دوم، دار القلم.

<sup>4</sup> فقه الزکاة ص 621.

<sup>5</sup> بحر الرایق ابن نجیم، زین الدین ابن ابراهیم ابن محمد المصری، ط دوم، ج 2 ص 260، در المختار حصکفی و حاشیه آن رد المحتار، ابن عابدین، محمد امین، ط دوم 1386 ج 2 ص 63.

<sup>6</sup> جامع البیان مشهور به تفسیر طبری، محمد بن جریر بن یزید، به تحقیق محمود شاکر، دار المعارف بیروت لبنان، ط اول ج 14 ص 338.

افراد متأثر از حوادث طبیعی از این قبیل اند: افراد که از حوادث طبیعی متأثر میشوند و به سبب آن مال و خانه خود را از دست میدهند و مجبور به قرض گرفتن میشوند، از مجاهد نقل شده است که سه نوع از قرضداران است که یکی را سیل متضرر نموده و دومی که از آتش متضرر شده و سومی شخصی عیال واری است که مال نداشته باشد وی طلب دین میکند برای نفقه اولادش.<sup>1</sup>

در حدیث قبیصه بن مخارق که احمد و مسلم آن را روایت نموده، پیامبر ﷺ مباح قرار داده برای متضررین حوادث طبیعی که مال وی از بین می‌رود میتواند که از صاحب امر مسلمانان مطالبه ای حق خود را از زکات نماید، به اندازه ای که برای زندگی اش کافی باشد.

شرایط پرداخت به قرضدار مصالح شخصی: این نوع قرضدار را داده میشود اندازه مال که به وسیله ایس آن بتواند دین خود را ادا نماید، با شرایط ذیل:

شرط اول: شخص، نیازمند به مبلغی باشد که دینش اداء شود.

شرط دوم: طلب دین نموده باشد در طاعت و امر مباح.

شرط سوم: دین عاجل و فی الحال باشد.

شرط چهارم: دینی باشد که به سبب آن خطر بندی شدن شخص موجود باشد.<sup>2</sup>

زیبایی موقف اسلام در رابطه به مدیونین؛ موقف اسلام در پیوند به مدیونین بی بدیل است:

1. بدون شک شریعت اسلامی پیروان خود را به اعتدال و میانه روی در زندگی دعوت میکند تا مجبور به مطالبه دین نشوند.

2. در صورت مجبور شدن به طلب دین لازم است که فرد مسلمان تصمیم به پرداخت داشته باشد که مورد تایید الله منان نیز قرار میگیرد.

3. در صورت عاجز ماندن از ادای دین که دلایلی تصمیم برای ادای دین نیز داشته باشد دولت میتواند برای نجات از تراکم دین مداخله کند.<sup>3</sup>

بنا بر این پیامبر ﷺ از دین دار شدن به الله ﷻ پناه خواسته است: اللهم انی اعوذ بک من غلبة الدین و غلبة العدو و شماتة الاعداء.<sup>4</sup>

ترجمه: بار الهی من به تو پناه میبرم از غلبه دین، و پیروزی دشمن، و خوشحال شدن دشمنان.

نوع دوم: قرضدار برای مصالح دیگران: نوع دوم از قرضداران گروهی از اصحاب مروت

است؛ آنها کسانی هستند که برای اصلاح ذات البین قرضدار میشوند:

<sup>1</sup> المصنف، ابن ابی شیبہ، ابوبکر عبدالله بن محمد، ناشر: مکتبة الرشد-ریاض، ط اول ج 3 ص 207 ط حیدر آباد.

<sup>2</sup> فقه الزکاة 624-626.

<sup>3</sup> همان اثر ص 626.

<sup>4</sup> حافظ ابن حجر در بلوغ المرام ص 313 گفته: رواه النسائی وصححه الحاكم عن عبدالله ابن عمر مرفوعاً.



«و عن قبيصة بن مخارق الهلالي قال: تحملت حمالة فأتيت رسول الله ﷺ أسأله فيها فقال: اقم حتى تاتينا الصدقة فانمر لك بها، ثم قال يا قبيصة! ان المسئلة لاتحل الا لاحد ثلاثة: رجل تحمل حمالة فحلت له المسئلة حتى يصيبها ثم يمسك ورجل اصابته جائحة (كارثة) اجتاحت ماله فحلت له المسئلة حتى يصيب قواما من عيش او قال سدادا من عيش ورجل اصابته فاقة حتى يقول ثلاثة من ذوالحجا من قومه: لقد اصابنا فلانا فاقة فحلت له المسئلة حتى يصيب قواما من عيش او قال سدادا من عيش فما سواهن من المسئلة يا قبيصة، فسحت ياكلها صاحبها سحتا»<sup>1</sup>.

ترجمه حديث: از قبيصة بن مخارق الهلالي روايت است: فرمود من متحمل يك تاوان شدم سپس نزد رسول الله ﷺ آمدم كه از ايشان در رابطه آن سوال كنم، سپس فرمود: منتظر بمان تا براي ما صدقه بيايد تا از آن براي تو امر نمايم، سپس گفت اي قبيصة: سوال نمودن حلال نيست مگر دريكي از امور سه گانه: مردى كه متحمل يك تاوان ميشود در اين صورت بر ايش سوال نمودن حلال است تا كه به صواب برسد سپس اكتفاء كند؛ و مردى كه حادثه طبيعى متضرر ميشود، بر ايش تگدى جايز است تا به زندگى عادى برگردد و مردى كه از گرسنگى مجبور به سوال كردن ميشود تاينكه سه نفر مردمان با عزت قومش شهادت دهند كه فلان را تنگ دستى پيش شده است در اين صورت بر ايش سوال حلال ميشود تا به زندگى عادى برگردد، اي قبيصة؛ غير از اين امور سوال نمودن حرام است و صاحب آن حرام را ميخورد.

پرداخت دين ميت از زكات: سوال ديگرى كه باقى مانده اين است كه آيا جايز است كه دين ميت از زكاة ادا شود؟ مثل اداى دين شخص زنده، امام نووى در اين مورد در مذهب امام شافعى دو قول نقل نموده است به يك قول عدم جواز كه به آن ابراهيم نخعى و امام ابوحنيفه و احمد رحمهم الله نيز قول کرده اند.<sup>2</sup>

همچنان روايت است از امام احمد كه دادن زكات را بخاطر اداى دين ميت جايز نمى دانند، زيرا مديون ميت است، دادن زكات به وى ممكن نيست، اگر بر اى قرضدار وى داده شود در اين صورت قبض نميشود چون به دايين داده شده نه مديون.<sup>3</sup>

قول دوم: به جواز قول کرده به دليل عموم آيه كه هر دين دار را شامل ميشود برابراست زنده باشد يا مرده، و ديگر اينكه تبرع به پرداخت دين مديون مثل زنده درست است و به اين موضوع مالك و ابو ثور قول کرده اند.<sup>4</sup>

<sup>1</sup> رواه احمد و مسلم و النساي و ابو داود (نيل الاوطار ج 4 ص 168 ط عثمانى).

<sup>2</sup> المجموع، ج 6 ص 211.

<sup>3</sup> المغنى ج 2 ص 666.

<sup>4</sup> المجموع ج 6 ص 211.

دیدگاه دکتور قرضاوی: دکتور قرضاوی در ذیل این دیدگاهها به تائید نظر دوم (مالک و ابو ثور) پرداخته چنین بیان میدارد: نظری را که ما قابل ترجیح میدانیم این است که نصوص شریعت و روح آن مانع پرداخت دین میت نیست زیرا الله متعال مصارف زکات را دو نوع تقسیم نموده است نوع اول را به لام تملیک و استحقاق تعبیر نموده است که آنها فقراء و مستمندان و موظفین زکات و مولفة القلوب که اینها مالک میشوند، و نوع دیگری آن را که بقیه اصناف است به (فی) تعبیر نموده است (فی الرقاب والغارمین و فی سبیل الله و ابن السبیل) بنابراین قبض مدیون شرط نیست و از طرف وی پرداخت دینش جایز است، این قول مختار و مفتی به ابن تیمیه<sup>1</sup>. رحمه الله نیز است و این دیدگاه را، حدیث شریف نیز تائید میدارد: «انا اولی بکل مؤمن من نفسه من ترک مالا فلاهله و من ترک دینا اوضیاعا فالی و علی»<sup>2</sup>.

ترجمه: کسی اگر مالی را ترک کرد از آن ورثه اش میباشد، و اگر دینی از خود بجا گذاشت و یا ناشناخته و بی کس فوت نمود، و یا هم اولاد صغار از خود بجا گذاشت، از من و بر من است. این حدیث شریف بازگو میکند که کفالت و سرپرستی اولاد صغار و پرداخت دیون متوفی از بیت المال مسلمانان به دوش زعیم مسلمانان است.

دادن قرض حسنه از زکات: بحث دیگری که قابل دقت و تحقیق است دادن قرض حسنه از زکات میباشد؛ آیا این امر جایز است که برای قرض گیرنده گان جهت ادای دیون شان داده شود؟ یا تنها به صراحت نصوص اکتفاء کنیم و مجوز آن را صادر نکنیم، مبنی بر اینکه دین داران بالفعل مطالبه دین نموده اند، به تعبیر دکتور قرضاوی رحمه الله قیاس صحیح و مقاصد عام شریعت اسلامی در باب زکات برای ما این اجازه را میدهد که برای مستمندان از سهم قرضداران بپیر دازیم، طوری که یک صندوق خاص در این رابطه ایجاد شود، به این طور اگر زکات غرض مبارزه ای عملی با رباء به اسهم تقسیم شود و در نتیجه باعث ختم فواید ربوی میشود، که استاد ابو زهره، خلاف، و حسن در بحوث که از احکام زکات نموده اند به این نظر مهر تائید زده اند، آنها طوری تعلیل میکنند که وقتی که دیون منصفانه باشد از مال زکات باید اداء شود، تا در آینده دوباره به بیت المال برگردد این کار بهتراست از اینکه دیون فوری را از اموال ربوی داد، ایشان این عمل را از قیاسی اولی میدانند.<sup>3</sup>

## 7. فی سبیل الله

مصرف هفتم از مصارف زکات «سبیل الله» است، مقصود از این مصرف چیست؟ اهل این مصرف کجا هستند؟

در رابطه نظریات فقهاء را ذیلا بیان و رای راجح را نیز در اخیر بیان خواهیم داشت:

<sup>1</sup> فتاوی ابن تیمیه ج 1 ص 299.

<sup>2</sup> امام مسلم بن حجاج نیشاپوری به شماره 867 روایت نموده.

<sup>3</sup> برگرفته از فقه الزکاة قرضاوی ص 634.

## مذهب احناف

امام ابو یوسف<sup>1</sup>. از احناف مراد از سبیل الله کسانی را میدانند که از جهاد بنا به هر سببی بازمانده باشد، که در این صورت برایشان حلال است صدقه دادن اگرچی که اهل کسب باشند، زیرا کسب باعث نرفتن به جهاد شده است.<sup>2</sup>

امام محمد<sup>3</sup>. رحمه الله از احناف مراد از سبیل الله کسانی را میدانند که از سفر حج بازمانده اند.<sup>4</sup> و بعضی مراد از سبیل الله طلبه ای علم را میدانند، امام کاسانی<sup>5</sup> در بدائع الصنائع به جمیع قرب و طاعات تفسیر کرده است، بنابراین تمام کسانی را شامل میشود که در راستای خیر تلاش میکنند و محتاج و نیازمند اند.

ابن نجیم<sup>6</sup>. در بحر الرائق فرموده: پوشیده نماند که قید فقر به همه انواع فقر اطلاق میشود.<sup>7</sup> علامه رشید رضاء در تفسیر خود، المنار<sup>8</sup>. در این موضوع بر کلام صاحب بحر تعلیق کرده فرموده: صاحب بحرا این قید جمله ای فی سبیل الله را که الله منان یک صنف مستقل یاد نموده، ابطال نموده است.

مذهب مالکی: قاضی ابن العربی در احکام القرآن در تفسیر «وفی سبیل الله» از امام مالک رحمه الله نقل نموده: راه های خدا زیاد است ولیکن من خلاف را در اینکه اینجا از جمله ای راهای الله مراد از سبیل الله جهاد است، نمیبینم.<sup>9</sup>

مذهب شافعی رحمه الله: مذهب شافعی مراد از سبیل الله چنانچه در منهاج از امام نووی و شرح آن از ابن حجر هیتمی آمده: آنها مجاهدین رضا کاری هستند که تقاضای معاش از حکومت ندارند.<sup>10</sup>

<sup>1</sup> ابویوسف: یعقوب بن ابراهیم بن حبیب انصاری کوفی بغدادی (۱۱۳-۱۸۲ ق / ۷۳۱-۷۹۸ م)، قاضی نامدار صاحب امام ابوحنیفه رحمه الله و شاگردش بود، بابای بزرگ او سعد بن بجیر از قبیلۀ بَجِیلَه، در شمار اصحاب پیامبر ﷺ و از نخستین کسانی بود که از مدینه به کوفه مهاجرت کردند، امام ابو یوسف فقیه و محدث و علامه زمانش بود از وی زیاد تالیفات بجا مانده است. (المکتبۀ الشامله آنلاین).

<sup>2</sup> رد المحتار ج 2 ص 85.

<sup>3</sup> ابو عبدالله محمد بن حسن بن فرقد شیبانی کوفی، اصل وی از حرسته، یکی از روستاهای دمشق بود، محمد در حدود ۱۳۲ ق در واسط به دنیا آمد و در کوفه بزرگ شد و از موالی بنی شیبان بود. او در کوفه تحصیلاتش را آغاز کرد و فقه را نزد ابوحنیفه و قاضی ابویوسف فرا گرفت و دروس دیگر را نزد استادانی همچون مسعر، اوزاعی و ثوری آموخت. ایشان حدود سه سال نزد مالک شاگردی کرده و حدود هفتصد حدیث از او شنیده و شاگردانی مانند شافعی، ابو عبید و هشام بن عبیدالله داشت و خودش شاگرد ممتاز امام ابوحنیفه رحمه الله بود، وی با نوشته هایش توانست مذهب حنفی را چون ابو یوسف رواج داده ه. او سپس به بغداد رفت و مدتی در آنجا اقامت داشت و تدریس می کرد و در سال ۱۸ ه ق در رای وفات یافت. (المکتبۀ الشامله آنلاین). همان اثر.

<sup>5</sup> کاسانی از فقهای نامور حنفی قرن ششم و شاگرد علاءالدین سمرقندی (متوفی 539)، مؤلف تحفة الفقهاء، بود و بدایع الصنائع را به اقتضای استادش تألیف کرد (مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی آنلاین).

<sup>6</sup> ابن نجیم: ذین العباد الدین ابن ابراهیم فقیه حنفی مصری تمیمی، نجیم نام یکی از اجداد وی بوده ایشان در نزد فقهای مشهور آن زمان در قاهره موطن اصلی اش فقه را فرا گرفت و وی گرایش به زهد و تصوف نیز داشت و در زمان خویش مرجع مهم برای حل مسایل مردم در دین بوده است ایشان در میان سالهای 926-970 ق زندگی نموده و در قاهره وفات یافت (المکتبۀ الشامله آنلاین).

<sup>7</sup> بحر الرایق ج 2 ص 260.

<sup>8</sup> تفسیر المنار ج 1 ص 580 ط دوم.

<sup>9</sup> احکام القرآن، ابن العربی، قاضی محمد ابن عبد الله ابوبکر المعافری المالکی، ط الحلبي ج 2 ص 957.

<sup>10</sup> تحفة المحتاج فی شرح المنهاج، ابن حجر هیتمی، احمد ابن محمد ابن علی ابن حجر ج 2 ص 96.

امام شافعی رحمه الله در کتاب ( الام ) خویش فرموده: از سهم «سبیل الله» به مجاهدین که جهاد میکنند از اهل صدقه همان محل برابر است فقیر باشد یا غنی، به غیر شان داده نشود، مگر به کسی که از شرش مسلمانان محفوظ بمانند.<sup>1</sup>

مذهب حنابله رحمه الله : مذهب حنبلی مثل مذهب شافعی رحمه الله است و مراد از سبیل الله مجاهدین رضا کار است که از طرف دولت معاش ندارند و یا کمتر از کفاف زندگی شان است برای مجاهد اندازه کفاف جهاد شان داده میشود ولو که غنی باشد اگر بالفعل جهاد نمی کرد آنچی را که گرفته پس گرفته شود.<sup>2</sup>

موارد اتفاقی فقهای مذاهب چهارگانه در تعبیر از این مصرف: بعد از بررسی دیدگاههای مذاهب چهارگانه در پیوند به این مصرف معلوم گردید که فقهای چهار مذهب در سه مورد توافق نظر دارند:

1. جهاد در فی سبیل الله بطور قطعی داخل است.
  2. مشروعیت پرداخت زکات برای افراد مجاهدین، بخلاف هزینه نمودن به مصالح جهاد و موارد لازم آن که در این مورد اختلاف دارند.
  3. عدم جواز صرف زکات در جهات خیریه و اصلاح عامه از قبیل اعمار بندها، پل های کلان و ساختن مساجد و مدارس، باز سازی راهها و سرک های عام المنفعه، بلکه از راههای دیگری مصارف این موارد را تامین کنند، مثل فیئ و خراج و غیره.
- هزینه ای زکات در این موارد در نزد احناف به دلیل عدم تملیک جواز ندارد، اما در نزد دیگر فقهاء چون در قید مصارف هشت گانه این امور نیست، بنابراین جواز ندارد.
- موازنه و ترجیح از میان آرای فقهاء: بعد از تذکر دیدگاه های فقهاء در ماحول سبیل الله که بیشتر شان منوط به جهاد و آنچه در معنای آن است دانسته بودند و بعضی از علماء این مفهوم را توسعه بخشیده لازم به این میدانیم که واضح بسازیم، کدام یکی از این دودیدگاه به صواب نزدیک تر است و قابلیت ترجیح را دارد، بدون شک موسعون اعتماد به خود سبیل الله نموده اند که هرکاری خیر را شامل میشود، برای مسلمانان نفع برساند بنابراین دانشمندان اسلامی این مصرف را جواز داده اند که در بنای مساجد و مدارس و شفاخانه ها و هر راه خیر هزینه شود.

اما جمهوری از فقهای چهارگانه این توسع را منع نموده اند، بنابراین دودلیل:

<sup>1</sup> الام، شافعی، محمد بن ادریس شافعی، ج 2 ص 60 ط بولاق.

<sup>2</sup> مطالب اولی النهی، ج 2 ص 147-148.

اول: تعلیل احناف: اینها رکن زکات را تملیک میدانند، در صورت هزینه درجهات خیر این رکن منعدم میشود، دلیل آن این است که الله تعالی به صدقه مسمی کرده که حقیقت صدقه تملیک مال از برای فقیر میباشد.<sup>1</sup>

دوم: اموری چون اعمار مساجد، مدارس و کاریزها و غیره از مصارف هشتگانه نیست که قرآن کریم بیان نموده «انما الصدقات للفقراء... الایه» کلمه انما مفید حصر و اثبات است، مثبت مذکور نافی ما عدای آن است، به دلیل حدیث پیامبر ﷺ: «ان الله تعالی حکم فیها فجزاها ثمانية اجزا. الحدیث<sup>2</sup>» این دلیل است که ابن قدامه<sup>3</sup> در المغنی به آن اعتماد کرده است.<sup>4</sup>

نظر دوکتور قرضاوی رحمه الله: دوکتور قرضاوی رحمه الله نظریات فقهاء را مناقشه نموده چنین بیان نموده اند: هرچی دلیل اول که قبلا از آن متذکر شدیم در آن نظر است: مصارف که از آن قرآن کریم به حرف فی تعبیر نموده است در آن تملیک شرط نیست بنا بر این بعضی از فقهاء به جواز آزادی برده ها و پرداخت دین میت از زکاة با وجود عدم تملیک قول کرده اند، اما دلیل دوم که مبنی بر حصر مصارف هشت گانه است برای رد دلایل توسع کننده گان کافی باشد، زمانیکه اینها میگویند: این امور (بنای مساجد..) از معانی سبیل الله است که از مصارف هشت گانه که به (انما) حصر شده خارج نمی باشد، لیکن رد صحیح بر قول موسعون به محدود نمودن معنی مراده از سبیل الله این است که آیا خاص به جهاد و قتال است؟! چنانچه که نظر جمهور است، یا عام است که اطلاق به تمام راهای خیر میشود چنانچه نظر دیگران است که عموم لفظ به آن دلالت دارد.<sup>5</sup>

بخاطریکه بتوانیم طوری دقیق محتویات آن را مشخص کنیم، لازم است که موارد یکه این کلمه در قرآن کریم بکار برده شده را تذکر دهیم و واضح شود که مراد از آن چیست، پس بهتر است که تفسیر قرآن به قرآن شود.<sup>6</sup>

سبیل الله در قرآن کریم: سبیل الله در قرآن کریم شصت و چند بار تذکر یافته که به دو طریق آمده است: گاهی به حرف فی مجرور میشود (فی سبیل الله) چنانچی در آیه مصارف زکاة که بیشتر آمده است

<sup>1</sup> فتح القدیر ج 2 ص 20.

<sup>2</sup> رواه ابوداود فی سننه، والمرقات شرح مشکات ملا علی قاری به شماره 1835، کتاب الزکاة، کتاب الزکاة، باب من لاتحل له الصدقة.

<sup>3</sup> ابو محمد عبدالله بن احمد بن قدامة بن مقدم بن نصر بن عبدالله مقدسی (م 620 ق). (عبدالله در روستای (جماعیل یکی از قریه های نابلس در فلسطین) به دنیا آمد. ده ساله بود که خانواده اش از ستم صلیبان به دمشق کوچید. او در این شهر قرآن و مختصر الخرقی را از برکرد و از پدرش و ابوالکارم بن هلال و دیگران حدیث شنید. در سال 561 ق با پسرخاله اش حافظ عبدالغنی به بغداد رفت و از هبة الله دقائق، ابن بطی، عبدالقادر گیلانی و دیگران کسب حدیث کرد سپس در مکه از مبارک بن طباح و در موصل از خطیب شهر ابوالفضل حدیث شنید. او مدتی در مدرسه عبدالقادر اقامت داشت و کتاب الخرقی را نزد او خواند. پس از مرگ عبدالقادر، از ابوالفتح بن متی فقه آموخت. چهار سال در بغداد ماند و سپس به دمشق بازگشت و بار دیگر به بغداد رفت وی در جنگهای صلیبی شرکت می جست، در سال 574 ق به حج رفت و در بازگشت يك سال در بغداد ماند. سپس به دمشق بازگشت و در همین زمان به نوشتن کتاب «المغنی فی شرح الخرقی» پرداخت این قدامه در سال 620 هجری در دمشق وفات یافت و در کنار دامنه کوه قاسیون دفن گردید.

<sup>4</sup> المغنی ج 2 ص 167. (المکنة الشاملة آنلاین).

<sup>5</sup> فقه الزکاة ص 651.

<sup>6</sup> همان اثر.

وگاهی به حرف عن مجرور میشود(عن سبیل الله) این در بیست و سه جای قرآن آمده است، در جایکه به عن آمده یکی از دو فعل قبل از آن تذکر یافته(صد، اضلال)، اما درجایکه به فی آمده عموماً بعد از افعال(انفاق، هجرة، جهاد، قتال ویا قتل). آمده است، مراد از سبیل الله در آیات قرآنی چیست؟ مراد از سبیل الله راه درست که به وسیله ای آن انسان به خدا برسد آن راهی است که الله متعال برای هدایت انسانها انبیاء علیهم السلام را فرستاده.

اما زمانیکه واژه ای سبیل الله با انفاق مقارن شود دو معنی پیدا میکند یک معنی خاص و دیگر معنی عام که در اینجا مطلوب معنی خاص است به اساس قراین و دلایل که از نصوص قرآنی فهم میشود معنی خاص آن جهاد است چنانکه قول جمهور علماء به این است بنابراین آنچه قابل ترجیح است عدم احصار سبیل الله به جهاد عسکری محض میباشد.

تمام انواع جهاد نیاز به امداد و تمویل دارد، شرط این است که بخاطر خدا و اعلاى کلمة الله باشد مهم نیست که چی نوع جهاد، و اسلحه آن چی باشد.

امام طبری رحمه الله در تفسیر قول الله تعالی {وفی سبیل الله} فرموده: وفی النفقة فی نصره دین الله وطریقه و شریعتہ التی شرعها لعباده بقتال اعدائه و ذالک هو غز و الکفار).

جزء اول از کلام شیخ مفسرین واضح و مقبول است که شامل هر نفقه میشود که در نصرت اسلام و تأیید آن باشد اما جنگ با کفار یک نوعی از انواع جهاد است که در نصرت دین الله صورت میگیرد، فقهای پیشین اگر چند سبیل الله را منوط به جهاد عملی جهت تجهیز مجاهدین و محافظین سرحدات اسلامی کرده اند، اما نوع دیگری از مجاهدین را به آن اضافه مینماییم که به قلوب و عقول به تعالیم اسلامی و دعوت به سوی اسلام مجاهدت میکنند.

دلایل که دکتور قرضاوی رحمه الله برای انکشاف مفهوم جهاد به آن استناد نموده

اول: جهاد در اسلام محصور به مبارزه مسلحانه و جنگ با شمشیر نیست، بدون شک به روایت صحیح از پیامبر ﷺ نقل شده که از ایشان سوال کرده شد کدام نوع جهاد بهتر است؟ فرمودند: گفتن حق در نزد شاه ظالم.<sup>1</sup>

دوم: مفاهیم که ما از جهاد و نشاط اسلامی ارایه کردیم اگر چی در نص نیست اما قیاساً شامل میشود مقصد از هر دو کمک به اسلام و دفاع از آن میباشد، بنابراین آنچه که ما در معنای سبیل الله اختیار نمودیم نظر جمهور فقهاء است با بعضی توسعه در مدلول سبیل الله.<sup>2</sup>

<sup>1</sup> رواه احمد و نسائی و بیهقی در شعب الایمان.  
<sup>2</sup> فقه الزکاة با تصرف اندک ص 650.

سهم سبیل الله در زمان ما، در کجا باید هزینه شود؟ مصادیق آن میتواند آزادی سرزمین های اسلامی از حکم کفار، تلاش برای برگرداندن مجد و حکومت اسلامی باشد، میتواند ایجاد مراکز اسلامی، بنیاد خیریه، تاسیسات عام المنفعه، و غیره اموری خیر باشد.<sup>1</sup>

## 8. ابن سبیل

ابن سبیل در نزد جمهور علماء کنایه از مسافراست که از یک شهر به شهر دیگری گذر میکند، ابن زید میگوید: ابن سبیل مسافر را گویند ثروت مند باشد یا فقیر، وقتی به نفقه اش چیزی رسیده باشد و یا گم شده باشد یا همراهش چیزی نباشد در این صورت ها حق واجب وی است.<sup>2</sup>

توجه قرآن به ابن سبیل: لفظ (ابن سبیل) در قرآن کریم برای تعاطف و احسان به وی هشت بار آمده است که ما در این جا دو نمونه آن را تذکر میدهم، الله متعال در سوره ای اسراء که از سوره های مکی است فرموده: «وَأْتِ ذِي الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَلَا تَبْذُرْ تَبْذِيرًا».<sup>3</sup>

ترجمه: بده حق نزدیکان خود را و مستمندان را و ابن سبیل را و اضافه خرجی در غیر راه الله و امور نامشروع و اسراف نکنید.

و در سوره های مکی ابن سبیل را یکی از مصارف انفاق عنوان نموده است برابر است فرضی باشد یا نفلی، الله متعال فرموده: «يَسْئَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ».<sup>4</sup>

ترجمه: از تو میپرسند (ای پیامبر) از چی چیزوبرکی ها انفاق کنند؟ بگو! چیزی که انفاق میکنید از اموال تان برای والدین و نزدیکان، یتیمان و مستمندان و ابن سبیل بدهید.

حکمت توجه قرآن کریم به ابن سبیل: راز و حکمت در این امر را قرآن کریم بیان داشته، اسباب ذیل را بر میشماریم:

- 1- سیاحت برای طلب رزق، الله متعال فرموده: «فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهَا».<sup>5</sup>
- 2- سیاحت برای طلب علم، نظر و تفکر به آیات الله در کون، الله منان فرموده: قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَّلَ الْخَلْقَ».<sup>6</sup>
- 3- سفر برای جهاد فی سبیل الله خداوند منان فرموده: انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَالِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ».<sup>7</sup>

<sup>1</sup> همان اثر ص 66 با تصرف اندک.

<sup>2</sup> تفسیر طبری به تحقیق محمود شاکر ج 14 ص 320.

<sup>3</sup> سوره اسراء 26.

<sup>4</sup> سوره البقره 215.

<sup>5</sup> سوره الملک 15.

<sup>6</sup> سوره العنکبوت 20.

<sup>7</sup> سوره التوبه 41.

- 4- سفر برای عبادت و ادای مناسک حج: و لله على الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلا.<sup>1</sup> شروط پرداخت به این سبیل از مال زکات: برای دادن این سبیل از مال زکات شرایطی وجود دارد که بعضی اتفاقی و بعضی اختلافی میباشد:
- اول- درجایکه قرارداد نیاز مند باشد جهت رسیدن به وطنش.
- دوم- سفرش سفر گناه نباشد.
- سوم- درجایکه قرار دارد کسی را نیابد که برایش قرض بدهد، این شرط اختلافی است.<sup>2</sup>
- مطلب ششم: کسانیکه دادن زکات برایشان جایز نیست
- زکات مالیه ای است که دارای شرایط و ارکان خاص میباشد، برای تحقق اهداف معین در زندگی فردی اجتماعی و عالم انسانی وضع شده است برای هیچ فرد از افراد که اهلیت اخذ زکاة را نداشته باشد جایز نیست زکاة را بگیرد و برای هیچ صاحب مال و حاکم جایز نیست که زکاة را هر طوریکه بخواهند مصرف کنند تا زمانیکه محل و مصرف آن را نیابند، بنابراین فقهاء شرط کرده اند که گیرنده زکاة از کسانی نباشد که نصوص به حرمت دادن به آن ها صراحت دارد، که آنها طور اجمال قرار ذیل است.<sup>3</sup>
- 1- ثروت مندان.
  - 2- کسبه کاران دارای درآمد بیشتر.
  - 3- کفار و ملحدین که عملاً با مسلمانان در جنگ اند اجماعاً، و اهل ذمه در نزد جمهور فقهاء.
  - 4- کسی که نفقه اش بالای مزکی لازم است، اصول و فروع مزکی و خانم وی، اما باقی اقارب اختلافی است نیاز به تفصیل دارد.
  - 5- اهلیت پیامبر ﷺ که آنها بنی هاشم هستند به اتفاق علما امابنی مطلب اختلافی است.
  - 6- برده ها.
  - 7- فاسق و مبتدع (اختلافی است).
  - 8- جهات خیر غیر از اصناف هشت گانه (اختلافی است).

<sup>1</sup> سورة آل عمران 97.

<sup>2</sup> فقه الزکاة ص 678-680 با تصرف و اختصار.

<sup>3</sup> همان اثر ص 695 و زکاة عروض التجارة از سعید بن وهف القحطانی.



## مبحث دوم

### مفهوم کالاهای تجارتي، جایگاه و شروط آن در فقه اسلامی

این مبحث داری سه مطلب مییاشد

#### مطلب اول: عرض یا کالاهای تجارتي در لغت و در اصطلاح

در لغت: در لغت عرض یا کالا هر آن چیزی را گفته میشود که نقد نباشد.

در اصطلاح: هر آنچه که برای خرید و فروش جهت حصول فایده آماده شده باشد.<sup>1</sup>

این قدامه رحمه الله فرموده: عروض جمع عرض غیر نقد را گویند با اختلاف انواع آن از قبیل نبات و حیوان و عقار و سایر اموال.<sup>2</sup>

#### مطلب دوم: حکم زکات کالاهای تجارتي در فقه اسلامی

زکات کالاهای تجارتي فرض است به اساس عموم کتاب الله ﷺ و سنت رسول الله ﷺ و آثار و اجماع اکثریت از دانشمندان فقه اسلامی و قیاس صحیح، از جمله دانشمندان فقیه شریعت اسلامی که طوری نمونه از آنها یاد آوری مینماییم: فقهای هفت گانه.<sup>3</sup> ائمه ای چهار گانه.<sup>4</sup> امام ابوحنیفه.<sup>5</sup> امام مالک.<sup>6</sup> امام شافعی.<sup>7</sup> امام احمد.<sup>8</sup> و زیادی از فقهای مشهور اسلام که قابل شمارش نیستند از جمله شان ابن قییم<sup>9</sup> ابن حجر<sup>10</sup>، علامه شوکانی.<sup>11</sup> و غیره از معاصرین بلکه این موضوع اجماعی است در میان اهل علم. بنا بر این ابو عبید گفته است: مسلمانان اجماع کرده اند که زکاة فرض لازم در کالاهای تجارتي است اما قول خلاف اجماع در نزد ما از مذاهب اهل علم نیست.<sup>12</sup>

#### مطلب سوم: اقسام کالاهای تجارتي در عصر حاضر

تمام کالاهای که به نوعی در تجارت و اعمال تجاری دخیل است، و در تجارت به حیث بضعه تجاری خرید و فروش و یا غرض فروش تولید میگردد، میتواند بحیث اقسام کالاهای تجاری بحساب آید، نسبت نوع فعالیت تجاری کالاها فرق میکند، اگر فعالیت تجارتي یک شرکت تولیدی و یا صنعتی باشد،

<sup>1</sup> روض المربع با حاشیه ابن قاسم، بهوتی، منصور بن یونس بن صلاح الدین ط السنة العجیبة 1374 ش، 620/3، و شرح الممتع، ابن عثیمین 140/6.

<sup>2</sup> المغنی 249/4.

<sup>3</sup> بدایة المجتهد، ابن رشد حفید، ابوالولید محمد بن احمد، ط الاستقامة 254/1.

<sup>4</sup> الفقه علی المذاهب الاربعة، جزیری، عبدالرحمن ابن محمد عوض، ط دار لکتب العلمیة، ص 342.

<sup>5</sup> همان اثر ص 342.

<sup>6</sup> الموطاء، امام مالک بن انس، ط المطبعة السعادة 1/255.

<sup>7</sup> الام 68/2.

<sup>8</sup> المغنی 248/4.

<sup>9</sup> زاد المعاد، ابن قیم جوزی، محمد بن ابی بکر ابن ابوب بن سعد، ط السنة العجیبة 5/2.

<sup>10</sup> فتح الباری شرح صحیح البخاری، ابن حجر عسقلانی، 333/3.

<sup>11</sup> نیل الاوطار، شوکانی، محمد بن علی بن محمد بن عبدالله الیمنی، ط عثمانی 163/4.

<sup>12</sup> الاموال ابو عبید، قاسم بن سلام بن عبدالله الهروی البغدادی، ناشر: دار الفکر بیروت ص 429.

در آن صورت، میتواند مواد خام، آلات صنعتی، مواد تولید شده شرکت صنعتی همه کالاهای تجاری محسوب میشود؛ اگر فعالیت تجاری یک شرکت وارداتی باشد در آن صورت مواد وارد شده و آلات که در آن شرکت بکار میرود به عنوان کالای تجاری محسوب میشود، اگر فعالیت تجاری بانک و یا صرافی و یا شبکاتی باشد که معاملات نقدی انجام میدهند در آن صورت سرمایه نقدی و یا سرمایه که از بانک در این راستا بکار میرود و موارد ضروری آن به عنوان کالای تجاری محسوب میشود، اگر نوع فعالیت تجاری تنها خرید و فروش اجناس و یا اعیان باشد مثل خرید موادی برای تجارت و یا حبوبات برای تجارت در این صورت همان راس المال کالای تجاری شمرده میشود، همچنان اسهم و سندات.

## مبحث سوم

### دلایل اثبات زکات کالاهای تجارتي

این مبحث دارای شش مطلب میباشد.

#### مطلب اول: قرآن کریم

دلیل اول: الله متعال فرموده: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ﴾.<sup>1</sup>

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید، از چیزهای پاک کسب کرده خود نفقه کنید، و از چیزی که ما برایتان از زمین بیرون کردیم، و از چیزی ناپاک آن قصد به انفاق نکنید که خودتان آن را نمی گیرید مگر با بند کردن چشم در آن، بدانید که به درستی الله متعال بی نیاز و ستوده شده است.

امام مجاهد رحمه الله در وقت تفسیر این قول الله متعال ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ﴾ (من التجارة) گفته و در لفظ دیگری (من التجارة الحلال).<sup>2</sup>

این کثیر<sup>3</sup> رحمه الله فرموده: الله متعال بنده هایش را به انفاق از چیزهای پاکیزه که او برایشان روزی داده از جمله اموالیکه آنها کسب کرده اند امر نموده است، امام مجاهد فرموده: یعنی به سبب آسان گردانیدن تجارت برایشان.<sup>4</sup>

دلیل دوم: الله متعال فرموده: ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾.<sup>5</sup> ترجمه این آیه در سطور و بحث های قبلی گذشت در آنجا مراجعه شود.

امام قرطبی.<sup>6</sup> رحمه الله در تفسیر آیه فوق چند مسایل را ذکر کرده که بعضی از آنها قرار ذیل است: فرموده: ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً﴾ این آیه مطلق و غیر مقید به یک شرط در ماخوذ و ماخوذ منه است، مقدار ماخوذ و ماخوذ منه بیان نشده بلکه بیان آن در سنت و در اجماع شده است بنابراین زکات از تمام اموال

<sup>1</sup> سورة البقره 267.

<sup>2</sup> جامع البيان (تفسیر طبری) 556/5 به شماره 6121 و اثر که از مجاهد روایت است اسنادا صحیح است.

<sup>3</sup> اسماعیل ابن عمر ابن کثیر، دمشقی شافعی، در «مجید القریه» از توابع شهر «بصری» بدنیاً آمد به سال 701 هـ ق به دمشق منتقل شد، و تعلیم و تعلم را در محضر کمال الدین عبد الوهاب آغاز کرد، و برای تعمیم و تعمیق دانش خود به محفل عالمان، محدثان و فقیهان آن دیار وارد شد و از آنها بهره های فراوانی گرفت، و مشهور ترین اثر وی تفسیر جامع البیان معروف به تفسیر ابن کثیر است، و در سال 774 هـ ق در دمشق وفات یافت (المکتبة الشاملة آنلاین).

<sup>4</sup> تفسیر القرآن العظیم از ابن کثیر ص 212 ط دار السلام.

<sup>5</sup> سورة التوبه آیه 103.

<sup>6</sup> ابو عبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر قرطبی اندلسی از علمای اهل سنت است که در میان سالهای 600-671 هـ ق می زیست، قرطبی در فقه، پیرو مالک بن انس بود و در تفسیر آیات فقهی، ضمن نقل آرای فقیهان مذاهب دیگر، به بیان دیدگاه های فقهی مالک بن انس و اثبات آنها پرداخته است. با این حال، در مواردی که دلیل مالک را استوار ندانسته و به دلایلی محکم تردست یافته، اقوال دیگران را بر فتوای مالک مقدم داشته است. قرطبی در کلام نیز، مکتب اشعری را اختیار کرده بود و از آن دفاع می کرد. به همین جهت، بر بسیاری از فرقه های دیگر از جمله معتزله، و شیعه و... هجوم برده و آنها را نقد کرده است، قرطبی در مصر وفات و در همانجا دفن گردید (المکتبة الشاملة آنلاین).

گرفته میشود، بدون شک پیامبر ﷺ زکات را در مواشی و حبوبات و اعیان واجب دانسته است که در آن خلاف نیست، و در غیر آنها مثل اسب و سایر کالاها دانشمندان اختلاف نموده اند.<sup>1</sup>

امام ابن کثیر رحمه الله فرموده: الله متعال پیامبرش ﷺ را امر نموده که از اموال مسلمین صدقه بگیرد، پاک بگرداند ایشان را و تزکیه کند و این امر عام است اگرچی بعضی از مفسرین ضمیر در «اموالهم» را به «الذین اعترفوا بذنوبهم و خلطوا عملا صالحا و آخرسینا» رجعت داده اند.<sup>2</sup>

ترجمه: کسانی که از اهل مدینه به گناه خود اعتراف نمودند، عمل صالح را با بدش که کردار نا درست است به اشتباه گرفتند و خلط کردند.

دلیل سوم: الله متعال فرموده: {وَالَّذِينَ فِيْ اَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ ۚ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ}.<sup>3</sup>

ترجمه: مومنین کسانی هستند که در اموال شان حق تعیین شده است، برای سوال گران و محرومین.

قتاده.<sup>4</sup> رحمه الله فرموده: مراد از حق معلوم زکات مفروضه است.<sup>5</sup> از ابن عمر رضی الله عنهما در مورد این آیه سوال شد که مدلول آیه زکات است؟ فرمود: بدون شک بر تو حقوق غیر زکات نیز است.<sup>6</sup>

امام طبری رحمه الله: حق معلوم را به حق موقت تعبیر نموده که او زکاة است برای سائل که از مالش سوال میکند، و المحروم کسی که از ثروت محروم است، فقیر که سوال و تگدی نمی کند.<sup>7</sup>

علامه ابن عثیمین رحمه الله فرموده: زکات در کالاهای تجاری واجب است، دلیل بر این ادعا عموم قول الله متعال است که فرموده: «وفی اموالهم حق للسائل والمحروم»<sup>9</sup>.<sup>10</sup>

ترجمه: در اموال مسلمانان حق است برای سائلین و محرومین.

### مطلب دوم: سنت رسول الله ﷺ

دلیل اول: از جمله دلایلی از سنت رسول الله ﷺ قول پیامبر ﷺ برای معاذ بن جبل رضی الله عنه است وقتی که او را به یمن فرستاد برایش فرمود: برایشان تعلیم ده که الله متعال بالایشان صدقه را لازم گردانیده که از ثروت مندانشان گرفته و به فقراشان داده میشود. در لفظ مسلم آمده: برایشان خبر بده به

<sup>1</sup> الجامع لاحکام القرآن از قرطبی، قاهره 228/8.

<sup>2</sup> تفسیر القرآن العظیم ص 629، ط الحلبی.

<sup>3</sup> سورة المعارج 24-25.

<sup>4</sup> قتاده بن دعامة بن قتاده بن عزیز ابوالخطاب السدوسی بصری مفسر حافظ نابینا بود، در میان سالهای 61-118 هـ ق زندگی داشته امام احمد ابن حنبل گفته است: قتاده حافظ ترین اهل بصره است، ایشان در کنار علم حدیث در عربی و مفردات لغت و ایام عرب و نسب دست بالا داشت و شب قدر را دیده بود و به واسطه طاعون وفات شد (المکتبة الشاملة آنلاین).

<sup>5</sup> تفسیر جامع البیان، طبری، دارالمعارف، لبنان، 613/23.

<sup>6</sup> همان اثر 613/23.

<sup>7</sup> همان اثر 613/23.

<sup>8</sup> ابو عبدالله محمد بن صالح بن محمد بن سلیمان بن عبدالرحمن العثیمین تمیمی نجدی، معروف به محمد صالح بن عثیمین، در 14 ژوئن 1925م، برابر با 27 رمضان 1347ق، در شهر عنیزه واقع در ایالت قصیم در پادشاهی عربستان سعودی، متولد شد، رحلت 1421ق، 1379ش، 2001م.

<sup>9</sup> سورة الذاریات 19. (موقع شیخ صالح ابن عثیمین)

<sup>10</sup> الشرح الممتع، ط: دار ابن جوزی 140/6.

تحقیق بالایشان زکات را لازم گردانیده شده که از اموال ثروت مندان شان گرفته و به فقرايشان داده میشود.<sup>1</sup>

ظاهر حدیث دلالت بر عموم دارد در هر مال، علامه محمد بن صالح العثیمین رحمه الله فرموده: در این شکی نیست که کالاهای تجاری مال است.<sup>2</sup>

دلیل دوم: از سنت رسول الله ﷺ حدیث ابوهریره رضی الله عنه است که فرموده پیامبر ﷺ امر به صدقه نمود، سپس گفته شد: ابن جمیل، خالد بن ولید و عباس بن عبدالمطلب امتناع نموده اند، سپس رسول الله ﷺ فرمود: ابن جمیل را عیبی نیست مگر اوفقیار است الله او و رسولش را ثروت مند بگرداند، اما در حق خالد شما ظلم کرده اید، او زره و لوازم حربی خود را در راه الله متعال وقف کرده، اما عباس ابن عبدالمطلب کاکای پیامبر ﷺ بالای وی صدقه زکات و مثل آن یکجا لازم است.<sup>3</sup>

امام نووی رحمه الله در معنی حدیث فرموده: صحابه (موظفین زکات) از خالد رضی الله عنه مطالبه زکات لوازم حربی اش را نمودند به فکر اینکه این لوازم برای تجارت است و زکات در آن واجب است، اما به پاسخ منفی حضرت خالد رضی الله عنه مواجه شدند که فرمود: شما بالای من حق زکات ندارید، از این موضوع بعضی وجوب زکات کالاهای تجاری را استنباط میکنند، که جمهور علمای سلف و خلف به آن قایل اند، بخلاف داوود ظاهری.<sup>4</sup>

دلیل سوم: از حدیث ابو ذر غفاری رضی الله عنه مرفوعاً روایت است: در شتر صدقه اش است، در گوسفند صدقه اش، در گاو صدقه اش، در رخت صدقه اش است.<sup>5</sup>

دلیل چهارم: از سنت رسول الله ﷺ قول پیامبر ﷺ است: انما الاعمال بالنیات وانما لكل امرئ ما نوى.<sup>6</sup> علامه ابن عثیمین فرموده: اگر تاجر را سوال کنیم: به این اموال چی اراده داری؟ هر آینه خواهد گفت: طلا و نقره میخوام، نقدین را میخوام... بنا بر این مامیگوئیم: زکات کالاهای تجاری واجب است به اساس نص و قیاس صحیح.<sup>7</sup>

<sup>1</sup> بخاری به شماره 1395، مسلم به شماره 29 روایت نموده است.

<sup>2</sup> الشرح الممتع 6/ 140.

<sup>3</sup> متفق علیه، بخاری به شماره 1468 و مسلم به شماره 983 روایت نموده اند.

<sup>4</sup> المنهاج شرح صحیح المسلم بن الحجاج، یحیی بن شرف، نووی، ط دار احیاء تراث عربی 61/7.

<sup>5</sup> رواه احمد، ترمذی، حاکم و دارقطنی بیهقی و غیره اما شیخ البانی ضعیف گفته است.

<sup>6</sup> متفق علیه بخاری به شماره 1 و مسلم به شماره 1907.

<sup>7</sup> شرح الممتع 6/ 141.

## مطلب سوم: آثار صحابه رضی الله عنهم

آثار صحابه را پیرامون زکات کالاهای تجارتي طور نمونه بیان میداریم

اول: از حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنه روایت است که فرمود: در کالاهای زکات نیست مگر در صورتیکه از آن اراده ای تجارت شود.<sup>1</sup>

دوم: از عبدالله ابن عمر به قول عبدالرحمن بن عبدالقاری روایت است که وی در زمان حضرت عمر رضی الله عنه همراه عبیدالله بن ارقم، موظف بیت المال مسلمین بوده، زمانیکه عطایا خلاص شد حضرت عمر اموال تجارتي را به اساس ضرورت عاجل و آجل جمع نمود سپس زکات را از حاضر و غایب گرفت.<sup>2</sup>

سوم: از عمر بن عبدالعزیز رحمه الله روایت است که زریق بن حیان گفت که وی در زمان ولید، سلیمان و عمر ابن عبدالعزیز در بندر ورودی مصر موظف بود وی گفت: که عمر ابن عبدالعزیز برایش نوشت: ببین کسی را که از نزد تو از مسلمانان عبور میکند، از اموال تجاری شان از هر چهل دینار یک دینار بگیر در صورت که کم بود پس به حساب آن تا وقتی که به بیست دینار برسد اگر از ثلث دینار کم شد بگذار و از ایشان چیزی نگیر.<sup>3</sup>

## مطلب چهارم: اجماع

ابن منذر<sup>4</sup> رحمه الله فرموده: فقها اجماع کرده اند که کالاهای که برای تجارت باشد در آن زکات است وقتی که یک سال از آن بگذرد.<sup>5</sup>

امام ابن عبدالبر<sup>6</sup> رحمه الله گفته: دانشمندان اسلامی به این اختلاف ندارند که کالاهای از قبیل برده ها و غیر برده که برای تجارت نباشد در آن زکات نیست.<sup>7</sup>

ابن منذر رحمه الله در رابطه زکات کالاهای تجاری اجماع را نقل نموده که دانشمندان چون: ابن قدامه، صنعانی، امام نووی، ابن تیمیه و علامه شوکانی با ایشان موافق اند.<sup>8</sup>

<sup>1</sup> رواه البيهقي 147/4، عبدالرازق در المصنف 97/4 شافعي در الام 46/2 وابن ابي شيبة 183/3 وهو صحيح الاسناد چنانچه لجنة الدائمة در مجموع الفتوى 310/9 .

<sup>2</sup> ابو عبيد در اموال ص 520-526 ابن حزم آن را در محلی تصحيح کرده 234/5، اللجنة الدائمة در بحوث علمي به رياست ابن باز رحمه الله «آ» را ثابت دانسته، اللجنة 309/9.

<sup>3</sup> موطا امام مالك 255/1 كتاب الزكاة باب الزكاة عروض، جامع الاصول از عبدالقادر ارنؤوط به تحقيق ابن اثير.

<sup>4</sup> أبو بكر محمد بن إبراهيم ابن منذر نيشاپوري، در سال 242 هـ ق تولد شده مجتهد، فقيه محبث ثقة بود؛ نووي گفته: له من التحقيق في كتيبه ما لا يقاربه فيه أحد، وهو في نهاية من التمكّن في معرفة الحديث»، اوشيح حرم مكى بود تصانيف زيادى دارد، از جمله: «الإجماع»، و«الإشراف في مسائل الخلاف»، و«المبسوط»، و«جامع الأذكار» وغيرها، ودر سال 319 هـ ق درمکه وفات يافت.(المكتبة الشاملة آنلاين).

<sup>5</sup> الإجماع از ابن منذر ص 57 به شماره 137.

<sup>6</sup> ابو عمر يوسف بن عبدالله بن محمد بن عبدالبر بن عاصم نمرى، اندلسى، قرطبى مالكى متولد قرطبه در سال 368 هـ ق ميباشد، و علم را در شهرهاى مختلف اندلس از علمای زمان خود فراگرفت ومدتی منصب قضا را نیز به عهده داشت، ودر شاطبه در سال 463 وفات يافت.(المكتبة الشاملة آنلاين).

<sup>7</sup> التمهيد از ابن عبدالبر 129/17.

<sup>8</sup> المغنى از ابن قدامه، سبل السلام از صنعانی المجموع از نووی مجموع الفتاوى از ابن تیمیه رحمهم الله .

بغوی<sup>1</sup> رحمه الله فرموده: عامه اهل علم به وجوب زکات از قیمت کالاهای تجاری قایل اند زمانیکه به نصاب تمام سال رسیده باشد از آن چهار یک عشر را گرفته میشود.<sup>2</sup>

ابوعبید<sup>3</sup> رحمه الله فرموده: مسلمانان به این اجماع دارند که زکات در کالاهای تجاری فرض است اما قول غیره کسان در نزد ما از مذاهب اهل علم نیست.<sup>4</sup>

### مطلب پنجم: قیاس

امام نووی رحمه الله فرموده: زکات کالاهای تجاری واجب است به دلیل حدیث ابوذر غفاری رضی الله عنه و دیگر اینکه تجارت برای زیادت مال است و زکات به زیادت مال بستگی دارد مانند چریدن در مواشی.<sup>5</sup>

امام ابن رشد رحمه الله فرموده: هدف از کالاهای تجاری زیادت است بنابراین به اجناس سه گانه (مواشی، زراعت، نقدین) میماند، که در آنها به اتفاق دانشمندان فقه اسلامی زکات است.<sup>6</sup>

### مطلب ششم: شبهات مخالفین

آ- مذهب ظاهری در کالاهای تجاری

همه اهل سنت به این باورند که زکات در کالاهای تجاری واجب است.<sup>7</sup> مخالفت نکرده اند مگر بعضی از متاخرین علمای ظاهری چنانچه خطابی گفته، ابن حزم به دفاع از مذهب شان در محلی برخوردار است.<sup>8</sup> و بعضی ها در این زمان اخیر مثل شوکانی و صدیق حسن خان رحمه الله به وی میلان داشته و تاییدش کرده اند، که ما تعلیق مشبوه آنها را ذکر سپس باطل بودن آن را بیان خواهیم کرد:

آ- در این قول پیامبر ﷺ که در صحیحین و غیره کتب حدیث از ابی هریره رضی الله عنه نقل شده آمده است که آنحضرت ﷺ فرمود: «لیس علی مسلم فی عبده و لافرسه صدقه».<sup>9</sup>

<sup>1</sup> بغوی ابو محمد حسین بن مسعود، مفسر، محدث و فقیه شافعی سده ای پنجم و اوایل سده ششم می باشد، مشهورترین اثر وی معالم التنزیل است. (المکتبة الشاملة آنلاین).

<sup>2</sup> شرح السنه از امام بغوی 350/6.

<sup>3</sup> ابو عبید: قاسم بن سلام الهروی الازدی الخزاعی الخراسانی البغدادی در میان سالهای 157-224 ه ق زندگی کرده، از جمله علمای برجسته در علم حدیث و فقه و ادب، از اهل هرات و شخص مودب بود، به سوی بغداد سفر نمود، منصب قضاء را در طرسوس مدت 18 سال به عهده داشت، به مصر در سال 213 ه سفر نمود و بعد از حج در مکه وفات یافت و ی صاحب تألیفات فراوان است. (المکتبة الشاملة آنلاین).

<sup>4</sup> الاموال ص 429.

<sup>5</sup> المجموع 47/6.

<sup>6</sup> بدایة المجتهد از امام ابن رشد 254/1.

<sup>7</sup> یک قول در قدیم مبنی بر عدم وجوب زکات در کالاهای تجاری به امام شافعی رحمه الله نسبت داده شده و ایپمه مذهب شافعی در میان خود در این مورد اختلاف کرده اند، بعضی شان گفته اند که در این رابطه از امام شافعی دو قول است اما بعضی گفته اند که خلاف قول جدید دیگر قول از امام ثابت نیست، روض المربع از امام نووی ج 2 ص 16.

<sup>8</sup> المحلی از ابن حزم ج 6 ص 233-240.

<sup>9</sup> نیل الاوطار ج 4 ص 136.

ترجمه حدیث شریف: بر بالای مسلمان در برده و اسپش زکات لازم نیست. و قول پیامبر ﷺ که آن را احمد، ابو داوود و ترمذی از حضرت علی رضی الله عنه از پیامبر ﷺ روایت نموده اند: «قد عفوت لكم عن صدقة الخيل والرقيق فهاتوا صدقة الرقة من كل اربعين درهما درهما»<sup>1</sup>.

ترجمه حدیث شریف: به درستی که گذشت نمودم برای شما از زکات اسپ و برده ها پس بیاورید زکات نقره را از هر چهل درهم یک درهم. که ظاهر این احادیث دلالت به عدم وجوب زکات دارد در هر حالت برابر است که اموال تجارتي باشد یا خیر.

جمهور فقهاء از این شبهه چنین پاسخ داده اند: کسی اگر اندک تامل کند در عبارت حدیث میداند که این مشکل چگونه حل میشود، این حدیث نافی زکات از برده است که برای خدمت گرفته شده و اسپ که سوار میشود این دو از حواجی اصلی است و به اجماع مسلمانان از صدقه بخشیده شده است.

ب- و گفته اند که اصل در اموال مسلمین حرمت است چنانکه اصل برائت ذمه از تکلیف است، پس درست نیست که چیزی را بالای مسلمان واجب گردانیم که الله متعال و رسول الله ﷺ لازم نگردانیده باشد، و بدون شک در زمان پیامبر ﷺ انواع تجارت ها رایج بود اما از پیامبر ﷺ طوری صحیح نقل نشده که مفید وجوب زکات در کالاهای تجاری باشد، و دو حدیث سمره و ابوزر غفاری رضی الله عنهما که در این خصوص وارد شده به دلیل ضعف که دارند به حدیث مثل خود ها حجت شده نمیتوانند. به ویژه در امریکه بلوای عام است.<sup>2</sup>

جواب جمهور فقهاء: بدون شک چیزی را که آنها از اصول ذکر نموده اند با اصول دیگری که عموماً قرآن و سنت است و در هر مال حقی را لازم گردانیده در تعارض است، و همچنان معارض دلایل خاصی است که ما از قرآن و سنت، اقوال صحابه و تابعین و اجماع اهل دانش فقهی اخذ و به وسیله آنها سینه خود را تشفی بخشیدیم، اما حدیث سمره بن جندب که آنها قول بر ضعف آن نموده بودند، ابو داوود و منذری در این حدیث سکوت کرده اند که دلالت بر تحسین از جانب آنها دارد، ابن عبدالبر این حدیث را حسن خوانده است، و شیخ احمد شاکر به رد دیدگاه ابن حزم گفته است: راوی های این حدیث شناخته شده هستند، ابن حبان آنها را اهل ثقه خوانده است.

حدیث ابی ذر غفاری رضی الله عنه را حاکم تصحیح کرده و حافظ به این حدیث چندین طریق ذکر کرده و در یکی از آنها گفته: این اسناد کدام مشکلی ندارد.

این دو حدیث به وسیله عموماً قرآن و سنت، به عمل صحابه و به اجماع سلف تایید شده است، با وجود آن این هر دو حدیث را دیدگاه، صحیح و قیاس سلیم نیز تایید میکند.

<sup>1</sup> همان اثر ص 137. و ترمذی از بخاری صحت این حدیث را حکایت نموده است، حافظ ابن حجر این حدیث را حسن گفته است، دارقطنی گفته: کلام بجا این است که این حدیث موقوف به علی میباشد.  
<sup>2</sup> روضة النديه، صديق حسن خان ج 1 ص 192-193.



ج: - شبهه سوم را ابو عبید از بعضی کسانی که صحبت از فقه میکنند ذکر نموده: زکات در اموال تجارتي واجب نیست، دلیل شان این است کسی که زکات را از قیمت اموال تجاری لازم و واجب میداند، حال آنکه زکات در هر مال از نفس خود همان مال لازم است نه قیمت آن، قیمت غیر از متاع است بنا بر این زکات از کالاهای تجاری ساقط گردید، ابو عبید گفته: این تاویل در نزد ما غلط است: زیرا سنت رسول الله ﷺ موجود است که گاهی حق در مالی لازم بوده، برای سهولت پرداخت کننده ای زکات به غیر همان مال تغییر داده است، از این قبیل است مکتوب رسول الله ﷺ به حضرت معاذ رضی الله عنه در این مورد که غرض گرفتن جزیه: به تحقیق بالای هر بالغ یک دینار و یا معادل آن رخت یمنی است.<sup>1</sup> سپس به اهل نجران نامه نوشت که بالایشان دو هزار دسته لباس در هر سال، یا قیمت آن از دراهم است، سپس دراهم را بجای جنس قبول کرد، صحابه چون: عمر و علی رضی الله عنهما در قبول جزیه چنین کرده اند.<sup>2</sup>

دیدگاه بجا: بنا بر دلایل فوق واضح گردید و دانستیم که قول جمهور امت مصیب است بدون شک زکات در کالاهای تجاری فریضه ای لازم است و شبهات که از طرف مخالفین طرح میشود نمی تواند در مقابل دلایل معتبر و قوی جمهور و اجماع صحابه و تابعین و تبع تابعین، بر قدم ها استوار بماند.

ب - مذهب امامیه

در نزد فقهای امامیه زکات در کالاهای تجاری لازم نیست بلکه مستحب است بنابر قول صحیح تر در نزد شان.<sup>3</sup>

مگر آنها نظر دیگری هم دارند که خمس را در فایده ای تجارت لازم میدانند نه در راس المال، این آیه قرآنی را دلیل میآورند: ﴿واعلموا انما غنمتم من شيء فان لله خمسة وللرسول ولذی القربى والیتامی والمساکین وابن السبیل﴾.<sup>4</sup>

ترجمه: بدانید، چیزی را که شما غنیمت میگیرید به درستی که از آن الله متعال و رسول الله ﷺ و نزدیکان و یتیمان و مستمندان و ابن سبیل است.

گفته اند: هر فایده ای که برای انسان حاصل میشود از کسب و یا فایده ای تجارت ها و گنج ها و غیره در عرف لغت بنام غنم و یا غنیمه یاد میشود، با وجود این خمس فایده را لازم نمی دانند مگر در صورت زیادت از مخارج سال به خود و فامیلش.<sup>5</sup>

اهل سنت در این مورد میگویند: مراد از «ما غنمتم من شيء» همان معنای معتبر است که رسول الله ﷺ بیان کرده باشد، او هر چیزی است که به وسیله جنگ با کفار به دست آمده باشد نه هر چیزی که نام

<sup>1</sup> احمد، ابو داود نسایی ترمذی دارقطنی ابن حبان حاکم و بیهقی آن را روایت کرده اند.

<sup>2</sup> الاموال از ابی عبید با تصرف ص 427 و مابعد آن.

<sup>3</sup> مختصر النافع در فقه امامیه، محقق حلّی، ص 54.

<sup>4</sup> سورة الانفال آیه 41.

<sup>5</sup> جواهر الکلام، نجفی محمد حسن ج 16 ص 53.

غنیمت به آن از روی لغوی اطلاق شود، سیاق آیه هم همین معنی را بازگو میکند، در صورت ابقای آن به اطلاقش هر آینه خمس بالای موارث و مانند آن لازم خواهد شد، حال آنکه این امر خلاف اجماع است، هر آنچه مستلزم باطل باشد باطل است.<sup>1</sup>

---

<sup>1</sup> روضة النديه ج 1 ص 219.

## فصل دوم

### زکات کالاهای تجاری

این فصل دارای سه مبحث میباشد:

- 1- مبحث اول: شرایط زکات کالاهای تجاری، چگونگی پرداخت زکات، فرق میان تاجرمدیر و محتکر.
- 2- مبحث دوم: حولان حول کالاهای تجاری و فایده آن.
- 2- مبحث سوم: حکم زکات وسایل و آلات که در تجارت بکاربرده میشود، کیفیت قیمت گذاری کالاهای تجاری و مقدار واجب.

## مبحث اول

شرایط زکات کالاهای تجاری، چگونگی پرداخت زکات، فرق میان تاجر مدیر و محتکر

این مبحث دارای سه مطلب میباشد.

### مطلب اول: شرایط زکات کالاهای تجاری

تجارت: به تعریف بعضی فقهاء— هی کسب المال ببدل هو مال.<sup>1</sup>

کالاهای تجاری عبارت از آن اشیای است که بوسیله ای خرید و فروش برای این پیشه مهیاء شده باشد.

وبعضی از فقهاء چنین تعریف نموده اند: هو مایعد للبیع والشراء لاجل الربح.<sup>2</sup>

بنا بر این هر آن چیزی که انسان میخرد، از قبیل اشیاء و امتعه ای ضروری برای اشباع حوایج خویش، کالای تجاری به حساب نمی آید، گاهی یک انسان لباس برای پوشیدن و موتر برای سواری و اساس منزل برای خانه خریداری مینماید اینها کالای تجاری محسوب نمی شود، مگر در صورتی که چیزی را به مقصد فروش غرض حصول فایده خریداری نمود در آن صورت میتوان کالای تجاری نامید. بنابراین در عمل تجارت دو چیز نقش عمده بازی میکند:

#### 1. عمل. 2. نیت.

عمل همان خرید و فروش است، و نیت همان قصد تجارت غرض حصول فایده است، در تجارت

این دو عنصر لازم و ملزوم یک دیگر اند یکی بدون دیگری کامل نیست.<sup>3</sup>

اگر چیزی را برای نگهداشت خریداری نمود، مانند موتر برای سواری به این نیت بود که

در صورتی که فایده برابرسود به فروش میرساند در این صورت کالای تجاری محسوب نمی شود.<sup>4</sup>

بخلاف از آن صورت که چند موتر برای تجارت خریداری مینماید و یکی آنها را برای سواری استفاده مینماید که مشتری پیداشده از نزد وی خریداری مینماید این استعمال وی موتر را از تجاری بودن خارج نمی کند بلکه کالای تجاری محسوب میشود، زیرا معتبر نیت درونی که اصل است میباشد، بنابراین چیزی را که در نیت اش برای استعمال و نگهداری خریداری نموده باشد، فروش آن به قصد مفاد آن کالا را تجاری نمی سازد، اگر کالایی را بخاطر تجارت و حصول فایده خریداری نموده باشد استعمال وی کدام ضرری نمی رساند، اما اگر چند کالا را خریداری برای تجارت به قصد فایده نمود، سپس یکی از آنها را برای خودش جهت استعمال نگهداشت این نیت وی برایش کافیتست برای اخراج کالای تجاری در جمع کالای نگهداری شده جهت استعمال در نزد جمهور فقهاء.

<sup>1</sup> ردالمختار ابن عابدین دمشقی ج 2 ص 18.

<sup>2</sup> مطالب اولی النهی ج 2.

<sup>3</sup> در المختار ورد المختار ج 2 ص 18-19.

<sup>4</sup> در المختار وحاشیه آن ج 2 ص 19.

بعضی از فقهاء شرط دیگری را اضافه کرده اند که او نبود علت باعثه برای تکرار اخذ زکات است، که بنام (الثنی) یاد میشود، به قول ابن قدامه رحمه الله (الثنی) یعنی ایجاب دو زکات در یک سال به یک سبب.<sup>1</sup>

در حدیث رسول الله ﷺ آمده است: لاثنی فی الصدقة.<sup>2</sup> بنا بر این اگر شخصی زمین زراعتی را برای تجارت خریداری نمود و در آن کشت کرد، از حاصل آن عشر لازم گشت به زکاة عشر از حاصل آن اکتفا میشود زکاة تجارت از نفس زمین لازم نمی گردد تا در یک مال دوبار زکاة لازم نگردد، بعضی از فقهاء اختلاف کرده زکاة تجارت را در این رابطه لازم دانسته اند، و بعضی شان به ایجاب دو زکاة قول کرده اند چون سبب مختلف است حکم نیز مختلف میشود.<sup>3</sup>

زمانیکه از مال تجارت دانستیم چیزی که باقی ماند که بدانیم شروط زکاة کالای تجاری و راس المال تاجر: یا نقود است و یا متاعی است که به وسیله ای نقود قیمت گذاری میشود، در نقود کلامی نیست اما در متاع شروط که در نقود است در کالاها نیز است از قبیل حولان حول، بلوغ نصاب معین، فراغ از دین، اضافه بودن از حواجج اصلی، قابل ذکر است که نصاب نقود در زمان ما به اساس قول راجح که دوکتور یوسف قرضاوی رحمه الله نیز آن را ترجیح داده معادل (85) گرام طلا است.<sup>4</sup>

لکن کمال نصاب چی وقت است؟

آیا فقط در آخر سال معتبر است، و بس؟

یا کمال نصاب در تمام سال از اول تا اخیر شرط است؟

یا در دو طرف سال شرط است، در بین سال نیست؟

این سؤالاتی است که در بحث که ذیلا میآید پاسخ داده خواهند شد، تا باعث تشفی صدور من و خواننده گان عزیز شود.

برای اینکه به پاسخ سؤالات بپردازیم لازم میدانم تا دیدگاه ها در این رابطه را از فقهای پیشین نقل نمایم، در این خصوص از فقها سه قول است، که ذیلا به بیان آن خواهیم پرداخت:

دیدگاه اول: قول مالک رحمه الله است و امام شافعی رحمه الله در (الام) تصریح کرده که نصاب در آخر سال شرط است، بس، زیرا نصاب تعلق به ارزش کالا دارد و قیمت گذاری در هر زمان دشوار است بنابراین در زمان وجوب معتبر است که آخر سال میباشد، بخلاف دیگر کالاهای زکوی که نصاب اش از عین آن است، که محاسبه و قیمت گذاری آن دشوار نخواهد بود.<sup>5</sup>

<sup>1</sup> المغنی ج 2 ص 629.

<sup>2</sup> الاموال ابو عبید ص 375.

<sup>3</sup> در المختار ورد المختار ج 2 ص 19 و المغنی ص 630.

<sup>4</sup> فقه الزکاة از قرضاوی ص 329.

<sup>5</sup> المجموع یحیی بن شرف نووی ج 1 ص 55.

دیدگاه دوم: اعتبار نصاب در تمام سال، زمانیکه نصاب در یک لحظه ای سال هم دچار نقصان شد حولان حول منقطع شده است، زیرا در مال، نصاب و سال تمام قمری معتبر است، بنابراین نصاب کامل در تمام سال شرط است مثل دیگر امور، این دیدگاه: ثوری، احمد، واسحاق و ابی عبید، ابو ثور و ابن منذر رحمهم الله 1. است.

دیدگاه سوم: اعتبار نصاب در اول و آخر سال نه وسط آن، زمانیکه نصاب در دو طرف سال به زکاة رسید زکاة لازم می‌گردد، کم شدن نصاب در وسط سال به وجوب زکاة نقص نمی‌رساند، این قول امام ابو حنیفه رحمه الله و یارانش است، حجت وی مثل دلیل دیدگاه اول است (قیمت گذاری کالاهای تجاری در تمام سال دشوار و سبب مشقت است) بنا قیمت گذاری در تمام سال از مزکی عفو شده مگر در اول و آخر سال.

اگر کسی صاحب کالایی شد که ارزش آن کمتر از نصاب بود، و با این وجود نصف سال گذشت، سپس قیمت کالا زیادت پیدا کرد، یا نرخ ها تغییر پیدا کرد، در نتیجه قیمت کالا به نصاب رسید، یا به فروش رساند در بدل نصاب، یا هم در جریان سال مالک نصاب یک کالای دیگری میشود، ابتدای حول از همین لحظه شروع میشود، نصف سال که گذشته در نزد جمهور فقهاء محاسبه نمی‌شود.

اما در نزد امام مالک رحمه الله و امام شافعی رحمه الله که در (الام) تصریح نموده، سال بر کمتر از نصاب شروع شده، نصاب کامل شرط نیست مگر در آخر سال، زمانیکه در آخر سال به نصاب رسید مزکی زکات بپردازد.<sup>2</sup>

از امام مالک رحمه الله روایت کرده اند که فرموده: اگر شخصی پنج دینار داشت با این پنج دینار تجارت نمود و از آن یک سال گذشت، به اندازه رسید که در آن زکات لازم می‌گردید باید زکات بدهد.<sup>3</sup>

قول مختار دکتور قرضاوی رحمه الله؛ دیدگاه قابل ترجیح در نزد دکتور قرضاوی رحمه الله قول امام مالک و اصح در نزد شافعی رحمه الله است.<sup>4</sup> ایشان فرموده اند: زیرا شرط کردن حولان حول نصاب در تمام سال بدون دلیل است، در رابطه نص صحیح مرفوع وارد نشده است، و قتیکه نصاب در آخر سال کامل شد به همان تکمیل شدن نصاب در آخر سال اعتبار داده میشود، آغاز سال زکوی برای مسلمان معتبر است، زمانیکه همان موعد آمد زکات بپردازد از آنچه که مالک آن است وقتی که به نصاب پوره باشد کم شدن در میانه سال کدام باکی ندارد؛ ایشان با بیان این مطلب می‌گویند؛ در صورتیکه زکات تجارت پیشه ها را حکومت جمع آوری مینمود در آن صورت باید یک وقت را مشخص کند مثل ماه محرم در هر سال کسی که در این وقت دارای نصاب بود از وی زکات را گرفته میشود، اگر چند از نصابش یک

<sup>1</sup> المغنی ج 3 ص 32 وما بعد آن.

<sup>2</sup> همان اثر ج 3 ص 31.

<sup>3</sup> همان اثر ج 2 ص 31 وما بعد آن.

<sup>4</sup> روضة النديه ج 2 ص 267.

یا دوماه گذشته باشد. این امری است که درزکات مواشی، در زمان پیامبر ﷺ و خلفای راشدین به وقوع پیوسته است، موظفین زکات، زکات را از مال که حاضر و به نصاب رسیده بود از مالک نصاب اخذ میکردن و نمی پرسیدن که چقدر وقت و چند ماه را این نصاب پوره کرده است. فقط به کمال نصاب در وقت اخذ زکات اکتفاء میکردند، در عین حال زکات را نمی گرفتند مگر بعد از گذشت سال قمری کامل و در آغاز سال قمری جدید.<sup>1</sup>

دکتور قحطانی به سبک خود شرایط و وجوب زکات کالا های تجاری را بر می شمارد و نظریه خود را قناعت داده است بدون ذکر اقوال دیگر در رساله (زکاة عروض التجارة) خویش چنین بیان داشته است.<sup>2</sup>

شرط اول: نیت تجارت در کالاهای تجاری

زیرا کالاها در اصل خلقت برای استعمال میباشد کالاها را تجارتی گفته نمی شود مگر به نیت تجارت باشد، وجود نیت در تمام سال معتبر است زیرا شرطی است که وجودش در تمام سال حتمی میباشد، به دلیل قول پیامبر ﷺ «انما الاعمال بالنیات وانما لکل امرئ ما نوى».<sup>3</sup>

شرط دوم: رسیدن قیمت کالاهای تجاری به نصاب از اقل نقدین

اگر نصاب به یکی از نقدین برسد نه به دیگری قیمت گذاری به همان میشود، اگر چیزی را به وسیله ملک نصاب خریداری مینماید معتبر نیست، زیرا قیمت گذاری به یکی از نقدین حال فقراء را دیده میشود، اگر ملک نصاب به نصاب هر کدام از نقدین برابر شود، به نقدی قیمت گذاری شود که انفع برای اهل زکات باشد، در صورت تساوی به هر کدام که میخواهد نرخ گذاری نماید، دلیل در اعتبار نصاب قول پیامبر ﷺ است: «لیس فیما دون خمسة اوسق صدقة ولا فیما دون خمس ذود صدقة ولا فیما خمس اواق صدقة».<sup>4</sup> و به دلیل قول پیامبر ﷺ: «فاذا كان لك مئتا درهم وحال علیها الحول ففیها خمسة دراهم ولیس علیک شیء - یعنی فی الذهب - حتی یکون لك عشرون دینارا».<sup>5</sup>

ترجمه حدیث: به کمتر از پنج وسق (وسق معادل شصت صاع است) صدقه لازم نیست، و به کمتر از پنج شتر و کمتر از پنج اوقیه طلا (معادل هفت مثقال است) لازم نمیگردد.

وقول پیامبر ﷺ زمانیکه صاحب دوصد درهم شدی و سال قمری هم از آن گذشت در آن پنج درهم زکات لازم است و بر تو از طلا هیچ چیزی لازم نیست تا اینکه صاحب بیست دینار شوی.

<sup>1</sup> فقه الزکاة ص 331.

<sup>2</sup> شیخ سعید بن علی بن وهف بن محمد القحطانی به تاریخ 1372/10/25 ه در عربستان سعودی در سحرای وادی عرین در وادی اسلی جبال سود شرق شهر ابها منطقه عسیر تولد شده، ایشان از یک خانواده علمی هستند، با خانواده شان در ریاض زندگی داشتند و در سال 1440 ه ق وفات یافت.

<sup>3</sup> متفق علیه، بخاری به شماره 1 و مسلم به شماره 1907.

<sup>4</sup> متفق علیه، بخاری ج 2 ص 107؛ مسلم ج 2 ص 673.

<sup>5</sup> ابو داوود به شماره 1573 تخریج کرده و شیخ آلبانی در صحیح سنن ابو داوود تصحیح کرده.

شرط سوم: حولان حول

به دلیل قول پیامبر ﷺ «لیس فی مال زکاة حتی یحول علیه الحول»<sup>1</sup>.

در این شرط دکتور قحطانی در کتاب (زکاة عروض التجارة) دیدگاه دوم را که ما پیشتر از آن در ذیل دیدگاه‌های فقهاء پیرامون حولان حول ذکر نمودیم، بیان نموده و وجود نصاب در تمام سال را معتبر میدانند، وی به تایید دیدگاه مذهب خود چنین میگوید: زیرا در چیزی که حولان حول و نصاب شرط باشد وجود آن شی (نصاب) نیز در تمام سال شرط است؛ مثل پول.

بنابراین مثال‌های تفریعی را برای توضیح این دیدگاه بیان داشته که ما آن را قرار ذیل نقل مینماییم: اگر شخصی خریداری نمود کالایی را برای تجارت که به نصاب نرسیده بود سپس به نصاب رسید، سال از زمان بلوغ کالا به نصاب شروع میشود، اگر شخص مالک نصاب شد سپس کم شد اعتبار حول هم قطع میشود، اگر دوباره مال زیاد شد و عودت کرد و شخص مالک نصاب شد حول نیز از سر گرفته میشود، بنابراین دلایل که در زکات پول و مواشی تذکر رفت، اگر مالک نصاب در زمانه‌های مختلف شد در آن صورت برای هر نصاب حولان حول است، یک نصاب را به نصاب دیگری یکجا نمی‌شود، زیرا مالی که به دست آمده در آن حولان حول معتبر است، در صورتیکه نصاب اول بدون نصاب دوم کامل نباشد در آن صورت حولان حول هر دو از زمان ملک دوم شروع میشود، اگر هر دو نصاب بدون نصاب سوم کامل نشدند در آن صورت حولان حول همه از زمان تکمیل نصاب است، اما طبق دیدگاه احناف اگر نصاب در وسط سال دچار کسر شود در نصاب و وجوب زکات در اخیر سال کدام زیان وارد نمی‌کند.

اگر شخصی تاجر یک نصاب را در بدل نصاب دیگر به غرض تجارت خریداری نمود اعتبار حول قطع نمی‌شود، زیرا زکات به ارزش کالا تعلق دارد، قیمت در هر دو کالا یکی است فقط از یک کالا به کالای دیگری نقل نموده است، مانند پول که از یک دست به دست دیگری انتقال کند، اگر در بدل پول هم خریداری نمود اعتبار حول انقطاع پیدا نمی‌کند، زیرا قیمت پول ظاهر است در کالا پنهان شده، چنین حکم است وقتی نصاب کالای تجاری را در بدل نصاب نقد به فروش برساند، اعتبار سال منقطع نمی‌شود، اگر نصاب را در بدل متاع جهت نگهداری خریداری نمود، و یا کمتر از نصاب نقد و یا متاع را خریداری نمود، اعتبار حولان حول از وقت خریداری شروع میشود، زیرا چیزی را که در بدل نصاب خریداری نموده در حولان حول زکات به وقوع نپیوسته است از این ملحوظ، به آن بنا نمی‌شود، اگر نصابی را برای تجارت در بدل نصاب مواشی خریداری نمود یا مواشی را در بدل نصاب از کالای تجاری خریداری نمود در آن صورت حولان حول قطع میشود، زیرا دو جنس متفاوت است، اگر نصاب تجارت

<sup>1</sup> همان اثر.



مواشی بود در بدل آن خرید نصابی را برای نگهداری حولان حول انقطاع پیدا نمی کند، زیرا چریدن سبب وجوب زکات است، اینکه زکات کالای تجاری برچریدن مقدم شده به دلیل قوتش است وقتی معارض زایل شد حکم چریدن به دلیل ظهورش ثابت میشود.<sup>1</sup>

اگر زمین و درخت خرما را غرض تجارت خریداری نمود، سپس زمین را کشت و درخت خرما ثمر داد هر دو حولان حول شان هم زمان بود: میوه خرما پخته شد دانه کشت سخت شد، و قیمت زمین به نصاب تجارت میرسید، نزدیک به صواب این است شخص از تمامش زکاة تجارت را پرداخت کند زیرا مال تجارت است در آن زکاة تجارت لازم میگردد، مانند مواشی چرنده.

براین شروط سه گانه که تحت عنوان شرایط زکات کالاهای تجاری ذکر نمودیم از قبیل نیت تجارت، بلوغ نصاب، و اتمام حولان حول، شرایط عام زکات نیز اضافه میشود.<sup>2</sup>

قابل ذکر است که در رابطه به شرایط زکات کالاهای تجاری فقهای چهارگانه اختلاف دارند.<sup>3</sup> دیدگاهی را که من به آن تمایل دارم همان نظر امام ابوحنیفه رحمه الله و پیروانش است که به اعتبار نصاب در دو سر سال قول کرده اند؛ به اساس حدیث رسول الله ﷺ که فرموده: لیس فی مال زکاة حتی یحول علیه الحول.<sup>4</sup>

ترجمه حدیث: در مالی زکات نیست تا به آن یک سال کامل بگذرد؛ زیرا وجود نصاب و حولان حول در اموال زکوی شرط است، در نبود شرط مشروط متحقق نمی شود، شاید حدیث را که ما نقل نمودیم در نزد جناب دکتور قرضاوی رحمه الله به صحت نرسیده باشد، اما علامه ناصرالدین البانی<sup>5</sup> در صحیح سنن ابی داود این حدیث را حکم به صحت نموده است؛ همچنان اگر نصاب را در اواخر سال زکوی اعتبار بدهیم در معنی این حدیث نوعی از اهمال خواهد شد و در ضمن شمارش اموال در دو سر سال برای مزکی دشوار خواهد بود از اینکه در تمام ایام سال شمارش کند. والله اعلم.

<sup>1</sup> (الكافی) 164-162/2 والمغنی 251/4-255 از ابن قدامه

<sup>2</sup> زکاة عروض التجارة از د. قحطانی ص 20.

<sup>3</sup> حاشیه ای زکاة عروض التجارة از د. قحطانی ص 18.

<sup>4</sup> ابو داود به شماره 1573 تخریح کرده و شیخ البانی در صحیح سنن ابو داود، حکم به صحت حدیث نموده است..

<sup>5</sup> البانی: محمد ناصر الدین البانی در سال 1332 ه ق در شهر «أشفو دره در البانی» پایتخت حکومت البانی در خانواده ای فقیر، متدین و اهل علم دیده به جهان گشود پدرش «نوح نجاتی» بعد از اینکه دروس دینی را در مدارس دینی آستانه قدیم «استانبول» امروزی، پایتخت دولت عثمانی فرا گرفت، برای خدمت دین و آموزش مردم به سرزمینش البانی برگشت، و مردم برای یادگرفتن امور شرعی به وی مراجعه می کردند. دیری نگذشت که حکومت البانی را فردی لائیک بنام احمد زوغو بدست گرفت، و مسلمانان تحت فشار شدیدی قرار گرفتند، او کشف حجاب و پوشیدن لباسهای غربی را اجباری نمود، همین مسأله باعث شد تا پدر شیخ وعده ای کثیری برای حفظ دین و ایمان و آینده فرزندان به فکر هجرت بیفتند. و شهر دمشق را که در سرزمین شام قرار دارد انتخاب نمودند. آنهم بخاطر فضائی که سرزمین شام از آن بر خوردار است و دعایی که از رسول الله ﷺ در حق آن سرزمین روایت شده است، و در سال 1420 ه ق وفات یافت. المكتبة الشاملة آنلاین).

## مطلب دوم: تاجر چگونه زکات کالاهای تجاری خود را خارج کند؟

ثروتی که تاجران در تجارت خود بکار میبرد خالی از سه صورت نیست:

1. ثروتی که به شکل کالا و امتعه است که تاجر برای فروش و تجارت خریداری نموده اما تا هنوز به فروش نرسانیده است.

2. یا به صورت نقدی بالفعل در دست و اختیارش است، و یا هم در بانک ها نگهداری میکند.

3. یا به صورت قرض بالای دیگران دارد میباشد، که بعضی آن قابل حصول و یا هم صعب الحصول و بعضی غیر قابل حصول است.

فراموش نشود، قسمی که تاجر بالای دیگران دین دارد، کم وقت میشود که تاجر از دیگران هم قرضدار نباشد، پس چگونه تاجر مسلمان زکات سرمایه ای تجاری خود را در صورت های فوق بکشد؟

برای جواب این سوال بعضی از اقوال که در این خصوص از تابعین وارد شده را ذکر مینماییم، چنانچه که ابو عبید روایت نموده است؛ میمون بن مهران فرموده: زمانیکه زکات بالایت واجب گشت ببین چه اندازه نقد یا کالا نزدت داری سپس متاع را به قیمت نقد نرخ گذاری کن و آنچه که دین بالای اشخاص ثروت مند غیر ماطل داری آن را نیز حساب کن بعد از آن از مجموع سرمایه ات دیون خود را وضع کن سپس از باقی مانده زکات ده. 1.

حسن بصری رحمه الله فرموده: زمانیکه ماه پرداخت زکات رسید شخص از تمام مال که دارد زکاة بدهد از نقد و هر آنچه که خرید و فروش در تجارت مینماید، و از تمام دیون خود که بالای مردم دارد مگر آن دین که پوشیده بوده و امید حصول آن نباشد. 2.

ابراهیم نخعی. 3. فرموده: نرخ گذاری کند شخص تاجر کالاهای تجاری خود را همراه مالش زمانیکه بالایش زکات لازم الاداء شد زکات بدهد. 4.

نظرتوضیحی و ترجیحی دکتور قرضاوی رحمه الله از اقوال این فقهای فوق الذکر برای ما واضح میگردد که بالای تاجر مسلمان لازم است زمانیکه موعد ادای زکات فرا رسید اموال خود را جمع نموده یکی را بردیگری ضم نماید از قبیل راس المال، فایده ها، و ذخایر و دیون که قابل حصول است همه را به قیمت بازار نرخ گذاری نماید، برابر است که در تجارت بکار برده باشد یا خیر و از تمام اینها ربع عشر (2.5 فیصد) خارج کند، دونیم فیصد، اما در مورد دین که امید حصول آن نیست نظر کسی را ترجیح

<sup>1</sup> الاموال از ابی عبید ص 426.

<sup>2</sup> همان اثر ص 426.

<sup>3</sup> ابراهیم نخعی: ابو عمران ابراهیم بن یزید بن اسود بن عمرو بن ربیع، در مورد تاریخ ولادت وی اقوال مختلف است بعضی 38 ه و بعضی هم 50 ه گفته اند و در مورد وفات وی نیز دیدگاهها متفاوت است که 94، 95، 96 ه گفته اند، از تابعین نامدار کوفه که روایات و اقوال وی در فقه و تفسیر مورد توجه نسلهای بعد قرار گرفت اگرچه غالباً او را صاحب نسب عربی دانسته اند، اما برخی، از جمله ابو عبیده وی را از موالی شمرده اند، مادر وی ملیکه بنت یزید بن قیس نخعی از خاندان اهل دانش بود و برادران ملیکه، اسود بن یزید و عبدالرحمان بن یزید، از عالمان کوفه و نخستین استادان ابراهیم به شمار می رفتند، شخص متقی و زاهد بود و از شهرت طلبی دوری میگزید. (المکتة الشاملة آنلاین).

<sup>4</sup> همان اثر ص 426.

دادیم که میگویند: زکات در آن نیست مگر در صورتی که به دست بیاورد، هر زمانیکه به دست آورد یک سال را زکات بدهد.<sup>1</sup> به دلیل اختیار کردن ما زکات دادن از مال که به دست میآورد در وقت به دست آوردن که به نصاب رسیده باشد، اما آنچه که خود دین دار است از مجموع سرمایه اش وضع کرده سپس از باقی مانده زکات بدهد.<sup>2</sup>

آنچه من به آن میلان دارم، در رابطه به پرداخت زکات دیون صعب الحصول، دیدگاه کسانی است که وجود نصاب را در دوسر سال شرط میدانند، بنابراین آنها در این مورد بدین باور اند که باید نصاب از زمان حصول دین محاسبه شود الی تکمیل یک سال قمری کامل سپس زکات بدهد، با این گفته شان همراه شرط کننده گان نصاب در تمام سال هم گام میشوند، اگر نصاب در میان سال دچار کسر شد کدام باقی ندارد در نزد امام ابوحنیفه رحمه الله و یارانش، اما کسانی که در تمام سال وجود نصاب را شرط میگویند قایل به این اند که در صورت کسر نصاب در وسط سال حولان حول تغییر میکند و اگر دوباره به نصاب رسید از همان زمان اعتبار سال شروع میشود.

#### مطلب سوم: فرق میان تاجر مدیر و تاجر محتکر

جمهور فقهاء در میان این دو فرق قایل نیستند اما امام مالک رحمه الله بخلاف جمهور نظر دیگری ارایه نموده است که به اساس آن در میان این دو فرق قایل شده است، تاجر مدیر از دیدگاه امام مالک رحمه الله کسی است که خرید فروش به قیمت حاضر میکند، در خرید و فروش کدام وقت محدد ندارد.<sup>3</sup> امام مالک با معیت جمهور فقهاء میگوید: از کالاها و متاع که دارد در هر سال زکات بدهد، اگرچی در شرایط حولان حول نصاب حول را در اول سال شرط نمی داند که پیشتر از آن متذکر شدیم. تاجر محتکر: کسی است که کالا و یا متاع را خریداری مینماید و آن را محافظت و نگهداری میکند به امید بلند رفتن ارزش اشیاء در بازارها. مانند: کسی که عقارات و زمین های نمره شده و غیره را خریداری منتظر میمانند با آن یک مدت زمانی و در عین حال از بازارها نظارت میکنند تا نرخ ها بلند برود که کالاهای نگهداری شده را در وقت مناسب آن به فروش برسانند، امام مالک رحمه الله فرموده: زکات بالای این شخص محتکر به گذشت سال ها هم تکرار نمی شود بلکه زمانیکه متاع را به فروش رسانید از ارزش مجموعی آن زکات بدهد برای یک سال، اگرچی در نزد وی سال ها باقی بماند.<sup>4</sup>

نیک میدانیم که عبارت دقیق تری که از این رشد، در بیان مذهب امام مالک آن را ذکر نموده در این جا نقل نماییم: ایشان فرموده اند: امام مالک رحمه الله گفته است: وقتی فروخت همان کالای نگهداری شده را برای یک سال مثل دین قابل حصول زکاة بدهد، این نزد او (مالک رحمه الله) است در مورد تاجری

1 این نظر امام مالک رحمه الله است در تمام دیون.

2 فقه الزکاة ص 333.

3 بلغة السالک لا قرب المسالک، صاوی مالکی ج 1 ص 224.

4 فقه الزکاة ص 334

که زمان فروش متاعش مشخص است، اما کسانی که زمان خرید و فروششان منضبط نیست آنها به اسم مدیر خاص شده اند حکم این ها در نزد امام مالک رحمه الله بالایشان حولان حول از ابتدای تجارت شان شد، مکلف اند که آنچه از کالاها در دست دارند نرخ گذاری نموده سپس آنچه که از نقد و دین قابل حصول دارند به آن ضم نمایند در صورتی که مانند آن دین دار نباشند این امر خلاف دین تجار غیرمدیر است، زمانی که از موارد مذکور یک نصاب کامل شد در آن صورت زکات خود را بدهد.<sup>1</sup>

ابن رشد به تعقیب ذکر نظر امام مالک رحمه الله میفرماید: این نظر بیشتر به یک شرع زاید میماند از اینکه شرع مستنبط از شرع ثابت باشد، به مانند آن چیزی است که به قیاس مرسل تعریف میکنند که به هیچ اصل منصوصی در شریعت استناد ندارد، مگر آنچه که عقل درکش میکند از مصالح شرعی در آن، دقیقاً مالک رحمه الله مصالح را معتبر دانسته اگرچی به اصول منصوصی استناد ندارد.

دیدگاه مالکی ها در مورد تاجر مدیر که متاعش فاسد و اموالش دچار ورشکست میشود مختلف است: آیا محترک میگردد؟ که زکات نپردازد مگر چیزی را که بالفعل به فروش رسانده است یا مدیر باقی میماند؟ که کالاهای تجاری خود را نرخ گذاری نموده و زکات آن را بپردازد، سخنون از مالکی ها گفته: محترک میگردد، بخلاف ابن قاسم؛ به چی چیز تاجر ورشکست شده شناخته میشود؟ در طی دوسال یا به وسیله ای عرف؟ در این خصوص دودیدگاه است از سخنون و عبدالملک.<sup>2</sup>

نظرتوضیحی و ترجیحی دکتور قرضاوی رحمه الله دیدگاه ترجیحی دکتور قرضاوی رحمه الله موید جمهور است و میفرماید: حقیقت این است که دیدگاه جمهور نظر به دلایل قوی که دارد از دیدگاه امام مالک رحمه الله بهتر و به حق نزدیک تر است زیرا معتبر ایجاب زکات در کالای تجاری است، بدون شک کالاهای تجاری مال هستند در پی زیادت میباشند، مانند نقود، برابر است که بالفعل افزود شود یا هیچ افزود نشود، بلکه برابر است فایده کند یا زیان، تاجر مدیر باشد یا محترک، بدون شک مالک نصاب نمو کننده شده است پس لازم است که زکات بدهد؛ با وجود این گاهی نظر امام مالک و سخنون<sup>3</sup> مجال پیدا میکند که در آن مجال از این دیدگاه گرفته شود، این مجال در احوال و ورشکست و نقص در تجارت است که در بعضی از سال ها کالاهای تجاری را میرسد، حتی سالها میگذرد به فروش نمی رود مگر اندک، در این صورت از تیسیر و تخفیف شریعت در حق این تاجر کار گرفته شود از وی زکات گرفته نشود مگر از چیزی که فروخته است بالفعل و سال های که در تجارت دچار رکود و نقص شده زکات گرفته نشود، این تخفیف و تیسیر برای این است که چیزی که به مال تجاری وی رسیده از اختیار و کار دست وی نیست.<sup>4</sup>

<sup>1</sup> بدایة المجتهد از ابن رشد ج 1 ص 260-261.

<sup>2</sup> به شرح رساله سابق دیده شود.

<sup>3</sup> سخنون: ابو سعید عبدالسلام بن سعید بن حبیب التتوخی قاضی و فقیه و از جمله فقهای مشهور مالکی در المغرب عربی بود ایشان در سال 160 هـ در قیروان متولد گشت؛ در حکومت الاغلیه به مدت 6 سال منسب قضا را به عهده داشت و از وی حکایت است که در مدت منسب قضا هیچ معاش نگرفته است، و در سال 240 هـ در منسب قضا وفات یافت و محمد اول بن الاغلب بر وی نماز کرد. (مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی آنلین).

<sup>4</sup> فقه الزکاة ص 335.

## مبحث دوم

### حولان حول کالاهای تجارتي وفايده ای آن

این مبحث دارای چهار مطلب میباشد.

#### مطلب اول: حولان حول کالاهای تجارتي

در این خصوص فقهاء به سه دیدگاه عمده تقسیم شده اند، که ما آن را در ذیل شرایط زکات بیان و نظر راجح را تحت عنوان قول مختار توضیح دادیم، لازم به ذکر است که در این مبحث تحت یک مطلب مستقل بررسی نموده و دیدگاه قابل ترجیح را با دلایل موجه آن غرض روشن شدن اذهان خواننده گان توضیح خواهیم داد.

دیدگاه اول: قول مالک رحمه الله است و امام شافعی رحمه الله در (الام) تصریح کرده که نصاب در آخر سال شرط است بس، زیرا نصاب تعلق به ارزش کالا دارد و قیمت گذاری در هر زمان دشوار است بنابراین در وقت وجوب اداء ارزش گذاری معتبر است که آخر سال است به خلاف دیگر اموال زکوی که نصاب اش از عین آن است؛ در آن صورت دشوار نخواهد بود.<sup>1</sup>

دیدگاه دوم: نصاب در تمام سال را اعتبار میدهند زمانیکه نصاب در یک لحظه سال هم دچار نقصان شد، حولان حول منقطع شده است، زیرا در مال، نصاب و سال تمام معتبر است، بنابراین نصاب کامل در تمام سال شرط است مثل دیگر امور، این قول ثوری و احمد، اسحاق و ابی عیید، ابی ثور و ابن منذر رحمهم الله.<sup>2</sup>

دیدگاه سوم: اعتبار نصاب در اول و آخر سال نه وسط آن، زمانیکه نصاب در دو طرف سال به زکات رسید زکات لازم میگردد، کم شدن نصاب در وسط سال به وجوب زکات نقص نمی رساند، این قول امام ابو حنیفه رحمه الله و یارانش است؛ حجت وی مثل دلیل قول اول است (قیمت گذاری کالاهای تجارتي در تمام سال دشوار و سبب مشقت است) بنابراین قیمت گذاری در تمام سال از زکات دهنده عفو شده مگر در اول و آخر سال.<sup>3</sup>

اگر کسی به دست میآورد کالای را که قیمت آن کمتر از نصاب است با این وجود نصف سال میگردد، سپس قیمت کالا زیادت پیدا میکند، یا اسعار تغییر میکند در نتیجه قیمت کالا به نصاب میرسد،

<sup>1</sup> المجموع ج 1 ص 55.

<sup>2</sup> المغنی ج 3 ص 31 وما بعد آن.

<sup>3</sup> همان اثر ص 32 وما بعد آن

یا به فروش میرساند در بدل نصاب، یا در جریان سال مالک نصاب یک کالای دیگری میشود، ابتدای حول از همین لحظه شروع میشود، نصف سال که گذشته در نزد جمهور فقهاء محاسبه نمی شود.<sup>1</sup>

اما در نزد امام مالک رحمه الله و امام شافعی رحمه الله که در (الام) تصریح نموده که سال بر مادون نصاب شروع شده، نصاب کامل شرط نیست مگر در آخر سال، زمانی که در آخر سال به نصاب رسید زکات دهنده مکلف است زکات مال خود را بپردازد.<sup>2</sup>

در این رابطه از امام مالک رحمه الله روایت کرده اند که فرموده: اگر شخصی پنج دینار داشت با این پنج دینار تجارت نمود و از آن یک سال گذشت، به اندازه رسید که در آن زکات لازم میگردید باید زکات بدهد.<sup>3</sup>

دیدگاه مختار دکتور قرضاوی رحمه الله قول امام مالک و اصح در نزد امام شافعی رحمه الله است.<sup>4</sup>؛ زیرا شرط کردن حولان حول از نظر ایشان بدون دلیل است؛ وی میگوید در رابطه نص صحیح مرفوع وارد نشده است، وقتی نصاب در آخر سال کامل شد به همان اعتبار داده میشود، ابتدای سال زکوی برای مسلمان معتبر است، زمانی که همان موعد آمد از آنچه که مالک آن است بشرط کامل بودن نصاب، باید زکات بپردازد کم شدن در میانه ای سال کدام باکی ندارد؛ اما اگر زکات تجار را حکومت جمع آوری مینمود در آن صورت باید یک وقت را مشخص کند مثل ماه محرم در هر سال کسی که در این وقت دارای نصاب بود از وی زکات را گرفته میشود؛ اگر چند از نصابش یک یا دو ماه گذشته باشد؛ این امری است که در زکات مواشی در زمان پیامبر ﷺ و خلفای راشدین به وقوع پیوسته است، موظفین زکات، زکات را از مال که حاضر بود و به نصاب رسیده بود از مالک نصاب اخذ میکردند و نمی پرسیدند که چقدر وقت و چند ماه را این نصاب پوره کرده است؟ فقط به کمال نصاب در وقت اخذ زکات اکتفاء میکردند، در عین حال زکات را نمی گرفتند مگر بعد از اكمال سال قمری.<sup>5</sup>

مناقشه ای این دیدگاه: این نظر قابل مناقشه است؛ زیرا حولان حول و وجود نصاب دوشرطی است که به اساس حدیث صحیح رسول الله ﷺ ثابت که میفرماید: لیس فی مال زکاة حتی یحول علیه الحول.<sup>6</sup> و جناب دکتور رحمه الله که استدلال نموده موظفین زکات از مزکی ها سوال نمیکردن این ادعا متکی به دلیل ارایه نشده، و حکمی که صریح است آن شرط حولان حول است به آن عمل میشود.

نظر د. قحطانی: دکتور قحطانی در رساله ای تحقیقی خویش زیر عنوان (زکاة عروض التجارة الاسهم والسندات والورق النقدي) در رابطه به حولان حول زکات کالاهای تجاری بحث نموده در آن

<sup>1</sup> همان اثر ص 32. وما بعد آن..

<sup>2</sup> المغنی ج 2 ص 31 وما بعد آن.

<sup>3</sup> الروضة النديه ج 2 ص 267.

<sup>4</sup> همان اثر.

<sup>5</sup> فقه الزکاة ص 331.

<sup>6</sup> ابو داوود به شماره 1573 تخریج کرده و شیخ آلبنی در صحیح سنن ابو داوود، حکم به صحت حدیث نموده است..

از اختلافات فقهاء در این خصوص تذکر به عمل نیاورده بلکه نظر که خود به آن تمایل داشته را با ذکر دلایلی از احادیث پیامبر ﷺ و عقل بیان نموده است که با قول شماره دوم که در صفحه قبلی از آن تذکر به عمل آمد هم خوانی دارد، که ذیلا در بیان آن میپردازم:

به دلیل قول پیامبر ﷺ لیس فی مال زکاة حتی یحول علیه الحول<sup>1</sup>.

ترجمه حدیث: در مالی زکات لازم نمیگردد تا اینکه یک سال کامل قمری از آن بگذرد.

وجود نصاب در تمام سال معتبر است؛ زیرا در چیزی که حولان حول و نصاب شرط باشد وجود

آن شی (نصاب) نیز در تمام سال شرط است، مثل پول.

اگر شخصی خریداری نمود کالایی را برای تجارت که به نصاب نرسیده بود سپس به نصاب

رسید، سال از زمان بلوغ کالا به نصاب شروع میشود، اگر شخصی مالک نصاب شد سپس کم شد اعتبار

حول هم قطع میشود، اگر دوباره مال زیاد شد و عودت کرد و شخص مالک نصاب شد حول نیز از

سرگرفته میشود، بنابر دلایل که در زکات پول و مواشی تذکر رفت، اگر مالک نصاب در زمانه های

مختلف شد در آن صورت برای هر نصاب حولان حول است، یک نصاب را به نصاب دیگری یکجا نمی

شود، زیرا مال که به دست آمده در آن حولان حول معتبر است، در صورت که نصاب اول بدون نصاب

دوم کامل نباشد در آن صورت حولان حول هر دو از زمان ملک دوم شروع میشود، اگر هر دو نصاب

بدون نصاب سوم کامل نشدند در آن صورت حولان حول هم از زمان تکمیل نصاب است.<sup>2</sup>

اگر شخص تاجر یک نصاب را در بدل نصاب دیگر به غرض تجارت خریداری نمود اعتبار حول

قطع نمی شود، زیرا زکات به قیمت تعلق دارد، قیمت در هر دو کالا یکی است فقط از یک کالا به کالای

دیگری نقل نموده است، مانند پول که از یک دست به دست دیگری انتقال کند، اگر در بدل پول هم

خریداری نمود اعتبار حول انقطاع پیدا نمی کند، زیرا قیمت پول ظاهر است در کالا پنهان شده، چنین

حکم است وقتی نصاب کالای تجاری را در بدل نصاب نقد به فروش برساند، اعتبار سال منقطع نمی

شود، اگر نصاب را در بدل متاع جهت نگهداری خریداری نمود، و یا کمتر از نصاب، نقد و یا متاع را

خریداری نمود، اعتبار حولان حول از وقت خریداری شروع میشود، زیرا چیزی را که در بدل نصاب

خریداری نموده در حول زکاة به وقوع نپیوسته است بنا به آن بنا نمی شود، اگر نصابی را برای تجارت

در بدل نصاب مواشی خریداری نمود یا مواشی را در بدل نصاب از کالای تجاری خریداری نمود در

آن صورت حولان حول قطع میشود، زیرا دو جنس متفاوت است، اگر نصاب تجارات مواشی بود در

بدل آن خرید نصابی را برای نگهداری حولان حول انقطاع پیدا نمی کند، زیرا چریدن سبب وجوب

<sup>1</sup> ابو داوود به شماره 1573 تخریج کرده و شیخ آلبانی در صحیح سنن ابو داوود تصحیح کرده.

<sup>2</sup> الکافی 162/2-164 و المغنی 251/4-255 از ابن قدامه.

زکات است، اینکه زکات کالای تجاری برصفت چرنده بودن مقدم شده به دلیل قوتش است وقتی معارض زایل شد حکم چرنده بودن به دلیل ظهورش ثابت میشود.<sup>1</sup>

اگر زمین ودرخت خرما را برای تجارت خریداری نمود سپس زمین را کشت ودرخت خرما ثمرداد هر دو حولان حول شان هم زمان بود: میوه خرما پخته شد دانه کشت سخت شد، و قیمت زمین به نصاب تجارت میرسید، نزدیک به صواب این است شخص از تمامش زکات تجارت را پرداخت کند زیرا مال تجارت است در آن زکات تجارت لازم میگردد، مانند مواشی چرنده.<sup>2</sup>

آنچه را که من به آن تمایل دارم همان دیدگاه امام ابوحنیفه رحمه الله و یارانش است که به اعتبار نصاب در دو سر سال قول کرده اند؛ به اساس حدیث رسول الله ﷺ که فرموده: لیس فی مال زکاة حتی یحول علیه الحول.<sup>3</sup>

ترجمه حدیث: در مالی زکات نیست تا به آن یک سال کامل بگذرد؛ زیرا وجود نصاب و حولان حول در اموال زکوی شرط است، در نبود شرط مشروط متحقق نمی شود، شاید حدیث را که ما نقل نمودیم در نزد جناب دکتور قرضاوی رحمه الله ثابت نبوده به صحت نرسیده باشد، اما علامه ناصرالدین البانی در صحیح سنن ابی داود این حدیث را حکم به صحت نموده است، همچنان اگر نصاب را در اخیرسال زکوی اعتبار بدهیم در معنی این حدیث نوعی از اهماال خواهد شد و در ضمن شمارش اموال در دو سر سال برای مزکی دشوار نخواهد بود از اینکه در تمام ایام سال شمارش کند.

### مطلب دوم: حولان حول فایده کالاهای تجاری

اگر شخصی مالک نصاب کالاهای تجاری شد و در قیمت آن فایده نمود در آن صورت از هر دو (راس المال و فایده تجارت) یکجا زکات بپردازد، ولو که این فایده دیگر فایده نکرد تا آخر سال همراه سرمایه زکات بدهد، اگر قیمت تجارت کمتر از نصاب بود سپس فایده حاصل شد، در آن صورت آغاز سال از کمال نصاب به وسیله ای فایده محسوب میشود، چنین است در صورتی که ارزش تجارت بالا رفت، زکات در تمام قیمت لازم میگردد، اگر ارزش تجارت کم شد در آن صورت از قیمت حاضر زکات بپردازد.<sup>4</sup>

اگر سال به مال مضاربت تمام شد بر صاحب راس المال زکات آن است، و زکات حصه اش از فایده مضاربت میباشد، زیرا حولان حول فایده حولان حول اصل آن است.<sup>5</sup> (یعنی فایده از سرمایه صاحب

1 همان اثر.

2 الفروع، ابن مفلح 203/4 .

3 ابو داود به شماره 1573 تخریح کرده و شیخ البانی در صحیح سنن ابو داود، حکم به صحت حدیث نموده است.

4 المقنع با شرح الکبیر والانصاف 6/ 314-320؛ 71/7 الکافی 165/2 المغنی 258/4 شرح الممتع 23-22/6 و 39-33.

5 الکافی از ابن قدامه، 165/2، المغنی 260/4 المقنع مع شرح الکبیر والانصاف 73/7.



سرمایه به وجود آمده که مال وی به نصاب رسیده بنابراین سهم وی از مفاد با سرمایه جمع شده زکات لازم می‌گردد بالای صاحب آن که اصل است).

### **مطلب سوم: عدم انقطاع حولان حول کالاهای تجارتی به مبادله و بیع**

اگر شخصی تاجر کالای را خرید و یا فروخت در بدل پول نقد، به حولان حول اول اعتبار داده میشود، زیرا زکات در ارزش کالاها لازم می‌گردد، که از جنس نقدینه است حتی مواشی و حیوانات که برای تجارت خرید و فروخت میشود مانند: شتر، گاو، گوسفند، زیرا تاجر زکاة کالاهای تجارتی را پرداخت میکند، در صورت که از جمله کالای تجارتی باشد فروش آن برابر است به جنس خودش و یا به غیر جنس خودش باشد باعث انقطاع حول نمی‌شود، امام بغوی رحمه الله فرموده: حولان حول کالای تجارتی به مبادله انقطاع پیدا نمی‌کند، زیرا زکات کالای تجارتی در ارزش آن لازم می‌گردد، ارزش کالای تجارتی در ملک صاحب نصاب در زمان مبادله باقی است، زیرا حق ملکیت که دارد از وی زایل نمی‌شود، فقط شخصی دیگری مالک کالا شده و تاجر صاحب بدل آن خواهد شد.<sup>1</sup>

### **مطلب چهارم: آیا برای تکمیل نصاب تمام کالاهای تجارتی را یکجا کرده میشود؟**

امام ابن قدامه رحمه الله فرموده: «در این مورد خلاف سراغ نداریم» ایشان در جای دیگری فرموده اند: اگر تاجر طلا و نقره و کالاهای تجارتی داشته باشد، ملحق کردن تمامش یکی بردیگری در تکمیل نصاب لازمی است زیرا کالای تجارتی ملحق شده به هریک از نقدین است پس ضروری و لازمی است که نقدین نیز به کالای تجارتی ملحق کرده شود و هر سه را جمع شود.<sup>2،3</sup>

علامه ابن عثیمین رحمه الله فرموده: قیمت کالاها به طلا و نقره ملحق کرده میشود زیرا مقصود اصلی از این دو ارزش آنها است.<sup>4</sup>

<sup>1</sup> الزکاة از امام بغوی ص 195، فتاوی ابن عثیمین 51/18، الکافی از ابن قدامه 164/2. المغنی 255/4.

<sup>2</sup> المغنی از ابن قدامه 210/4.

<sup>3</sup> ایشان (ابن قدامه) فرموده اند: اگر در هر کدام یک نصاب در اختیار داشت یا از یکی نصاب و از دیگری کمتر از نصاب داشت، امام احمد در این دو صورت توقف کرده از ملحق کردن یکی بردیگری در روایت اثرم و جماعه و در روایت احمد به قطعیت رسیده که زکات نیست تا هر کدام به نصاب برسد، المغنی 210/4.

<sup>4</sup> شرح الممتع، ابن عثیمین 148/4، الفروع، از شمس الدین مقدسی ابن مفلح 199/4.

## مبحث سوم

حکم زکات وسایل و آلات که در تجارت بکاربرده میشود

چگونگی قیمت گذاری کالاهای تجاری و مقدار واجب

این مبحث دارای سه مطلب میباشد.

### مطلب اول: چگونگی تقویم کالاهای تجاری

کالاهای تجاری در آخر سال به نصاب نقدی که برای اهل زکات مفید تر باشد نرخ گذاری میشود: به دیناری از طلا و یا درهم از نقره، زمانیکه به حساب طلا نرخ گذاری شد نصاب را پوره نکرد اما به حساب نقره نصاب را پوره کرد، در آن صورت به نرخ نقره محاسبه میشود، مفید برای قراء محاسبه به نصاب نقدی است که کالای تجاری به نصاب آن برسد طلا باشد یا نقره، نرخ خرید معتبر نیست، معتبر ارزش کالا در زمان اتمام حولان است.<sup>1</sup>

### مطلب دوم: حکم زکات آلات تجاری که برای فروش نباشد

در آلات تجاری که برای فروش نیست، و آماده شده برای اجرت یا کرایه هم نیست، زکات نمی باشد لیکن در اجرت آن زکات میباشد زمانیکه حولان حول شده باشد.

اگر در خزانه ای تاجر آلاتی باشد که برای تجارتش بکار میرود برابر است که تاجر کوچک باشد یا تاجر بزرگ، شرکت داشته باشد یا فردی تجارت کند، شرکت صنعتی باشد یا شرکت تولیدی و یا هم شرکت های که مواد غذایی و یا مواد سوختی و یا هم مواد تعمیراتی را وارد و یا صادر میکنند همه و همه انواع شرکت ها و مواسسات تجاری، آلات و اسباب که به آن تجارت خود را به پیش میبرند زکات لازم نمی گردد، مگر در صورتی که از این آلات اراده ای کالای تجاری کرده شود، مثلا تاجری در تجارت خانه اش ماشین های چاپ، و تجهیزات لازم برای اصلاح تجارتش دارد از این ها زکات نمی شود مگر در صورتی که برای فروش باشد، زیرا زکات در کالاهای تجاری است که این تاجر برای تجارتش مدیریت میکند، مگر در صورتیکه همه را به فروش بگذارد در این صورت مثل کالاهای تجاری در آن زکات لازم میگردد.<sup>2</sup>

آلاتیکه برای اجاره آماده شده در آن زکات نیست، زکات تنها در اجاره ای آن لازم میگردد وقتی

حولان حول شود و به نصاب برسد.<sup>3</sup>

<sup>1</sup> المقنع و شرح الكبير 61/7، الشرح الممتع 146/6، منار السبيل 255/1، الموسوعة الفقهية 274/23 و الروض المربع مع حاشية ابن قاسم 264/3.

<sup>2</sup> الفروع 205/4 و الروض المربع 264/3 و الموسوعة الفقهية 274/23.

<sup>3</sup> الفروع از ابن مفلح 205/4، الروض المربع 268/3 و فتاوى اللجنة الدائمة 332/9، 345، و فتوى ابن باز 182/14 و مجموع فتاوى ابن عثيمين 209/18.

مثالهای توضیحی در این رابطه: شخصی تاجر ماشین های حفاری، موترها، وبالا برها دارد که به دیگران به اجاره میدهد، به اجاره نه برای فروش هدف آن اخذ اجاره است، در این آلات اجاره زکاة نیست بلکه از اجاره آن زکات اخذ میگردد وقتی که حولان حول شود؛ همین حکم است در مورد بلند منزل ها شهرک ها و بازارها که زکات در آنها نیست بلکه زکات در اجاره ای آن لازم میگردد و قتیکه حولان حول شود.

### مطلب سوم: مقدار زکاتیکه در کالاهای تجارتي واجب است

در زکات کالاهای تجارتي وقتی حولان حول شود ربع عشر ارزش جمعی آن به نصاب اقل از نقدین لازم میگردد، به دلیل قول پیامبر<sup>ﷺ</sup> در مورد مقدار لازم در نقره فرموده: «وفى الرقة ربع العشر». 1. ترجمه حدیث شریف: در نقره؛ چهارم حصه ای عشر است.

(الرقة) به معنی نقره است، در حدیث حضرت علی رضی الله عنه «هاتوا ربع العشر من كل اربعین درهما درهما و لیس علیکم شیء حتى تتم مائتی درهم فاذا كانت مائتی درهم ففیها خمسة دراهم». 2. ترجمه حدیث شریف: بیاورید چهارم حصه عشر را؛ از هر چهل درهم یک درهم و بر شما چیزی لازم نیست تا اینکه دوصد درهم پوره گردد، زمانیکه دوصد درهم باشد، پس در آن پنج درهم زکات لازم میگردد.

و در مورد طلاء پیامبر<sup>ﷺ</sup> فرموده: «فاذا كان لك عشرون دینارا و حال علیها الحول ففیها نصف دینار فما زاد فبحساب ذالك». 3.

ترجمه حدیث: زمانیکه مالک بیست دینار شدی و بر آن سال هم گذشت در آن نصف دینار زکات لازم است، پس زیاده از آن به حساب آن است.

بنابراین زکات لازم الاداء بر تجارت پیشه ها، ربع عشر قیمت کالای تجارتي از طلا و یا نقره است که هر کدام برای اهل زکات قابل بهره گیری باشد و یا ارزش کالا به نصاب هر کدام از اقل نقدین برابر شود. مثال: شخصی مالک یک عقار (هر آن چیزی که انتقال آن بدون تغییر حالت اصلی ممکن نباشد)

است که قیمت آن در آخر سال یک ملیون افغانی است پس زکات آن چنین محاسبه میشود:

یک ملیون افغانی تقسیم چهل مساوی میشود به بیست و پنج هزار افغانی

25.000=40÷1000.00 افغانی. / به عباره دیگر: 25000 = 2.5 × 100 ÷ 1000000

افغانی.

1 امام بخاری رحمه الله آن را به شماره 1454 روایت کرده.

2 ابوداود، به شماره 1572، آلبانی در صحیح سنن ابی داود تصحیح کرده، 1/ 435.

3 همان اثر.

مثال: تاجر دیگری کالاهای تجاری دارد که قیمت آن در آخر سال پنجاه هزار ریال سعودی میشود، زکات آن قرار ذیل محاسبه میشود: پنجاه هزار تقسیم در چهل مساوی میشود به یک هزار و دوصدو پنجاه ریال سعودی

$$1250 = 40 \div 50000 \text{ ریال سعودی} / \text{بهبارت دیگر: } 1250 = 2.5 \times 100 \div 50000 \text{ ریال}$$

سعودی.

- آیا پرداخت زکات کالای تجاری از عین آن جایز است؟

فقهاء در رابطه به پرداخت زکات کالاهای تجاری اختلاف کرده اند، آیا جایز است که از نفس کالاها تجاری زکات آن کالا داده شود؟ یا اینکه لازمی است از ارزش کالاهای تجاری زکات پرداخت شود؟ دیدگاه اول: ابن قدامه رحمه الله فرموده: زکات کالاهای تجاری از قیمت اش داده شود نه از عین کالا این یکی از اقوال امام شافعی رحمه الله است<sup>1</sup>. مرداوی گفته: « هذا الصحيح من المذهب وعلیه الاصحاب، قطع به اکثرهم »<sup>2</sup>.

دیدگاه دوم: از امام شافعی رحمه الله که امام ابوحنیفه رحمه الله هم با ایشان هم نظر است: تاجر مختار است که از عین کالاهای تجاری زکات می پردازد و یا از قیمت آن، زیرا کالاهای مالی است که در آن زکات لازم گردیده است پس جایز است که مانند دیگر اموال از عین اش اخراج میکند یا از قیمت آن<sup>3</sup>.

ابن قدامه رحمه الله این دیدگاه را رد نموده چنین بیان میدارد: در نزد ما نصاب (کالای تجاری) به قیمت معتبر است، بنا بر این زکات نیز از قیمت داده میشود، مانند عین در دیگر اموال، ما این را قبول نداریم که زکات در مال لازم میگردد بلکه در قیمت لازم میگردد<sup>4</sup>. مرداوی گفته است: « شیخ تقی الدین فرموده: گرفتن زکات از عین کالا هم جایز است »<sup>5</sup>.

شیخ الاسلام ابن تیمیه در فتاوی کبری اقوال در این مسئله را ذکر نموده: جواز مطلق، عدم جواز مطلق، در بعضی از صورت ها جواز دارد بخاطر حاجت و مصلحت راجحه، سپس گفته: و هذا قول اخیر) اعدل الاقوال، فان كان أخذ الزكاة يربد ان يثري بها كسوة فاشترى رب المال بها كسوة واعطاه فقد احسن اليه، واما اذا قوم هو الثياب فاعطاها فقد يقومها باكثر من السعر، وقد ياخذ الثياب من لايحتاج اليها، بل يبيعها فيغرم اجرة المنادي، وربما خسرت فيكون في ذلك ضرر على الفقراء »<sup>6</sup>.

ترجمه: قول اخير اعدل اقوال است، اگر گیرنده زکات اراده خرید پوشاک داشته باشد، مزکی باید برای وی پوشاک خریداری نموده برایش بدهد در حقیقت کاری نیک برای وی انجام داده است، اگر

<sup>1</sup> المغنی 250/4

<sup>2</sup> الانصاف 55/7.

<sup>3</sup> المغنی 4 250 و الشرح الكبير 55/7.

<sup>4</sup> همان اثر 250 / 4.

<sup>5</sup> الانصاف، علی مرداوی 55/7.

<sup>6</sup> فتوی کبری از ابن تیمیه رحمه الله 299/1.

خود گیرنده زکات جامه ها را نرخ گیری و خریداری نماید گاهی به نرخ بالاتر از قیمت بازار خریداری مینماید، وگاهی جامه ها را کسی میگیرد که به آن نیاز ندارد، وآن را میفروشد غرض قضای حوایجش در نتیجه به سبب پرداخت حق دلال دچارتاوان میشود، وگاهی زیان میکند، در این صورت ضرر برای مستمندان است و دراختیارات الفقهیة، نیز ذکر کرده است « اخراج زکات کالا از کالا جایز است» قول کسی را تقویه میکند که قایل به جواز پرداخت زکات کالا از عین آن است.<sup>1</sup>

علامه السعدی<sup>2</sup> رحمه الله فرموده: « قول صحیح دادن زکات کالا از کالا میباشد زیرا زکات کمک ویاری است، مکلف نمی شود در پرداخت زکات از غیر مال.<sup>3</sup>

شیخ ابن باز.<sup>4</sup> رحمه الله فرموده: علماء در مورد جواز گرفتن کالا در زکات اختلاف کرده اند، راجحتر جواز این امر است حسب قیمت بازار در وقت اخراج زکات، برابر است که مواد خوراکی باشد یا جامه ویا چیزی دیگری، زیرا در این کار آسان گیری به اصحاب اموال است، و نیکی برای فقراء؛ و دیگر اینکه زکات همکاری است، پس مناسب نیست که اصحاب اموال را به چیزی مکلف بسازیم که باعث مشقت ایشان شود.<sup>5</sup>

امام بخاری رحمه الله در صحیح خود، باب العرض فی الزکاة، از طائوس نقل کرده که معاذ رضی الله عنه برای اهل یمن گفت: در صدقه بجای جو و ارزن، از جامه ها، گلیم ویا پوشاک دیگری برایم بیاورید، برای شما آسان و برای اصحاب پیامبر ﷺ در مدینه بهتر است.<sup>6</sup>

امام بخاری رحمه الله که باب العروض فی الزکاة عنوان کرده: یعنی جواز گرفتن کالا، مراد از آن غیر از نقدین است، ابن رشید گفته است: بخاری با احناف در این مسئله موافق است در حالیکه با ایشان اختلافات زیادی در بسیاری از مسائل دارد.<sup>7</sup>

دکتور قحطانی میگوید من از شیخ خود ابن باز رحمه الله در وقت تقریرش از صحیح البخاری در مورد حدیث 1448 شنیدم که گفت: اعطای زکات از کالا در وقت نیاز فقیر و نیاز مند جایز است، مثلا اگر در نزد خود ریال داشت و میخواست و برای ایتم و سفهاء بدهد پس باکی نیست که این پول را برایشان طعام

<sup>1</sup> الاخبار العلمية من الاختیارات الفقهیة، از شیخ الاسلام ابن تیمیه ص 151.

<sup>2</sup> علامه السعدی: شیخ عبد الرحمن بن ناصر بن عبدالله السعدی ناصری تمیمی متولد 1307 ه ق و متوفای ۱۳۷۶ ه ق، از مفسران و دانشمندان حنبلی است که در شهر «عنیزة» از توابع نجد به دنیا آمد. و در همانجا در منطقه قصیم وفات یافته و او اولین کسی است که در همان منطقه مکتبه ای را در سال 1352 ه ق تاسیس کرد، وی تعداد سی تالیفات دارد، از جمله تفسیر (تیسیر الکریم المنان فی تفسیر القرآن) اثر وی میباشد. (المکتبه الشاملة آنلاین).

<sup>3</sup> المختارات الجلیه من المسائل الفقهیة ص 77.

<sup>4</sup> ابن باز: عبدالعزیز بن عبدالله بن عبدالرحمن بن محمد بن عبدالله بن باز، در شهر ریاض «پایتخت عربستان» در ماه ذی الحجه سال 1330 هجری به دنیا آمد و بعد از مدتی قرآن را حفظ کرده و نزد سعد و قاص بخاری، تجوید قرآن را آموخت و علوم شریعت را از مشاهیر علمای نجد مانند؛ شیخ محمد بن عبداللطیف بن حسن الشیخ، شیخ صالح بن عبدالعزیز بن عبدالرحمن بن حسین آل الشیخ، شیخ سعد بن حمد آل الشیخ، فراگرفت و بیشترین استفاده علمی را از محمود بن ابراهیم بن عبداللطیف الشیخ برده است، ایشان دارای تالیفات زیاد میباشد که مشهور ترین آن فتاوی ابن باز است. و در روز پنجشنبه 1420/1/27 ه ق وفات یافت. (المکتبه الشاملة آنلاین).

<sup>5</sup> مجموع الفتاوی ابن باز 254-249/14.

<sup>6</sup> بخاری بعد از حدیث شماره 1447.

<sup>7</sup> فتح الباری از ابن حجر 312/3.

خریده طبق نیاز شان بدهد، و حدیث معاذ حجت است: اگر تاجر دید که موظف زکات لباس و مواد خوراکی را در بدل صدقه می‌گرفت، تاجر هم همین کار را کرده میتواند، زیرا معاذ رضی الله عنه کالا را از صدقه قبول میکرد.<sup>1</sup> ایشان فرموده اند: از شیخ ما ابن باز رحمه الله پرسیده شد: از موضوع هزینه کردن مبالغ زکات برای خریداری مواد غذایی و جامه ها، مثل کمپل و لحاف و ملبس... برای بعضی از کشورهای فقیر مثل سودان و افریقا کمک کرده شود به ویژه در حالات که ضروریات در آنجا به وفور پیدا نمی شود اگر پیدا هم شود بسیار به مبالغ گزاف که فقراء دست رسی ندارند، در جواب ایشان فرمودند: در صورت که ثابت شود برای مسلمانان اونجا این کمک میرسد درست است باکی ندارد.<sup>2</sup>

---

<sup>1</sup> مجموع فتاوی ابن باز 246/14 و حاشیه زکاة عروض التجارة والاسهم والسندات از دکتور قحطانی ص 27.

<sup>2</sup> همان اثر.

## فصل سوم

زکات اسهم، سندات تجاری

و حیوانات که برای تجارت است و محصولات آن،

درخت، و میوه برای تجارت،

زکات مکان و آلات صنعتی،

زکات اوراق نقدی و حساب جاری

این فصل دارای سه مبحث میباشد

1- مبحث اول: زکات اسهم و سندات.

2- مبحث دوم: حکم خرید و فروش اسهم و سندات.

3- مبحث سوم: زکات حیوانات که برای تجارت است و محصولات آن، میوه برای تجارت، زکات

مکان و آلات صنعتی، زکات اوراق نقدی، زکات حساب جاری.

## مبحث اول

### زکات اسهم و سندات

این مبحث دارای چهار مطلب میباشد.

#### مطلب اول: مفهوم اسهم در لغت و در اصطلاح

اسهم و سندات از جمله معاملات معاصر است نیاز بیشتر به بیان و مذاقه ای حقیقت این موضوع دارد تا مفهوم آن درست فهمیده شود، سپس در ماحول حکم زکات از این سرمایه پردازیم، بنابراین لازم میدانم تا در گام نخست مفهوم لغوی و اصطلاحی آن را توضیح داده سپس به جزئیات و احکام آن بحث کنیم، زمان ما گونه ای دیگری از سرمایه را به معرفی گرفته که پیشرفت و انکشاف صنعتی و تجاری آن را در جهان به وجود آورده است، که به نام اسهم و سندات میشناسند، اینها از اوراق مالی است که با آنها معاملات تجاری در بازارهای مخصوص آن انجام میپذیرد که بنام بازار بورصه ای اوراق مالی یاد میگردد؛ این اوراق ویا اسهم و سندات را دانشمندان رشته اقتصاد و مالی به اصطلاح قیم منقوله یا ارزش های قابل انتقال میشناسند، و از حاصلات، مفاد، ویا فرآورده های آن مالیه ویا تکس میگیرند و بنام مالیه ویا تکس فرآورده های قیم منقوله نام میگذارند، چنانچه بعضی از این دانشمندان به الزام تکس ویا مالیه بر نفس اسهم نظر داده اند و به تکس ویا مالیه سرمایه مسمی نموده اند.

اسهم در لغت: اسهم، مفرد آن سهم است که به دولغت جمع میشود؛ اول: سهام به کسر سین که به معنای تیر میباشد که عرب میگوید: سهم قوس دائرة، سهم الرامی، سهام به فتح سین و فتح هـ، به ضم سین و فتح هـ به معنای نوعی از بیماری که در شترها پدید میآید؛ دوم: اسهم، به فتح همزه و ضم هـ و سهمه و سهمان به ضم سین و سکون هـ به معنای نصیب و حصه، قسمت ویا شانس میباشد، عرب میگوید: کان له سهم فی الامر که معنای مراده در اینجا همین معنای اخیر میباشد.<sup>1</sup>

اسهم در اصطلاح فقهاء: تعریف د. مترک<sup>2</sup>: اسهم عبارت از حصه از راس المال شرکت میباشد، هر نوع شرکت که باشد (شرکت تجاری، شرکت عقاری، شرکت صنعتی و یا هم شرکت عقود باشد) که هر سهم جزء از اجزای متساوی راس المال است»<sup>3</sup>.

<sup>1</sup> برنامه الکترونیکی معجم المعانی لغت نامه عربی به فارسی.

<sup>2</sup> عمر بن عبد العزیز المترک: شیخ علامه وفقیه عمر بن عبد العزیز المترک در شهر شقراء متولد شده در سالهای 1351 هـ، شهادت نامه ابتدایی را در سال 1364 هـ به دست آورد سپس به حیث استاد در مدرسه شقراء تعین گردید، او همیشه همراه بعضی از دوستانش حلقات درسی بعضی مشایخ قضاء را تعقیب میکرد به معهد علمی به ریاض پیوست، سپس به دانشکده شرعیات راه یافت و به سال 1377 هـ از آنجا فارغ گردید سپس عرض به دست آوردن ماستری و دکتورا در فقه مقارن، از دانشکده شرعیات دانشگاه الازهر عازم مصر گردید در سال 1395 هـ - به حیث وکیل مساعد در وزارت عدلیه سعودی تعین گردید، سپس به حیث عضو قضایی در ستره محکمه و عضو علمی وزارت عدلیه کشور سعودی تعین گردید، و در عین حال عضو مشارک تدریس در دانشگاه ریاض بود، و مدرس در معهد عالی قضاء نیز بود، در مجالس مناقشه رساله های ماستری و دکتورا به طور گسترده اشتراک نموده است. رساله دکتورایش زیر عنوان الربا و المعاملات المصرفية في نظر الشريعة الإسلامية بعد از وفات وی چاپ شده است شیخ د. عمر المترک رحمه الله در 6-7-1405 هـ وفات نموده است. (آرشیف ملتقی اهل الحدیث).

<sup>3</sup> الربا المعاملات المصرفية في نظر الشريعة الإسلامية، از دکتور عمر المترک ص 369.



تعریف د. قرضای رحمه الله: اسهم عبارت از حقوق ملکیت جزئی، از یک راس المال کلان شرکت های مساهمه و یا توصیه بالاسهم است و هر سهم جزء از اجزای متساوی راس المال میباشد.<sup>1</sup>

تعریف د. سدلان: سهم عبارت از چکی است که تمثیل از یک حصه از حصص متساوی را میکند، مقسم الیها راس المال مطلوب برای مساهمه است، این مساهمه برای صاحبش یک حق را محفوظ میدارد، در جهت حصول مفادش در وقت تقسیم ممتلكات، اگرزینانی متوجه تجارت شود، متحمل خسارت به اندازه سهم خودش میشود.<sup>2</sup>

تعریف که قابل ترجیح است همان تعریف د. سدلان است که توضیحات بیشتر نسبت به تعاریف قبلی را در خود جمع نموده است، که دارای جامعیت و مانعیت مخصوص به خود است.

### مطلب دوم: مفهوم سند در لغت و در اصطلاح

سند در لغت: به چیزی اطلاق میشود که به آن استناد شود و به آن تکیه گاه هم گفته میشود.<sup>3</sup>  
سند در اصطلاح فقهاء:

تعریف د. قرضای رحمه الله: سند در اصطلاح: عبارت از تعهد کتبی است از جانب بانک، شرکت و یا حکومت در وجه حامل با تحدید مبلغ معین، در تاریخ معین، نظیر فایده مقدره.<sup>4</sup>

تعریف د. مترک: سند عبارت از چکی است که متضمن تعهد از جانب بانک یا شرکت یا مانند آن در وجه حامل به تحدید مبلغ معین، به تاریخ مشخص، غالباً به فایده مقدره میباشد، به سبب قرض که شرکت مساهمه و یا هیئت حکومتی و یا هم یک فرد آن را منعقد کرده.<sup>5</sup>

تعریف د. سدلان<sup>6</sup>: سند عبارت از جزء از قرض درازمدت میباشد که به اساس آن فایده ثابت در اوقات معین داده میشود، و ارزش همان قرض در زمان که طرفین با آن اتفاق کرده اند باز گردانده میشود.<sup>7</sup>

در اینجا نیز تعریف دکتور سدلان دارای برازندگی و وضوح مخصوص به خود است که نسبت به تعاریف قبلی متمایز میشود.

1 فقه الزکاة از دکتور قرضای رحمه الله 521/1.

2 زکاة الاسهم والسندات والورق نقدی از دکتور صالح بن غانم السدلان ص 13.

3 برنامه الکترونیکی معجم المعانی لغت نامه عربی به فارسی.

4 فقه الزکاة از یوسف قرضای رحمه الله 521/1.

5 الربا المعاملات المصرفیه ص 369.

6 د. صالح بن غانم السدلان (۱۳۵۹- ۱۴۳۹ هـ) (استاذ الفقه والدراسات العلیا) در دانشکده شرعیات در دانشگاه اسلامی امام محمد بن سعود: صالح بن غانم بن عبد الله بن سلیمان بن علی السدلان، أبو غانم. در شهر بربیده در قسیم در ۲۵ ذی الحجة ۱۳۵۹ هـ متولد شده، آغاز حیات علمی خود را به حفظ قرآن کریم در نزد پدرش نمود، و بر او مبادی علوم چون عقیده فرایض حدیث و فقه را خواند، ایشان در مدارس مختلف درس خواند سپس وارد دانشگاه امام محمد بن سعود شد و از آنجا لسانس و ماستری اخذ کرد سپس در فقه مقارن دکتورا از معهد عالی للقضاء به دست آورد. (ارشیف ملتقی اهل الحدیث).

7 زکاة الاسهم والسندات والورق النقدی ص 14.

تفاوت های اساسی میان اسهم و سندات

سند	سهم
1- چکی است که تمثیل از جزء از قرض میکند، و قیمت آن در راس المال داخل نیست.	1- چکی است که تمثیل از جزء از راس المال میکند.
2- حامل سند داین است نه شریک.	2- حامل سهم به اندازه سهمش در راس المال شریک است.
3- سند بعد از تاسیس برای انکشاف اعمال صادر میشود.	3- سهم قبل از تاسیس شرکت صادر میشود.
4- در شرکت مساهمه سندات لازم نیست، چون لازم نیست که شرکت سهامی حتما سندات دین صادر کند.	4- هر شرکت سهامی دارای سهام است.
5- صاحب سند حق حضور و ابراز نظر در مجالس عمومی را ندارد.	5- سهم دار حق حضور و ابراز نظر دارد در مجالس عمومی.
6- کدام خطر متوجه صاحب سند نیست، گاهی به سبب مشکلات شرکت به تکلیف میشود اما حق اش ثابت و تضمین شده است.	6- گاهی سهم دار حصه خود را به سبب افلاس و یا دیون شرکت از دست میدهد.
7- فایده صاحب سند تضمین شده است در موعدمشخص، برابر است که شرکت فایده کند یاخیر.	7- شرکت اگر مفاد کرد سهم دار نیز از آن مستفید میشود، اگر نکرد نه.
8- اصدار به کمتر از قیمت اسمی اش ممکن است.	8- اصدار به کمتر از قیمت اسمی اش ممکن نیست.
9- مفاد سند در میعاد معینه داده میشود.	9- وقت مفاد سهم دقیقا مشخص نیست.
10- خصم کوبون سند ممکن است.	10- خصم <sup>1</sup> کوبون سهم ممکن نیست

<sup>1</sup> خصم: لغتی است که در محاسبه بکار میرود خصوصا در کشور مصر اما بعض کشور های عربی بجای آن حسم به سین استفاده میکنند که به معنی حطیط و اقتطاع میآید که به فارسی مرادف وزع و یا جداکردن از یک مجموعه است، به عنوان مثال: شخصی اموال تجاری و مفاد خود را غرض زکات محاسبه و اساسات تجارت را از آن وزع میکند.

11- سند وقت محدد برای تعیینش دارد.	11- قیمت سهم تعیین نمیشود مگر در صورت تصفیه شرکت.
12- حامل سند در وقت تصفیه شرکت اولویت دارد زیرا تمثیل از جزء از دیون شرکت میکند.	12- برای حامل سهم چیزی نیست مگر چیزی که بعد از ادای دیون شرکت اضافه باقی بماند.
13- این صفات که در سند ذکر نمودیم، در واقع سند قرض سر سود است، که این کار را الله ورسول اش حرام قرار داده است، این از ربای جاهلیت است، کسی با این عمل سر و کار میگیرد در زیر لعنت قرار گرفته در واقع با خدا ورسولش در جنگ است. <sup>1</sup>	13- جواز معامله با سهم یعنی خرید و فروش سهم در صورت که شرکت مباح، معروف و مشهور به شهرت نیک باشد، در آن فریب کاری و پنهان کاری نباشد.

#### مطلب سوم: حکم پرداخت زکات از اسهم و سندات

به اساس فروق که ما از آن در جدول فوقانی ذکر نمودیم به وضوح دانسته میشود که اصدار اسهم، و به ملکیت در آوردن آن، خرید و فروش آن، و تعامل به آن حلال است و کدام مانع شرعی وجود ندارد، تا زمانی که عمل شرکت که از مجموع سهام تشکیل شده شامل امور ممنوعه نشود، مانند ساختن شراب و فروش آن و تجارت آن، یا شرکت اسهمی تعامل با فواید سودی به وسیله قروض (قرض دادن و قرض گرفتن سر سود) نماید و مانند این مثال ها.

اما سند به اساس تفاوت های که ما از آن تذکر دادیم غیر از اسهم و مفهوم جدا از اسهم است، به دلیل مشتمل بودنش بر فوائید ربوی محرم، زمانی که حکم در این سندات چنین باشد، زیرا سرمایه مملوکه ای صاحب آن است مانند اسهم، پس چگونه صاحبان این دو زکات دهند؟<sup>2</sup>.

#### مطلب چهارم: چگونگی اخراج زکات اسهم و سندات، انواع شرکت ها

در این خصوص از علمای معاصر که در مورد حکم زکات اسهم و سندات نوشته اند دواتجاه وجود دارد، و بسیار کم است کتاب های که در این مورد نوشته شده است.

اتجاه اول: اتجاه اول به این اسهم و سندات به تبع نوع شرکت که این اسهم و سندات را صادر نموده نظر داده اند: که آیا نوع شرکت صنعتی است یا تجاری و یا هم مختلط از هر دو؟

<sup>1</sup> زکاة عروض التجارة والاسهم والسندات از دکتر قطانی ص 29، زکاة الاسهم والسندات والورق النقدي از دکتر سدلان ص 15.  
<sup>2</sup> فقه الزکاة از قرضاوی رحمه الله ص 521.

برای اسهم حکمی کرده نمی شود مگر بعد از شناخت کامل نوع شرکت که این اسهم وسندات جزء از راس المال آن است، بنا بر شناخت نوع شرکت حکم به پرداخت زکات و یا عدم آن میکنند، این نظر شیخ عبدالرحمن عیسی در کتاب (المعاملات الحدیثه واحکامها) ابراز داشته است، ایشان فرموده اند:

گاهی زیادی از صاحبان اسهم شرکت ها احکام زکات این اسهم را نمی دانند، گاهی بعضی شان معتقد اند که زکات در اسهم لازم نیست، این گمان خطا است، و بعضی معتقد اند که زکات در اسهم شرکت ها بی قید و شرط لازمی است، این باور نیز اشتباه است، بلکه لازم است به نوع شرکت صادرکننده این سند دیده شود، اگر شرکت سهامی صنعتی محض بود، یعنی طوری بود که کاری تجاری نمی کرد مانند شرکت های چون رنگ، ویخ چال، مسافر خانه یا هتل، مراکز اعلانات، شرکت های ملی بس، شرکت های انتقالات (درخشکه و دریا) شرکت های راه آهن و یا ریل، شرکت های سیاحتی و زیارتی هوایی، زکات در سهام اینها لازم نمی گردد؛ زیرا ارزش این سهام در آلات و لوازم کاربردی مثل دفتر، اسم و جایگاه حقوقی آن، میز و چوکی کمپیوتر و غیره اساسات دفتر، و کار ضروری که در آن از طرف کارمندان این نوع شرکت ها صورت میگیرد میباشد، لیکن مفاد این نوع شرکت ها به اموال شخصی سهامداران یکجا کرده میشود، و همراه آن یک جا زکات مال عادی داده میشود (یعنی وقتی که از اسهم مفاد هر سهامدار حولان حول بگذرد و همراه مال دیگری که شخص دارد به نصاب برسد، اگر شرکت سهامی تجاری محض باشد که کالا را خرید و فروش مینماید بدون اینکه کدام تغییری در کالا وارد کند: مانند شرکت های که اموال را وارد و صادر میکنند، و شرکت های که محصولات داخلی را غرض فروش به خارج انتقال میدهند و یا از کشورهای بیرونی مواد اولیه مورد نیاز به کشورشان وارد میکنند، و یا شرکت های که هم صنعتی و هم تجاری هستند، عبارت از شرکت های هستند که مواد خام را استخراج و یا هم خریداری میکنند، سپس یک سلسله تغییرات فیزیکی و یا کیمای در آن میآورند، سپس در آن تجارت میکند، مانند: شرکت های استخراج نفت و شرکت های پارچه بافی یا نساجی، شرکت های آهن و فولاد، شرکت های کیمیاوی و غیره، در این نوع شرکت ها زکات در اسهم شان لازم میگردد، معیار وجوب زکات در اسهم شرکت ها این است که عملاً یک کارتجاری را انجام دهد، برابر است که همراه کارتجاری صنعت باشد یا خیر، اسهم به قیمت فعلی اش محاسبه میشود، با وجود اندک بودن و پابین بودن ارزش اساسات و آلات و مواد ضروری این شرکت، گاهی این آلات و مواد ضروری و اساسات مماثل چهارم حصه از راس المال، بیشتر و یا کمتر از آن میباشد، در باقی راس المال (اسهم) زکات لازم میگردد، ممکن است ارزش اساسات و آلات و مواد ضروری شرکت را از روی بودیجه آن که هر ساله در روزنامه ها نشر میشود، دانست.<sup>1</sup>

<sup>1</sup> المعاملات الحدیثه از شیخ عبدالرحمن عیسی ص 73-74 ط حلبی.

دیدگاه فوق نظری است که شیخ عبدالرحمن عیسی صاحب کتاب المعاملات الحدیثة، از زکات اسهم ارائه کرده است که بر اساس نظر مشهور میباید، طوریکه کارخانه ها، و بلند منزل های استغلالی سرمایه های استغلالی عموماً تجاری نیستند، مانند: مسافر خانه ها، و موترها، خطوط آهن و ریل، و قطارها و امثال آن، در این ها همه زکات نیست، نه مثل راس المال و مفاد یکجا، و نه مثل اموال تجاری، و نه در غله و نه هم در تولید، مثل: محصولات زمین زراعتی، مگر در صورتی که از اینها چیزی باقی بماند و حولان حول شود، به نصاب هم برسد، بنا بر این اساس فرق میان شرکت های صنعتی و غیر آن از شرکت ها میشود، که نوع اول را از دادن زکات مستعفی میدانند و نوع دوم را مکلف به پرداخت زکات در اول هر سال میکنند، به طوری نمونه دو شخص که هر کدام یک یک هزار دینار دارند که یکی آنها دو صد سهم از شرکت سهامی تجاری که برای وارد و صادر نمودن اموال میباید خریداری مینماید؛ شخص دومی به مبلغ یک هزار دینار خود دو صد سهم از شرکت که برای طباعت کتب و صحایف میباید، بر بالای شخص اول لازم است زکات اسهم که با دو صد دینار خریداری نموده مفاد که بوسیله ای این اسهم به دست آمده بعد از حولان حول پرداخت نماید، البته بعد از وضع ارزش کالا و امثال آن که این ارزش مال تجاری است، و اما شخص دوم با مالیش از اسهم که با این دو صد دینار خریداری نموده زکات نیست، زیرا این دو صد دینار در تجهیزات و آلات و اساسات و امثال آن پرداخت شده و بند است، و از مفاد آن هم زکات نیست مگر در صورتیکه تا سر سال باقی بماند و بنفسه یا بغیره به نصاب برسد؛ اگر در جریان سال پیش از حولان حول در روزگارش خرچ کرد، با مالیش زکات نیست، با این حال ممکن است بالای این شخص و امثال آن سالها بگذرد بدون اینکه با مالیش زکات لازم گردد، نه در اسهم و نه در مفادش، بخلاف شخصی اول که پرداخت زکات بر وی از اسهم و مفادش یکجا در هر سال لازم الاداء است، این نتیجه ناعادلانه است که روح عدل شریعت اسلامی که فرق میان دو متمائل نمی گذارد، از آن ابا دارد.<sup>1</sup>

دکتر قرضاوی رحمه الله در توضیح این تعلیق در کتاب فقه الزکاة خود ادامه میدهد و میفرماید: بدون شک ما در فصل هشتم (فقه الزکاة) در بیان زکات (مستغلات)، از قبیل بلند منزل های رهائشی، کارخانه ها و امثال آن بیان نمودیم که در این رابطه (زکات اسهم شرکت های صنعتی و طباعتی)، خلاف رای تقلیدی مشهور سه نظر است:

1- رای که این سهام را مال میدانند مانند: مال تجاری و قایل به نرخ گذاری در هر سال و اخراج

ربع عشر آن هستند.

2- رای که قایل به اخذ زکات از محصول و مفاد آن هستند به اعتبار اینکه مال قابل استفاده

است، مثل زکات نقود زکات داده میشود.

<sup>1</sup> فقه الزکاة ص 524-525.

3- رای که (سهام شرکت های صنعتی و طباعتی) را قیاس به زمین زراعتی کرده اند، و عشر و یا نصف عشر را از محصول و مفاد خالص در آن واجب میدانند.

دکتور یوسف قرضاوی رحمه الله فرموده: دیدگاه من در این خصوص این است که فرق بین شرکت های صنعتی و شبه صنعتی و بین شرکت های تجاری و شبه تجاری طوریکه اولی از زکات معفو و دومی مکلف به پرداخت زکات شود، تفریق است که اساس ثابت از کتاب الله و سنت رسول الله ﷺ و اجماع صالح امت و قیاس صحیح ندارد، توجیه درست برای اخذ زکات از اسهم شرکت تجاری، و اسقاط زکات از سهام شرکت صنعتی، در حالیکه سهام در هر دو شرکت راس المال زیاد شونده میباشد، که مفاد سالانه از آن به دست میآید، گاهی مفاد شرکت صنعتی بزرگتر و وافرتر از شرکت تجاری میباشد؛ زمانیکه بخواهیم اتجاهی را بگیریم که نظر به سهام به تبع نوع شرکت تجاری ارایه کرده اند، که سهام جزء از راس المال تجاری است، در این صورت من ترجیح میدهم که با انواعی از شرکت ها تعامل من حیث افرادی شود که مانند شرکت ها، مالک کارخانه ها و فروشگاه ها باشد، شرکت های صنعتی یا شبه صنعتی، یعنی شرکت های که سهام شان در تجهیزات، آلات، اساسات و ادوات متبازاست، مانند: مطبوعه ها، کارخانه ها، مسافرخانه ها و موتراهای باربری و تکسی ها و امثال آن که از این ها زکات از سهام شان اخذ نمی گردد بلکه از تولید و مفاد خالص آن به مقدار عشر گرفته میشود، چنانچه ما این امر را در زکات مستغلات ترجیح دادیم، همین طور ما این کار را در کارخانه ها و مسافرخانه ها و امثال آن در صورت که ملک افراد باشد میکنیم، بنا بر دلیل که ما قبلا به اساس آن ترجیح دادیم، و زکات آن به اندازه ربع عشر (2.5) فیصد میباشد بعد از وضع ارزش اساسات ثابت سهام، طوریکه ما در کالاهای تجاری ذکر نمودیم که زکات در راس المال تغیر پذیر و متحرک میباشد، این معامله با شرکت های تجاری میشود، نفس معامله را با محلات تجاری میکنیم که از افراد باشد، فرقی در این دو نیست.<sup>1</sup>

اما دکتور قرضاوی رحمه الله در رابطه به زکات سندات نظر شیخ عبدالرحمن "عیسی" را چنین بیان میدارد: شیخ عبدالرحمن عیسی در مورد سندات فرموده است: سند چکی است مبنی بر مدیونیت بانک یا شرکت و یا حکومت که در وجه حاملش در بدل مبلغ معین به فایده ای معینه صادر میشود بنابراین مالک سند مالک دین موجد است، لیکن معجل میشود زمان انتهای میعاد، پس زکات آن لازم میگردد در نهایت اجل برای یک سال و قتیکه از زمان آن سند یک سال و یا بیشتر گذشته باشد، این تفسیر طبق مذهب مالک و ابو یوسف رحمهما الله است. اما تا زمانیکه میعاد آن نرسد اخراج زکات واجب نیست، زیرا این سند دین موجد است، و همچنان زکات لازم نمی گردد و قتیکه یک سال از عمر سند نشده باشد، به دلیل شرط بودن مرور یک سال در وجوب زکات.<sup>2</sup>

<sup>1</sup> فقه الزکاة ص 524-525.

<sup>2</sup> فقه الزکاة از دکتور قرضاوی ص 526.

پس از نقل نظر شیخ "عیسی"، دکتور قرضاوی رحمه الله در این خصوص میفرمایند: قول صحیح در دین قابل حصول که اوبالای شخصی ثروت مند، معترف به قرض و غیر مامل باشد پرداخت زکات آن در هر سال وقتی که به نصاب برسد لازمی و واجب است، که این قول جمهور فقهاء، و ابو عبید و غیره نیز اختیار نموده اند، زیرا، دین قابل حصول به منزله این است که در دستش باشد، نظر به سندات خاص، اخذ به این دیدگاه متعین میشود؛ زیرا سندات نظر به ویژه گی های که دارد از سایر دیون که فقهاء به تقسیم و تعریف آن پرداخته اند متمایز است، زیرا که سندات با وجود که شرعا ممنوع است، نمود کننده و سبب جلب مفاد برای صاحبش میشود، زیرا ممنوعیت این نوع مفاد سبب عفو صاحب سند و مفاد آن از پرداخت زکات نمی شود، زیرا ارتکاب حرام سبب اعطای برتری و مزیت برای صاحبش نسبت به غیرش نمی شود؛ بنابراین فقهاء در مورد وجوب زکات زیورات حرام اجماع کرده اند، در حالیکه در امر مباح دچار اختلاف شده اند.<sup>1</sup>

اتجاه دوم: اتجاه دوم اسهم را کالاهای تجاری تعبیر کرده اند، در کنار اتجاه اول که در سطور پیشتر از آن بیان نمودیم، اتجاه دیگری است که مخالف اتجاه اول میباشد، این اتجاه بسوی سهام به تبع نوع شرکت ها نمی بینند، تا در میان سهام یک شرکت با سهام شرکت دیگر فرق قایل شوند، بلکه این اتجاه نسبت به تمام انواع شرکت ها دیدگاه واحد دارند، به تمام شان یک حکم قایل اند قطع نظر از نوع شرکت صادر کننده اسهم.

دیدگاه اساتذہ ای چون: ابوزهره<sup>2</sup> و عبدالرحمن، حسن، و خلاف: اینها میگویند که سهام و سندات هردو برای تجارت است، صاحب اینها با این ها عملاً خرید و فروش مینماید، کسب میکنند از مفاد آن طوریکه سایر تجارت پیشه ها از کالای تجاری خویش، قیمت حقیقی آن در بازار به خرید و فروش تفاوت میکند از قیمت اسمی آن، بنابراین اعتبار، از جمله کالاهای تجاری محسوب میشود، پس درست خواهد بود که مانند سایر اموال تجاری ظرف برای زکات باشد، چیزیکه در نظر گرفته میشود به کالاهای تجاری همان را در سهام و سندات نیز در نظر گرفته خواهد شد.<sup>3</sup>

<sup>1</sup> همان اثر ص 527.

<sup>2</sup> محمد أحمد مصطفی أبو زهرة، معروف به ابوزهره، یکی از عالمان بزرگ و قرآن پژوه مصر و از مفتیان مشهور الازهر در دوره معاصر است. او در مارس 1898م مصادف با 6 ذی القعدة 1315ق در شهر «محلة الكبرى» یکی از شهرهای ولایت غربی مصر در خانوادهای مشهور به صلاح و التزام به دین و مکارم اخلاق به دنیا آمد. در کودکی به حفظ قرآن کریم روی آورد و در نه سالگی قرآن را کاملاً حفظ کرد، پس از حفظ قرآن به تعلیم مبادی علوم ادبی و مدنی چون ریاضیات، جغرافیا، و فلسفه پرداخت. در سال 1913م به مدرسه جامع الاحمدی در طنطا رفت و پس از سه سال ماندن، چون رئیس آن که به ریاست الازهر رسیده بود، و به نبوغ و استعداد او پی برده بود، او را تشویق کرد که مدرسه و روش درس خود را تغییر دهد و به مدرسه ای خاص مثل مدرسه قضاوت برود؛ و لذا در سال ۱۹۱۶ به مدرسه قضاء شرعی رفت و در مدت نه سال مراحل آن را طی کرد و در سال 1925م به درجه استادی رسید. در سال 1927م دیپلوم آنجا را گرفت و مدرس شریعت و لغت عربی شد. سپس به مدارس ثانویه و بعد به دانشکده اصول دین منتقل شد و در همین زمان بود که نخستین کتاب خود درباره «الخطابة» و کتاب «تاریخ الجدل» و کتاب «تاریخ الديانات القديمة» و «محاضرات فی النصرانية» را نگاشت. آن گاه به دانشکده حقوق دانشگاه قاهره رفت. در سال ۱۹۶۳م مسئولیت تدریس در دانشکده معاملات و مدیریت دانشگاه الازهر را به عهده گرفت، عضو مجمع البحوث الاسلامیه شد و در شورای افتا و قوانین مذهب حنفی و شافعی عضویت یافت و در نهایت عضو مجلس همان دانشگاه شد، و در سال 134 ق مصادف با 174م وفات یافت. (المکتبة الشاملة آنلاین).

<sup>3</sup> حلقة الدراسات الاجتماعیه دور سوم ص 342.

تعبیر این دیدگاه چنین است: از تمام این سهام همراه مفاد آن در آخر هر سال ربع عشر (2.5 فیصد) زکات از قیمت آن در بازار گرفته میشود، به شرطیکه اصل و مفاد آن به نصاب برسد، یا هر دو همراه مال که دارد به نصاب برسد، با وضع نمودن مقدار نیازهای اصلی یا حد ادنی برای زندگی، نظر به صاحب سهام که غیر از این مدرک دیگر مدرک روزی ندارد، مانند بیوه و یا یتیم که غیر از این اسباب کسب رزق ندارند، و زکات بدهد از باقی مفاد و راس المال؛ شاید این دیدگاه و افتاء به اساس مقتضای آن برای افراد موافق تر از دیدگاه اول باشد، هر سهمدار مقدار سهم و مقدار مفاد خود در هر سال را میداند بنا بر این میتواند به سهولت زکات بدهد، بخلاف دیدگاه اول که فرق میان سهام یک شرکت با شرکت دیگری قابل است، بعضی را زکات از محصولات به اندازه عشر و بعضی را از نفس سهام شان حسب ارزش آن در بازار همراه مفاد آن به اندازه ربع عشر اخذ میگردد، در اتجاه اول نوعی از پیچیدگی وجود دارد نسبت به افراد عادی، بنا بر این ما گفتیم: بهتر برای افراد اخذ به فتوی دوم است، در حساب هم آسان است، بخلاف از صورت که دولت مسلمان اراده و اقدام به جمع آوری زکات از شرکتهای نماید که در آن صورت دیدگاه و فتوی اول راجح و بهتر خواهد بود. والله اعلم.<sup>1</sup>

- آیا زکات واردات شرکت همراه اسهم آن گرفته میشود؟

زمانیکه سهام را راس المال تجارتی گفتیم و از آن زکات تجارت را گرفتیم، آیا جایز است زکات را از شرکت های که راس المال شان همین سهام میباشد زکات تولیدات شان گرفته شود؟ دیدگاه اساتذہ چون: ابو زهره و یارانش این است: زکات که از صاحبان اسهم و سندات شرکت های که در آن تجارت میکنند، اخذ میگردد، غیر از چیزی است که از نفس خود شرکت ها گرفته میشود؛ زیرا از شرکت های که از آن زکات گرفته میشود، به اعتبار این است که اموال شرکت به سبب صناعت و مانند آن، زیاد شونده است، اما اسهم برای تاجر که در آن تجارت میکند زیاد شونده است به اعتبار این اسهم از جمله کالای تجاری محسوب میشود.<sup>2</sup>

از دواج ممنوع (ثنی): بنابراین دیدگاه (دیدگاه ابو زهره و یارانش) وقتیکه شخصی، مثلاً در شرکت صناعتی اسهم داشته باشد که ارزش آن به هزار دینار برسد، که در آخر سال برایش 200 دینار مفاد خالص بدست بیاید، بالای شخص لازم است که از مجموع 1200 درهم، ربع عشر یعنی 2.5 فیصد زکات بپردازد که 30 دینار میشود؛ وقتیکه زکات از مفاد خالص شرکت به اندازه ای عشر گرفته شود، چنانچه صاحبان این دیدگاه میگویند، در این صورت این هزار دینار و فایده ای آن در حقیقت دوبار زکات پرداخت شده است، یعنی یک بار با صاحب اسهم منحیث تاجر معامله شده، که از اسهم و مفاد آن به اندازه

1 فقه الزکاة ص 528.

2 حلقة الدراسات الاجتماعیه دور سوم ص 342.



ربع عشر زکات اخذ گردیده، سپس بار دوم منحصراً منتج بودن سهم آن از مفاد اسهمش زکات اخذ نمودیم، یا به عبارت دیگر: از واردات شرکت عشر اخذ نمودیم، این همان ازدواج و یا ثنی ممنوعه شرعا است.<sup>1</sup> نظر راجح از دیدگاه د. قرضاوی رحمه الله راجح این است که غرض جلوگیری از ازدواج ممنوع یا ثنی به یکی از زکات ها اکتفاء شود: یا زکات از قیمت سهم و مفاد آن به اندازه ای ربع عشر داده شود، یا زکات از محصول و واردات شرکت به اندازه عشر.<sup>2</sup>

صورت های مشابه که فقهاء آن را منع قرار داده اند: نیک می پندارم که بعضی از صورتهای مشابه و قریب به آن از صورت مسئله ای ما در اینجا، و جانب را که فقهاء در آن ترجیح داده اند، تذکردهم تا برای ما و تشنه گان دانش وجهی را که در این مسئله گفتیم واضح تر شود.

- تجارت در چهار پایان چرنده و کیفیت کشیدن زکات آن

د. قرضاوی رحمه الله میفرماید: بادرک اینکه زکات در چهار پایان چرنده لازم است در صورتی که به نصاب برسد، این امر اجماعی است، لیکن حکم حیوانات و یا سهم آن که انسانها برای تجارت خریداری مینمایند چیست؟ که در اکثر سال می چرد، و حولان حول هم بگذرد، چریدن و نیت تجارت موجود باشد، آیا زکات چرنده داده میشود یا زکات تجاری؟ در این مورد اختلاف میان فقهاء است که ابن قدامه در المغنی ذکر کرده است.<sup>3</sup>

امام مالک و شافعی رحمه الله در قول جدید شان گفته اند: زکات چرنده را بدهد؛ زیرا چرنده قوی تر است، و همچنان اجماع به آن منعقد شده است، صفت چرنده بودن در عین قائم است، بنابراین اولویت همین صفت چرنده بودن دارد.<sup>4</sup>

امام ابوحنیفه، ثوری و احمد رحمه الله فرموده اند: باید زکات تجارت را بدهد، زیرا مفیدیت اش برای فقرا و مستحقین بیشتر است، و همچنان زیاده از نصاب بحساب آن زکات لازم میگردد، بخلاف چرنده که در زیاده آن الی رسیدن به حد معین زکات لازم نمی گردد، مابین چهل الی یکصد و بیست گوسفند زکات معفو است، مابین 25 الی 36 شتر همچنان، در صورتی که زکات چرنده داده شود هر آینه حق فقراء و مستحقین از این زاید معفو عنه ضایع میشود، با وجودی که برای تجارت است، بدون شک سبب وجوب زکات آن متحقق شده است، پس واجب است اعطای زکات حیوانات چرنده که برای تجارت است اگر چنانچه که به نصاب نرسیده باشد، اما در تجارت به نصاب رسیده است، زکات تجارت بدون نزاع غالبه داده میشود؛ اگر میعاد تعیین شده برای لزوم پرداخت زکات چرنده از وقت پرداخت زکات تجاری پیشی گرفت، مانند کسی که صاحب 40 گوسفند شد که ارزش آن کمتر از نصاب تجارت بود، سپس چاق

<sup>1</sup> فقه الزکاة از قرضاوی ص 529.

<sup>2</sup> همان اثر ص 529.

<sup>3</sup> المغنی ج 3 ص 34-35.

<sup>4</sup> همان اثر ج 3 ص 34-35.

شد ارزش آن در بازار بلند رفت، که ارزش آن در نصف سال به نصاب تجارت رسید - بعضی فقها گفته اند: پرداخت زکات پس انداخته میشود تا حولان حول تجارت به اتمام برسد، زیرا نصاب تجارت برای فقراء و مستحقین مفید تر است.<sup>1</sup>

ابن قدامه رحمه الله فرموده: این احتمال هم وجود دارد که در وقت اتمام سال حیوانات چرنده، زکات عین(چرنده) لازم گردد، بخاطر موجودیت مقتضی(حولان حول و نصاب) در نبود دلیل معارض، وقتی حولان حول تجارت تمام شد، زکات زاید از نصاب لازم می‌گردد، به دلیل وجود مقتضی(چون در تجارت وقتی مال به نصاب رسید، و حولان حول شد زکات لازم است، مثل چرنده فواصل وجود ندارد، بنابراین ما زاد از نصاب را زکات تجاری داده شود) زیرا این حیوانات کالای تجاری است و حولان حول هم شده است، در حال نصاب، ایجاب دو زکات کامل ممکن نیست، زیرا به ایجاب دو زکات در یک سال به یک سبب لازم می‌آید، به دلیل فرموده پیامبر ﷺ «لا تثنی فی الصدقة» اگر صاحب نصاب چرنده شد بدون نصاب تجارت - مثل 40 گوسفند و حولان حول هم شد، که ارزش نصاب چرنده به نصاب تجاری نمی‌رسید، در این صورت زکات چرنده لازم می‌گردد بدون اختلاف، زیرا در آن کدام معارض وجود ندارد، چنانچه که در مواشی چرنده ای غیر تجاری لازم است.<sup>2</sup>

ابن قدامه رحمه الله در المغنی فرموده: اگر شخصی زمین و یا درخت خرما را برای تجارت خریداری نمود، زمین را کارید و درخت خرما میوه داد، هر دو حولان حول شان هم زمان آمد، طوریکه زمان رسیدن میوه و سخت شدن دانه مزروعی در آخر سال شد، و ارزش زمین و درخت خرما هر کدام به تنهایی نصاب تجارت بودند، در این صورت از هر دو زکاة عشر دهد، زکاة اصل(زمین) و زکاه قیمت(تجارت) را پرداخت کند، این قول امام ابوحنیفه و ابو ثور رحمهما الله است.<sup>3</sup>

قاضی ابو یعلی<sup>4</sup> و یارانش از فقهای حنبلی فرموده اند: از تمامش(زمین و کشت) زکات ارزش آن را بدهد، و مدعی است که امام احمد به این اشاره نموده است، زیرا مال تجارت است در آن زکات تجارت لازم می‌گردد، همانند چرنده.<sup>5</sup>

ابن قدامه رحمه الله در المغنی به قول اول استدلال کرده که برای مستمندان بهتر و مفید تر است؛ زیرا عشر مفید تر از ربع عشر است، پس لازم است مفیدتر را از مفید مقدم نماییم، زیرا سبب وجوب

<sup>1</sup> همان اثر ج 3 ص 34-35.

<sup>2</sup> ابو عبید در الاموال ص 275، روایت نموده اند.

<sup>3</sup> المغنی ج 3 ص 35-36.

<sup>4</sup> قاضی ابو یعلی: محمد بن حسین بن محمد بن خلف بن فراء در میان سالهای 380-458 ق زندگی داشته از علمای معروف مذهب حنبلی در زمان حکومت عباسی بوده که وی مولف کتب زیادی میباشد، که مشهور ترین آن احکام السلطانية میباشد(المکتبة الشاملة آنلاین).

<sup>5</sup> مطالب اولی النهی ج 2 ص 100-101.

زیادت از ربع عشر متحقق شده است، بنابراین دلیل واجب است، فرموده: و از سایمه آماده برای تجارت تفکیک شده است، زیرا زکات چرنده کمتر از زکات تجارت است.<sup>1</sup>

این حجتی که آن را صاحب المغنی ذکر نموده قاطع و مقاوم در مقابل معارض نیست، زیرا تقدیم آنچه که در آن مفیدیت برای مستمندان داشته باشد، معتبر نیست زمانیکه سبب ظلم بر ثروت مندان شود، شریعت مقدس اسلام منهج و روشی را اتخاذ کرده که مراعات حال هر دو (ثروت مندان و مستمندان) شود.

از عدل روش و منهج درست شریعت اسلامی این است که زکات عشر را از محصول و تولید گرفته شود نه از اصل، مانند: حبوبات و میوه ها؛ ربع عشر گرفته شود از اصل و نمای آن یعنی از راس المال و غله، چنانچه این حکم در مال تجارت است، اما حکم جمع میان دو امر (عشر و ربع عشر) متعارف نیست، ضروری است که یکی از زکاتین را بردیگری غلبه داده شود، بخاطر دوری گزیدن از ازدواج که حدیث شریف آن را نهی کرده است، و تمام فقهاء آن را اخذ کرده اند، تا زکات بالای کسی بیشتر از یک بار در یک سال به یک سبب لازم نگردد؛ این طور گفته نشود که در اینجا دو سبب (تجارت و زراعت) یکجا جمع شده اند: زیرا یکی از دو سبب بالا صاله مقصود است و دیگری به تبع در آن داخل است، بنا بر این کسی که زمین های زراعتی را به مقصد تجارت خریداری مینماید در آن صورت زراعت و کشت هدف آن نیست، بلکه به تبع آمده است، مناسب است که قصد تجارت را بر زراعت غلبه داده شود.<sup>2</sup>

بنا بر این اساس صاحب (شرح الغایه) از فقهای حنبلی فرموده: کسی که مالک نصاب تجارت از چرنده شد، بر او تنها زکات تجارت لازم است (ولو که حولان حول چرنده از نصاب تجارت پیشی بگیرد) زیرا وصف تجارت سبب وجوب زکات چرنده را از بین میبرد که نگهداری برای نماء است.

فرموده: کسی مالک زمین برای تجارت میشود سپس کشت به بذرتجارتی میکند و یا کسی مالک درخت خرما میشود و آن میوه میدهد، بر وی در هر دو صورت تنها زکات تجارت لازم میگردد، ولو که حولان حول کشت و میوه از حول تجارت پیشی بگیرد، فرموده: زیرا کشت و میوه جزء از محصولات زمین است، پس لازمی است که همراه اصل (زمین) قیمت گذاری شود، مانند چوپه های حیوانات و مفاد قابل تجدید، مگر در آن صورت که قیمت چوپه های حیوانات، و زمین همراه کشت و درخت خرما همراه میوه ای آن به نصاب نرسد، طوری که ارزشش از ارزش بیست متقال طلا و 200 درهم نقره پایین تر شود، باز اینها را از حساب غیر تجارتي زکات داده شود، از سایمه زکات آن و از زراعت و میوه چیزی که در آن لازم میگردد، برای اینکه زکات به طور کلی از مکلف ساقط نگردد.<sup>3</sup>

<sup>1</sup> المغنی ج 3 ص 35-36.

<sup>2</sup> فقه الزکاة ص 532/1.

<sup>3</sup> مطالب اولی النهی ج 2 ص 100-101.

ابن حزم<sup>1</sup> از حسن بن حی نقل نموده: چیزی که برای تجارت کاشته میشود، تزکیه از زکات تجارت میشود.<sup>2</sup>

امام کاسانی در بدایع الصنائع به روایت مشهور از ایشان فرموده: اصحاب ما (احناف) در مورد کسی که زمین عشری و یا زمین خراجی را برای تجارت خریداری مینماید، فرموده اند: در آن عشر و یا خراج است، زکات تجارت بر هیچ کدام لازم نمی گردد.<sup>3</sup>

و از امام محمد رحمه الله شاگرد امام ابوحنیفه رحمه الله روایت است که عشر و زکات تجارت و یا خراج و زکات تجارت لازم میگردد، این روایت را توجیه کرده: که زکات تجارت در زمین و عشر در کشت لازم میگردد، این هر دو مال مختلف هستند، بنابراین اجتماع دوحق در یک مال لازم نمی آید.<sup>4</sup>

روایت مشهوره را که قبلاً ذکر شد چنین توجیه کرده اند: سبب وجوب در هر دو صورت یکی است که زمین میباشد و حقوق الله که متعلق به اموال افزون شونده است، در آن دو حق به سبب یک مال لازم نمی گردد، مثل: زکات مال چرنده و مال تجارت.<sup>5</sup>

دیدگاه د. قرضاوی رحمه الله ایشان رحمه الله فرموده: حکمی را که من قابل ترجیح میدانم غلبه دادن یک زکات بر دیگری است، طوریکه یک زکات لازم گردد بالای مزکی بخاطر پرهیز از ازدواج (الثنی) ممنوع؛ چنانچه که در نزد احناف و غیر آنها مشهور است؛ اما موضوع این است که کدام یکی ازدواج را جحتر است، این امر به اختیار مزکی و صاحب امر مسلمانان گذاشته میشود، زیرا در هر کدام این دو دیدگاه توجیهاتی وجود دارد. (قول به گرفتن عشر و یا نصف آن از حاصل و یا قول به ربع عشر از اصل و حاصل یکجا)؛ چیزی که لازم به کتابت میدانم: که جمهور فقهاء مسلمانان بلکه تمام فقهاء، ازدواج زکات را در یک مال و به یک سبب جایز نمی دانند، و بعضی از فقهاء در بعضی از صورت ها اختلاف کرده اند، به دلیل وجود دو سبب برای وجوب زکات به نظر اش؛ که در روایت امام محمد یار امام ابوحنیفه رحمه الله که پیشتر از آن تذکر دادیم؛ بنابراین شریعت اسلامی در برنامه های تشریحی خویش از نظام قوانین مالی و مالیاتی امروز بنام منع ازدواج ضریبه (مالیات) تشریح کرده اند گویا قرن ها پیش سبقت جسته است.<sup>6</sup>

<sup>1</sup> ابن حزم: ابو محمد علی بن احمد بن سعید بن حزم ظاهری، فقیه، محدث، فیلسوف، عالم ادیان و مذاهب، ادیب و شاعر و یکی از درخشان ترین چهره های فرهنگ اسلامی در اندلس در میان سال های 384-456 ق زندگی داشته، و در پیرو مذهب ظاهری بوده و به دفاع از مذهب کتابی را تحت عنوان المحلی نوشته است. (المکتبة الشاملة آنلاین).

<sup>2</sup> المحلی ابن حزم ظاهری ج 5 ص 249.

<sup>3</sup> بدایع الصنائع کاسانی ج 2 ص 57.

<sup>4</sup> همان اثر ج 2 ص 57.

<sup>5</sup> همان اثر ج 2 ص 57.

<sup>6</sup> فقه الزکاة د یوسف قرضاوی رحمه الله 533.

## مبحث دوم

### حکم خرید و فروش اسهم و سندات

این مبحث دارای چهار مطلب می باشد.

#### مطلب اول: حکم خرید و فروش اسهم

د. عمر مترک در کتاب "الربا والمعاملات المصرفية فی نظر شریعة الاسلامیه" حکم خرید و فروش اسهم را به تبع نوع موسسات و شرکت ها به دونوع تقسیم بندی نموده و حکم هر کدام را طوری جداگانه بیان میدارد:

نوع اول: سهام در موسسات که در اساس از نظر شریعت اسلامی حرام هستند، و یا کار و عمل شان در شریعت حرام است، یا به گناه و بی باکی کمک میکنند، مانند بانک های ربوی، یا بانک های که تعامل شان با ربا است، یا موسسات که آدرس قمار هستند، یا کنسرت های لهو و بی حیایی و تجمعات مختلط، و غیره امور که الله متعال حرام قرار داده است، بنابراین معامله با این موسسات و همانند اینها حرام است، بر ابراست که این موسسات سهامی باشد یا برای خرید و فروش سهام، یا موسسات که برای تعامل با این موسسات باشد، الله متعال فرموده: ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾<sup>1</sup>.

ترجمه: به نیکی و تقوی کمک کنید و به اسباب گناه و تجاوز یاری نرسانید از الله ﷻ بترسید، به درستی که الله سخت عذاب دهنده است.

نوع دوم: اسهم در موسسات مباحه: مانند شرکت های تجاری مباح، شرکت های صنعتی مباح، و شرکت های عقاری مباحه، شراکت و مساهم شدن در آن همچنان خرید و فروش سهام آن، بشرط شهرت نیک شرکت، و کسانی که در هیئت رهبری و امنای شرکت قرار دارند، افراد با اعتبار و امین باشند که خدا را در اعمال شان در ظاهر و پنهان حاضر ببینند و از عذاب الله ﷻ بهر اسند، در آن فریب و پنهان کاری نباشد، این نوع شرکت و تعامل با آن جایز است زیرا سهم جزء از راس المال است، که با مفاد که از آن در نتیجه تجارت و صنعتی مشروع به دست می آید برای صاحبش باز می گردد، این کار و عمل بدون شک حلال است.<sup>2</sup>

1 سورة المائدة آیه 2..

2 الربا والمعاملات المصرفية فی نظر شریعة الاسلامیه ، د عمر المترک رحمه الله ، ص 371.

## مطلب دوم: حکم خرید و فروش سندات و تعامل با آن

در صورت که سندات دارای صفاتی باشد که (ما پیشتر طی جدول در صفحات 65-66 طور واضح بیان نمودیم) در آن صورت حقیقت آن قرض در بدل مفاد است، این عین رباء است، که در جاهلیت قبل از اسلام نیز رایج بود؛ پس صدور این نوع سندات از اول امر نا مشروع، غیر جایز و حرام است، پس داد و گرفت آن به وسیله ای خرید و فروش شرعا ناجایز است، برای حامل سند، درست نیست که آن را به فروش برساند، باید توبه کند، فقط میتواند راس المال خود را اخذ نماید، نه ظلم کند و نه هم متحمل ظلم شود.<sup>1</sup>

## مطلب سوم: بیان کیفیت زکات اسهم

برای بیان کیفیت زکات اسهم لازم است تا انواع مساهمه در انواع شرکت ها را بدانیم تا تمهیدی باشد برای بیان چگونگی کیفیت زکات اسهم؛ با این بیان مساهمه در شرکت ها به دو گونه است که ذیلا بیان و کیفیت زکات هر کدام را در جای خودش توضیح میدهم:

نوع اول: مساهمه در شرکت های صنعتی محض مثل: شرکت برشنا، شرکت سمنت، شرکت های آهن، و شرکت های دواء، و غیره از شرکت ها صنعتی، غرض شرکاء خرید آن نه بلکه استثمار دائمی آن است، در این نوع شرکت ها زکات ربع عشر مفاد آن لازم میگردد (2.5%) زمانیکه مفاد به نصاب برسد و حولان حول شود، بر هر سهمدار کشیدن زکات سهم خودش از مفاد لازم است، در هر سال به شروط که قبلا از آن تذکر به عمل آمد، به دلیل قیاس به عقارات که برای اجاره و یا کرایه ساخته شده است.

نوع دوم: مساهمه در شرکت های تجاری محض، که خرید و فروش کالا های تجاری را میکند، مانند: وارد و صادر کردن کالاها، خرید و فروش آن و انواع مضاربت ها و امثال اینها از شرکت های سهامی در شرکت های تجاری مباح و حلال که مساهم قصد استمرار طوری مداوم نداشته باشد، بلکه شخص تجارت پیشه هدف از مشارکت اش تجارت در خرید و فروش است، بخاطر حصول فایده، بنابراین زکات در تمام آنچه که در ملکیت وی (مساهم) است لازم میگردد، زکات آن زکات کالا های تجاری است، در آخر هر سال به قول صاحب رساله (زکاة عروض التجارة) و به قول بعض دیگر در هر وقت سال، و بعضی دیگری در دوسر سال قیمت گذاری شده، سپس وقتی همراه مفادش به نصاب برسد زکات داده میشود، بنابراین زکات در راس المال و مفاد آن یکجا لازم میگردد.<sup>2</sup>

<sup>1</sup> الربا و المعاملات المصرفية في نظر شريعة الاسلاميه، ص 369-385، فقه الزكاة ص 521..  
<sup>2</sup> فتاوى اللجنة الدائمة للبحوث العلميه والافتاء 362-349/9 و فتاوى ابن عثيمين 233-217//18. مختصر الفقه الاسلامي، از محمد بن ابراهيم التويجري، 606-5-6.

به روایت د. قحطانی، این تقسیماتی است که شیخ اش، شیخ ابن باز رحمه الله به آن فتوی داده است، ایشان رحمه الله فرمودند: «وقتی سهام برای استثمار باشد نه برای فروش در آن صورت کشیدن زکات مفاد آن از نقود لازمی است، از نقود وقتی که به نصاب برسد و حولان حول شود. اما اگر سهام برای فروش باشد، در آن صورت از راس المال و مفاد آن زمانیکه حولان حول بر اصل شد بر حسب ارزش آن در آخر سال یکجا زکات کشیده میشود.<sup>1</sup>»

### مطلب چهارم: بیان کیفیت زکات سندات

سندات که بیشتر از صفات آن ذکر نمودیم، تعامل با آن حرام است و تعامل (خرید و فروش) با آن جایز نیست، لیکن کسی که در آن واقع میشود باید توبه کند راس المال از خودش میباید نه ظلم بر او روا داشته شود و نه ظلم کند، به هر حال سندات، دیون موجد است، فایده حرام مانع پرداخت زکات نمی شود، زیرا به روایت صحیح از اهل علم در مورد زکات دین ثابت است که حرمت، سبب بخشش صاحب سند از زکات نمی شود، و ایشان دین را دو نوع میدانند:

نوع اول: دینی است که شخص تاجر بالای اشخاص ثروت مند و غیرمماطل دارد و مدیون به دین داین نیز اعتراف دارد، و هر وقت بخواهد برایش پرداخت میکند، بالای صاحب دین زکات آن است در هر سال، گویا که در نزد خودش باشد، دین در نزد مدیون حیثیت امانت را دارد.<sup>2</sup>

نوع دوم: دینی است که بالای شخص تنگ دست، یا منکر، و یا شخص ثروت مند مماطل میباید، صحیح از اقوال اهل علم این است که بر صاحب مال زکات آن لازم نمی گردد تا وقتی که قبض نکرده باشد، سپس از زمان قبض سال جدیدی را آغاز کند، زمانیکه بعد از قبض حولان حول شد، زکات بدهد، اگر زکات یک سال گذشته دین قبض شده را داد این کاری نیک و امراحتیاطی است، لکن این کار بر وی لازمی نیست.<sup>3</sup>

دیدگاه نزدیک تر به صواب این است سندات را حکم نوع اول از دیون داده شود که جمهور فقهاء، ابو عبید و دکتور قرضاوی رحمه الله<sup>4</sup> نیز اختیار نموده اند، زیرا دین قابل حصول به منزله ای این است که در دستش باشد؛ نظریه سندات خاص در این رابطه اخذ به این دیدگاه متعین میشود؛ زیرا سندات نظر به ویژه گی های که دارد از سایر دیون که فقهاء به تقسیم و تعریف آن پرداخته اند متمایز است، زیرا که سندات با وجود که شرعا ممنوع است، نمو کننده و سبب جلب مفاد برای صاحبش میشود، ممنوعیت این نوع مفاد سبب عفو صاحب سند و مفاد آن از پرداخت زکات نمی شود؛ ارتکاب حرام سبب اعطای

<sup>1</sup> مجموع فتاوی ابن باز رحمه الله 191/14، فقه الزکاة از قرضاوی 521/1.

<sup>2</sup> المغنی از ابن قدامه 270-269/4، و مجموع فتاوی 53/14، فقه الزکاة ص 524-525.

<sup>3</sup> مجموع فتاوی ابن باز، 53/14.

<sup>4</sup> فقه الزکاة ص 527.

برتری و مزیت برای صاحبش نسبت به غیر نمیشود؛ همانطوریکه فقهاء در مورد وجوب زکات زیورات حرام اجماع کرده اند.

د. قحطانی این بحث را در کتاب خویش زکاة عروض التجارة والاسهم والسندات با یک سوال

و جواب توجیه کننده از اللجنة الدائمة، در این خصوص خاتمه میبخشد که نص آن چنین است:

س: آیا بر اسهم و سندات زکات است؟ و چگونه خارج کنیم؟

ج: زکات لازم است در سهام و سندات وقتی که تمثیل نقود را کند، یا به حیث کالای تجاری استفاده

شود، به شرط که کسی که مدیون است تنگ دست و مماطل نباشد.<sup>1</sup>

---

<sup>1</sup> اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والافتاء، 354/9.



## مبحث سوم

زکات حیوانات که برای تجارت است و محصولات آن،  
درخت، و میوه برای تجارت، زکات مکان و آلات صنعتی،  
زکات اوراق نقدی و حساب جاری

این مبحث دارای پنج مطلب میباشد.

### مطلب اول: زکات حیوانات تجارتي و محصولات آن

قابل ذکر است که زکات در چهار پایان چرنده لازم است در صورتیکه به نصاب برسد، این امر اجماعی است، و همچنان حیواناتی را که به نیت تجارت خریداری و سپس به فروش میرسانند بدون کدام مصارف اضافی و یا چرانیدن در اکثریت سال واضح است که باید زکات تجارتي داده شود چون به حیث کالای تجاری به شمار میآید، در صورت که حولان حول شود و به نصاب زکات تجارت برسد، لیکن حکم حیوانات و یا سهام آن که انسانها برای تجارت خریداری مینمایند چیست؟ که در اکثر سال می چرنند، و حولان حول هم بگذرد، چریدن و نیت تجارت موجود باشد، آیا زکات چرنده داده میشود یا زکات تجاری؟ در این مورد اختلاف میان فقهاء است که ابن قدامه رحمه الله در المغنی ذکر کرده است.<sup>1</sup>

امام مالک و شافعی رحمهما الله در قول جدید شان گفته اند: زکات چرنده را بدهد؛ زیرا چرنده قوی تر است، و همچنان اجماع به آن منعقد شده است، صفت چرنده بودن در عین قایم است، بنابراین اولویت همین صفت چرنده بودن دارد.<sup>2</sup>

امام ابوحنیفه، ثوری و احمد رحمهم الله فرموده اند: باید زکات تجارت را بدهد، زیرا مفیدیت اش برای فقرا و مستحقین بیشتر است، و همچنان زیاده از نصاب بحساب آن زکات لازم میگردد، بخلاف چرنده که در زیاده آن الی رسیدن به حد معین زکات لازم نمی گردد، مابین چهل الی یکصد و بیست گوسفند زکات معفو است، مابین 25 الی 36 شتر همچنان، در صورت که زکات چرنده داده شود هر آینه حق فقراء و مستحقین از این زاید معفو عنه ضایع میشود، با وجود که برای تجارت است، بدون شک سبب وجوب زکات آن متحقق شده است، پس واجب است اعطای زکات حیوانات چرنده که برای تجارت است اگرچی که به نصاب نرسیده باشد، اما در تجارت به نصاب رسیده است، زکات تجارت بدون نزاع غلبه داده میشود؛ اگر میعاد تعیین شده برای لزوم پرداخت زکات چرنده از وقت پرداخت زکات تجارتي پیشی گرفت، مانند کسی که صاحب 40 گوسفند شد که ارزش آن کمتر از نصاب تجارت بود، سپس چاق شد و ارزش آن در بازار بلند رفت، که ارزش آن در نصف سال به نصاب تجارت رسید - بعضی فقها

<sup>1</sup> المغنی ج 3 ص 34-35.

<sup>2</sup> همان اثر.

گفته اند: پرداخت زکات پس انداخته میشود تا حولان حول تجارت به اتمام برسد، زیرا نصاب تجارت برای فقراء و مستحقین مفید تر است.<sup>1</sup>

ابن قدامه رحمه الله فرموده: این احتمال هم وجود دارد که در وقت اتمام سال حیوانات چرنده، زکات عین(چرنده) لازم گردد، بخاطر موجودیت مقتضی(حولان حول و نصاب) در نبود دلیل معارض، وقتی حولان حول تجارت تمام شد، زکات زاید از نصاب لازم میگردد، به دلیل وجود مقتضی(چون در تجارت وقتی مال به نصاب رسید، و حولان حول شد زکات لازم است، مثل چرنده فواصل وجود ندارد، بنابراین ما زاد از نصاب را زکات تجاری داده شود) زیرا این حیوانات کالای تجاری است و حولان حول هم شده است، در حال نصاب، ایجاب دو زکات کامل ممکن نیست، زیرا به ایجاب دو زکات در یک سال به یک سبب لازم میآید، به دلیل فرموده پیامبر ﷺ «لاثنی فی الصدقة»<sup>2</sup>. اگر صاحب نصاب چرنده شد بدون نصاب تجارت – مثل 40 گوسفند و حولان حول هم شد، که ارزش نصاب چرنده به نصاب تجاری نمی رسد، در این صورت زکات چرنده لازم میگردد بدون اختلاف، زیرا در آن کدام معارض وجود ندارد، چنانچه که در مواشی چرنده ای غیر تجاری لازم است.<sup>3</sup>

در مورد زمین و درخت تجاری و محصولات آن:

ابن قدامه رحمه الله در المغنی میفرماید: اگر شخصی زمین و یا درخت خرما را برای تجارت خریداری نمود، زمین را کارید و درخت خرما میوه داد، هر دو حولان حول شان هم زمان آمد، طوریکه زمان رسیدن میوه و سخت شدن دانه مزروعی در آخر سال شد، و ارزش زمین و درخت خرما هر کدام به تنهایی نصاب تجارت بودند، در این صورت از هر دو (زکات قیمت زمین و زکات ارزش تجارت) را به عشر زکات پرداخت کند؛ و فرموده: این قول امام ابوحنیفه و ابو ثور رحمهما الله است.<sup>4</sup>

قاضی ابویعلی و یارانش از فقهای حنبلی فرموده اند: از تمامش (زمین و کشت) زکات ارزش یا تجارت را بدهد، و مدعی است که امام احمد به این دیدگاه اشاره نموده است؛ زیرا مال تجارت است در آن همانند چرنده زکات تجارت لازم میگردد.<sup>5</sup>

ابن قدامه رحمه الله در المغنی به تایید دیدگاه اول استدلال کرده که برای مستمندان بهتر و مفید تر است؛ زیرا عشر مفید تر از ربع عشر است، پس لازم است مفیدتر را از مفید مقدم نماییم، برای اینکه سبب وجوب زیادت از ربع عشر متحقق شده است؛ فرموده: و از چرنده آماده برای تجارت تفکیک شده است، زیرا زکات چرنده کمتر از زکات تجارت است.<sup>6</sup>

1 همان اثر.

2 الاموال ابو عبید ص 275.

3 المغنی ج 3 ص 34-35.

4 همان اثر.

5 مطالب اولی النهی ج 2 ص 100-101.

6 المغنی ج 3 ص 35-36.

د. قرضای رحمه الله در ادامه این مطلب میگوید: این حجتی که آن را صاحب المغنی ذکر نموده قاطع و مقاوم در مقابل معارض نیست، زیرا تقدیم آنچه که در آن مفیدیت برای مستمندان داشته باشد، معتبر نیست زمانیکه سبب ظلم بر ثروت مندان شود، شریعت مقدس اسلام منهج و روشی را اتخاذ کرده که مراعات حال هر دو (ثروت مندان و مستمندان) شود؛ از عدل روش و منهج درست شریعت اسلامی این است که زکات عشر را از محصول و تولید گرفته شود نه از اصل، مانند: حبوبات و میوه ها؛ ربع عشر گرفته شود از اصل و نمای آن یعنی از سرمایه و حاصل آن، چنانچه این حکم در مال تجارت است، اما حکم جمع میان دو امر (عشر و ربع عشر) شناخته شده نیست، ضروری است که یکی از دوزکات را بردیگری غلبه داده شود، بخاطر دوری گزیدن از ازدواج که حدیث شریف آن را نهی کرده است، و تمام فقهاء آن را اخذ کرده اند، تا زکات بالای کسی بیشتر از یک بار در یک سال به یک سبب لازم نگردد، البته این طور گفته نشود که در اینجا دو سبب (تجارت و زراعت) یکجا جمع شده اند: زیرا یکی از دو سبب بالا صاله مقصود است و دیگری به تبع در آن داخل است، بنابراین کسی که زمین های زراعتی را به مقصد تجارت خریداری مینماید در آن صورت زراعت و کشت هدف آن نیست، بلکه به تبع آمده است، مناسب است که قصد تجارت را بر زراعت غلبه داده شود.<sup>1</sup>

بنا بر این اساس صاحب (شرح الغایة) از فقهای حنبلی فرموده: کسی که مالک نصاب تجارت از چرنده شد، بر او تنها زکات تجارت لازم است (ولو که حول چرنده از نصاب تجارت پیشی بگیرد) زیرا وصف تجارت سبب وجوب زکات چرنده را از بین میبرد که نگهداری برای نماء است؛ ایشان فرموده اند: کسی مالک زمین برای تجارت میشود سپس کشت به بذرتجارتی میکند و یا کسی مالک درخت خرما میشود و آن میوه میدهد، بر وی در هر دو صورت تنها زکات تجارت لازم میگردد، ولو که حولان حول کشت و میوه از حول تجارت پیشی بگیرد، فرموده: زیرا کشت و میوه جزء از محصولات زمین است، پس لازمی است که همراه اصل (زمین) قیمت گذاری شود، مانند: چوپه های حیوانات و مفاد قابل تجدید؛ مگر در آن صورتیکه قیمت چوپه های حیوانات، و زمین همراه کشت و درخت خرما همراه میوه ای آن به نصاب نرسد، طوریکه ارزشش از ارزش بیست مثقال طلا و 200 درهم نقره پایین تر شود، باز اینها را از حساب غیر تجارتي زکات داده شود، از سایمه زکات آن و از زراعت و میوه چیزی که در آن لازم میگردد، برای اینکه زکات به طور کلی از مکلف ساقط نگردد.<sup>2</sup>

دیدگاه دکتور قرضای رحمه الله: ایشان فرموده اند: حکمی را که من قابل ترجیح میدانم غلبه دادن یک زکات بردیگری است، طوریکه یک زکات لازم گردد بالای مزکی بخاطر پرهیز از ازدواج (الثنی) ممنوع؛ اما موضوع این است که کدام یکی از دوزکات را جحتر است (زکات تجارت و چرنده بودن

<sup>1</sup> فقه الزکاة ص 532/1.

<sup>2</sup> مطالب اولی النهی ج 2 ص 100-101.

به اندازه عشر) و یا (زکات تجارت فقط به اندازه ربع عشر)، و (زکات قیمت زمین، درخت و محصول آنها به اندازه عشر) و یا هم (زکات تجارت فقط به اندازه ربع عشر) به این امر به اختیار مزکی و صاحب امر مسلمانان گذاشته میشود، زیرا در هر کدام این دو دیدگاه توجیهاتی وجود دارد؛ چیزیکه لازم به کتابت میدانم: که جمهور فقهاء مسلمانان بلکه تمام فقهاء، تکرار زکات را در یک مال و به یک سبب جایز نمی دانند.<sup>1</sup>

تنبیه مهم: در این رابطه آنچه من به آن تمایل دارم این است که اراده و قصد تجارت پیشه را معیار قرار داده شود بهتر خواهد بود تا از یک طرف حکم شرع شریف اهمال نشود و هر کس مسیر را تشخیص کند، و از جانب دیگر چون تاجر وقتی کالای را خریداری مینماید قصدش نگهداری و استفاده از حاصلات آن نیست بلکه برای فروش خریداری نموده است؛ اما در صورتیکه هدفش استثمار باشد نه فروش آن حکم واضح خواهد بود، اینکه امام ابوحنیفه رحمه الله در مواشی تجاری زکات تجارت و در زمین، درخت تجاری و محصولات آن ها زکات عشر را لازم میدانند، برای این است که ایشان بیشتر ترکیز روی بهبود وضع فقراء و مستمندان دارد. والله اعلم.

#### - بحوث معاصر

بدون شک در این زمانه انواع تجارتها و کثرت آن و بیشتر شدن متقاضی و بلند رفتن مفادها در تجارت حیوانات و محصولات آن مثل شیر، تخم و غیره که فقهای متقدم از این مورد بحث نکرده اند، چون در قدیم از این نوع تجارت کم واقع میشد، مگر همیشه در این موضوع نیاز به بحث و تحریر است، بنا بر این ممکن است که محصولات حیوانی به دو دسته تقسیم شود، این تقسیم به اعتبار نوع حیوانات منتج میباشد، طوری ذیل:

نوع اول: حیوانات حاصل دهنده از حیواناتی باشد که زکات در عین آن لازم گردد، مثل زکات حیوانات حلال گوشت چهارپا فقهاء در مورد زکات آنها و زکات محصولات آنها به سه دیدگاه اختلاف نموده اند:

دیدگاه اول: وجوب دادن زکات چهار پایان چرنده حلال گوشت همراه محصولات آن به زکات تجارت، این دیدگاه دکتور احمد الکردی و دکتور محمد رافت عثمان است، که فرموده اند: محصولات این حیوانات مثل شیر، مستخرات آن مثل: پوست، شیر و قیماق، گوشت آنها در صورت ذبح، در صورت موجودیت آنها در آخر سال، بر شرکت لازم است، آن را قیمت گذاری نموده و ارزش آن را به ارزش حیوانات قابل نتاج که دارد یکجا نموده، و قتیکه این همه به نصاب زکات نقود رسید، لازم است که ربع

<sup>1</sup> فقه الزکاة ص 533.

عشر زکات بدهد، این تصریح متقدمین از فقهاء است، طوریکه جلال الدین المحلی<sup>1</sup> در شرح منهاج الطالبین بعد از ذکر دیدگاه‌های قدیم و جدید امام شافعی مبنی بر دادن زکات حیوانات زکات تجارتي، میفرماید: «نرخ گذاری شود همراه شیر، نسل، پشم، محصول لبنیات آن، زیرا که محصولات حیوانات تجارتي، کالای تجاری محسوب میشود».

دیدگاه دوم: از حیوانات حاصل دهنده زکات چرنده گرفته شود (مراد از چرنده همان حیواناتی است که در سنت مطهره حکم مبنی بر لزوم پرداخت زکات آن آمده است) و محصول آن را زکات تجارت داده شود، به این دیدگاه، د. محمد بن عبدالغفار الشریف، نیز قول کرده است.<sup>2</sup>

دیدگاه سوم: از محصول حیوانات زکات نقود داده شود، برابر است که در وقت استفاده از آن باشد و یا بعد از حولان حول بر آن، این دیدگاه دکتور الخضر علی ادريس است.<sup>3</sup>، به این دیدگاه در دیوان زکات در سودان عمل میشود<sup>4</sup>، و به این دیدگاه شیخ عبدالله بن منیع بشرط ماندن محصول بعد از حولان حول متمایل است.<sup>5</sup>

دلایل که صاحبان دیدگاه‌های فوق گفته اند:

دلیل دیدگاه اول: حیوانات و محصول آن کالای است که از آن قصد تجارت شده است، پس لازم است که زکات تجارت داده شود.

مناقشه این دیدگاه: درست نیست که در این صورت محصول را کالای تجاری گفته شود، زیرا کالای تجاری وقتی گفته میشود که به وسیله خرید و فروش قابل تغییر باشد، در حالیکه چنین نیست در این صورت، هدف از خرید و فروش حیوانات تجارت نه بلکه برای فروش محصول آن است.<sup>6</sup>

دلیل دیدگاه دوم: حیوانات حاصل دهنده از جمله اموالی است که زکات در عین آن لازم میگردد، به دلیل چرنده بودن، اما محصول آن مثل لبنیات و امثال آن مال دیگری است که در آن زکات تجاری لازم میگردد، این دونوع مال است که سبب وجوب زکات در آنها تفاوت دارد، در حیوانات چرنده زکات به سبب چریدن لازم میگردد، در محصول آنها زکات به سبب تجارت لازم میگردد.<sup>7</sup>

<sup>1</sup> جلال‌الدین: محمد بن احمد بن ابراهیم محلی شافعی اصولی مفسر تولد و وفات وی در قاهره شده در میان سالهای 791-864 هـ ق در قاهره به تحصیل پرداخت، قرآن را فراگرفت و به حفظ متون پرداخت، بزرگترین اثر وی تفسیر 15 جزء اول قرآن کریم است. با تفسیر 15 جزء اخیر قرآن توسط جلال الدین سیوطی رحمه الله این تفسیر تکمیل و تفسیر الجلالین نام گرفت. (المکتبة الشاملة آنلاين).

<sup>2</sup> ابیات و اعمال الندوة الثانية عشر لقضايا الزكاة المعاصرة، ص 298.

<sup>3</sup> ابیات و اعمال الندوة الثانية عشر لقضايا الزكاة المعاصرة، ص 286.

<sup>4</sup> قانون زکات در سودان در سال 2001 م ص 22-23.

<sup>5</sup> ابیات و اعمال الندوة الثانية عشر لقضايا الزكاة المعاصرة، ص 315.

<sup>6</sup> ابیات و اعمال الندوة الثانية عشر لقضايا الزكاة المعاصرة، ص 298.

<sup>7</sup> همان اثر ص 298.

مناقشه این دیدگاه: وصف تجارت سبب زکات چرنده را از بین میبرد، این هردو درحقیقت یک مال هستند، این محصولات درواقع حاصل حیوان است؛ دریک ملک به یک سبب دریک سال دادن دو زکات جایز نیست.

دلیل دیدگاه سوم: این حیوانات اموال استغلالی است، زکات درمحصول آن لازم میگردد، زیرا محصول بالفعل مال نمودننده است، بنابراین پرداخت زکات آن لازمی است، این کالای تجاری وکشت نیست، بلکه آماده پیسه است که صاحب آن میگیرد، بنا براین پرداخت زکات آن به زکات نقود لازم میگردد.<sup>1</sup>

مناقشه این دیدگاه: به این باور نیستیم که این حیوانات اموال استغلالی است، زیرا دراصل (حیوانات) که محصول از آن بدست آمده زکات از عین آن لازم میگردد، اما محصول اگر باقی ماند و حولان حول هم شد، دراین صورت آن مال تجارت است نه پول، اگر فروخته شد زکات در ارزش و چیزی که از مفاد آن به دست میآید بعد از حولان حول لازم میگردد.<sup>2</sup> همچنان زکات اموال استغلالی در نزد فقهاء مسئله اختلافی است، استدلال به محل نزاع و قیاس بر اصل مختلف فیه درست نیست.<sup>3</sup>

نظر ترجیحی د. غفیلی: ترجیح در این موضوع از دو صورت خالی نیست

صورت اول:- در صورتیکه حیواناتیکه برای تجارت است چرنده باشد، در آن صورت دیدگاه نزدیک تر به حق همان دیدگاه دوم است، که ایجاب زکات در آن وقتیکه به نصاب برسد و حولان حول شود؛ این بنا بر نص و جوب زکات چرنده است؛ چنانچه که پیامبر ﷺ فرموده: « فی صدقة الغنم فی سائمتها اذا كانت اربعین الی عشرين ومائة شاة شاة»<sup>4</sup> و قول ﷺ «فی کل سائمة ابل فی اربعین بنت لبون...»<sup>5</sup>. و به دلیل اجماع در مورد زکات چرنده، و دیگر اینکه استفاده از محصولات حیوانات صفت چریدن را که موجب زکات است ملغی نمی سازد، و دلایل شرعی هم در این مورد تعارض ندارد؛ محصولات این حیوانات میتواند یک مال دیگر محسوب شود که در آن زکات لازم گردد، زمانیکه برای تجارت باشد، اگر فروخت در آن صورت بعد از حولان حول و رسیدن به نصاب از پول و مفاد آن زکات داده میشود، و باید زکات تجارت داده شود، اگر این کار بالای مزکی دشواری میگرد، میتواند یک وقت را برای زکات دادن تمام آنچه که از نصاب در نزدش در طول سال است را مشخص کند.<sup>6</sup>

<sup>1</sup> فقه الزکاة از قرضاوی 505/1.

<sup>2</sup> ابحاث واعمال الندوة الثانية عشر لقضايا الزکاة المعاصرة، ص 298، تعقیب از محمد الشریف..

<sup>3</sup> ابحاث واعمال الندوة الثانية عشر لقضايا الزکاة المعاصرة، ص 309، تعقیب از منذرقحف...

<sup>4</sup> امام بخاری رحمه الله در کتاب زکات درباب عشر فیما یسقی من ماء السماء والماء جاری به رقم 1386 از عبدالله ابن عمر رضی الله عنه روایت نموده.

<sup>5</sup> امام بخاری از انس رضی الله عنه روایت نموده است.

<sup>6</sup> نوازل الزکاة د. غفیلی ص 119.

صورت دوم:- اگر چرنده نباشد در آن صورت قول سوم را جح است، که عبارت از زکات دادن از محصولات به زکات نقود بعد از حولان حول میباشد.<sup>1</sup>

سبب اختلاف فقهاء: سبب اختلاف فقهاء اجتماع بیشتر از یک وصف در مالی که زکات آن مراد است، میباشد، که آن عبارت از وصف چریدن در چهار پایان و وصف تجارت در محصول آنها است، با وجود اختلاف فقهاء در مراد از اموال استغلالی و در حکم زکات آن، کسی که به آن اعتبار چرنده بودن را داده و بروصف تجارت مقدم نموده به زکات چرنده قول کرده است؛ اما کسی که وصف چرنده بودن را در موجودیت وصف تجارت نادیده گرفته قول به زکات تجارت نموده است؛ کسی که حیوانات و محصول آن را دو نوع مال جدا از هم فکرمیکنند حکم وجوب زکات را در هر دو مال به طوری جداگانه داده است، به دلیل وجود مقتضی و انتفای مانع، و کسی که حیوانات را از اموال استغلالی میدانند، در مورد زکات اموال استغلالی اختلاف نموده اند.

نوع دوم: حیواناتیکه حاصل ده هستند اما زکات از عین آن لازم نمی گردد، مانند: آهو، پرند گان، حیوانات وحشی و امثال آن، فقهاء پیرامون زکات آن وزکات محصول آن به چندین قول اختلاف نموده اند که دیدگاه های بارزتر آن قرار ذیل است:

دیدگاه اول: وجوب دادن زکات حیوانات همراه محصول آن به زکات تجارت، به این دیدگاه دکتور احمد الکردی<sup>2</sup> و دکتور محمد رافت عثمان<sup>3</sup> قول کرده اند، تخریح این دیدگاه ممکن است از یک قول مالکی ها شود، و روایت حنابله در ایجاب زکات زیورات کرایه<sup>4</sup>، ابن عقیل حنبلی<sup>5</sup> مبنی بر این روایت وجوب دادن زکات عقال که برای کرایه و هرکالای که به اجاره داده شود و برای اجاره آماده باشد تخریح کرده است.<sup>6</sup>

دیدگاه دوم: وجوب دادن زکات محصول به زکات نقود، در وقت استفاده اموال استغلالی و یا چطوریکه مناسب ببیند، به این دیدگاه دکتور الخضر ادريس<sup>7</sup>. قول کرده و شیخ عبدالله بن منیع به آن تمایل دارد، لیکن بعد از حولان حول استفاده از محصول.<sup>8</sup>

1 همان اثر ص 119.

2 بحوث و فتاوی فقهیة معاصره، مفتی تقی عثمانی ص 303.

3 زکاة الانعام د. رافت عثمان 244/12.

4 بدایة المجتهد 73/3 و الاشراف علی نکت مسائل الخلاف، قاضی عبدالوهاب بغدادی مالکی 401/1.

5 ابن عقیل نام اصلی اش: عبدالله بن عبدالرحمن بن عبدالله بن محمد قریشی هاشمی زبان شناس، نحوی و مفسر مصری در سده هشتم هجری بود در میان سالهای 694-769 ه ق زندگی داشته وی به تدریس فقه، نحو، معانی، عروض نیز پرداخت. مدتی کمی منصب قضاوت را نیز به دوش داشته است، آثار او «مختصر الشرح الكبير»، «الجامع النفیس فی الفقه»، «المساعد فی شرح التسهیل»، «شرح ألفیه ابن مالک» که با این اثر شهرت یافت. (المکتبة الشاملة آنلاين).

6 بدایع الفوائد ابن قییم 1075/3.

7 زکاة الانعام من ابحاث واعمال الندوة الثانية عشرة لقضايا الزکاة المعاصره. ص 287.

8 همان اثر ص 315.

دیدگاه سوم: وجوب دادن زکات محصول حیوانات، به زکات عسل، این قول دکتور قرضاوی رحمه الله است.<sup>1</sup>

دلایل دیدگاه ها: اشاره به دلیل دوقول اول قبلا تذکر رفت، و در همان مساله قبلی مناقشه هم صورت گرفت، طوریکه صاحبان آن دو دیدگاه اول گفته خویش را تعمیم کرده اند، برابر است بر آنچه که زکات در عین آن لازم باشد و یا نباشد.

دلیل دیدگاه سوم: که قیاس محصولات حیوانات به عسل زنبور در موجودیت علت مشترکه ای چون: هردو از حیوانی خارج میشود که دراصل آنها (زنبور و آهو) زکات لازم نیست، زمانیکه مقدار زکات در مقیاس علیه عشر است، ثابت شد که همان مقدار زکات در مقیاس است، که از محصولات خالص حیوانات از قبیل لبنیات و تخم و غیره میباشد.<sup>2</sup>

مناقشه این دیدگاه: مقیاس علیه در دیدگاه دکتور قرضاوی زکات عسل است، حال آنکه در عسل زکات ثابت نیست؛ در وجوب زکات عسل نص صحیح وجود ندارد، بلکه روایت که در این مورد آمده بدون شک بسیاری از محدثین به آحاد بودن آن مبنی بر انقطاع و ارسال حکم کرده اند، یا آن را به معنی حمل کرده اند که مفید وجوب زکات نیست.<sup>3</sup>

دیدگاه دکتور غفیلی: ایشان در مناقشه میان دو دیدگاه میگویند: برای ما از متون قبلی واضح گردید که زکات دراصل (حیوان) لازم نیست، زیرا از جمله حیواناتی است که زکات در عین آن لازم نمیگردد، چون نه نقد است و نه هم چرنده و نه کشت و زراعت و نه هم میوه، چنانچه کالای تجاری هم نیست که به وسیله خرید و فروش دست به دست شود، بلکه مالی است که از محصول آن استفاده برای تجارت میشود، بنابراین در زکات محصول زکات کالای تجاری ترجیح داده میشود، برابر است که از عین داده شود و یا از ارزش پولی آن وقتیکه از استفاده آن حولان حول شود و به نصاب هم برسد.<sup>4</sup>

اما قول به زکات محصول چون زکات عسل داده شود، استدلال به آن درست نمی شود در مقابل مخالف این دیدگاه، چون ایجاب زکات دراصل (مقیاس علیه) که عسل است اختلافی است، پرواضح است که یکی از شرایط مقیاس علیه آن است که مقیاس علیه باید موضوع اتفافی میان دو گروه با دیدگاههای متفاوت باشد.<sup>5</sup>

<sup>1</sup> فقه الزکاة 460/1.

<sup>2</sup> فقه الزکاة 460/1. در مثال که دکتور قرضاوی بیان کرده اشتباه به نظر میرسد چون زکات گاو امر اجماعی است، و خودش نیز در فقه الزکاة 212/1 به آن اجماع را نقل نموده است ممکن است اسب باشد.

<sup>3</sup> زکاة الانعام من ابحاث و اعمال الندوة الثانية عشرة لقضايا الزکاة المعاصرة. ص 244 و زکاة الانعام از محمد رافت عثمان.

<sup>4</sup> نوازل الزکاة، دکتور غفیلی ص 122.

<sup>5</sup> الاحکام فی اصول الاحکام از آمدی 176/2، و المحصول از رازی 19/5.



## مطلب دوم: زکات میوه ای که برای تجارت باشد

در میوه ای که برای تجارت باشد دو سبب برای زکات وجود دارد:

اول: بخاطری بودنش کالای تجاری که در آن ربع عشر لازم می‌گردد.

دوم: بخاطری کشت و میوه بودنش عشر و یا نصف عشر و یا هم سه بر چهار آن.

به اتفاق فقهاء زکات دوبر در اینها بخاطر وجود دو سبب ذکر شده لازم نمی‌شود و قتیکه شرایط و جوب در آن تحقق پیدا کند، برای تایید این دیدگاه حدیث مروی فاطمة بنت حسین را استدلال میکنند که مرفوعاً روایت شده «لاثناء فی الصدقة» بلکه یکی از دو زکات لازم می‌گردد، بنابراین اختلاف که میان فقهاء در مورد این که کدام یکی از دو زکات واجب است.<sup>1</sup>

ما پیشتر طی صفحات قبلی دیدگاهها را بیان سپس تنبه نمودیم که باید نیت تاجر را معیار قرار داده سپس حکم صورت گیرد؛ اما در این مسئله چون بحث روی میوه ای تجاری است و تاجر هم برای تجارت آماده نموده است بنابراین اساس باید سبب تجارت بر سبب کشت و میوه مقدم شود. این اختلاف به دودیدگاه خلاصه میشود:

دیدگاه اول: به اساس دیدگاه احناف.<sup>2</sup> و شافعی ها.<sup>3</sup> در مذهب قدیم و در مذهب حنابلة.<sup>4</sup> زکات تجارت لازم می‌گردد.

دیدگاه دوم: در آن زکات عین لازم می‌گردد، این دیدگاه مالکی ها.<sup>5</sup> و شافعی ها در مذهب جدید شان.<sup>6</sup> و یک قول در نزد حنابلة میباشد.<sup>7</sup> میباشد. دلایل دیدگاهها:

دلیل دیدگاه اول: استدلال به این کرده اند که زکات تجارت به فقراء و مستحقین نافع تر است، زیرا در مازاد از نصاب هم به حسابش زکات لازم می‌گردد، و به اساس زیادت ارزش آن زکات بیشتر میشود.<sup>8</sup>

نکته: قابل ذکر است که این دلیل (مازاد از نصاب در حساب آن زکات لازم می‌گردد) را احناف در مورد زکات مواشی که برای تجارت باشد بیان نموده اند نه میوه و حاصلات زراعتی، بخاطر مفیدیت اش برای مستمندان.

<sup>1</sup> نوازل الزکاة ص 109.

<sup>2</sup> المبسوط سرخسی 207/1، فتح القدر 166/2.

<sup>3</sup> المجموع 8/6، روضة الطالبین امام نووی 277/2.

<sup>4</sup> الانصاف 69/7، کشاف القناع، منصور بن یونس بهوتی 71/2، ومسائل امام احمد و اسحاق بن راهویه به روایت اسحاق کوسه 256/1.

<sup>5</sup> المنتقی 123/2 و مواهب الجلیل 166/3.

<sup>6</sup> الام از امام شافعی 66/2، روضة الطالبین 277/2.

<sup>7</sup> المغنی 256/4، ابن قدامه در این مورد فرموده: «قاضی و اصحابش فرموده: از هر دو زکات قیمت بدهد و ذکر نموده که امام احمد به آن اشاره

نموده است زیرا مال تجارت است پس زکات تجارت لازم می‌گردد.

<sup>8</sup> المجموع 8/6.

مناقشه این دیدگاه: استاد غفیلی این دلیل را مناقشه میفرماید: لازم نیست که در هر حال برای فقرا و مستحقین نافع تر باشد، گاهی زکات خارج شده از مال در کشت و میوه زیاد مییابد، به دلیل که معادلت به عشر و یا نصف عشر و یا هم سه بر چهار آن میکند، در حالیکه زکات کالای تجاری معادل ربع عشر است، چنانچه که گاهی ارزش آن پایین تر از نصاب میشود در صورت که کالای تجاری باشد به دلیل پایین بودن ارزش کالا، و یا نصاب تجارت پایین مییابد، بخلاف از زکات کشت که ثابت مییابد، به دلیل اعتماد آن به کیل.<sup>1</sup>

دلایل دیدگاه دوم:

- 1- زکات عین قوی تر است، چون اجماع در آن است، و دیگر اینکه به عین تعلق دارد.<sup>2</sup>
  - 2- نصاب آن به طور قطع به وسیله شمارش و کیل دانسته میشود، بخلاف زکات تجارت که به وسیله ای نرخ گذاری نصاب اش دانسته میشود که این تقویم ظنی است.<sup>3</sup>
- مناقشه: گمان در زکات عین نیز وارد است، در وقت گمانه زنی برای قیمت گذاری نصاب.
- 3- زکات عشر مفید تر برای فقراء و مستحقین است از زکات ربع عشر.

مناقشه ای دلیل سوم: زکات عشر از یک لحاظ برای مستمندان و مستحقین مفید تر است، و از لحاظ دیگر زکات تجارت مفید تر است برای فقراء، طوریکه پیشتر گذشت.

نظر ترجیحی: دیدگاه دوم به دلایل ذیل قابل ترجیح است:

- اول: عموم دلایل متقاضی به ایجاب زکات عین در کشت و میوهها.
  - دوم: زکات عین قوی تر است، به دلیل اجماع بر آن و تعلق آن به عین مال مزکی.
- سوم: برای شارع حکیم در وقت الزام زکات کشت و میوهها پوشیده نبود، که بسیاری از زارعین آن اراده ای تجارت در آن داشتند، با وجود این تنها به تایید زکات کشت و میوهها اکتفا نموده است.
- چهارم: اگرما به تساوی دلایل قول نماییم، در آن صورت ایجاب زکات تجارت کدام اولویتی بر زکات کشت و میوهها ندارد، پس به اصل که متعلق به عین مال قابل زکات است ابقا میکنیم که زکات کشت و میوهها مییابد.

برای تنزیل حکم میوههای آماده شده برای تجارت برواقع از دو حال خالی نیست:

حالت اول: صاحب کشت و میوهها خود میکار د و سپس به فروش میرساند، در این مسئله اختلاف سابق الذکر است، که در آن زکات عین ترجیح دارد به اخراج عشر و یا نصف عشر از کشت و یا میوهها،

<sup>1</sup> نوازل الزکاة از غفیلی ص 111.

<sup>2</sup> المجموع 8/6.

<sup>3</sup> همان اثر 8/6.

غالبا متعین در این زمانه نصف عشر است، بخاطر تکلیف کشت و ذخیره کردن و امثال آن از خواسته های زراعت امروزی.

حالت دوم: مالک میوه ها و کشت، محصول رابع از درویدن و چیدن آن برای فروش آن خریداری مینماید، در آن زکات تجارت لازم میگردد، زیرا کالای تجاری است، در آن احکام زکات زراعت و میوه ها صدق نمی کند، زیرا در وقت درویدن و چیدن داده میشود؛ به دلیل عموم آیه کریمه: «كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَءَاتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»<sup>1</sup>.

ترجمه: از میوه و یا حاصل آن بخورید وقتی میوه و یا حاصل داد و حق واجبه آن را پرداخت کنید در زمان چیدن و یا درو کردن آن و اسراف نکنید، به درستی که او تعالی اسراف کننده گان را دوست نمیدارد.

بنابراین دلیل امام مالک رحمه الله فرموده: امر در نزد ما در مورد مردی که توسط طلا و نقره گندم و یا خرما و غیر آن را خریداری مینماید برای تجارت، سپس نگهداری میکند تا حوالان حول شود، سپس به فروش میرساند، بر او در این اموال خریده شده زکات است در وقت فروش آن، وقتی که پول آن به اندازه برسد که زکات در آن لازم گردد، این مثل درویدن و چیدن نیست که شخص از زمین خود میدرود، و یا خرما را می چیند.<sup>2</sup>

در المنتقی با تعلیق بر قول امام مالک رحمه الله فرموده: قول درست همین است که گفته، شخص وقتی خریداری نمود گندم و یا خرما را برای تجارت سپس به فروش رسانید بعد از حوالان حول، باید شخص زکاة اثمان را بدهد، نه زکاة حبوب را؛ زیرا وقتی از زکاة حبوب داده میشود که در وقت رشد و نما باشد به روی کشت زار، رشد به تجارت در حقیقت رشد طلا و نقره است، چیزی که در نظر گرفته میشود بخاطر نمو دادن است، اگر از جهت زراعت و کشت بود در آن نصاب حبوب در نظر گرفته میشود، و زکاة از عین آن داده میشود، وقتی زیادت به وسیله تجارت میشد نصاب ثمن را در نظر گرفته میشود، در آن زکات در ارزش حبوب و میوه لازم میگردد نه در عین آن.<sup>3</sup>

- اخراج قدر واجب در هر دو حال مذکور بعد از تحقق شرایط ذیل لازم میگردد

اول: مال زکوی باید به نصاب برسد، که در کشت و میوه ها قدر واجب پنج وسق میباشد، این در نزد جمهور فقهاء است اما احناف در کشت و میوه ها نصاب را شرط نمی دانند، اما در زکات تجارت، نصاب آن نصاب نقدین است بعد از قیمت گذاری کالاها، اگر یکی از دو زکات به نصاب رسید نه دیگری،

<sup>1</sup> سورة الانعام آیه 141.

<sup>2</sup> المنتقی شرح الموطا سلیمان خلف الباجی، تجیبی، قرطبی، اندلسی 123-122/2.

<sup>3</sup> همان اثر 123-122/2.

در آن صورت اخراج زکات از چیزی که به نصاب رسیده لازم است، برابر است که زکات تجارت باشد یا زکات زراعت و میوه‌ها، به دلیل وجود مقتضی که معارض ندارد.<sup>1</sup>

دوم: حساب انصاب بعد از استخراج اصول ثابت که به کاربرده میشود در حاصلات و فروش همین میوه‌ها؛ مثل اساسات و تجهیزات چون یخچال‌ها و سردخانه‌ها و آلات زراعتی و امثال آن چون آنها برای نگهداری هستند، برای خرید و فروش نیستند، بنابراین زکات تجارت لازم نمی‌گردد، و از جمله کشت و میوه‌ها هم نیستند، پس زکات کشت و زراعت از خودشان گرفته میشود.<sup>2</sup>

سوم: گذشت حولان حول، این به درویدن و چیدن در زراعت و میوه‌ها تحقق پیدا میکند، و به گذشت یک سال قمری در کالاهای تجاری که نیت تجارت در آن باشد، اگر حولان حول یکی بردیگری پیشی گرفت، در آن صورت زکات نصابی لازم میگردد که حولان حول آن گذشته است، برابر است که زکات تجارت باشد و یا زکات کشت و میوه‌ها به دلیل وجود مقتضی غیر معارض.<sup>3</sup>

### **مطلب سوم: زکات مکان و آلات صنعتی، اشیای ساخته شده و مواد خام آن**

فقهاء در مورد زکات اموال استغلالی زیاد صحبت کرده‌اند ولیکن در بعضی صورت‌های آن، مگر کلمه مستغلات و بحث در مورد آن به شکل عام جدید است و در قرون اخیر برمیگردد، بدون شک فقهای امروزی در مورد آن بیشتر سخن گفته‌اند، به ویژه در هیئات و موتمرات فقهی.<sup>4</sup>

از جمله اموال استغلالی مصانع (کارخانه‌ها) است، به دلیل این که نو پیدا و به شکل سریع انکشاف یافته است، از جمله دلایلی است که باعث بزرگترین کانال استثمار در امروز گردیده است، به سبب ضخامت سرمایه، مفاد با تنوع نوآوری‌ها و اشکال آن، اینها از جمله خصوصیت‌های است که باعث میشود در این مورد تمرکز بیشتر صورت گیرد، بنا بر این اختلاف فقهاء را در دو مسئله پیش کش میکنیم:

دیدگاه اول: عدم وجوب زکات در اموال استغلالی، بلکه زکات در محصول لازم میگردد، بعد از حولان حول و به نصاب رسیدن آن، این دیدگاه از شوکانی و صدیق حسن خان و دیدگاه مجمع الفقه الاسلامی نیز است.<sup>5</sup> 6. 7. و بر قول جمهور فقهاء (از احناف<sup>8</sup>، مالکی در روایت مشهور<sup>9</sup>، شافعی<sup>10</sup>،

<sup>1</sup> این مذهب شافعی‌ها و حنابله است.

<sup>2</sup> بدایع الصنائع 19/2، الکافی ابن قدامه ص 88، روضة الطالبین 266/2، 256/4.

<sup>3</sup> این مذهب شافعی‌ها و حنابله است.

<sup>4</sup> مجله مجمع الفقه الاسلامی در جلسه دوم ص 117/1-143-197.

<sup>5</sup> السیل الجرار 27/2.

<sup>6</sup> الروضة الندية 94/1.

<sup>7</sup> مجله مجمع الفقه الاسلامی شماره 2 جزء اول ص 197.

<sup>8</sup> بدایع الصنائع 22/2.

<sup>9</sup> البیان والتحصیل، علامه شوکانی 404/2، الفروق 79/1.

<sup>10</sup> الام 63/2.

و مذهب حنابله<sup>1</sup>) تخریح میشود، در چیزی که کرایه باشد، زکات در اصل آن نه بلکه در محصول آن لازم میگردد، بعد از گذشتن حولان حول.

امام شافعی رحمه الله فرموده: کالای که برای تجارت خریده نشده، تنها به نفس اموال زکات لازم نمی گردد، کسی که بلند منزل و یا حمام ها برای استحصال مفاد و غیره داشته باشد، لباس زیاد باشد و یا کم، برده ها کم باشد یا زیاد در آن زکاة نیست، بنا بر این تا حولان حول شدن در دست مالک آن زکات در محصول آن لازم نیست.<sup>2</sup>

دیدگاه دوم: وجوب زکات تجارت در قیمت اعیان استغلالی و محصول آن، این دیدگاه دکتور رفیق المصری<sup>3</sup> و دکتور منذر قحف<sup>4</sup> است، دادن زکات از اصول کارخانه و محصول آن به وسیله نرخ گذاری و اخراج ربع عشر بعد از حولان حول از محصول لازم است، بعضی از فقهاء این قول را به ابن عقیل حنبلی نسبت داده اند، از قول وی مبنی بر ایجاب زکات تجارت در عمار کرایه تخریح کرده اند.<sup>5</sup>

دیدگاه سوم: وجوب دادن زکات محصول به زکات کشت و میوه ها، این دیدگاه ابو زهره و شیخ عبدالوهاب خلاف و شیخ عبدالرحمن حسنی<sup>6</sup> و دکتور قرضاوی<sup>7</sup> و دکتور مصطفی الزرقاء<sup>8</sup> میباشند، پس واجب است زکات دادن از محصول کارخانه ها در وقت استفاده از آن به عشر و یا نصف عشر.

دلایل دیدگاهها:

دلایل دیدگاه اول:

1- نبود نص از کتاب الله و سنت رسول الله ﷺ درباره وجوب زکات در اعیان اموال استغلالی، اصل تحفظ اموال انسانها و برائت انسانها از این نوع تکالیف میباشد مخالفت این اصل مجاز نیست مگر در وجود نص صریح که نص صریح وجود ندارد.

علامه شوکانی<sup>9</sup> در تعلیق خویش بر زکات اموال استغلالی فرموده: این مسئله ای است که در گوش های زمانه طنین نکرده، و نه هم اهل قرن اول شنیده، که خیر القرون هستند، و قرن نزدیک به آن هم نشنیده، این از حوادث نزدیک به زمان ما است، و مسایلی است که اهل مذاهب اسلامی با وجود

<sup>1</sup> الفروع 513/2، کشاف القناع 243/2.

<sup>2</sup> الام 63/2.

<sup>3</sup> بحوث الزکاة ص 115.

<sup>4</sup> اباحت و اعمال زکات در جلسه پنجم ص 386.

<sup>5</sup> فقه الزکاة از قرضاوی که بسیاری از معاصرین از وی تبعیت کرده اند.

<sup>6</sup> حلقه الدراسات الاجتماعیه للجامعة العربیه، الدورة الثالثة ص 241 قول ایشان را به ثابت منقول قید نموده اند، زکات آن ربع عشر از قیمت راس المال است.

<sup>7</sup> قرضاوی این را مقید به حساب نسبت استهلاك سالانه و به قیمت محصول اختصاص داده، و بر ثابت و منقول تعمیم کرده است، فقه الزکاة 521/1.

<sup>8</sup> مجله اباحت اقتصاد اسلامی در جامعه ملک عبدالعزيز شماره 2 ج اول ص 91 در مقاله که از وی است تحت عنوان: جوانب من الزکاة الی نظر فقهی جدید).

<sup>9</sup> شوکانی: محمد بن علی بن محمد بن عبد الله الشوکانی الصنعانی، در میان سالهای 1173-1250 ق زندگی داشته است، فقیه و مجتهد و از کبار علمای یمن بود، در دیار هجرت در شوکان از مربوطات خولان یمن به دنیا آمد و در صنعا بزرگ شد و منصب قضاء را در این شهر در سال 1229 ه ق به عهده گرفت، و در منصب قضاء در این شهر وفات یافت، و در حدود 114 تالیف دارد، وی تقلید را حرام میدانست. (المکتبة الشاملة آنلاین).

اختلاف اقوال شان و دور بودن زمانه ای زندگی شان این را نشنیده اند، و بر آن آثار از علم هم پیدا نیست، نه از کتاب الله و نه سنت رسول الله ﷺ و نه هم قیاس، و به تحقیق فهمانیدیم ترا که اموال مسلمانان محفوظ است به عصمت اسلام، گرفتن آن مگر به حق درست نیست، در غیر آن همان خوردن اموال مردم به باطل خواهد بود.<sup>1</sup>

مناقشه: عدم وجود نص در وجوب زکات اموال استغلالی دلالت بر عدم وجوب زکات در آن نمی کند؛ زیرا بدون شک رسول الله ﷺ در مورد اموال قابل رشد و زیادت که در جامعه ای عربی زمان خودش منتشر بوده تصریح نموده، بر آن اموال غیرش قیاس میشود، و همچنان مستغلات در زمان پیامبر ﷺ در جامعه عربی موجود بود و مردم در زمان آن حضرت به اجاره میگرفتن و به اجاره میدادن و اجرت را میگرفتن، که بر این ادعا روایات ذیل دلالت دارد:<sup>2</sup>

آ- از طائوس روایت شده که معاذ ابن جبل رضی الله عنه زمینی را در زمان پیامبر ﷺ و ابوبکر، عمر و عثمان رضی الله عنهم بر ثلث و ربع به کرایه داد که تا به امروز به آن عمل میشود.<sup>3</sup>

ب- از حضرت عبدالله ابن عمر رضی الله عنه روایت است که ایشان کشت زارهای خویش را در زمان پیامبر ﷺ و ابوبکر، عمر، عثمان و در اوایل امارت معاویه رضی الله عنهم به کرایه میداد.<sup>4</sup>

ج- از رافع بن خدیج رضی الله عنه روایت است که فرمود: بر من سخن کرد دو کاکایم که بودند، زمین را در زمان پیامبر ﷺ به کرایه میگرفتند در بدل آنچه که میروید بر نهرهای بزرگ، و یا در بدل چیزی که میرویند صاحب زمین، پس پیامبر ﷺ منع کرد، من برای رافع گفتم: این چگونه است آیا در بدل دینار و درهم است؟! رافع گفت: کدام باکی در این مورد در دینار و درهم نیست.<sup>5</sup>

این نصوص همه دلالت بر این دارد که در زمان پیامبر ﷺ اخذ اجرت منتشر بوده و صحابه به اجاره میگرفتند و به اجاره میدادند، و اجرت را هم اخذ میکردن، اما از پیامبر ﷺ روایت نشده که به وجوب زکات اعیان مستغلات قول کرده باشد.<sup>6</sup>

2- قیاس میشود اموال استغلالی را بر کالاهای نگهداری معفو از زکات در موجودیت علت مشترک که احتیاس است در هر دو.<sup>7</sup>

1 السیل الجرار ص 27.

2 نوازل الزکاة از غفیلی ص 129.

3 ابن ماجه در کتاب احکام روایت نموده، در باب رخصت فی المزارعة بالثلث والرابع به رقم 2454 و ألبانی تصحیح کرده به شماره 1995.

4 امام بخاری آن را در کتاب مزارعت روایت نموده است.

5 همان اثر، کتاب کشت و مزارعه زوایت نموده: باب کراء الارض بالذهب والفضه به شماره: 2346، 2347 و امام مسلم در کتاب بیوع باب کراء الارض بالطعام و باب کراء الارض بالذهب والورق به شماره 1548، 1547، 115.

6 نوازل الزکاة از غفیلی ص 129.

7 اباحت ندوة الخامسة لقضايا الزکاة المعاصرة ص 438.

مناقشه: این قیاس مع الفارق است، زیرا کالای که برای نگهداری است مشغول به نیازهای اصلی فرد است، مثل خانه برای سکونت، بخلاف مصانع و کارخانه ها، که مشغول به حوایج تجارت است، مانند خانه برای اجاره یا کرایه.<sup>1</sup>

دکتور غفیلی<sup>2</sup> این فرق را غیر موثر دانسته و مدعی است که هر دو برای فروش نیست (کارخانه، و حاجات اصلی فرد) که در هر دو زکات لازم نمیگردد، چنانچه که مستغلات نیز مشغول به نیازهای اصلی فرد است، و لوازم اساسی اقتصادی برای محافظت کارخانه و ادامه ساخت و ساز است، ممکن است فرق دیگری در آن قایل شویم که همان ایجاب زکات در محصول و عدم آن در اصول ثابتة ای اموال استغلالی است.<sup>3</sup>

دلایل دیدگاه دوم:

1- عموم دلایل متقاضی وجوب زکات است مثل قول الله متعال: «خذ من اموالهم صدقة تطهرهم وتزكهم بها»<sup>4</sup>. این آیه عام است شامل تمام اموال میشود، اعیان استغلالی و محصول آن و کارخانه ها و تولیدات آن را شامل است.<sup>5</sup>

مناقشه: عمومیت این آیه به وسیله ای احادیث وارده در معاف بودن نیازهای اصلی از زکات خاص شده است، مثل قول پیامبر ﷺ «لیس علی المسلم فی عبده ولا فرسه صدقة»<sup>6</sup>.

2- قیاس مستغلات در کالای تجاری به علت مشترک (نما و ربح) در هر دو، نمانعت وجوب زکات در کالای تجاری و غیر تجاری از اموال زکوی است، این علت در مستغلات نیز موجود است، پس بخاطر تحقق علت نما زکات در اعیان و محصول آن واجب است.<sup>7</sup>

مناقشه: ما به این باور نداریم که نما علت وجوب زکات است، بلکه نما شرط وجوب است، وجود شرط مستلزم وجود مشروط نیست، بنا بر این زکات در مرکب (خر) و گوسفندان علف خوار لازم نیست با وجود که نمو کننده هستند.<sup>8</sup>

-اینکه قیاس مع الفارق است به دلایل ذیل:

1- کالای تجاری برای فروش مهیا شده و به وسیله ای خرید و فروش دست به دست میشود، بخلاف اموال استغلالی و کارخانه ها که برای فروش مهیا نشده اند بلکه از محصول آن انتفاع برده میشود.

<sup>1</sup> بحوث فی الزکاة از دکتور رفیق المصری ص 117.

<sup>2</sup> د. عبدالله بن منصور الغفیلی استاد مشارک فقه در المعهد العالی للقصاء در پوهنتون امام در ریاض پایتخت سعودی و ریس جمعیت قضاء و ریس مرکز تبیان میباشند. (المکتبة الشاملة آنلاین).

<sup>3</sup> تنظیم و محاسبه الزکاة فی تطبیقها المعاصرة از دکتور شوقی شحاتة ص 127.

<sup>4</sup> سورة التوبه آیه 103.

<sup>5</sup> ابحاث الندوة الخامسة لقضايا الزکاة المعاصرة ص 386.

<sup>6</sup> متفق علیه بخاری شماره 1464، مسلم شماره 982.

<sup>7</sup> زکاة الاموال الاستثماریه از دکتور منذر قحف ص 390.

<sup>8</sup> تحقیق علامه کاسانی مبنی بر بودن نما شرط از برای وجوب زکات تصریح کرده است، بدایع الصنایع از کاسانی 19/2.

2- دوران راس المال در تجارت بزرگتر از دوران آن در مستغلات است، به دلیل تغییر پذیرفتن مال به کالای تجاری برای چندین بار، که باعث زیادت مفاد میشود، اما حرکت راس المال در مستغلات کم است، به دلیل متعلق بودن جزء بزرگ آن به اعیان مستغلات، این از جمله دلایلی است که اختلاف زکات را در آن دو لازم میگرداند، در مستغلات تنها زکات در محصول لازم میگردد نه بر اعیان.

3- تغییر کالای تجاری به نقود نسبت به تغییر اعیان مستغلات به نقود آسان تر است؛ بنابراین فروش کارخانه ها سخت تر از فروش کالای تجاری است، لازم گردانیدن زکات در اعیان اموال استغلالی باعث زیادت تکالیف و چند شدن زیان میشود.<sup>1</sup>

از دلایل که گذشت فرق بین این دیدگاه و آن دیدگاه به وضوح دیده میشود، این دلیلی است بر عدم اجرای قیاس یکی بر دیگری.

دلایل دیدگاه سوم: قیاس اموال استغلالی بر زمین زراعتی، در موجودیت علت مشترک چون محصول و مفاد، بنابراین حکم زکات محصول آن مانند حکم زکات کشت و میوه ها است، پس در آن عشرویا نصف عشر لازم میگردد.<sup>2</sup>

مناقشه: این دلیل را از سه جهت مناقشه میکنیم

جهت اول: این قیاس مع الفارق است به دلایل ذیل:

آ- زمین زراعتی به سبب کثرت استعمال و گذشت زمان از کار نمی افتد، بخلاف اعیان مستغله، زیرا آنها از بین میرود، و یا هم متاثر میشود به سبب استعمال زیاد و گذشت زمان.<sup>3</sup>

ب- محصول زمین زراعتی نسبت به محصول مستغلات فوقیت دارد، این از جمله دلایلی است که الحاق یکی از دو محصول را بر محصول دیگری در نصاب زکات دور میسازد.<sup>4</sup>

ج- زکات تنها از حاصل زمین به یک بار گرفته میشود، اگر چی حاصل زمین چندین سال نزد صاحب زمین باقی بماند، بخلاف محصول مستغلات زیرا در هر سال زکات داده میشود، اگر به ایجاب عشر در هر سال قول کرده شود در این صورت ظلم در حق صاحبان مال میباشد.

جهت دوم: این اموال استغلالی در زمان تشریح هم موجود بود، با وجود این نصوص قرآنی و سنت نبوی شریف تنها حاصل زمین را خاص کرده به زکات عشر و یا نصف آن در وقت درو، نه چیزی دیگری را، زمانیکه بر مستغلات با وجود موجودیت آن حکمی صادر نشده، دلالت بر مفارقت آن با زکات مزروعات دارد، در آن حکم دیگری است چنانچه که ما از آن بیان نمودیم.

<sup>1</sup> زکاة الاصول الاستثمارية الثابتة از شبیر ص 446.

<sup>2</sup> حلقة الدراسات الاجتماعية ص 241 و فقه الزکاة 512/1.

<sup>3</sup> مجله مجمع الفقه السلامی شماره 154/1/2.

<sup>4</sup> فقه الزکاة 514/1، زکاة الاصول الاستثمارية الثابتة 448/5.



چنانچه این دیدگاه از فقهاء درگذشت زمان هم با وجود این مستغلات در هر زمان مناسب خودش، نقل نشده است.

جهت سوم: الله متعال فرموده: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَحْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ﴾.<sup>1</sup>

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید، انفاق کنید از چیزهای پاک که کسب کرده اید و از آنچه از زمین خارج کرده ایم، چیزی ناپاک آن را قصد به انفاق نکنید که خود آن را نمیگیرید مگر چشمانتان را پوشانده، بدانید که به درستی الله متعال بی نیاز و ستوده شده است.

وجه استدلال از این آیه: الله متعال انفاق از حاصل زمین را بر طیبیات کسب عطف نموده و عطف مقتضی مغایرت است، از چیزیکه قیاس یکی بر دیگری را از هم دور میسازد بخاطر عدم امکان تحقق علت، و به دلیل این که معنی تعبد در اینجا وارد است به ویژه که زکات از جمله عبادات است.

نظر ترجیحی دکتور غفیلی نسبت به این دو دیدگاه: از اقوال و دلایل که پیش گذشت دیدگاه اول ترجیح دارد، که آن عدم وجوب زکات در اعیان مستغلات است که از جمله مستغلات کارخانه ها میباشد، این ترجیح برای آن است که دلیل موجب برای زکات آن وجود ندارد با وجود آن در عصر تشریحی، و دیگر اینکه اصل حفظ اموال مردم است، پس گرفتن آن جائز نیست مگر به دلیل شرعی؛ تا مفضی به خوردن اموال مردم به باطل نشود که حرام است، چنانچه الله متعال فرموده: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ﴾.<sup>2</sup>

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید نخورید اموالتان را در میان خود به باطل. و زکات تنها در محصول اموال استغلالی لازم میگردد وقتی که به نصاب برسد، و حولان حول شود، از زمان ابتدای انتاج آن، زیرا محصول مال واحد است که منقلب میشود، مفاد در آن تابع اصل است در نصاب و حولان حول.

بنابراین واضح میشود که زکات کارخانه ها به پرداخت خالص محصول آن اداء میگردد، بعد از حولان حول از آغاز برداشت محصول اموال استغلالی، و مجلس پنجم از برای قضایای زکات معاصر، نیز به این دیدگاه فتوی داده است.<sup>3</sup>

آ. زکات مصنوعات کارخانه

مراد از مصنوعات کارخانه چیزهای است که کارخانه ساخته برای فروش و در معرض فروش هم قرار داده و حولان حول هم شده باشد اما به فروش نرسیده باشد.

<sup>1</sup> سورة البقرة آیه 267.

<sup>2</sup> سورة النساء آیه 29.

<sup>3</sup> فتاوی و توصیای ندوات قضایا الزکاة المعاصره ص 86، و زکاة الاصول الاستثمارية الثابتة ص 451.

در مسئله ای قبلی این موضوع را بیان نمودیم که این اشیای ساخته شده، کالای تجاری بحساب می‌آید بنابراین زکات آن زکات تجارت داده می‌شود، به حساب قیمت بازار وقتی که حولان حول و نصاب را پوره نماید، بعضی از فقهای معاصر به این دیدگاه قول کرده اند که اگر چیزهای ساخته شده کارخانه در جریان سال به فروش نرسید، و سال بر آن گذشت اما چیزهای ساخته شده نزد صاحب آن بود، در این صورت به قیمت مواد خام شرکت محاسبه می‌شود، نه به حساب قیمت اشیای ساخته شده، این دیدگاه را طوری تعلیل کرده اند که مال تجارت برای فروش خریداری شده اما ارزش صنعت از کسب صانع است بر آن زکات لازم نمی‌گردد مگر در صورتی که یک سال از آن بگذرد.<sup>1</sup>

اما واضح تر قول اول است به دلیل بودن بضاعت مال تجارت، چیزی که در قیمت آن بعد از ساختن آن به سبب ساختن از قیمت آن محاسبه می‌شود، بر آن حولان حول و نصاب لازم است، مالک آن برای ساختن خریداری نموده است، پس از قیمت آن بدهد بحساب حالت فعلی آن در زمان حولان حول از ابتدای ساختن.<sup>2</sup>

#### ب. زکات مواد خام

مراد از مواد خام مواد اولیه است که از آن کالاها ساخته می‌شود، مثل آهن برای موترها، پخته و پشم برای اشیای که بافته می‌شود، و امثال اینها.<sup>3</sup> این ها از عناصر عمده در عملیات ساخت و ساز است، بنابراین ضرور خواهد بود که بیان حکم زکات آن زمانیکه حولان حول شود و این مواد به حال خود باشد، به فروش نرسیده باشد، فقهاء در این مورد بردود دیدگاه اختلاف کرده اند:

دیدگاه اول: وجوب زکات بعد از قیمت گذاری آن که به نصاب رسیده باشد، این قول جمهور فقهاء است.<sup>4</sup> و اکثر فقهای معاصر نیز این دیدگاه را اختیار نموده اند، و مجلس هفتم برای قضایای معاصر زکات نیز به این دیدگاه فتوی داده است.<sup>5</sup>

دیدگاه دوم: عدم وجوب زکات در مواد خام، این قول مجد ابن تیمیه است.<sup>6</sup> و شیخ عبدالله بن منیع نیز این دیدگاه را اختیار نموده است.<sup>7</sup>

#### دلایل دیدگاهها:

دلیل دیدگاه اول: اینها به این باور اند که مواد خام از جمله کالای تجاری بشمار می‌رود، بدون شک خرید آن بقصد ساختن و فروش آن به شکل ساخته شده، شده است، بنا بر این دلیل زکات آن لازم

<sup>1</sup> اباحت فی قضایا الزکاة المعاصره 52/1 و بحوث فی الزکاة ص 171.

<sup>2</sup> ندوة هفتم برای قضایا الزکاة المعاصره فتوی داده است، چنانچه در فتاوی و توصیات ندوات قضایا الزکاة المعاصره ص 116.

<sup>3</sup> مصباح المنیر ص 184، و لسان العرب 193/12، و احکام و فتوی الزکاة ص 44.

<sup>4</sup> طوریکه بروجوب زکات بر آنچه که غرض فروش آماده باشد قول کرده اند که مواد اولیه نیز از این جمله می‌باشد.

<sup>5</sup> ندوة السابعة لقضایا الزکاة المعاصره ص 116.

<sup>6</sup> الانصاف 154/3.

<sup>7</sup> اباحت الندوة السابعة لقضایا الزکاة المعاصره ص 322.

میگردد، و بنا بر عموم دلایل که بروجوب زکات مال تجارت دلالت میکند، که قبلا در رابطه به زکات کالای های تجاری در فصل دوم بحث نمودیم.

دلیل دیدگاه دوم: اینها به این باوراند که مواد خام برای فروش نیست، بلکه برای ساخت و ساز میباشد.<sup>1</sup>

مناقشه: این مواد برای فروش میباشد، و شخص صنعت کار به نیت تجارت بعد از ساخت و ساز خریداری نموده است، که سپس به فروش برساند، چنانچه که غرض تجارت در کارخانه محبوس است. ترجیح: نظراول بخاطر قوت دلیلش قابل ترجیح است، و امکان جواب از دلیل دیدگاه دوم وجود دارد، در این صورت قیمت گذاری شده و زکات تجارت از آن خارج میشود. -زکات مواد کاربردی در ساخت و ساز

مراد از مواد کاربردی برای ساخت و ساز، در ساخت و ساز چیزی است که در ترکیب شی ساخته شده داخل نیست، از قبیل چیزهای که در عملیه ساخت و ساز به آن نیاز احساس میشود، مانند: ذغال، نفت، چوب، مایعات پاک کننده و امثال آن، این بحث جدا از بحث اصول ثابت و مواد خام است که قبلا طی فقرات جداگانه از آن بحث نمودیم، البته این مواد هم در صنعت بکار میرود لیکن مواد که در ترکیب اشیای ساخته شده باقی میماند و به سبب آن ارزش شی ساخته شده سنجیده میشود را پیش تربیان نمودیم؛ اما مواد دیگری که بنام مواد کاربردی یاد میشود حالا میخواستیم از آن بحث نماییم، امام کاسانی رحمه الله در بدائع الصنائع به این موضوع اشاره نموده، فرموده است، در موادی که رنگ مالها و روغن کننده گان و امثال آنها لازم دارند: وان كان شينا لا يبقی اثره فی المعمول فيه مثل الصابون والاشنان والقلی والكبریت فلا یكون مال التجارة؛ لان عینها تتلف ولم ینتقل اثرها الی الثوب المغسول حتی یكون له حصه من العوض، بل البیاض اصلی للثوب یظهر عند زوال الدرن، فمأیخذ من العوض یكون بدل عمله لا بدل هذه الآلات فلم یکن مال التجارة.<sup>2</sup>

ترجمه عبارت بدائع الصنائع: اگر چیزی باشد که اثر آن در معمول فيه باقی نماند، مثل صابون، اشنان، قلعی، گوگرد و امثال اینها مال تجاری بحساب نمی آید؛ زیرا عین آن از بین میرود و اثر آن به لباس شسته شده انتقال نمی کند تا در بدل آن عوض متعین شود، بلکه سفیدی اصلی لباس در زمان از میان رفتن چرک آشکار میشود، چیزیکه از عوض آن گرفته میشود بدل عمل اش میباشد نه عوض این آلات بنابراین مال تجاری محسوب نمیشود؛ ظاهر این است که این مواد (مواد کاربردی یا مساعده) قیمت گذاری نمی شود، و زکات آن هم لازم نمی گردد، این قول عامه اهل علم است، از فقهای پیشین

<sup>1</sup> ابحاث ندوة السابعة لقضايا الزكاة المعاصرة ص 322.

<sup>2</sup> بدائع الصنائع 14/2.

ومتاخرین.<sup>1</sup> زیرا این مواد آله برای عمل اش است، که در وقت ساخت وساز از بین میرود، آماده برای نماء نیست، مقصد از آن تجارت نه بلکه استهلاک آن است، بنابراین اساس زکات آن لازم نمی گردد به مثل اموالیکه در خانه نگهداری میشود و از جمله حوایج اصلی میباشد.<sup>2</sup>

### مطلب چهارم: زکات اوراق نقدی

۱- نشات اوراق نقدی و مراحل تطوران

وقتی ما به پیشینه تاریخی اوراق نقدی مراجعه کنیم، می بینیم که در اوایل نشات آن به شکل وثایق وحوالات بر نفود معینه از طلا و نقره بوده، تجارت پیشه ها در غالب سفرهای تجاری خویش غرض خرید کالاهای مطلوب خویش بخاطر ترس از ضایع شدن ویا به سرقت رفتن آن، نفود را همراه خود حمل نمی کردن، بلکه پول های نقد خود را به کسی که قابل اعتماد بود در شهر خود تسلیم مینمودند سپس از شهر که مقصد بود از نزد همان شخص ویا نماینده آن تسلیم میشدند.

سپس مرحله دوم در میان مردم رایج شد طوریکه صرافان اوراق مصرفی را به مثابه وثایق از ودایع نقدی که در نزد شان بود صادر میکردند، سپس اوراق نقدی نشات کرد، که قیمت ودایع نقدی در نزد صرافان به سبب ظهور اوراق نقدی بیشتر شد، اوراق نقدی بنفسه قوت خرید و فروش پیدا کرد، و دیگر به عنوان بدیل پول رایج شهری به شمار نیامد.

سپس اوراق نقدی از مرحله دوم به مرحله سوم انتقال نمود، ویک تحول بزرگی در تاریخ اوراق نقدی رخ داد که قابل دقت است، بعد از دومرله سابق که فقط حیثیت وثایق بر نفود عینی مودعه را داشت، واین وثایق هیچ نوع قدرت تمثیل به عنوان وسیله تبادل نداشت، در مرحله سوم جزء از نفود گردید، که صفت قبول عام را داشت، در کنار این که به عنوان مخزن ثروت معتبر به حساب میرفت و مقیاس ویا معیار ارزش ووقوت خرید و فروش مطلقه قرار گرفت.

سپس مرحله چهارم اوراق نقدی فرا رسید، که به عنوان تکمیل کننده مرحله حیات اوراق نقدی به حساب میآید، زیرا در این مرحله اوراق نقدی به وسیله ای احکام سلطانی صادر میشود، احتیاطات لازم برای تنظیم صدور اوراق نقدی و مراقبت آن در نظر گرفته شد، و در بانک های معین محصور ساخته شد که از اعتبار بالا تر برخوردار بود، وسمع و طاعت درست از اوامر سلطانی داشت، این بانک ها مسئولیت تام در مقابل دولت داشت، وگاهی دولت امر اصدار آن را بند میکند بخاطر مصلحت عام در صورتی که مقتضی آن باشد، و دولت متعهد شد که بنویسد بالای هر ورق نقدی (برای دارنده این سند وعده داده میشود که هر وقت بخواهد همان مقدار را می پردازد) از همین جا علاقه وارتباط میان اوراق

<sup>1</sup> المبسوط 198/2، العناية شرح الهدایة 164/2، الفروق 79/1، تحفة المحتاج 297/3، شرح منتهی الارادات 437/1، کشاف القناع 244/2.  
<sup>2</sup> فتح القدير 163/2، الفروق 79/1، ودر این مسئله بحث فی زکاة ص 174، وبحث وفتوی فقهیه معاصره ص 296، و زکاة الاصول الاستثمارية از دکتور محمد شبیر، ص 454، و تدوة السابعة لقضايا الزکاة المعاصرة به این مسئله فتوی داده است ص 116.

نقدی و نقد معدنی (طلا و نقره) قطع گردید، یعنی اینکه هر ورق نقدی ارزش مستقل دارد، ارتباطی بین آن و چیزی که در اصطلاح مردم از پول رایج معدنی نسبت داده شده نیست در برابر تغییرات گام به گام اوراق نقدی میان فقهای زمان، اختلافاتی در مورد بیان کیفیت فقهی آن بروز نمود که در پنج دیدگاه خلاصه میشود.<sup>1</sup>

#### ب- تعاریف اوراق نقدی

دیدگاه دکتورسدلان: عبارت از قطعه ای از ورق خاص است، که به نقوش خاص مزین شده است، متحمل اعداد صحیح میباشد، در عرف مقابل رسید معدنی به نسبت خاص که قانون آن را مشخص نموده باشد شناخته میشود، از طرف حکومت و یا هم از طرف هیئت که برایش حکومت اجازه داده باشد صادر میشود، تا در میان مردم به عنوان پول رایج دست به دست شود مورد قبول عام قرار گیرد.<sup>2</sup> اوراق نقدی را انوات هم میگویند که جمع نوط است که به معنی پارچه کاغذ میباشد.<sup>3</sup>

#### ج- پشتیوانه اوراق نقدی و انواع آن

هر نوع نقدی که قابلیت دست به دست شدن برای عام مردم را داشته باشد، منحصیث وسیله تبادل میباشد، ضروری است که تکیه گاهی داشته باشد و بر تعهد آن صحه بگذارد، مثل یک قوت خرید مطلق. بدون شک از پشتیوانه بودن نقود طلا و نقره کدام سوالی نیست، چون ذات او عین پشتیوانه آن است، لیکن چیزی که از پشتیوانه بودن و نوعیت پشتیوانه بودنش سوال میشود فقط اوراق نقدی است.

1- پشتیوانه یا از طلا و نقره میباشد، که از طلا در اول امر بود، در صورت که نقود ورقی را صادر میکردن باید نقود احتیاطی از طلا میداشتن.

2- انواع دیگر: از عقارات، یا اوراق تجاری از سهام و سندات و یا جواهرات میتواند در این زمان به عنوان پشتی وانه پولی قرار گیرد.

3- وگاهی پشتیوانه التزام سلطانی میباشد، به مثابه التزام به قیمت نقد ورقی که عاری از هر نوع تکیه گاه از پشتی وانه عینی خواهد بود.

4- در واقع کدام قانونی بین المللی وجود ندارد که نوعی معین را منحصیث پشتی وانه اوراق نقدی تعیین نماید، برابر است که این پشتی وانه طلا باشد یا نقره و یا هم جواهرات و یا عقارات و یا هم سندات مالی، اوراق نقدی جدا از این پشتی وانه معتبر نباشد، پشتی وانه یعنی (یک بخشی از دارایی یک کشور میباشد تا به وسیله آن مردم به قابل اعتبار بودن اوراق نقدی اش اعتماد کنند) قدرت های کشورها فقط همین حق را دارند که اوراق نقدی را از مجرای اصدار آن صادر کنند، در زمان ما این مسئولیت به دوش

<sup>1</sup> بخاری بعد از حدیث شماره 1447.

<sup>2</sup> زکاة الاسهم والسندات والورق النقدی از د.سدلان ص 28.

<sup>3</sup> المنجد فی اللغة والاعلام ص 689 ط دار الشروق- بیروت.

بانک های مرکزی گذاشته شده است تا اوراق نقدی ویا مصرفی را صادرکنند، که پوشش عینی ندارد، نزد یک انسان مبلغی معین از مال باشد که این مبلغ میتواند برای مقصدش مفید واقع شود تا بوسیله آن متاعی ویا هر چیزی دیگری را بدست آورد.<sup>1</sup>

#### د- انواع اوراق نقدی

دکتور سدلان در رساله ای خود: زکاة الاسهم والسندات والورق النقدي، اوراق نقدی را به سه نوع تقسیم نمود است؛

نوع اول: نقود ورقی ثابت؛ مصکوکاتی است که تمثیل از یک مقدار طلا ویا نقره مینماید، که دریکی از بنوک به شکل ودایع گذاشته میشود، به صورت نقود ویا سکه های که معادل قیمت معدنی اش باشد که در وقت طلب قابل تصرف باشد، ویا به عبارت دیگر نقود معدنی است که مظاهر صکوک ورقی را بخود گرفته تا حمل و نقل آن آسان گردد، ودر معرض خوردن قرار نگیرد.<sup>2</sup>

نوع دوم: نقود ورقی وثیقه؛ عبارت از صکوک است که متحمل تعهدی از جانب امضاء کننده بر آن مبنی بر اینکه برای حاملش در وقت طلب مبلغ معین را پرداخت کند، که انواع اوراق نقدی بانکی یا بانک نوت ها از همین قبیل میباشد، که دارای رسید ویا پشتی بانه معدنی میباشد که بانک ها نگهداری میکند.<sup>3</sup>

نوع سوم: نقود ورقی الزامی؛ قابلیت تبدیل به طلا و نقره را ندارد که به دو نوع میباشد:

1- نقود ورقی حکومتی: که حکومت ها در اوقات اضطراری آن را صادر میکنند، که به عنوان نقود ریسی قرار میدهند، لکن این نقود به معدنی پاک مبادله نمی شود، ودر مقابل مضروبه معدنی هم نیست.

2- نقود ورقی مصرفی (بانک نوت): که بخاطر آن قانونی را تصویب میشود که برای بانک صادر کننده آن اجازه میدهد تا تبدیل آن به معدن نفیس را به عهده خود لازم بگیرد.

بیشتری از دولت ها بعد از جنگ جهانی اول قانون نقود مصرفی الزامی را تبعیت کردند، تا نیازهای مصرفی و مبادله پوره گردد، بیشتر شدن معدن خالص برای تبادل خارجی ویا برای مبادله اسعار خارجی ویا برای بکار بردن آن جهت طلب مفاد، نقود الزامی قیمت خود را از اراده ای تجویز کننده میگیرد نه از ذات خود، زیرا بانک نوت ها حامل قیمت سلعی (متاع) نمی باشد، بنا بر این قیمت خود را وقتی که تجویز مبادله آن ملغی اعلان شود از دست میدهد، اما نقود که قبول مبادله با مصکوکات معدنی را میکند بین قیمت قانونی اش و قیمت آن منحصیث یک متاع جمع کرده میشود.<sup>4</sup>

<sup>1</sup> زکاة الاسهم والسندات والورق النقدي ص 32-33 از د.سدلان.

<sup>2</sup> زکاة الاسهم والسندات والورق النقدي از د.سدلان ص 33.

<sup>3</sup> همان اثر ص 34.

<sup>4</sup> همان اثر ص 34.

## ه- ارزش و جایگاه اوراق نقدی

استعمال اوراق نقدی یا نقود ورقی زیاد گردید تا جایکه در تمام کشورهای نو ظهور برای انکشاف معاملات داخلی و خارجی و عدم کفایت نقود معدنی رایج شد، به اندازه ای که به نیازهای حرکت اقتصادی پاسخ مثبت داده شود، نقود ورقی را اعتبار نقود معدنی دادند، طوریکه هرکدام بتواند وسیله تبادل و وفای دیون قرار گیرد، تا نیازهای انسانی مرفوع گردد از قبیل امتعه و خدمات، نقود ورقی را اعتبار ذاتی دادند مثل طلا و نقره و امثال آن از نقود، و دیگر اینکه نقود ورقی اجناس است به سبب تعدد طرف های صادر کننده تعدد پیدا میکند، یعنی افغانی، ریال سعودی، و دلار امریکایی هرکدام جنس هستند، همین طور تمام پول های رایج ورقی به ذات خود نقد هستند و بحساب جنس خود مستقل و دارای قیمت خارجی میباشد، این قیمت بخاطر پشت بند، پوشش عینی مانند طلا نیست، این قیمت برگرفته از چند عامل است، که این عوامل به سبب قوت و ضعف شان مختلف اند، به تبع اختلاف اوضاع کشورهای صادر کننده اوراق نقدی، اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فکری، اختلاف پیدا میکند ارزش این نقود به تبع همین اختلافات تفاوت میکنند؛ حالت اقتصادی یک کشور تاثیر به سزای بالای ارزش اوراق نقدی اش دارد اگر حالت اقتصادی یک کشور به خوب روان باشد، و توانای تولیدات داخلی بزرگی و قابل ذخیره داشته باشد، و بنای اقتصادی اش سالم و با پایه های محکم استوار باشد، در آن صورت اوراق نقدی همان مملکت دارای ارزش قابل پذیرش بهتر میباشد؛ همچنان قوت تعهد و اعتماد افراد به آن تاثیر دارد مانند نقود که برای صاحبش عوض آن را ذخیره کرده بتواند، در صورت که تمایل به مبادله نماید مفادی از آن به دست بیاورد، اعتماد عام مردم به آن باشد مثل محل امانت ذخایر، و قوت خرید مطلق و قانونی داشته باشد، مانند نقد که دولت از آن حمایت میکند، قوت ابرای عام داده شود، و احتیاطات لازم در نظر گرفته شود تا برای اوراق نقدی اعتماد وثقه بدهد.<sup>1</sup>

### و- حکم زکات اوراق نقدی

قابل ذکر است که اوراق نقدی در نزد فقهای قدامی اسلام معروف نبود، و در کشورهای اسلامی هم از این اوراق سراغ نبوده، و نه هم در کشورهای مجاور در اوایل اسلام، بنا بر این از علمای سلف در این مورد حکمی وجود ندارد، زیرا در زمانه ایشان متداول نبوده است. زمانیکه این اوراق در کشورهای اسلامی و دنیا منتشر شد فقهای متاخرین در این رابطه بحث از حقیقت و حکم آن و در بحث های تفریعی خویش بحث از مسایل حکم زکات آن کرده اند.

<sup>1</sup> زکاة الاسهم والسندات والورق النقدی ص 28-37 با بعضی تصرفات.

مناسب است پیش از اینکه صحبت از حکم زکات اوراق نقدی نماییم، اقوال شرعی پیرامون حقیقت اوراق نقدی که گفته شده را بیان نماییم، و دیدگاه های فقهای زمانه خود را در این مورد نیز توضیح دهیم.

دیدگاه اول: از احمد الحسینی و محمد امین شنقیطی<sup>1</sup> است که گفته اند: اوراق نقدی سندات دیون است بر جانب صادر کننده، عددیکه بالای آن نوشته شده بیان این واقعت را مینماید.<sup>2</sup> اصحاب این دیدگاه به دلایل ذیل استدلال نموده اند:

1- تعهد نوشته شده بالای هر ورق نقدی مبنی بر تسلیم قیمت آن در وجه حامل آن در وقت طلب.  
2- ضرورت پستی بانه آن به طلا و نقره و یا یکی از آنها در خزاین صادر کننده های این اوراق.  
3- منتفی بودن ارزش ذاتی به این اوراق، معتبر فقط مدلول عددی است که بالای آن نوشته شده نه ارزش ورقی.

4- ضمانت قدرت های صادر کننده از ارزش آن در وقت ابطال آن و تحریم تعامل به آن.  
رد بر این دیدگاه و دلایل آن طور اجمالی و تفصیلی ممکن است  
رد اجمالی: اخذ به این دیدگاه مستلزم احکام شرعی است که باعث سختی و دشواری های ذیل میشود:

1- عدم جواز عقد سلم در چیزی که سلم کردن در آنها جایز است؛ زیرا اوراق نقدی به مثابه حواله بر صادرکننده آن است، در حالیکه از شروط عقد سلم قبض یکی از عوضین در مجلس عقد است.  
2- عدم جواز مبادله آن، زیرا اوراق نقدی وثیقه در بدل دین غایب از مجلس عقد است، در حالیکه از شروط صرف (مبادله) تقابض در مجلس عقد است.  
3- تعامل به اوراق نقدی درست است مانند حواله به معاطات، بر طرف صادرکننده ای آن، در حالیکه قول به صحت عقود به معاطات بین اهل علم اختلاف است.  
4- اگر اوراق نقدی را سندات دیون بر جهت صادرکننده گفته شود، در آن صورت، اختلاف فقهاء که در مورد زکات دین دارند که آیا زکات دین قبل از قبض لازم میگردد یا بعد از قبض؟! داخل میشود، بنابراین عدم وجوب زکات اوراق نقدی در نزد کسی که به عدم وجوب زکات دین قبل از قبض قول نموده است لازم میگردد، بنابراین دلیل ممتنع بودن قبض در مقابل این سندات.

<sup>1</sup> شنقیطی: شیخ محمد امین بن محمد المختار بن عبدالقادر الجکنی الشنقیطی در میان سالهای 1325-1393 ق زندگی داشته در تینکتو در ناحیه کیفا از روستا های شنقیط به دنیا آمدف شنقیط قریه در شمال غربی موریتانیا است، خاندان وی به علم و ادب مشهور بود و او مقدمات علوم عربی را نزد امامای خویش، شیخ عبدالله بن محمد المختار الشنقیطی، فرا گرفت، در سال 1371 ق در مدینه منوره سپس ریاض بحیث استاد تقرر حاصل نمود، و در اخیر در سال 1381 ق در مدینه منوره به صفت استاد مقرر گردید و در مکه وفات یافت. (المکتبة الشاملة آنلاین)  
<sup>2</sup> بهجة المشتاق فی بیان حکم زکاة اموال الاوراق ص 22، اضواء البیان 225/1.



5- خرید و فروش به این اوراق درست است، که از قبیل بیع نسیه به نسیه میباشد، زیرا اوراق نقدی وثایق به دین غایب است، در حالیکه پیامبر<sup>ﷺ</sup> از بیع نسیه به نسیه منع نموده است.

رد تفصیلی: به این دیدگاه که بیشتر اجمالاً رد گردید طور تفصیلی قرار ذیل نقد میشود:

1- تعهد مکتوب بر هر ورق نقدی مبنی بردفع قیمت آن در وجه حامل آن زمان طلب، در حقیقت امر کدام معنی به دنبال ندارد، فقط به نقشی در ورق میماند، به طوری مثال اگر کسی اوراق نقدی را به یکی از بانک های مرکزی و یا غیر آن که مسئول اصدار همین اوراق نقدی هستند پیش کند، و از مسئولین بانک در عوض به مقدار آن طلا و یا نقره مطالبه نماید، هرگز وفای آن تعهد که در پشت اوراق نقدی از طرف بانک صادر کننده، شده را نخواهد یافت.

2- استدلال مبنی بر استناد اوراق نقدی به پشتی بانه از طلا و نقره و یا یکی از آنها لازمی نیست، مانعی نیست که پشتی بانه پولی اوراق تجاری، یا عقال و یا هم نفت و پترول و امثال آن از چیزهای که پایه های اقتصاد بر آن استوار است، باشد.

3- زمانیکه اوراق نقدی دارای صفت قبول عام باشد، که وسیله برای تبادل قرار گیرد، در آن صورت انتفای قیمت ذاتی این اوراق معتبر نیست، کدام فرقی نیست که قیمت این اوراق در ذات آن باشد یا در امر خارج از آن .

4- اوراق نقدی سند نیست، بلکه ورق پول رایج است برای تعامل به اعیان آن وضع شده است، مانند تعامل به اعیان نقود طلائی و نقره ای و غیر آن از معادن، و مالیت آن مربوط به عین آن است، و رواج آن نزد کسانی که تعامل میکنند به آن میباشد، به سبب التزام واضع اوراق نقدی مبنی بر پرداخت قیمت نوشته شده در پشت اوراق برای هر کسی که خواهان خرید آن برای خودش بیاید، کسی که اوراق را ضایع کند در حقیقت ارزش آن را ضایع نموده است، راز اعتبار آن ضمانت قدرت های صادر کننده از ارزش آن در وقت ابطال آن و اعتماد به نگهداری و مبادله آن و ترویج تعامل به آن میباشد، بخلاف ورقه سند زیرا برای یاد آوری وضع شده است و همراه اعیان آن تعامل نمی شود، ارزش مالی ندارد مگر به اندازه قیمت اصلی آن، و در معاملات رایج نیست، و چیزی که بالای آن نوشته شده قیمت اصلی آن نیست بلکه دین در ذمه مدیون است، به ضایع شدن سند ارزش آن ضایع نمی شود، و کسی که آن را تلف نماید قیمت اصلی آن لازم میگردد.

5- قول به سند بودن اوراق نقدی باعث نوعی ازدشواری و حرج است، انداختن مردم به مشقت کلان در معاملات شان است به ویژه بعد از عام شدن تعامل به این اوراق نقدی در میان ملت های اسلامی، و به پول رایج تبدیل شدن آن.

بنابراین از اصول عام شریعت اسلامی این است، امریکه در مورد حکم آن از جانب شارع تصریحی نیامده باشد، وقتی که در میان مقتضی تشدید و تخفیف در معاملات و عبادات مردم قرار گیرد، در آن صورت جانب مقتضی تخفیف را بر جانب مقتضی تشدید ترجیح داده میشود.<sup>1</sup>

الله متعال فرموده: {وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ}.<sup>2</sup>

ترجمه: الله متعال در دین بر شما کدام سختی نه نهاده است.

وا از حضرت انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: «يسروا ولا تعسروا وبشروا ولا تنفروا»<sup>3</sup>. و دیگر آیات و احادیث که دلالت بر یسر شریعت و سماحت آن دارد.

ترجمه حدیث: پیامبر ﷺ فرموده: بر مردم آسان گیرنده باشید و دشواری نیاورید، خوش خبری بدهید و متنفرشان نسازید.

دیدگاه دوم: از شیخ عبدالرحمن السعدی و شیخ حسن ایوب<sup>4</sup> است: اصحاب این دیدگاه به این باورند که این اوراق نقدی کالا از کالاهای تجاری است، آن ویژه گی ها و احکام که در کالاهای تجاری است در این اوراق نقدی نیز است، و در آن صفت ثمنیت وجود ندارد، بلکه به منزله ای متاع و کالا است.<sup>5</sup> صاحبان این طرز تفکر به دلایل ذیل استناد میجویند:

اول: وقتی تعامل با اوراق نقدی سقوط کند، و یا دولت و یا هم جهت که صادرکننده آن است از بین برود در آن صورت اوراق نقدی بی ارزش میشود و تعامل با آن باطل میگردد.

دوم: این اوراق قایم مقام نقد در جریان معاملات قرار میگیرد، و عبادات مالی از قبیل زکات و غیر آن لازم میگردد، با نقود معدنی این قدر فرق دارد که در اوراق نقدی رباء لازم نمی گردد؛ زیرا که ورق است درمنصوص طلا و نقره داخل نمی شود، علت جامعه بین ورق و نقد معدنی در جنس و قدر وجود ندارد.

سوم: در صورتی که اوراق نقدی را حکم سندات دیون داده شود در آن صورت معاملات مردم رو به رکود میرود، و مردم در مشقت و تنگنای شدید قرار خواهند گرفت.

چهارم: نقود ورقی مال متقوم، مرغوب فیه و قابل ذخیره کردن است، خرید و فروش میشود، ذات و معدن آن از ذات و معدن طلا و نقره تفاوت دارد.

پنجم: اوراق نقدی نه مکیل است و نه هم موزون، و یکی از اجناس شش گانه ربوی منصوص علیها هم نیست.

<sup>1</sup> زکاة الاسهم والسندات والورق النقدی از د سدلان ص 39-43.

<sup>2</sup> سوره حج آیه 78.

<sup>3</sup> صحیح البخاری ج 1/ کتاب العلم - باب 11 ص 25 ط المکتب الاسلامی ترکیه.

<sup>4</sup> شیخ حسن محمد ایوب: دعوت گراسلامی معروف از علمای الزهر میباشد، از افراد رده ای اول حرکت جهانی اخوان المسلمین در مصر است و در قریه فیشای

کبری در مرکز منوف ولایت منوفیه متولد شده است، و در سال 1429 هـ ق وفات یافت. (المکتبة الشاملة آنلاین).

<sup>5</sup> فتاوی السعدیة ص 315، الاوراق النقدی فی الاقتصاد الاسلامی قیمتها واحکامها، احمد حسن ص 173.

ششم: چیزی که من حیث تعیین اندازه قیمت و اسم آن بالایش نوشته شده، امری اصطلاحی مجازی است، به سبب آن از حقیقت اش که مال متقوم است خارج نمی شود، از جنس طلا و نقره، و از اموال ربوی هم نیست.

رد بر این دیدگاه: به این دیدگاه چنین اعتراض میشود: این دیدگاه بیش از حد تفریط است، این دیدگاه باعث باز شدن درهای ربا به روی اشخاص با اراده ای ضعیف و نفسانی میشود، و باعث اسقاط زکات از غالب اموال قابل تداول در زمان فعلی میگردد.

مثلاً: یک مردی مسلمان یک ملیون افغانی را صاحب شد و آن را در یکی از بانک ها به ودیعت گذاشت تا از آن فیصدی مفاد اخذ نماید، در بانک بخاطر حفاظت و اخذ مفاد در هر سال گذاشت، در این صورت از نظر صاحبان این دیدگاه باکی نیست، زیرا این مبلغ نقدی نیست که در آن ربا لازم گردد، چنانچه که کالای تجاری هم محسوب نمی شود، اگر کالا هم باشد مقصود به تجارت نیست، بنا بر این زکات در آن نیست.

تسمیه این اوراق به ریال و یا افغانی، و یا هم دالر تسمیه مجازی نیست به سبب این تسمیه از حقیقت اش که مال متقوم است خارج نمی سازد، در آن جنسی از طلا و یا نقره و یا هم از اموال ربوی نیست، لیکن تسمیه آن تسمیه حقیقی عرفی است، معتبر حقایق و معانی است نه الفاظ و مبانی، حقیقت در این اوراق این است که کالا به شمار نمی آید و به کالا هم کدام نوع پیوند ندارد.<sup>1</sup>

اگر اوراق نقدی را کالای تجاری گفته شود موارد ذیل لازم میآید:

- 1- عقد سلم با اوراق نقدی درست نیست، در نزد کسی که نقدیت سلم را شرط میداند.
- 2- عدم جریان ربا در اوراق نقدی به سبب نوعیت در آن، فروش بعضی از آن به بعضش به زیاده باکی ندارد، یا فروش بعضی از اوراق نقدی را به پول های دیگری چون طلا و نقره و برنز و امثال آن از معادن نقدی به نسبه کدام مشکل نخواهد داشت.
- 3- عدم وجوب زکات در آن تا مادام که برای تجارت نباشد، زیرا از شرایط وجوب زکات در کالای تجاری این است که برای تجارت باشد.<sup>2</sup>

<sup>1</sup> زکاة الاسهم والسندات والورق النقدی ص 45.

<sup>2</sup> همان اثر ص 46.

دیدگاه سوم: از شیخ احمد خطیب، شیخ احمد زرقاء<sup>1</sup>، شیخ عبدالله بسام<sup>2</sup> و دکتور محمد الخالدی وقاضی محمد تقی عثمانی<sup>3</sup> و دیگران میباید که فرموده اند: این اوراق نقدی به فلوس<sup>4</sup>. میماند در عارض شدن ثمنیت بر آن، احکام که در فلوس از قبیل زکات، رباء، وسلم، ثابت میشود، برای اوراق نقدی و مانند آن لازم میگردد.<sup>5</sup>

این دیدگاه دیدگاه وسط میان دو دیدگاه قبلی است، که یکی قول به سندات نموده بود و دیگری کالای تجاری میدانست؛ صاحبان این دیدگاه به این نظر اند که اوراق نقدی مانند فلوس مسی است، در تمام احکام ظاهری و باطنی خود، در عین حال از اموال زکوی نیست، پس به فروش رسانده میشود و به قرض داده میشود، به شکل مساوی، و یا زیاده، در مقابل میعاد و غیر آن، به دلیل عدم وجود علت رباء در آن، به هبه داده میشود، و به آن وصیت کرده میشود، تصرف کرده میشود در آن مثل پول رایج از غیر نقدین، اوراق نقدی به نفس خود طلا و نقره نیست، بلکه پول است تغییر پذیر مثل، تغییر رخت، به کساد و رواج و جابجایی حکومت ها.

صاحبان این دیدگاه در میان خویش نیز اختلاف نموده اند، بعضی شان من کل وجه مانند فلوس دانسته اند که نه در آن زکات است و نه هم رباء در آن میشود، زکات واجب نمیشود مگر به نیت تجارت، با این طرز تفکر به همراه قائلین که اوراق نقدی را کالای تجاری میدانند هم نظر میشوند؛ و بعضی از صاحبان این دیدگاه اخیر تنها جواز ربای نسیه را به آن مرتب نموده اند، به دلیل وجهه ای مشترک که دارند، چون هر دو (نقد و اوراق نقدی) در ثمنیت مشترک اند، و منع جریان ربای فضل در آن به دلیل اینکه اوراق نقدی مثل نقدین من کل وجه نیست.<sup>6</sup>

رد بر این دیدگاه: رد بر این دیدگاه طور ذیل ارائه میگردد.<sup>7</sup>

<sup>1</sup> احمد بن محمد بن عثمان بن محمد بن عبدالقادر الزرقاء الحلبي حنفی که در میان سالهای 1285-1357 هـ ق زندگی داشته؛ فقیه کشور شام یا سوریه امروزی علامه و اصولی متبحر و قاضی و امین فتوی شهر حلب بوده و ایشان اساسات علوم را در نزد پدرش محمد الزرقاء فرا گرفته است (المکتبۃ الشاملة آنلاین).

<sup>2</sup> عبدالله بسام در میان سالهای 1346-1423 ق زندگی داشته از فقهای کشور سعودی و مدرسان در حرم مکی که مناصب مختلفی را بر عهده داشت و کتابهایی زیادی نوشته است (المکتبۃ الشاملة آنلاین).

<sup>3</sup> استاد مفتی محمد تقی عثمانی در پنجم ماه شوال سال 1362 ق برابر با 3 اکتبر 1943 در دهکده (دیوبند) از توابع سهارنپور هندوستان دیده به جهان گشود. ایشان در خانواده ای مذهبی و دانش دوست رشد یافت. سلسله نسب استاد به خاندان خلیفه ی راشد، حضرت عثمان ذی النورین رضی الله عنه منتسب است. پدرش مفتی محمد شفیع، عثمانی سند افتا را از نزد شیخ انور شاه کشمیری به دست آورده است، و خود ایشان در کنار منسب قضا در محکمه عالیای پاکستان و نایب ریس دارالعلم کراچی نایب ریس مجمع الفقه الاسلامی درجده نیز هستند. (المکتبۃ الشاملة آنلاین).

<sup>4</sup> فلوس: جمع فلس است که از یونانی، یا رومی، و یا هم عبری اشتقاق شده است که عبارت از: پول مسی است که اعراب از بیزانسی ها نقل کرده اند، فلس 0.0082 گرام میشود که ارزش آن ششم حصه درهم است، معجم لغة الفقهاء ص 350 از محمد رواس قلجی، و د. حامد صادق قنیبی ط دار النفایس - بیروت - لبنان.

<sup>5</sup> الورق النقدي از ابن منیع ص 65، شرح القواعد الفقهية ص 174، و زکاة النقود الورقية المعاصرة ص 90، مجلة مجمع الفقه الاسلامی شماره 3 ج 3 1955-1941-1697/3.

<sup>6</sup> زکاة الاسهم والسندات والورق النقدي ص 47-48.

<sup>7</sup> زکاة الاسهم والسندات والورق النقدي ص 49-50.

1- در صورتی که اوراق نقدی باطل اعلان شود و یا به کساد مواجه شود در آن صورت کدام ارزشی به آن باقی نمی ماند، بخلاف فلوس (پول مسی) در صورت کساد و یا ابطال تعامل با آن ارزش خود را از دست نمی دهد، و ارزش آن در نفس آن است که از این وجه با سایر کالاها شباهت دارد.

2- اوراق نقدی نسبت به فلوس بیشتر در ثمنیت فعلی داخل است.

3- اوراق نقدی در بلند رفتن ارزش فعلی آن مانند طلا و نقره است، بلکه بیشتر از آن است، بخلاف فلوس، که در کالاهای ناچیز و کم ارزش استعمال میشود، این کالاهای بی ارزش از جمله کالاهای است که نیاز عام میباشد، شاید این از علت های منع ربای فضل در فلوس باشد، بخلاف اوراق نقدی.

4- اوراق نقدی یک وجهه بیشتر نسبت به فلوس دارد، طوریکه معاملات با ارزش کلان به وسیله ای این سه نقد انجام میگردد، و رباء غالباً در معاملات که ارزش بیشتر دارد طوری نسبی میباشد.

5- کسانی که به الحاق اوراق نقدی به فلوس قول کرده اند، آن را حکم فلوس داده اند، اما محل الحاق را محدود نکرده اند، در این میان فقهاء در محل الحاق اختلاف نموده اند، و به دو گروه تقسیم شده اند:

گروه اول: به سوی اصل آن دیده اند، در میان اوراق نقدی و نقدین معدنی، در رباء، صرف، سلم، وزکات، فرق قایل شده اند، این دیدگاه ائمه ای چهارگانه است.

گروه دوم: به واقعیت آن دیده اند، پس از نگاه به اصل آن، اعتبار ائمان به آن داده اند، و حکم ائمان را در آن ثابت کرده اند: در رباء، صرف، سلم، وزکات، این دیدگاه ابوالخطاب حنبلی و بعضی از مالکی ها و احناف است.

دیدگاه چهارم: از شیخ عبدالرزاق العقیفی است که فرموده: اوراق نقدی بدل از طلا و نقره است که قایم مقام آن قرار میگیرد.<sup>1</sup>

لازمه این دیدگاه این است: اوراق نقدی در ثمنیت قایم به ذات خود است، در مقام چیزی معنا قرار میگیرد که از آن جدا شده است؛ بنابراین (امور شرعی به مقاصد و معانی بستگی دارد نه به الفاظ و مبانی)<sup>2</sup>. زمانیکه ارزش ثمنیت از آن زایل شود، به مثل پارچه های از ورق میماند که بعد از ابطال آن به چیزی هم سان شده نمی تواند، طوریکه قبل از ابطال بود.<sup>3</sup>

بنابراین در آن حکم نقدین طور مطلق ثابت است (زیرا چیزی که به مبدل منه ثابت شد همان حکم بدل نیز است).<sup>4</sup> به این دیدگاه چند مورد مرتب میشود:

1- جریان ربا با هرد نوع آن در اوراق نقدی.

<sup>1</sup> الاوراق النقدية في الاقتصاد الاسلامي ص 204.

<sup>2</sup> الاشباه والنظائر از سیوطی ص 166 ط دارالکتب العلمیه بیروت - لبنان.

<sup>3</sup> الورق النقدي ص 79 اوراق النقود و نصاب الورق النقدي 321/39 مجلة البحوث الاسلامية.

<sup>4</sup> القواعد في الفقه الاسلامي از حافظ ابن رجب حنبلی ص 340 قاعده 143 ام، ط: موسسه نبع الفکر در قاهره.

2- ثبوت زکات در آن زمانیکه ارزش آن به نصاب برسد و شرایط زکات در آن تکمیل شود.

3- جواز عقد سلم به اوراق نقدی

4- در زمان مبادله یا صرف، چیزیکه پشت بندی از طلا داشته باشد حکم طلا را دارد، و چیزی

که پشت بندی از نقره داشته باشد حکم نقره را دارد.

5- تساوی در قیمت شرط است، در زمان اتفاق هر دو نوع از ورق که متفرع از طلا و نقره باشد

مانند ریال سعودی و لیره لبنانی، در این صورت تفاضل در آن ممتنع میباشد.

6- وقتی دو جنس از اوراق نقدی باهم متفق شدند که یکی متفرع از طلا و دومی متفرع از نقره

بود، در آن صورت در این دو تفاضل جایز است به شرط که دست به دست باشد.

مناقشه دکتور سدلان: این دیدگاه در دنیای واقع کدام استنادی ندارد، بعد از این که دانستیم که پشت

بند اوراق نقدی لازم نیست که حتما طلا و نقره باشد بلکه میتواند عقار و یا هم نفت باشد و یا چیزهای

دیگری که پایه های اقتصاد را میسازند؛ صاحبان این دیدگاه پشت بند بودن طلا و نقره را در اوراق نقدی

شرط کرده اند تا بدلیت متحقق شود.<sup>1</sup>

مناقشه این دیدگاه از نظر د. غفیلی: این دیدگاه به اساس فریضه ای پشتی بانه بودن کامل طلا

و نقره بنا شده است، حال آنکه در عالم واقع خلاف این امر است، دیگر اینکه پشتی بانه در تمام انواع این

اوراق نیست بلکه کم اند اوراق که دارای پشتی بانه طلا و نقره باشد و لازم هم نیست که حتما طلا و نقره

باشد، میتواند عقارات و امثال آن پشتی بانه قرار گیرد، و اوراق قوت چلش خود را از اعتبار دولت

صادرکننده استمداد میجوید و وسیله ای تبادل قرار میگیرد؛ همچنان لازمه ای این قول این است که تمام

اوراق را جنس واحد اعتبار داده شود، این از آن قبیل است که مماثلت در آن زمان مبادله نقد به نقد لازم

است، در این امر دشواری بالای مردم وارد میشود که سبب الزام ندارد، به ویژه با اختلاف جهات

صادر کننده آن و تفاوت اسباب اعتماد و قوت چلش میان اوراق.<sup>2</sup>

دیدگاه د. سدلان: دیدگاه را که دکتور صالح بن غانم السدلان راجح میدانند همان دیدگا چهارم

است (که آنها بدل چیزی از نقدین میدانند که اوراق نقدی از آن متفریع شده است) وی میگوید: دیدگاهی

به نظر من ترجیح دارد که از نظر دلیل قوی باشد، و معتبر بودن احکام متعلق به اوراق نقدی از حیث

تعامل و زکات و غیره دیدگاه چهارم: اوراق نقدی قایم مقام چیزی است که از آن متفریع شده در ثمنیت

میباشد، و بدل چیزی قرار میگیرد که در مقام آن است از طلا و نقره، چیزی که از طلا متفرع شده حکم طلا

به آن داده میشود، و چیزی که از نقره متفرع شده حکم نقره به آن داده میشود، امور شرعی به مقاصد

و معانی تعلق دارد نه بر الفاظ و مبانی، در صورتیکه صفت ثمنیت از آن گرفته شود مجرد پارچه های

<sup>1</sup> زکاة الاسهم والسندات والورق النقدي ص 51-53 از سدلان.

<sup>2</sup> نوازل الزکاة از د غفیلی ص 153.

اوراق باقی خواهد ماند، که بعد از ابطال آن به هیچ چیزی برابری نمی تواند، بنابراین طور مطلق حکم نقدین را دارد، زیرا چیزی که برای مبدل عه ثابت شود برای بدل هم ثابت میشود.<sup>1</sup>

نکته ای مهم: زمانیکه اقوال ترجیحی را مقارنه مناقشه شود به وضوح دانسته میشود که دیدگاه دکتورسدلان عین دیدگاهی است که دکتور غفیلی در کتاب خود نقل نموده، اما با این فرق که دکتور غفیلی به عنوان دیدگاه مستقل نظر اخیر را ارائه و فتاوی مجامع فقهی را به تائید آن آورده، اما دکتورسدلان به چهار دیدگاه و یک مناقشه در دیدگاه چهارم اکتفا نموده است، از مناقشه و فتاوی مجامع فقهی که جناب ایشان نقل نموده فهمیده میشود که وی نیز با صاحبان دیدگاه چهارم در پیوند به مخصوص ساختن پشتی بانه ای پولی طلا و نقره را به صفت تنها پشتی بانه پولی موافق نیست، بلکه از نظر وی چیزهای دیگری نیز میتواند پشتی بانه ای پولی قرار گیرد، و در عین حال اوراق نقدی را طوری مطلق حکم نقدین میدهد. والله اعلم.

بیان مجلس مجمع فقه اسلامی در دور پنجم: بدون شک پول ورقی به ثمن مبدل گشته است، و قایم مقام طلا و نقره قرار گرفته، منحیث وسیله تبادل در میان مردم مروج شده است، بنابراین اوراق نقدی قایم به ذات خود است و حکم نقدین را دارد، زکات در آن لازم میگردد، در صورت که قیمت آن به یکی از نصابین طلا و نقره برسد، و یا با سایر اثمان و کالای تجاری نصاب را کامل کند همچنان ربا با هر دو نوع آن (نسبیه و فضل) در آن جاری میشود، مثل نقدین، اوراق نقدی حکم نقدین را میگیرد در تمام التزامات که شریعت اسلامی لازم گردانیده است در آن، چنانچه اوراق نقدی معتبر است با اختلاف اجناس آن به سبب تعدد جهت های اصدار در کشورهای مختلف، همچنین تمام پول های ورقی به ذات خود جنس مستقل اند، فروش اوراق نقدی یکی را بردیگرش و یا به غیر آن از اجناس نقدی دیگر از طلا و نقره و یا غیر این دو به طور نسبیه مطلقا، و به طور تفاضل بدون تقابض جایز نیست.

همچنان فروش یک جنس از اوراق نقدی را بردیگرش طور تفاضل درست نیست برابر است که نقد (دست به دست) باشد یا نسبیه، اما فروش یک جنس به جنس دیگری را به تفاضل مطلقا جایز است در صورت که این معامله دست به دست باشد؛ مجلس مجمع فقه اسلامی در دوره ای پنجم که در مقر رابطه العالم الاسلامی، در مکه مکرمه در ماه ربیع الثانی سال 1402 ه ق منعقد شده بود. والله اعلم.

و همچنان جایز است که اوراق نقدی را به عنوان راس المال در بیع سلم و شرکت ها قرار داده شود.<sup>2</sup>

<sup>1</sup> زکاة الاسهم والسندات والورق النقدي ص 53-54.

<sup>2</sup> زکاة الاسهم والسندات والاوراق النقدي، از دکتور صالح بن غانم السدلان ص 28-56. با بعضی تصرفات.

## نص قرار مجلس هیئۀ کبار علماء در کشور عربستان سعودی

شماره (10) تاریخ 1393/4/16 ه ش

### در موضوع اوراق نقدی

قرار مجلس که به رای اکثریت تایید گردیده است:

بنابراین که نقد عبارت از هر چیزی است که در نزد عرف و اصطلاح قابل اعتبار بوده، طوریکه مورد قبول عام مردم منحصیث وسیله ای تبادل در معاملات قرار گیرد، چنانچه که شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله به آن اشاره نموده است و فرموده: در درهم و دینار کدام حد طبیعی و شرعی را تعریف نشده، بلکه مرجع آن عرف و اصطلاح است، این عدم تعیین حد برای تعریف این است که در اصل کدام مقصود به آن منوط نیست بلکه غرض از آن این است که معیار تعامل قرار گیرد، دراهم و دنانیر مقصود بنفسه نیستند، بلکه این ها وسیله تعامل هستند. بنابراین آنها پول هستند. در ادامه فرموده: وسیله ای محضه که غرضی در آن منوط نیست نه در ماده ای آن و نه هم در صورت آن، هدف به آن چگونه که باشد حاصل میشود.<sup>1</sup>

امام مالک رحمه الله همانند قول ابن تیمیه رحمه الله را در مدونه خود از کتاب الصرف (مبادله نقد به نقد) فرموده: اگر مردم در میان خود پوست ها را تجویز کنند، تا به آن سکه و عین باشد، هر آینه من بد میبندارم که فروخته شود طورنسیه در بدل طلا و نقره.

طوریکه ورق نقدی در تداول مورد قبول عام قرار میگیرد، ویژه گی پول را به خود حمل میکند، که مقیاس و معیار برای ارزش ها و ذخیره ای از ثروت قرار گرفته، و مورد استفاده عام قرار میگیرد، چنانچه ظاهر شده است که پشت بند پولی لازم نیست که شامل تمام اوراق نقدی باشد، بلکه جایز است در عرف طرف های صادر کننده اوراق نقدی که جزء از اوراق نقدی شان بدون پشتی بانه باشد، و پشتی بانه لازم نیست که حتما طلا و نقره باشد بلکه میتواند از امور دیگری چون طلا و پول های ورقی قوی باشد، و در عالم فعلی نقره در هیچ جای دنیا نه کلی و نه هم جزئی پشتی بانه پولی نیست، چنانچه واضح است که اسباب قوت و ضعف اوراق نقدی استمداد از حالت اقتصادی کشور خود میکند، در صورت قوت دولت پولش نیز ارزش قوی دارد و در صورت ضعف دولت پولش ارزش ضعیف دارد، و مواد خام چون نفت، پخته، پشم در نزد هیچ کشوری از دنیا بحیث پشتی بانه پولی اوراق نقدی قرار نگرفته است، طوریکه قول به اعتبار ثمنیت علت جریان ربا در نقدین است، این دلیل قوی و نزدیک تر به مقاصد شریعت است، و یکی از روایات از امامان چون: مالک، ابوحنیفه و احمد میباشند، ابوبکر جصاص گفته است: این قول را

<sup>1</sup> مجموع الفتاوی از ابن تیمیه رحمه الله ج 29 ص 251.



از امام احمد یک جماعتی روایت نموده است، و مورد اختیار بعض محققین از اسلام نیز قرار گرفته است، مانند: شیخ الاسلام ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم جوزی رحمهما الله و دیگران، طوریکه علت ثنیت در اوراق نقدی به وضوح متحقق است، بنابراین دلایل و علل هیئت کبار علمای سعودی به اکثریت آراء تایید کرده اند که اوراق نقدی منحصیث نقد قایم به ذات خود معتبر است مانند قیام نقدیت در طلا و نقره و غیره از اثمان، و دیگر اینکه اوراق نقدی اجناس است به تعدد جهات اصدار تعدد پیدا میکند، یعنی ریال سعودی جنس است و دالر امریکایی جنس است این چنین تمام اوراق نقدی کشورها جنس علاهده هستند، که احکام شرعی ذیل به آن مرتب میشود:

اول: جریان رباء با هردو نوع آن در اوراق نقدی چنانچه رباء با هردو نوع آن در طلا و نقره و در غیر این دو مثل فلوس جاری میشود، این موضوع در برگزیده موارد ذیل است:

آ. به طور مطلق فروش یکی بردیگری و یکی بر سایر اجناس نقدی طورنسیه جایز نیست.

ب. جایز نیست فروش یک جنس یکی بردیگری طوری متفاضل، برابر است که این معامله دست به دست باشد و یا نسیه.

ج. فروش یک جنس به جنس دیگر جایز است مطلقا کم و یا زیاد به طور مساوی و یا هم متفاضل در صورت که دست به دست باشد. حتی فروش ریال سعودی که نقره ای است به ریال سعودی که ورقی است جایز میباشد، چون در اجناس متفاوت و در اسم یکی هستند، که حقیقتا تفاوت در اجناس است.

دوم: وجوب زکات اوراق نقدی: وقتی که ارزش آن به پایین ترین نصاب از نقدین (طلا و نقره) برسد، و یا همراه دیگر اثمان و کالاهای تجاری نصاب را تکمیل کند، و همچنان در ملکیت کسی باشد که اهلیت وجوب پرداخت زکات را داشته باشد، پرداخت زکات لازم است.

سوم: جواز گردانیدن آن به عنوان راس المال در سلم و شرکت ها.<sup>1</sup>

والله اعلم وبالله التوفیق و صلی الله علی محمد و علی آله و صحبه و سلم.

هیئة کبار العلماء در مملکت عربی سعودی.

<sup>1</sup> برگرفته از کتاب زکاة السهام والسندات والورق النقدی از دکتر سدلان با بعضی اختصارات، ص 57-61.

دیدگاه پنجم: قابل ذکر است که دکتور غفیلی در کتاب نوازل الزکاة خود دیدگاه پنجم را نیز ذکر نموده است که اوراق نقدی نقد مستقل و قایم به ذات خود است، احکام که در طلا و نقره ثابت میشود در این نقد هم ثابت است، هر نوع از نقود جنس مستقل به شمار میآید، که قول اکثر فقهاء است، و به آن هیئت کبار علماء در سعودی و مجمع فقهی در مکه معظمه و مجمع فقه اسلامی جدا شده از سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی نیز به این دیدگاه فتوی داده اند.<sup>1</sup>

دلیل دیدگاه پنجم که دکتور غفیلی ذکر نموده: نقود ورقی مشتمل است بر وظایف نقود، زیرا مقایس از برای قییم است، و موجب ابراء است، و خزانه ای ثروت است، ذخیره کردن آن در وقت ضرورت ممکن است، اعتماد بالایی مردم به این اوراق، بخاطر قانونیت اش و حمایت دولت از آن، صفت نقدیت مختص به طلا و نقره نیست، بلکه صفت نقدیت ثابت است برای هر چیزی که انسانها آن را به عنوان نقد قبول میکنند، و وظیفه ای نقود را انجام میدهد، از این قبیل است همین اوراق.<sup>2</sup>

نظر د. غفیلی: ایشان فرموده اند: این دیدگاه اخیر راجح است به خاطر وجاهت دلایش، و بدور ماندنش از مناقشه و لوازم آن، بنابراین قرار مجمع فقه اسلامی در مکه به تایید آن صادر شده است؛ که نص آن را در کتاب خویش تذکر داده، به آن مراجعه شود.<sup>3</sup>

#### ز- نصاب اوراق نقدی

فقهای معاصر در رابطه به وجوب زکات اوراق نقدی در اوایل ظهور آن اختلاف نموده اند، مبنای این اختلاف از بیان کیفیت اوراق نقدی سرچشمه گرفته است، این اختلاف با بیشتر شدن تعامل به این اوراق و قرار گرفتن این اوراق در جای نقود معدنی آشکار تر شد، حتی کسی را در این مورد سراغ نداریم که قایل به زکات اوراق نقدی نباشد.<sup>4</sup> تکلیفات که قبلاً از آن ذکر شد قابل غور است.

اما چیزیکه در این جا مقصود است شناخت نصاب زکات اوراق نقدی میباشد، به ویژه که در این مورد کدام نص شرعی وجود ندارد، بخاطر پیدا شدن این اوراق بعد از زمان تشریح، لیکن زمانیکه مقصود از این اوراق مالیت (ارزش مبادله ای آن) باشد نه اعیان آن در آن صورت زکات از ارزش آن لازم میگردد، ارزش آن در صورتی دانسته میشود که به حساب نصاب نقدین نرخ گذاری شود، بنابراین اختلاف میان فقهای معاصر در مورد معتبر دانستن تقویم اوراق نقدی به سه دیدگاه:

دیدگاه اول: صاحبان این دیدگاه نصاب اوراق نقدی را به نصاب نقره اعتبار میدهند.<sup>5</sup>

دیدگاه دوم: صاحبان این دیدگاه نصاب اوراق نقدی را به نصاب طلا اعتبار میدهند.<sup>6</sup>

<sup>1</sup> نوازل الزکاة ص 150.

<sup>2</sup> نوازل الزکاة ص 153.

<sup>3</sup> نوازل الزکاة ص 154-156.

<sup>4</sup> فقه الزکاة 1/1294، احکام اوراق نقدی و تجاری ص 515.

<sup>5</sup> فتح الربانی لترتیب مسند امام احمد بن حنبل شیبانی همراه شرح آن بلوغ الامانی از احمد البنا 8/251، فقه الزکاة 1/286.

<sup>6</sup> فقه الزکاة 1/286، احکام و فتوی الزکاة والصدقات ص 24، الاوراق النقدية في الاقتصاد الاسلامی ص 283.

دیدگاه سوم: صاحبان این دیدگاه نصاب اوراق نقدی را به نصاب رسیدن ارزش آن به یکی از پایین ترین نصاب از طلا ویا نقره اعتبار میدهند.<sup>1</sup>

دلایل دیدگاهها:

توجیه دیدگاه اول

1- اندازه نمودن به نصاب نقره مجمع علیه است؛ به دلیل ثبوت نصاب نقره به احادیث صحیحه.<sup>2</sup> مناقشه: اندازه نمودن اوراق نقدی به نصاب طلا هم به نصوص ثابت است.<sup>3</sup> اگر دلیل این دیدگاه را اعتبار هم داده شود از برای وجود خلاف موثر واقع نمی شود.

2- اندازه نمودن به نقره برای فقراء مفید تر است، زیرا نصاب نقره کمتر از نصاب طلا است.<sup>4</sup> مناقشه: این کار مراعات حال فقیر است نه زکات دهنده، در نصاب نقره غالباً ثروتی موجب زکات به دست نیاید.

توجیه دیدگاه دوم:

1- قیمت طلا ثابت است تغییر نمی پذیرد به دلیل ثبات وزنش، بخلاف نقره که قابل تفاوت است.<sup>5</sup> مناقشه: تغییر که در نقره وارد میشود؛ همان تغییر در طلا نیز وارد میشود، این تغییر تأثیری در این موضوع ندارد وقتی که دانستیم نصاب طلا (85) گرام و نصاب نقره (595) گرام میباشد.

2- نصاب طلا نزدیک ترین نصاب ها در اموال قابل زکات است، مانند پنج شتر، وچهل گوسفند.<sup>6</sup> مناقشه: این دلیل تأثیری بر تعیین یکی از دو نصاب طلا ویا نقره ندارد، این از سبب تفاوت کبیر بین نصاب ها است، و دیگر اینکه نصاب ها ثبوت شان توقیفی است، به قیاس ثابت نمیشود.<sup>7</sup>

توجیه دیدگاه سوم: بدون شک دلایل صحیح در اثبات دونصاب (طلا و نقره) وارد شده، بنابراین نصابی در قیمت گذاری اوراق نقدی معتبر است که برای مستمندان و مستحقین مفید تر باشد، نصاب مفید تر برای فقراء این است که کمترین نصاب باشد.<sup>8</sup>

<sup>1</sup> فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمية 257/9.

<sup>2</sup> الاجماع از ابن منذر ص 53، بدایع الصنائع 27/1، بدایة المجتهد 71/3، روضة الطالبین 256/2، کشاف القناع 59/3، نصاب نقره در حدیث انس رضی الله عنه ثابت است که حضرت ابوبکر رضی الله عنه برایش نوشت: هذه فريضة الصدقة الذي فرضها رسول الله ﷺ على المسلمين والتي امر الله بها رسوله. الى قوله: وفي الرقة في مائتي درهم ربع العشر. امام بخاری در کتاب الزکاة باب زکاة الغنم به شماره 1362 آن را روایت نموده.

<sup>3</sup> مراجع فقهی سابقه، نصاب طلا در احادیث ثابت است، از جمله: حدیث حضرت علی است که به شکل مرفوع روایت شده است که در همان حدیث چنین صراحت دارد این حدیث را ابوداود در کتاب الزکاة، باب الزکاة السایمه به شماره: 1324 روایت کرده است.

<sup>4</sup> فقه الزکاة 283/1.

<sup>5</sup> همان اثر 264/1.

<sup>6</sup> اوراق النقود و نصاب الورق النقدي در مجله بحوث اسلامی 327/39.

<sup>7</sup> همان اثر 339/39.

<sup>8</sup> فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والافتاء در سعودی 257/9، مجله مجمع الفقه الاسلامی 335/8.

دیدگاه ترجیحی د. غفیلی: دیدگاه سوم قابل ترجیح است؛ بنابر دلایل که پیشتر ذکر نمودیم از ثبوت هر دو نصاب، با وجود تفاوت اخذ به اقل یکی از دو نصاب لازمی است؛ زیرا مفید تربرای فقراء و باعث خلاصی ذمه زکات دهنده است، و همچنان عمل به نصوص و جمع بین دو دیدگاه میشود.

بنابراین، ما اول پول نصاب طلا را حساب و سپس پول نصاب نقره را محاسبه میکنیم سپس به نصاب کمتر عمل میکنیم، و زکات اوراق نقدی را از آن خارج میکنیم.

مثال. 1: اگر قیمت فی گرام طلا متوسط 3500 افغانی باشد، و نصاب طلا هم بیست مثقال است که 85 گرام میشود، در این صورت نصاب طلا به افغانی ( 297500 ) افغانی میشود.

مثال 2: همچنان در نقره که اگر قیمت فی گرام نقره متوسط 50 افغانی باشد، و نصاب نقره که 200 درهم است برابر با 595 گرام میشود در آن صورت قیمت فی گرام به مجموع نصاب به گرام ضرب زده میشود بنابراین نصاب نقره به افغانی، بیست و نه هزار هفتصد و پنجاه افغانی میشود،  $29750 = 595 \times 50$ .

در این صورت نصاب نقد وقتی نصاب گفته میشود که ( 29750 ) افغانی باشد که همان ارزش نصاب نقره است، نصاب طلا را به نصاب نقره پیوند میدهیم و مزکی را مکلف میدانیم که به نصاب نقره زکات بپردازد، زیرا ارزش آن کمتر از ارزش نصاب طلا است. 1.

### مطلب پنجم: زکات حسابات جاری

آ. بیان کیفیت حساب جاری<sup>2</sup>: فقهاء معاصر در بیان کیفیت حساب جاری به چند دیدگاه اختلاف نموده اند، که بارزترین آنها دو دیدگاه است

دیدگاه اول: حسابات جاری عبارت از ودیعت به معنی شرعی آن است، از جمله کسانی که به این دیدگاه اند دکتور حسن امین، و دکتور عبدالرزاق الهیتی میباشد.<sup>3</sup>

دیدگاه دوم: حساب جاری قرض است، شخص مودع همان قرض دهنده، و بانک شخصیت قرض گیرنده است، به این دیدگاه اکثریت فقهای معاصر قول نموده اند.<sup>4</sup> و مجمع الفقه الاسلامی آن را تایید نموده است.<sup>5</sup>

1 اگر گفته شود که نصاب اوراق نقدی را وسط ارزش میان نصاب طلا و نقره تعیین کنند در آن صورت یک توجیه دارد، مگر هیچ فقهی از عصر ما به این دیدگاه نیست، این از جمله موضوعات است که قابل تامل است.

2 مراد از حساب جاری: صورت حساب است که به وسیله آن معاملات که در بین صاحب حساب و بانک است مقید میشود، الودایع المصرفیه از حسین کامل، مجلة مجمع الفقه السلامی، شماره 9 ج 1 ص 689، اینکه به این نام مسمی شده، چون به شکل مداوم در حال زیاد و کم شدن است، الینوک التجاری بدون الرباء ص 74، اما ودایع حساب جاری که در این بحث همین موضوع مراد است این طور تعریف میشود: عبارت از مبالغ نقدی است که صاحب آن در بانک به ودیعت میگذارد، و طرف بانک تعهد به دفع آن میسپارد هر زمان که صاحب مبالغ مودعه مطالبه نماید، معجم المصطلحات التجاریة والمالیة والمصرفیة ص 269، والودائع المصرفیة از حسنی ص 70، بحوث فی قضایا فقهیة معاصرة از قاضی عثمانی ص 350. 3 الودایع المصرفیة از دکتور امین ص 233، المصارف السلامیة بین النظریة والتطبیق ص 261.

4 الربا والمعاملات المصرفیة فی نظر الشریعة، ص 346، والودائع المصرفیة از حسنی ص 101، و بحوث فی قضایا فقهیة معاصرة ص 352.

5 قرارات و توصیای مجمع الفقه السلامی ص 196، ونص قرار شماره: 86(9/3) از این قرار است: الودایع تحت الطلب (حسابات جاری) برابر است که نزد بانک های اسلامی باشد، و یا بانک های ربوی در حقیقت به منظور فقهی قروض است، زیرا بانک که این ودایع را تسلیم میشود، دستش دست ضمان ودایع است و در وقت طلب مکاف به رد آن است؛ بی نیاز بودن بانک مذکور از گرفتن قرض تاثیر در این حکم ندارد.

دلایل این دودیدگاه

دلایل دیدگاه اول

1- حساب جاری که مورد مطالبه عمیل (صاحب حساب) است وی میتواند تمام باقیات حساب خود را به دست بیاورد هرزمانیکه بخواهد، بدون توقف به هیچ شرطی، این مفهوم شرعی ودیعت است.<sup>1</sup>

مناقشه: درودیعت چنانچه که رد آن در وقت طلب لازم است، عدم تصرف در آن نیز مقصود است، در حسابات جاری بانک ها در مال ودیعت تصرف میکنند و بدل آن را میدهند، که این کار حیثیت قرض را دارد.<sup>2</sup>

2- سپرده گذار تصمیم ندارد که مال خود را به بانک قرض و یا سرفایده بدهد، بلکه هدف وی محافظت مالش است، طوریکه گیرنده ودیعت، هدف قرض دادن ندارد، بنابراین قرض گفته نمیشود.<sup>3</sup> مناقشه: دلیل بر اینکه سپرده گذار هدف قرض دادن ندارد، در حقیقتی عقد تأثیری ندارد؛ زیرا عام سپرده گذاران فرق میان معنای قرض و ودیعت را نمی داند، اصطلاحات هم برایشان مهم نیست، بلکه چیزی را مهم میدانند نتایج عملی است، وی راضی نمیشود مگر همراه ضمان آن، ید ضمان به قرض ثابت میشود نه به ودیعت، بانک ودیعت را قبول نمی کند مگر بخاطر تصرف در آن که همان معنای مصداقه ای قرض است، ثابت است که ودیعت دهنده گان هدف شان قرض دادن است نه ودیعت به معنی فقهی، در عقود معانی اعتبار دارد نه الفاظ و مبانی.<sup>4</sup>

3- بانک ها مال را به عنوان قرض تسلیم نمی شوند، بلکه به عنوان ودیعت تسلیم میشوند، این امر دلالت بر این دارد که در بدل محافظت از آن مزد می طلبند، با بر حذر داشتن شدیدش در تصرف مال، و مبادرت فوری بانک در وقت مطالبه ای مال.<sup>5</sup>

مناقشه: با عدم انقیاد به این دلیل، اینکه بانک مطالبه مزد مینماید بخاطر خدمات که برای سپرده گذار انجام میدهد میباشد، مانند اصدار دفتر چک و کارت های مصرفی و امثال آن، نه بخاطر حفظ سپرده، و اما ادعای حذر شدید از جانب بانک در استعمال مال، این هم قابل مناقشه است، بخاطر خلط شدن این مال سپرده شده با مال دیگر کسانی که حساب جاری دارند تصرف میکند در آن مانند مال خودش.

<sup>1</sup> الودایع المصرفية از دكتور امين ص 233.

<sup>2</sup> المنفعة في القرض ص 304.

<sup>3</sup> الودایع المصرفية از دكتور امين ص 233.

<sup>4</sup> احكام الودایع المصرفية، در بحوث قضایا فقهية معاصرة ص 352.

<sup>5</sup> الودایع المصرفية ص 233.

در صورتیکه به حذر شدید در تصرف قبول کنیم، به دلیل اینکه بر عدم این موضوع اضرار مرتب میشود، اما اینکه در پرداخت طلب مبادرت میکند، بخاطر طبیعت عقد بین طرفین است، بخاطر محافظت از شنیداری و آبروی بانک و تشویق برای تعامل با بانک.<sup>1</sup>

بدون شک قرض دهنده حق مطالبه بدل قرض خود را فی الحال دارد، به دلیل ثبوت این امر در نامه ای قرض گیرنده فی الحال، که به محظ مطالبه ای وی از آن اش میباشد، مانند سایر دیون عاجل، و دیگر اینکه سبب وجوب رد مثل و یا قیمت است، بنابراین باید فی الحال انجام شود.<sup>2</sup>

دلایل دیدگاه دوم:

1- حسابات جاری از ممتلكاة بانک است، بنابراین حق دارد که به آن تصرف داشته باشد، و مبلغی را که به عنوان ودیعة در نزد شان سپرده میشود مکلف اند تا در وقت طلب مثل آن را به صاحبش رد نمایند، این معنی قرض است، در صورت که این را ودیعت به معنی شرعی آن گفته شود، مطابقت ندارد، در صورتیکه چنین باشد از تصرف در آن از جانب بانک درست نیست، زیرا حکم ودیعة این است که محفوظ بوده ورد عین آن شرط است.<sup>3</sup>

مناقشة: بدون شک تصرف بانک در مال ودیعه بدون شک عرفا به اجازه صاحب آن است، این کار ودیعة را از معنی اصلی اش که محافظت از آن با وجوب رد مثل آن است خارج نمی کند، زیرا مثل شی مانند عین آن است.<sup>4</sup>

پاسخ این مناقشه: ما به این باور نیستیم که تصرف در ودیعة به اجازه صاحبش باعث خروج ودیعه از معنی اصلی اش نمی شود، بلکه تصرف در ودیعه اگر به اجازه صاحب آن هم باشد باعث خروج از معنی اصلی اش میشود، زیرا تصرف به منافع شی به ودیعت گذاشته شده با بقای عین آن عاریت میگردد، اگر به عین آن تصرف نمود باعث استهلاک عین شد آن را قرض گفته میشود، در این صورت رد بدل آن لازم میگردد.<sup>5</sup>

2- بانک مکلف است به رد مثل مبلغ به ودیعت گذاشته شده در وقت طلب، در صورت اتلاف آن ضامن میباشد، برابر است که کوتاهی کرده باشد یاخیر، این امر مقتضی قرض است، بخلاف ودیعت که در ودیعت رد عین آن لازم است، تاوان آن لازم نیست مگر در صورت که در اثر تعدی و یا کوتاهی از جانب وی صورت گرفته باشد.<sup>6</sup>

<sup>1</sup> المنفعة فی القرض ص 305.

<sup>2</sup> بدایع الصنائع 396/7، نهاية المحتاج 231/4، شرح منتهی الارادات 102/2 وعقد القرض فی شریعة الاسلامیة از نزیه حماد 61.

<sup>3</sup> الودائع المصرفیة از حسنی ص 103، عقد الودیعة فی الشریعة الاسلامیة از نزیه حماد ص 61-72.

<sup>4</sup> الودائع المصرفیة از دکتور امین ص 234.

<sup>5</sup> حنبلی ها تصریح کرده اند که در صورت تصرف به عاریت تعیر میابد، کشاف القناع 167/4. الودائع المصرفیة از حسنی ص 102، والودائع

المصرفیة از سامی حمود، در ضمن مجله مجمع الفقه، عدد 674/1/9.

<sup>6</sup> الرباء والمعاملات المصرفیة ص 347، بحوث فی قضایا فقهیة معاصره ص 353.

مناقشه: الزام تاوان بالای بانک در صورت اتلاف ودیعت بدون کدام تقصیری مخالف طبیعت ودیعت شرعی است، این کار به اساس عرف بانکی صورت میگیرد، در صورتی که از ودیعت امانت تعبیر شود، اما در عدم تعدی از جانب بانک تاوان لازم نمی آید.<sup>1</sup>

پاسخ از این مناقشه: حقایق شرعی با عرف بانکی مخالفت ندارد، و به سبب آن تغییر هم نمیآید، این تغییر به سبب بیان کیفیت واقع میشود، این مبالغ نقدی ودیعت است.<sup>2</sup>

ترجیح: از بیانات کیفیت فقهی که در مورد ماهیت مبالغ نقدی به ودیعت گذاشته شده در حساب جاری که قبلاً توضیح و مناقشه شد، دیدگاهی ترجیح دارد که ودیعت را در حساب جاری به قرض تعبیر نموده اند، بنا بر دلایل که صاحبان این دیدگاه بیان نموده اند و دلایل ترجیحی که ذیلاً بیان میشود:

1- حقیقت شرعی مبالغ به ودیعت گذاشته شده با حقیقت قرض موافق است، که در تعاریف شان متماثل هستند «دفع مال الی الغير لینتفع به ویرد بدله»<sup>3</sup>، قرض دهنده برای بانکی پول میدهد که با ملتزم شدن مبنی بر رد بدل آن، تملیک کرده منفعت بدهد، این معنی قرض است.

2- مکلف بودن بانک طوری مطلق به پرداخت تاوان؛ کوتاهی کرده و یا خیر، این با قرض متفق است، بخلاف ودیعت به معنای شرعی آن که بر مستودع امین اقامه میشود، مکلف به ضمانت نیست مگر در صورت کوتاهی از طرف وی.<sup>4</sup>

#### ب. زکات حساب جاری

از بیانات پیشتر در بیان کیفیت مال به ودیعت گذاشته شده در حساب جاری واضح گردید که این یک قرض از جانب سپرده گذار مال برای بانک میباشد، که بانک نیازمند هم به اخذ این قرض نیست، و قادر به رد نمودن قرض است هر وقت که سپرده گذار بخواهد، بنابراین حکم ودیعت در حساب جاری مانند حکم زکات دین است در صورتیکه این دین بالای شخص قادر به پرداخت دین و غیر مامطل باشد، بنا بر اختلافات فقهی که میان فقهاء در مورد زکات دین است که ما در مباحث قبلی از آن به وضوح بیان نمودیم، به اساس دیدگاه راجح زکات بالای داین واجب است، هر زمانیکه حوالان حول شود اگرچی که دین را قبض نکرده باشد، چون هر وقت بخواهد قبض میتواند، زیرا در حکم مالی است که در دستش میباشد، و کدام مانعی در قبض آن نیست، بودن این مال در دست شخص دوم کدام تاثیری بالای حکم زکات ندارد، به ویژه قروض که در حساب جاری میباشد، به دست آوردن این قرض نسبت به سایر قروض

1 المصارف الإسلامية از هیئت ص 264.

2 الودائع المصرفية ص 101.

3 رد المحتار 161/5، بلغة السالك 290/3، مغنی المحتاج 29/3، كشاف القناع 312/3، با اختلاف اندک که دارند.

4 بدایع الصنائع 211/6، نهاية المحتاج 116/6، كشاف القناع 167/4، عقد الودیعة فی الشريعة الإسلامية از نزهة حماد ص 61.

آسان تر است، بنابراین وجه شبه که با ودیعت دارد میتواند موکد وجوب زکات مال سپرده شده در نزد حساب جاری باشد زمانیکه حولان حول شود.<sup>1</sup>

---

<sup>1</sup> نوازل الزکاة از دکتور غفیلی ص 169-170.



## نتیجه گیری

پس از کاوش و مذاقه پیرامون زکات کالا های تجاری و تطبیقات معاصر آن و مسایل مرتبط به این موضوع، دیده میشود که موضوع متذکره از موضوعات خیلیها مهم و برارنده میباشد، فقهای شریعت اسلامی با استناد به نصوص شرعی، دید گاهای فقهای پیشین و معاصر در محور آن در کتب مختلف طوری پراکنده بحث نموده، شرایط آن را نیز بیان داشته اند، که ما آن را تحت رساله مستقل گرد آورده طوری مفصل بیان، مناقشه و دیدگاه راجح را در ذیل سه فصل بیان داشته ایم که از اثر این تحقیق به نتایج ذیل دست یافته ایم.

نتایج به دست آمده از فصول سه گانه قرار ذیل اند:

- 1- زکات مصدر (زکا) است به معنای نمو و زیادت شی آمده است، و (زکا فلان) وقتی که شخصی صالح شود، بنا به معنای چون: برکت، نمو... مستعمل است در اصطلاح شریعت: به اندازه مشخصی از مال گفته میشود که الله ﷻ آن را بالای بنده های مومنش فرض گردانیده تا برای مستحقین اش بپردازند.
- 2- زکات امری است که در شریعت اسلامی از جایگاه بلندی برخوردار است، و چهارمین رکن اسلام میباشد، که با تمام جزئیات، شرایط و مصارف زکات و جاهای که دادن زکات جایز نیست در نصوص شرعی و متون فقهی بیان شده است.
- 3- مقاصد شریعت از زکات: تحقق تعبد برای الله ﷻ به امتثال او امر و قیام به فریضه اش، شکر نعمت الله ﷻ به وسیله ادای زکات که خداوند تعالی به او انعام کرده است، پاک کردن مزکی از گناه، پاک شدن دهنده ای زکات از بخل با تمام مفاهیمش، از جمله ای مقاصد زکات دوچند شدن نیکیها و رفع درجات، پرداخت کننده ای زکات میباشد، کمک و هم یاری ثروت مندان برای فقراء است، افزایش مال زکات، متحقق شدن تکافل اجتماعی، رشد اقتصاد اسلامی، دعوت به سوی الله متعال.
- 4- کالا های تجاری هر آن چیزی که نقد نباشد به آن عرض یا کالا گفته میشود، در اصطلاح: هر آنچه که برای خرید و فروش آماده شده باشد جهت حصول فایده.
- 5- حکم زکات کالا های تجاری در فقه اسلامی، زکات کالا های تجاری فرض است به اساس عموم کتاب الله ﷻ و سنت رسول الله ﷺ و آثار و اجماع اکثریت از دانشمندان فقه اسلامی و قیاس صحیح، مذهب ظاهریه، مذهب امامیه که اینها زکات را در کالای تجاری واجب نه بلکه مستحب میدانند بنا بر قول صحیح تردد نزدشان، اما نظر دیگر شان مبنی بر وجوب خمس در فایده تجارت است، و از این آیه استدلال میکنند: {و اعلموا انما غنمتم من شیء فان لله خمسہ وللرسول... الایه}. اما اهل سنت در معنی غنمتم همان معنی را معتبر میدانند که رسول الله ﷺ بیان نموده باشد نه معنای لغوی و سیاق آیه هم همین معنا را بیان میدارد.

- 6- اقلام کالاهای تجارتي در عصر حاضر عبارت از تمام کالاهای است که به نوعی در تجارت و اعمال تجاری دخیل است، و در تجارت به حیث بضعه تجاری خرید و فروش و یا غرض فروش تولید می‌گردد، میتواند بحیث اقلام کالاهای تجاری بحساب آید.
- 7- شرایط زکات کالاهای تجارتي، عبارت از نیت تجارت در کالاهای تجارتي، رسیدن قیمت کالاهای تجارتي به نصاب اقل از نقدین، حولان حول کالای تجاری میباشد.
- 8- ثروت که تاجر از آن در تجارت خود بکار میبرد خالی از سه صورت نیست: ثروت که به شکل بضایع و امتعه است که تاجر برای فروش و تجارت خریداری نموده اما تا هنوز به فروش نرسانیده است؛ یا به صورت نقدی در دست و یا اختیارش است بالفعل، و یا هم در بانک ها نگهداری میکند؛ یا به صورت قرض بالای دیگران دارد میباشد، که بعضی آن قابل حصول و یا هم صعب الحصول و بعضی غیر قابل حصول است، که در دو صورت اول تاجر مکلف است، سرمایه نقدی را همراه کالاها بعد از نرخ گذاری زکات بپردازد، در صورت اخیر، اگر قرض قابل حصول باشد مثل این است که در بانک باشد بنابراین باید هر سال زکات بدهد، اما اگر صعب الحصول بود، بنابراین که ما آن را ترجیح دادیم از زمان حصول آن باید یک سال بگذرد بعد از زکات بدهد.
- 9- فرق میان تاجر مدیر و محتکر، جمهور فقهاء در میان این دو فرق قایل نیستند اما امام مالک رحمه الله بخلاف جمهور نظر دیگری ارایه نموده است که به اساس آن در میان این دو فرق قایل شده است، تاجر مدیر از دیدگاه امام مالک رحمه الله: کسی است که خرید فروش به قیمت حاضر میکند، در خرید و فروش کدام وقت محدد ندارد.
- 10- علامه ابن عثیمین رحمه الله فرموده: قیمت کالاها به طلا و نقره ملحق کرده میشود زیرا مقصود اصلی از این دو ارزش آنها است.
- 11- کالاهای تجاری در آخر سال به نصاب نقدی که برای اهل زکات مفید تر باشد نرخ گذاری میشود، در آلات تجاری که برای فروش نیست، و آماده شده برای اجرت یا کرایه هم نیست، زکات نمی باشد لیکن در اجرت آن زکات میباشد، زمانیکه حولان حول شده باشد، مقدار زکات که در کالاهای تجارتي واجب است، به مقدار ربع عشر و یا 2.5 فیصد میباشد، و به اساس دیدگاه راجح فقهاء زکات کالای تجاری از عین آن نیز اداء می‌گردد.
- 12- مفهوم اسهم در لغت و در اصطلاح، به فتح همزه و ضم را به معنی نصیب و حصه آمده که عبارت از چکی است تمثیل از یک حصه از حصص متساوی را میکند، مقسم الیها راس المال مطلوب برای مساهمه است، این مساهمه برای صاحبش در جهت حصول مفادش در وقت تقسیم ممتلكات یک حق را محفوظ میدارد، اگر زبانی متوجه تجارت شود، متحمل خسارت به اندازه سهم خودش میشود.

- 13- مفهوم سند در لغت و در اصطلاح، به معنی متکا آمده، عبارت از جزء از قرض درازمدت میباشد که به اساس آن فایده ثابت در اوقات معین داده میشود، و ارزش همان قرض در زمان که طرفین با آن اتفاق کرده اند بازگردانده میشود.
- 14- به اساس تفاوت های که در این رساله تحقیقی بیان نمودیم سهم از معاملات مجاز و سندات از معاملات ربوی میباشد اما با وجود محرم بودن معاملات محرم از پرداخت زکات معفو نمیگردد بلکه مکلف است زکات آن را بپردازد.
- 15- در مورد چونگی اخراج زکات سهام اتجاهاتی را بیان نمودیم دیدگاه راجح در آن این است که از تمام شرکت ها، به اندازه ربع عشر گرفته میشود، بر حسب ارزش سهام در بازار.
- 16- در مورد زکات سندات: قول صحیح در دین قابل حصول که اوبالای شخصی ثروت مند، معترف به قرض و غیر مماطل باشد پرداخت زکات آن در هر سال وقتی که به نصاب برسد لازمی و واجب است، که این قول جمهور فقهاء، و ابو عبید و غیره نیز اختیار نموده است، زیرا دین قابل حصول به منزله این است که در دستش باشد.
- 17- دادن زکات دوبار به یک سبب جایز نیست رسول الله ﷺ فرموده: «لا تثنی فی الصدقة».
- 18- حکم خرید و فروش سهم به تبع نوع شرکت بیان میشود اگر شرکت مباح بود خرید و فروش سهم آن نیز مباح است اگر شرکت ربوی و یا غیر مباحه بود خرید و فروش سهم آن نیز ناجایز و حرام است.
- 19- خرید و فروش سندات، به اساس تفاوت هایکه ما از آن طی جدول بیان نمودیم اگر سندات با همان خصوصیات باشد خرید و فروش آن حرام و ناجایز است.
- 20- زکات حیواناتیکه برای تجارت است و محصولات آن، میوه برای تجارت، همان ربع عشر از سرمایه و مفاد آن لازمی است.
- 21- در مکان و آلات صنعتی زکات لازم نبوده بلکه از مفاد و محصول آن به اندازه ربع عشر لازم است.
- 22- زکات اوراق نقدی نیز همان ربع عشر است، چون طلا و نقره.
- 23- زکات حساب جاری: از بیانات پیشتر در بیان کیفیت مال به ودیعت گذاشته شده در حساب جاری واضح گردید که این یک قرض از جانب سپرده گزار مال برای بانک میباشد، که بانک نیاز مند هم به اخذ این قرض نیست، و قادر به رد نمودن قرض است هر وقت که سپرده گزار بخواهد، بنابراین حکم ودیعت در حساب جاری مانند حکم زکات دین است، در صورتیکه این دین بالای شخصی قادر به پرداخت دین و غیر مماطل باشد.

## پیشنهادات

از لابلای بحث و بررسی که در رابطه به زکات کالاهای تجاری و تطبیقات معاصر آن از دیدگاه شریعت اسلامی ارائه گردید میتوان پیشنهادات زیرین را به مراجع ذی صلاح غرض تفهیم و تطبیق احکام زکات مطرح ساخت:

- 1- اینکه هر فرد مسلمان در قبال دین و تطبیق احکام آن بالای خود مسئولیت داریم، و همچنان از مسئولین کشورهای اسلامی نیز درخواست مینماییم احکام شریعت اسلامی به خصوص احکام زکات کالاهای تجاری و تطبیقات معاصر آن را برای افراد جامعه تفهیم و تطبیق نماید.
- 2- تحقیق و کاوش در موضوعات مختلف از جمله اسباب رشد فکری جامعه انسانی است، بنابراین بر همه اهل علم و تحقیق لازم است در موارد مختلف کاوش، تالیف و ترجمه نمایند به خصوص در موضوع معاملات تا مشکل جامعه اسلامی از این ناحیه برچیده شود.
- 3- بنابراینکه در جامعه افغانی ماهیچ بحث مستقلی تحت عنوان زکات کالاهای تجاری و تطبیقات معاصر آن صورت نگرفته، بنده به اندازه وسع و قدرت خود با استفاده از منابع مختلف که به لسان عربی نوشته شده بود آن را جمع آوری و مناقشه نمودم تا دریچه ای باز برای ره پویان دانش دینی باشد، اما باز هم این تحقیق را کافی نمیدانم و امید وارم محققین این عرصه توجه بیشتر مبذول بدارند، تا در این باره بحث بیشتر صورت گیرد.
- 4- اصل قانون گذاری: این موضوع از جمله موضوعات جدید است، با تمام پهلوها، شرایط و ارکانش درج قانون گردیده تا جنبه قانونی بودن را به خود گیرد.
- 5- از مقام محترم رهبری امارت اسلامی رجامندیم تا زمینه هرچی بیشتر تحقیق در زمینه های مختلف را که برای پیشرفت جامعه اسلامی به آن نیاز مبرم احساس میشود به ویژه کاوش نمودن در بخش معاملات معاصر از منظر فقه اسلامی را مساعد سازند تا دانشمندان که در این عرصه مهارت دارند دست به قلم برده به طوری گسترده احکام شرع را به دست رس تشنگان علم قرار دهند.
- 6- از اینکه کالاهای تجاری امروزه متفاوت از کالاهای تجاری سنتی در زمان های گذشته بوده از قبیل اسهم و سندات، و حسابات جاری، و بازار بورس که همین اسهم به آن خرید و فروش میشود، و همچنین بحث روی اوراق نقدی و ماهیت آن، لازم میدانم دانشمندان عرصه علوم شرعی در این راستا قلم فرسایی نمایند تا موضوعات جدید در روشنی شرع شریف واضح شده، باعث تسهیل تطبیق احکام شریعت گردد.
- 7- همچنان از وزارت محترم تحصیلات عالی و اکادمی علوم افغانستان تقاضا داریم تا موضوعات تحقیق شده را در سایت مربوطه پخش و نشر نمایند تا سبب غنامندی هرچه بیشتر گنجینه ای علمی گردیده و باعث تشویق محققین و نویسندگان شود.

## فهرست آيات قرآن كريم

شماره	آيات	سوره	شماره آية	صفحه
1	حُدْمِنَ أَمْوَالَهُمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلَّى عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ.	التوبة	103	3،37، 9،16
2	فَاتِ ذَا الْقَرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ ذَلِكَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ....	الروم	39-38	4
3	تِلْكَ آيَاتُ الْفُرْقَانِ وَكِتَابٍ مُبِينٍ ۝ هُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ.	النمل	3-1	4
4	وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ.	المائدة	55	5
5	وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ.	المومنون	4	5
7	وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ.	البقرة	110	6
8	فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلَوْا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ.	التوبة	5	6
9	فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَاجْزَيْكُمْ فِي الَّذِينَ نَفَضُوا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ.	التوبة	11	6
10	إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسْجِدَ اللَّهِ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَحْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ.	التوبة	18	7،15
11	وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا ينفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ.	التوبة	34	7
12	إِنَّمَا الصَّدَقَتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَمَلِينَ عَلَيْهَا وَالْمَوْلُفَةَ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْعُرْمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنَ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ.	التوبة	60	8

8	71	التوبة	وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ....	13
38	25-24	المعارج	وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ ۚ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ.	14
38	19	الذاريات	وفى اموالهم حق للسائل والمحروم.	
15	43	البقرة	وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ.	15
15	277	البقرة	إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.	16
17	9	الحشر	وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِن قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَن هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً...الآية.	17
17	180	آل عمران	وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا ءَاتَاهُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ وَاللَّهُ مِيرِثُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ.	18
18	281	البقرة	مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ ۗ وَاللَّهُ يُضْعِفُ لِمَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ وَسِيعٌ عَلِيمٌ.	19
18	276	البقرة	يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ.	20
19	7	الحشر	كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةٌ بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنكُمْ ۚ وَمَا ءَاتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ .	21
37	267	البقرة	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْفِقُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ ۖ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ ۚ وَعَلَّمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ.	22

## فهرست أحاديث نبوي

شماره	حديث	صفحه
1	ويامرنا بالصلاة والزكاة والصيام	9
2	بنى الاسلام على خمس....	10
3	من اتاه الله مالا فلم يودى زكاته مثل له يوم القيامة شجاعا اقرع.....	10
4	مامنع قوم الزكاة الا ابتلاهم الله بالسنين.	11
5	من اعطاها موتجرا فله اجره ومن منعها فانا آخذوها وشطر ماله....	11
6	امرت ان اقاتل الناس حتى يشهدوا ان لا اله الا الله وان محمدا رسول الله....	12
7	اعلمهم ان عليهم صدقة تؤخذ من اغنيائهم وترد على فقرائهم.	14
8	الصدقة تطفي الخطيئة كما يطفى الماء النار.	16
9	تعس عبدالدينار وعبدالدرهم وعبدالخميسة....	17
10	مامن يوم يصبح فيه العباد الا وملكان ينزلان...	18
11	مثل المومنين في توادهم وتراحمهم وتعاطفهم كمثل الجسد الواحد....	19
12	لاصدقة الا عن ظهر غنى.	21
13	واسمعوا واطيعوا وان استعمل عليكم عبد حبشي كان راسه زبيبة.	24
14	عن قبيصة بن مخارق الهلالي قال:تحملت حمالة فاتيت رسول الله ﷺ	27
15	من ترك مالا فلورثته ومن ترك دينا او ضياعا فالى وعلى.	28
16	انما الاعمال بالنيات وانما لكل امرئ ما نوى.	39
17	ليس على مسلم في عبده ولا فرسه صدقة.	41
18	لاثنى في الصدقة.	45
19	ليس فيما دون خمسة اوسق صدقة ولا فيما دون خمس ذود صدقة....	47

47	فاذا كان لك مئتا درهم وحال عليها الحول ففيها خمسة دراهم وليس عليك..	20
47	ليس في مال زكاة حتى يحول عليه الحول.	21
59	وفي الرقة ربع العشر.	22
59	هاتوا ربع العشر: من كل اربعين درهما درهم.....	23
59	فاذا كان لك عشرون دينارا وحال عليها الحول ففيها نصف دينار...	24
82	في صدقة الغنم في سائمتها اذا كانت اربعين الى عشرين ومائة شاة شاة..	25
82	في كل سائمة ابل في اربعين بنت لبون....	26
90	ليس على المسلم في عبده ولا فرسه صدقة.	27



## فهرست اعلام

شماره	اسم	صفحه
1	آلبانی	62
2	ابن العربی	35
3	ابن حبیب	35
4	ابن قدامه	42
5	ابن قیم جوزی	27
6	ابن رشد حفید	32
7	ابوعبید	52
8	ابن کثیر	48
9	ابن عثیمین	49
10	ابن حزم	89
11	ابن منذر	51
12	ابن عبدالبر	51
13	ابن حبیب	36
14	ابن باز	74
16	اصبغ	35
17	السعدی	74
18	احمد الزرقاء	121
19	ابوزهره	84
20	ابویعلی قاضی	87

100	ابن عقيل حنبلى	21
40	ابو يوسف	22
40	ابن نجيم	23
56	بغوى	24
10	داوود ظاهرى	25
26	رازى	26
36	رشيد رضاء	27
24	سبكى	28
78	د.سدلان	29
106	شوكانى	30
40	محمد شيبانى	31
117	شنقيطى	32
121	تقى عثمانى	33
121	عبدالله بسام	34
108	غفيلى	35
48	قرطبى	36
49	قتاده	37
10	قرضاوى	38
60	قحطانى	39
40	كاسانى	40
77	د.مترك	41

98	جلال الدين محلى	42
63	ابراهيم نخعى	43
9	نووى	44
119	حسن ايوب	45
65	سحنون	46
9	واحدى	47

## فهرست مصادر ومراجع

14. قرآن كريم....
15. آمدی، علی بن محمد، الإحكام في أصول الأحكام، ناشر: مطبعة الصبيح والمكتب الإسلامي، دمشق-بيروت، چاپ دوم 1402هـ.
16. ابو حبيب، دوكتور سعدی القاموس الفقهي لغتا واصطلاحا ناشر: دارالفكر، دمشق، چاپ دوم، 1408ق.
17. ابوداود، سليمان بن اشعث بن اسحاق بن بشير بن شداد، سجستاني، محقق: شعيب ارنوط، سنن ابی داود، ناشر: دارالرسالة العالمية، چاپ اول، 1430ق، و ط السعادة.
18. ابو عبيد، قاسم بن سلام بن عبدالله الهروي البغدادي، الاموال، محقق: خليل محمد هراس، ناشر: دارالفكر بيروت، (ب ط) و (ب ت).
19. ابن ابی شيبة، ابوبكر عبدالله بن محمد بن ابی شيبة، كوفي عيسى، الكتاب المصنف في الاحاديث والآثار ناشر: مكتبة الرشد-رياض، چاپ اول 1409ق.
20. ابن تيمية تقي الدين أحمد بن عبدالحليم، مجموع فتاوى شيخ الاسلام ابن تيمية، جمع وترتيب: عبدالرحمن ابن قاسم، دار احياء تراث العربية، قاهرة، ب ط، ومطبعة كردستان العلمية-قاهرة، 1326ش.
21. ابن تيمية، تقي الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم بن عبد السلام بن عبد الله بن أبي القاسم بن محمد ابن تيمية الحراني الحنبلي دمشقي، الفتاوى الكبرى، ناشر: دار الكتب العلمية، چاپ اول 1408ق.
22. ابن منذر، ابوبكر محمد بن ابراهيم، نيشاپوري، الاجماع، محقق: فواد دارالمسلم للنشر والتوزيع، چاپ اول، 1425ق.
23. ابن منظور، لسان العرب محمد بن مكرم بن علي ابو الفضل جمال الدين، انصاري، رويغی، افریقی، ناشر: دارصادر-بيروت، چاپ سوم، 1414ق.
24. ابن قدامه، ابو محمد موفق الدين عبدالله بن احمد بن محمد الجماعيلي المقدسي دمشقي الحنبلي المغني، ناشر: مكتبة قاهره، (ب ط) تاريخ نشر: 1388ق.
25. ابن عثيمين، محمد بن صالح بن محمد الشرح الممتع على زاد المستنقع، ناشر: دار ابن جوزي چاپ اول 1422ق.
26. ابن كثير، ابو الفداء اسماعيل بن عمر ابن كثير القرشي البصري ثم دمشقي، محقق: محمد حسين شمس الدين تفسير القرآن العظيم ناشر: دار الكتب العلمية-بيروت، چاپ اول، 1419ق، و ط الحلبي.
27. ابن حنبل، احمد بن محمد بن حنبل ابو عبدالله الشيباني، محقق: احمد محمد الشاكر، المسند، ناشر: دارالمعارف، دار الحديث- قاهره، چاپ اول 1416ق.

28. ابن حجر هيثمى، احمد بن محمد بن على بن حجر، تحفة المحتاج في شرح المنهاج، ناشر: المكتبة التجارية الكبرى-مصر، ب ط، سال نشر 1357ش.
29. ابن دقيق العيد، محمد بن على بن وهب تقى الدين ابو الفتح، محقق: احمد محمد شاكر، احكام الاحكام شرح عمدة الاحكام بدون ناشر، سال نشر: 1407ق.
30. ابن حزم، ابو محمد على بن احمد بن سعيد الاندلسى القرطبى الظاهرى المحلى بالاثار، به تحقيق شيخ احمد شاكر، ناشر: طبع المنيرية، (ب ت).
31. ابن عبدالبر، ابو عمر يوسف بن عبدالله بن محمد القرطبى، التمهيد تحقيق: مصطفى بن احمد العلوى وديكران، ناشر: وزارت عموم الاوقاف والشئون الاسلاميه-المغرب سال نشر: 1387ق.
32. ابن باز، عبدالعزيز بن عبدالله بن باز مجموع الفتاوى مشرف بر جمع وطبع آن: محمد بن سعد الشويعر. (ب ط) (ب ت).
33. ابن ضويان، ابراهيم بن محمد بن سالم، منار السبيل في شرح الدليل محقق: زهير شاويش، ناشر: مكتبة الاسلاميه، چاپ هفتم، 1409ق.
34. ابن قدامه، عبدالله ابن احمد ابن محمد، الجماعيلى المقدسى ثم دمشقى حنبلى، الكافى، ناشر: دارالكتب العلميه، چاپ اول، 1414ق.
35. ابن عثيمين، محمد بن صالح بن محمد العثيمين مجموع الفتاوى، جمع وترتيب: فهد بن ناصر بن ابراهيم السليمان، ناشر: دار الوطن- دار الثريا، چاپ اخير-1413ق.
36. اللجنه الدائمه للبحوث العلميه والافتاء، فتوى اللجنة الدائمة، جمع وترتيب: احمد بن عبدالرزاق الدويش، ناشر: رئاسة ادارة البحوث العلميه والافتاء، ادارة العامه للطبع-رياض.
37. ابن العربي، قاضى محمد بن عبدالله ابوبكر المعافى المالكى، احكام القرآن ناشر: دارالكتب العلميه بيروت، لبنان، چاپ سوم، 1424ق و چاپ الحلبى.
38. ابن عابدين، محمد امين، حاشية ردالمحتار على الدرالمختار مشهور به حاشيه ابن عابدين: شرح تنوير الأبصار ناشر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابى الحلبي واولاده درمصر، چاپ دوم 1386ق.
39. ابن نجيم، زين الدين بن ابراهيم ابن محمد المصرى، البحر الرائق شرح كنز الدقائق، ناشر: دارالكتاب الاسلامى، چاپ دوم، ب ت.
40. ابن قيم جوزى، محمد بن ابى بكر بن ايوب بن سعد، زاد المعاد في هدي خير العباد، ناشر: مطبعه، السنة محمدية، ب ت.
41. ابن المفتاح، ابوالحسن عبدالله ابن مفتاح شرح الازهار في الفقه الزيدى، مكتبة: شركة التمدن-مصر، سال 1332ق.

42. ابن الأثير جامع الأصول في أحاديث الرسول، مجد الدين أبو السعادات المبارك بن محمد بن محمد بن محمد بن عبد الكريم الشيباني الجزري، به تحقيق عبد القادر الأرنبوط، ناشر: مكتبة الحلواني - مطبعة الملاح - مكتبة دار البيان، چاپ اول، ب ت.
43. ابن عبدالبر، التمهيد، أبو عمر يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر بن عاصم النمري القرطبي، ناشر: وزارت عموم الأوقاف والشؤون الإسلامية - المغرب، سال نشر: 1387ق، ب ط.
44. ابن قدامة، أبو محمد موفق الدين عبد الله بن أحمد بن محمد بن قدامة الجماعيلي المقدسي ثم الدمشقي الحنبلي، الكافي، ناشر: دارالكتب العلمية، چاپ اول 1414ق، المكتب الاسلامي-دمشق.
45. ابن قدامة، أبو محمد عبد الله بن أحمد بن محمد بن قدامة المقدسي الجماعيلي الدمشقي، الحنبلي، المغني، ناشر: چاپ سوم المنار، ب ت.
46. ابن قدامة، موفق الدين أبو محمد عبد الله بن أحمد بن محمد بن قدامة المقدسي المقنع، ناشر: مكتبة السوادي للتوزيع، جدة - سعودي، چاپ اول 1421ق.
47. ابن قدامة، أبو محمد عبد الله بن أحمد بن محمد بن قدامة المقدسي، الشرح الكبير على متن المقنع، ناشر: دارالكتاب العربي للنشر والتوزيع، بيروت، سال چاپ 1403ق، تحت اشراف د. محمد رشيد رضاء.
48. ابن مفلح، شمس الدين المقدسي الفروع، به تحقيق: عبد الله بن عبد المحسن التركي، ناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، دار المؤيد - رياض، چاپ اول 1424هـ، دار عمر للطباعة ط دوم 1381ق.
49. ابن قيم، أبو عبد الله محمد بن أبي بكر بن أيوب ابن قيم الجوزية، بدائع الفوائد، محقق: علي بن محمد العمران، ناشر: دار الكتاب العربي - بيروت، چاپ پنجم 1440ق، دار ابن حزم چاپ اول.
50. ابن رشد الجد، أبو الوليد محمد بن أحمد بن رشد القرطبي، البيان والتحصيل، تحقيق: د محمد حجي وديگران، ناشر: دار الغرب الإسلامي، بيروت - لبنان، چاپ دوم 1408ق.
51. ابن رشد حفيد، ابوالوليد محمد بن احمد القرطبي، مشهور به ابن رشد حفيد، بداية المجتهد، ناشر: دارالحديث قاهره، تاريخ نشر: 1425ق ومطبعة الاستقامة 1371ق.
52. ابن نجيم، زين الدين بن إبراهيم بن محمد، الشهير بابن نجيم، الإشبه والنظائر في الفقه ابي حنيفة النعمان، ناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، چاپ اول 1419ق.
53. ابن رجب الحنبلي، زين الدين عبد الرحمن بن أحمد، تقرير القواعد وتحريير الفوائد = قواعد ابن رجب، محقق: ابن حسن آل سلمان، ناشر: دار ابن عفان للنشر والتوزيع، سعودي، چاپ اول 1419ق.
54. ابن حبان، أبو حاتم محمد بن حبان بن أحمد التميمي البستي، صحيح ابن حبان، محقق: محمد علي سونمز، خالص آي دمير، ناشر: دار ابن حزم-بيروت، چاپ اول 1433ق.
55. السعدى، عبدالرحمن ابن ناصر، تيسير الكريم الرحمن في تفسير كلام المنان، داراحياى التراث العربى-بيروت- لبنان، چاپ دوم، 1421ق.

56. امام احمد ابن حنبل، احمد ابن حنبل مسند امام احمد ابن حنبل، محقق: شعيب الارنوط وعادل مرشد وديگران، ناشر: مؤسسة الرسالة، ط اول 1421ق.
57. امام مالك، مالك ابن انس ابن مالك ابن عامر الاصبحي، المدني، مؤطاء محقق: محمد فواد عبدالباقي، ناشر: دار احياء تراث عربي - بيروت-لبنان، سال نشر: 1406ق، المطبعة السعادة.
58. احمد الصاوي، ابو العباس احمد بن محمد خلوتى مالكي بلغة السالك لا قرب المسالك، المعروف بحاشية الصاوي على شرح الصغير، ناشر: دار المعارف، ب ط، ب ت.
59. السعدي، عبد الرحمن بن ناصر، المختارات الجلية من المسائل الفقهية، به تحقيق: محمد بن عيادي خاطر، ناشر: دار الآثار للنشر والتوزيع-قاهره-مصر، چاپ اول 1426ق.
60. اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء، فتاوى اللجنة الدائمة، جمع وترتيب: أحمد بن عبد الرزاق الدويش، ناشر: رئاسة إدارة البحوث العلمية والإفتاء - الإدارة العامة للطبع - رياض، ب ط، ب ت.
53. البعلي، علي بن محمد بن عباس البعلي الدمشقي الحنبلي علاء الدين أبو الحسن، الأخبار العلمية من الإختيارات الفقهية، به تحقيق: أحمد بن محمد بن حسن الخليل، ناشر: دار العصمة، ب ط.
54. اسحاق كوسه، إسحاق بن منصور بن بهرام، أبو يعقوب المروزي، مسائل الإمام أحمد بن حنبل وإسحاق بن راهويه، ناشر: عمادة البحث العلمي، الجامعة الإسلامية بالمدينة المنورة، سعودي، چاپ اول 1425ق.
55. بابر تي، محمد بن محمد بن محمود، العناية شرح الهداية، مطبوع باحاشيه فتح القدير، ناشر: شركت مكتبه ومطبعة مصفى البابی الحلبي وفرزندانش، مصر، دار الفكر لبنان به تصوير كشيده؛ ط اول 1389ق.
56. بدوى، احمد زكي، معجم المصطلحات التجارية والمالية والمصرفية، ناشر: دار الكتاب اللبناني للطباعة والنشر والتوزيع، تاريخ صدور: 1994م.
57. بخارى، محمد ابن اسماعيل ابو عبدالله صحيح البخارى، محقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، ناشر: دار طوق النجات، چاپ اول، 1422ق، ط الشعب، ب ت.
58. بهوتى ، منصور بن يونس بن صلاح الدين ابن حسن ابن ادريس روض المربع شرح زاد المستنقع، ناشر: مطبعة السنة المحمدية 1374ش، دار المويد-مؤسسة الرسالة(ب ط)(ب ت).
59. بهوتى، منصور بن يونس بن إدريس، كشاف القناع عن متن الإقناع، تحقيق وتخريج وتوثيق: لجنة متخصصة في وزارة العدل ناشر: وزارة العدل في المملكة العربية السعودية، چاپ اول 1421-1429ق.
60. باجي، أبو الوليد سليمان بن خلف بن سعد بن أيوب بن وارث التجيبي القرطبي الأندلسي، المنتقى شرح الموطأ، ناشر: مطبعة السعادة - بجوار محافظة مصر، چاپ اول 1332ش.

61. بغوى، ابو محمد الحسين بن مسعود بن محمد بن الفراء، محقق: عبدالرزاق المهدي معالم التنزيل في تفسير القرآن، ناشر: دار احياى تراث العربى-بيروت، چاپ اول، سال چاپ 1420ق.
62. بغوى، ابو محمد الحسين بن مسعود بن محمد بن الفراء، محقق: شعيب الارنوط وديگران شرح السنة ناشر: المكتب الاسلامى دمشق، بيروت چاپ دوم 1403ق.
63. بيهقى، احمد بن الحسين بن على بن موسى الخسروجردى الخراسانى ابوبكر البيهقى، سنن بيهقى محقق: محمد عبدالقادر عطاء، ناشر: دارالكتب العلميه بيروت لبنان چاپ سوم، سال چاپ 1424ق.
64. ترمذى، محمد بن عيسى بن سوره بن موسى بن ضحاک ابو عيسى، محقق: صبحى سامرايى وديگران العلل الكبير ناشر: عالم الكتب، مكتبة النهضة العربيه-بيروت چاپ اول 1409ق.
65. تويجرى، محمد ابن ابراهيم بن عبد الله، مختصر الفقه الإسلامى في ضوء القرآن والسنة، ناشر: دار أصدقاء المجتمع، سعودي، چاپ يازدهم، 1431ق.
66. جزيرى، عبدالرحمن ابن محمد عوض، الفقه على مذاهب الاربعه، ناشر: دارالكتب العلميه-بيروت-لبنان چاپ دوم، 1424ق.
67. حاكم، ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن محمد بن حمدويه بن نعيم بن الحكم الضبى الطهمانى النيسابورى المعروف به ابن البيع، محقق: مصطفى عبدالقادر عطاء، المستدرک على الصحيحين ناشر: دارالكتب العلميه، بيروت، چاپ اول، 1411ق وط حيدرآباد.
68. حسينى، احمد، بهجة المشتاق في حكم زكاة اموال الاوراق، ناشر: مطبعة كردستان العلميه، قاهره، سال نشر 1329ق.
69. حسنى، أحمد حسن أحمد، الودائع المصرفية، ناشر: المكتبة المكية، سال 1999م.
70. حصكفى، محمد بن على بن محمد بن على بن عبدالرحمن الحنفى الدرالمختار شرح تنوير الأبصار وجامع البحار، به تحقيق: عبدالمنعم خليل ابراهيم، ناشر: دارالكتب العلميه-بيروت، چاپ اول، 1423ق.
71. حماد، دكتور نزيه عقد القرض في الشريعة الإسلامية. ناشر: دار القلم- دمشق، دار السامية-بيروت، چاپ اول، 1411ق.
72. خطابى، ابوسليمان احمد بن محمد بن ابراهيم بن الخطاب، معالم السنن، ناشر: مطبعة علمى-حلب چاپ اول سال 1351ق.
73. دارقطنى، ابوالحسن على بن عمر بن احمد بن مهدى بن مسعود البغدادى، محقق: شعيب ارنوط و ديگران، سنن دارقطنى موسسه رساله بيروت لبنان، چاپ اول، 1424ق.
74. دسوقى، محمد بن احمد بن عرفه مالکى حاشية الدسوقى على الشرح الكبير، ناشر: دار الفكر-بيروت، ب ط، ب ت.



75. رازى، ابو عبدالله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين التيمى، مفاتيح الغيب = التفسير الكبير، ناشر: دار احياء تراث العربى-بيروت، چاپ سوم، 1420ق، المطبعة المصرية 1938م.
76. رازى، أبو عبد الله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين التيمى الرازي الملقب بفخر الدين الرازي خطيب الري، المحصل، تحقيق: الدكتور طه جابر فياض العلوانى، ناشر: مؤسسة الرسالة، چاپ سوم 1418ق.
77. رحبيانى، مصطفى بن سعد بن عبده السيوطى ثم دمشقى حنبلى، مطالب أولى النهى فى شرح غاية المنتهى، ناشر: المكتب الاسلامى، چاپ اول 1380ق.
78. رشيد رضا، محمد رشيد بن على رضا بن محمد، تفسير القرآن الحكيم، ناشر: الهيئة المصرية العامة للكتاب، سال نشر: 1990م.
79. زمخشرى، ابو القاسم محمود بن عمرو بن احمد جار الله، الفائق فى غريب الحديث والأثر به تحقيق على محمد البجاوى-محمد ابو الفضل ابراهيم، ناشر: دار المعرفه لبنان، چاپ دوم.
80. سدلان، د صالح بن غانم بن عبدالله بن سليمان بن على، زكاة الاسهم والسندات والورق النقدى، ناشر: دار بلنسيه لنشر والتوزيع-رياض، چاپ اول، 1417ق.
81. سبكى، ابو الحسن تقى الدين على بن عبد الكافى، فتاوى السبكي ناشر: دار المعرفة بيروت به اعتماد چاپ مكتبة القدسى در قاهره.
82. سرخسى، محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة، تصحيح: جمعى از علماء، المبسوط، ناشر: مطبعة السعادة - مصر، 1324ق، ب ط.
83. سيوطى، جلال الدين عبد الرحمن، الأشباه والنظائر فى قواعد وفروع فقه الشافعية، ناشر: دار الكتب العلمية، چاپ اول 1403ق.
84. ساعاتى، أحمد بن عبد الرحمن بن محمد البناء، الفتح الربانى لترتيب مسند الإمام أحمد بن حنبل الشيبانى، ناشر: مطبعة الفتح الربانى، سال 1357ق و دار إحياء التراث العربى، چاپ دوم، ب ت.
85. شنقيطى، أحمد بن أحمد المختار الجكنى، مواهب الجليل من أدلة خليل، ناشر: إدارة إحياء التراث الإسلامى، قطر، چاپ اول 1403ق.
86. شنقيطى، محمد الأمين بن محمد المختار بن عبد القادر الجكنى، أضواء البيان فى إيضاح القرآن بالقرآن، ناشر: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع بيروت - لبنان، سال چاپ 1415ق.
87. شافعى، ابو عبدالله محمد ابن ادريس ابن عباس بن عثمان بن شافع بن عبدالمطلب بن عبدمناف، المطلبى القرشى المكى، الإم ناشر: ط بولاق ومطبعة الاميرية، ب ت.
88. شوكانى، محمد بن على بن محمد بن عبدالله اليمنى نيل الاوطار، ناشر: عثمانى ب ت.
89. شلتوت، محمود، الاسلام عقيدة و شريعة، ناشر: ط دار القلم، سال نشر: 1338ش.

90. شوكانى، محمد بن على بن محمد بن عبدالله اليمنى، فتح القدير، ناشر: دار ابن كثير، دار الكلم الطيب-دمشق، بيروت، چاپ اول 1414ق.
91. شوكانى، محمد بن علي بن محمد بن عبد الله اليمنى، السييل الجرار المتدفق على حدائق الأزهار، ناشر: دار ابن حزم، چاپ اول، ب ت.
92. صنعانى، محمد بن اسماعيل بن صلاح بن محمد الحسنى معروف به الامير سبل السلام شرح بلوغ المرام، مطبعه صبيح، ب ت.
93. صديق حسن خان، الروضة الندية أبو الطيب محمد صديق خان بن حسن بن علي ابن لطف الله الحسيني البخاري القنوجي، ناشر: چاپ منيريه، ودار ابن عقان للنشر والتوزيع، قاهره- مصر، چاپ اول: 1423هـ.
94. طبرى، محمد بن جرير بن يزيد جامع البيان (تفسير طبرى) به تحقيق محمود شاکر، ناشر: دار المعارف بيروت لبنان، چاپ اول، سال نشر 1412ق.
95. طبرانى، ابوالقاسم سليمان بن احمد، المعجم الأوسط، ط قاهره، سال نشر 1415ق.
96. عبدالرزاق صنعانى، ابوبكر بن همام بن نافع الحميرى اليمانى صنعانى، المصنف، محقق: حبيب الرحمن الاعظمى، ناشر: المكتبة الاسلامى-بيروت چاپ دوم، سال چاپ 1403ق.
97. عاصمى، نجدى، عبدالرحمن ابن محمد ابن قاسم، حاشية روض المربع شرح زاد المستنقى، چاپ اول، ناشر (بدون ناشر) 1397ق.
98. عيسى، شيخ عبدالرحمن، المعاملات الحديثه واحكامها، ط اول، ناشر: عبدالرحمن عيسى.
99. عسقلانى، ابوالفضل احمد بن على ابن محمد ابن احمد ابن حجر، فتح البارى شرح صحيح البخارى ناشر: المطبعة الخيرية 1319ق، دار احياء تراث عربى، بيروت چاپ دوم، سال چاپ 1402ق.
100. عثمان حسين عبدالله الزكاة الضمان الاجتماعى الاسلامى، ناشر: دار الوفاء لطباعة والنشر والتوزيع-منصوره، مصر، چاپ 1989م.
101. عثمانى، القاضي محمد تقي ابن الشيخ المفتي محمد شفيح، بحوث في قضايا فقهية معاصرة، دار النشر: دار القلم - دمشق، چاپ دوم 1424ق.
102. عسقلانى، ابوالفضل احمد بن على ابن محمد ابن احمد ابن حجر، بلوغ المرام من أدلة الأحكام به تحقيق: سمير بن امين الزهرى، ناشر: دار الفلق-رياض، چاپ هفتم، 1424ق.
103. عمرانى، عبدالله بن محمد المنفعة فى القرض، تاريخ نشر: 2011م. ب ط.
104. غفيلى، عبدالله ابن منصور، نوازل الزكاة، داراليمين للنشر والتوزيع، رياض-سعودى، قاهره-مصر، چاپ اول، 1430ق.
105. قلجى، محمد رواس-حامد صادق قنبيى، معجم لغة الفقهاء ناشر: دار النفايس چاپ دوم، 1408ق.

106. قرطبي، ابو عبدالله محمد بن احمد بن ابى بكر بن فرح الانصارى الخزرجى شمس الدين القرطبي، الجامع لاحكام القرآن، تحقيق: ناشر: دارالكتب المصرى قاهره 1384ق.
107. قرضاوى، د. يوسف عبدالله، فقه الزكاة، ناشر: مؤسسة الرسالة، ط دوم، 1373ش.
108. قحطانى، د. سعيد بن علي بن وهف، زكاة عروض التجارة والأسهم والسندات، ناشر: مطبعة السفير، رياض، ب ت.
109. قرافي، أبو العباس شهاب الدين أحمد بن إدريس بن عبد الرحمن المالكي الفروق، ناشر: عالم الكتب، ب ط، ب ت.
110. قاضي عبد الوهاب أبو محمد بن علي بن نصر البغدادي المالكي، الإشراف على نكت مسائل الخلاف، به تحقيق حبيب بن طاهر، ناشر: دار ابن حزم، چاپ اول 1420ق.
111. كاسانى، علاء الدين ابوبكر بن مسعود الكاسانى الحنفى ملقب به ملك العلماء، بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع ناشر: غيرمحدد، چاپ اول 1327-1328ق.
112. كرمى، مرعى ابن يوسف الحنبلى غاية المنتهى في جمع الإقناع والمنتهى ناشر: مؤسسة غراس للنشر والتوزيع والدعاية والاعلان، كويت، چاپ اول، 1428ق.
113. كراع النمل، علي بن الحسن الهنائي الأزدي، أبو الحسن، المنجد في اللغة تحقيق: دكتور أحمد مختار عمر، دكتور ضاحي عبد الباقي، ناشر: عالم الكتب، قاهره، چاپ دوم 1988م.
114. كردى، دكتور احمد الحجى، بحوث وفتاوى فقهية معاصرة، چاپ اول 1999م.
115. مترک، عمر ابن عبدالعزیز، الربا والمعاملات المصرفية في نظر الشريعة الاسلامية، محقق: بكرابوزيد، ناشر: دارالعاصمة، چاپ دوم، 2010م.
116. مجموعه ای از فرهنگیان نخبه در قاهره، المعجم الوسيط، ناشر: مجمع اللغة العربية-قاهره.
117. ماوردی، ابو الحسن علی بن محمد بن حبيب البصرى البغدادى، محقق: شيخ على محمد معوض، شيخ عادل احمد عبدالوجود، الحاوى الكبير ناشر: دارالكتب العلمية، بيروت-لبنان چاپ اول، سال چاپ 1419ق.
118. محقق حلى، نجم الدين جعفر ابن الحسن ابن يحيى ابن سعيد هذلى حلى، المختصر النافع في الفقه الامامية، ناشر: قسم الدراسات الاسلامية فى مؤسسة البعثة، چاپ سوم 1410ق.
119. مجموعه ای از مؤلفین، منظمة المؤتمر الاسلامي بجدة، مجلة مجمع الفقه الإسلامی، در 13 شماره که هر شماره مجموعه ای از مجلدات میباشد که مجموعاً چهل جلد صادر شده است، آماده کننده در شامله: أسامة بن الزهراء.
120. مجموعه ای از مؤلفین، حلقة الدراسات الاجتماعية، ناشر: مطبعة اعلانات شرقی، تاریخ 2016م.

121. مَرْدَاوِي، علاء الدين أبو الحسن علي بن سليمان بن أحمد، الإنصاف في معرفة الراجح من الخلاف، ناشر: هجر للطباعة والنشر والتوزيع والاعلان، قاهره-مصر ومطبعة السنة المحمدية.
122. نيشاپورى، مسلم بن حجاج ابوالحسن، قشيري نيشاپورى، صحيح مسلم محقق: محمد فواد عبدالباقي، ناشر: دار احياى تراث العربى، بيروت، المطبعة المصرية-ازهر - ط اول 1347ق.
123. نووى، ابو زكريا محيى الدين يحيى بن شرف، المجموع، ناشر: دار الفكر، ب ت.
124. نووى، ابوزكريا محيى الدين يحيى بن شرف، المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج، ناشر: دار احياء التراث العربى-بيروت، چاپ دوم 1392ش.
125. نووي، أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف، روضة الطالبين وعمدة المفتين، ناشر: المكتب الإسلامى، بيروت-دمشق، چاپ سوم 1412ق.
126. نسائي، الحافظ ابو عبدالرحمن احمد ابن شعيب ابن على ابن بحر ابن سنان ابن دينار سنن النسائي ناشر: المكتبة التجارية الكبرى در قاهره، چاپ اول، 1348ق.
127. وزارت اوقاف وشنون اسلامى كويت، الموسوعة الفقهية، ناشر: وزارت الاوقاف والشنون الاسلاميه، چاپ دوم 1404ق.
128. هيثمى، ابوالحسن نورالدين على بن ابى بكر بن سليمان مجمع الزوائد ومنبع الفوائد به تحقيق: حسام الدين القدسى، ناشر: مكتبة القدسى، قاهره، 1414ق.
129. هيتى، عبدالرزاق رحيم جدى، مصارف الإسلاميه بين النظرية والتطبيق، ناشر: دار اسامة - عمان - اردن، سال چاپ 1998م.
- [https://books.google.com.af/books/about/%D8%A3%D8%A8%D8%AD-100%D8%A7%D8%AB\\_%D9%88%D8%A3%D8%B9%D9%85%D8%A7%D9%84\\_%D8%A7%D9%84%D9%86%D8%AF%D9%88%D8%A9\\_%D8%A7.html?id=CyrqmQEACAAJ&redir\\_esc=y](https://books.google.com.af/books/about/%D8%A3%D8%A8%D8%AD-100%D8%A7%D8%AB_%D9%88%D8%A3%D8%B9%D9%85%D8%A7%D9%84_%D8%A7%D9%84%D9%86%D8%AF%D9%88%D8%A9_%D8%A7.html?id=CyrqmQEACAAJ&redir_esc=y).
- 101 - <https://iei.kau.edu.sa/Pages-A-JournalHome.aspx>
- 102 [https://books.google.com.af/books/about/%D8%A3%D8%A8%D8%AD-102%D8%A7%D8%AB\\_%D9%88%D8%A3%D8%B9%D9%85%D8%A7%D8%A6%D8%AF%D9%88%D8%A9\\_%D9%84\\_%D8%A7%D9%84%D9%86%D8%AF%D9%88%D8%A9\\_%D8%A7.html?id=G-uBswEACAAJ&redir\\_esc=y](https://books.google.com.af/books/about/%D8%A3%D8%A8%D8%AD-102%D8%A7%D8%AB_%D9%88%D8%A3%D8%B9%D9%85%D8%A7%D8%A6%D8%AF%D9%88%D8%A9_%D9%84_%D8%A7%D9%84%D9%86%D8%AF%D9%88%D8%A9_%D8%A7.html?id=G-uBswEACAAJ&redir_esc=y)
- 103 <https://play.google.com/store/apps/details?id=air.kw.org.zakathouse&hl=fa&gl=US>

## Summary

By considering of volume of my research thesis and observing the logical sequence of the topics of this work, I have organized and collected the topics of this work into three chapters, and under each chapter there are three topics and under each topic there are three subjects, so that in the first chapter, the generalities that each topic should be covered are a starting point for understanding In the second chapter, we discussed the zakat of commercial goods which is the most important part of the title of my research thesis, and the third chapter, as it is clear from the title of the thesis, focuses on contemporary issues such as Zakat on shares, bonds, cash and current accounts and related topics, the summary of this research thesis is as follows: Zakat in the dictionary: Masdar (zaka) means growth The increase of things has come, and when a person becomes righteous; And it is used in meanings such as: blessing, growth, purity and goodness, in the term of Sharia: it is said to be a certain amount of wealth that Allah, the Most High, has made it obligatory on his believing servants to pay for the needy, if it is also applied to the self-expulsion of this certain share. The position of zakat in Islam: Giving zakat in the Meccan covenant, zakat in the Madani covenant, is the Sunnah of the Messenger of Allah, peace and blessings be upon him. Zakat is the third pillar of Islam, warning against refusing to pay zakat, punishment in the afterlife, worldly punishment for those who prevent zakat, religious punishment for those who prevent zakat, fighting those who refuse to pay zakat, denying zakat is infidelity, the basic differences between zakat in Islam and zakat in other laws; The purposes of the Shariah for zakat: fulfilling the worship of Allah Almighty by obeying his commands and fulfilling His duties, gratitude for the blessings of Allah Almighty through the means of paying zakat that Allah Almighty has bestowed upon him, purifying the zakat from sin, purifying the giver of zakat from stinginess with All its concepts are the doubling of good deeds and the elimination of the levels of zakat payers. The help of the rich is the help of the poor, the increase of zakat, the realization of social takaful, the growth of the Islamic economy, the call to Allah Almighty; The financial conditions in which zakat is required: a mezki must have full ownership, guardianship, possession and exclusive right; The property has a real or legal surplus, it has reached the quorum, it is surplus from the main needs of the owner of the property, the owner of the property is not in debt, it has been converted; Uses of Zakat: The poor and the needy, those responsible for zakat, the authors of the hearts, the slaves, the debtors, in the name of Allah, Ibn Sabeel; Those for whom it is not permissible to give zakat: the rich, businessmen with higher incomes, infidels and atheists who are actually at war with Muslims, according to consensus, those who are dhimma according to the head of

jurisprudence, the one whose alimony is required above the minimum wage, the principals and branches of the minimum wage and his wife, but the rest are relatives. There is a difference, it needs to be detailed, the Ahl al-Bayt of the Prophet, may Allah bless him and grant him peace, who are Bani Hashem, according to the consensus of scholars and Bani Matal, is a difference, a transgressor and an innovator (it is a difference). The directions of goodness other than the eight classes (are different).

The concept of commercial goods, its position and conditions in Islamic jurisprudence: commercial goods in the dictionary: anything that is not cash is called a commodity or goods, in the term: anything that is prepared for buying and selling in order to obtain benefit; Ruling on zakat on commercial goods in Islamic jurisprudence, zakat on commercial goods is obligatory based on the general book of Allah, may God bless him and grant him peace, and the works and consensus of the majority of Islamic jurisprudence scholars and correct comparisons; In today's era, the items of commercial goods are all the goods that are somehow involved in trade and commercial activities, and in trade as part of the business of buying and selling or are produced for the purpose of sale, they can be considered as items of commercial goods; The reasons for proving zakat on commercial goods: from the Holy Quran and the pure Sunnah of the Messenger of God, may God bless him and grant him peace, the consensus of the Ummah, which we have discussed in detail in the text of the book, but some religious schools of thought do not consider zakat necessary on commercial goods, as it is an apparent religion, but according to the Imamiyyah, it is more correct for them to pay zakat on commercial goods. They consider it not obligatory but recommended, they have another opinion that khums should be imposed for the benefit of business; The conditions of zakat of commercial goods: the intention of trading in commercial goods, the price of commercial goods reaching a value lower than the cash value, the wealth that the merchant uses in his business is not without three forms: the wealth that is in the form of goods and merchandise that the merchant bought for sale and trade, but He has not yet sold it, either he has it in cash, or he keeps it in banks, or he has it as a loan to others, some of which are obtainable or difficult to obtain, and some of which are unattainable. He should pay cash along with the goods after calculating the rate of zakat. If the loan is obtainable, it is like that from the bank, but if it is difficult to obtain, according to the vote that we preferred, one year should pass from the time of obtaining it, and then pay zakat. The difference between a merchant manager and a sole proprietor: The majority of jurists do not differentiate between these two, but Imam Malik, may God have mercy on him, has presented another opinion, unlike the president, on the

basis of which a difference has been made between these two. He is willing, there is no set time for buying and selling; Hawlan Hawlan: The meaning of Hawlan Hawlan refers to the passage of one lunar year from the capital of Mezki. Hulan does not accept trade goods for exchange and sale, all trade goods are combined in order to complete the nisab at the time of paying zakat. At the end of the year, commercial goods are charged according to the cash rate that is more useful for people who pay zakat. There is no zakat on commercial equipment that is not for sale, and it is not prepared for hire or rent. A trade is a quarter of one-tenth or 2.5 percent, and according to the opinion of the jurists, it is permissible to pay zakat on a trade item from the same item; The meaning of shares: In Fatah Hamzah, wazm is derived from the meaning of share and share, which is a check that represents a share of equal shares. Divided by that, it is the optimal capital for the share. If a loss occurs to the business, he will bear the loss equal to his share. The concept of the document: in the dictionary it means reliance, it is part of a long-term loan based on which a fixed benefit is given at certain times, the payment of the same loan at the time agreed upon by both parties and is returned; Based on the differences that we have stated, shares are permissible transactions and bonds are usurious transactions, but despite the fact that their transactions are haram, the owner is not exempted from paying zakat, rather a person is obliged to pay zakat on it. The value of the shares is taken in the market.

Zakat on bonds: a valid promise in religion that can be obtained by a wealthy person, who acknowledges the debt and is non-deferred. It is mandatory and obligatory to pay zakat every year when it reaches the quorum in the presence of the president of the jurisprudents, wabu`bid, etc.; Ruling on buying and selling shares and bonds: The legality and respect of buying and selling shares is stated according to the type of company. If the company is permissible, then buying and selling its shares is also permissible. Ruling on buying and selling bonds: based on the differences we have stated, if the bonds have the same characteristics, it is forbidden and impure; Zakat of animals for trade and its products and fruits for trade is the same as a quarter of the capital and its provisions. Zakat is not required for the place and industrial equipment, but it is required for its products and products in the amount of a quarter of a tenth. Zakat of cash is also the same quarter. Zakat on a current account: this is a loan from a depositor to a bank. The ruling on a deposit in a current account is the same as the ruling on zakat of a debt, if this debt is owed to a person. Be able to pay the debt and not be late.



**Salam University**  
**Faculty of Sharia and Law**  
**Master Program in Jurisprudence and law**



**Islamic Emarite of Afghanistan**  
**Ministry of Higher Education**  
**DM of Academic Affairs**

# **Zakat of commercial goods and its contemporary adaptations**

**(Shares, bonds, cash and current accounts)**

**Master`s Thesis**

**Student: Abdul Halim "Hekmat" Hakimi"**  
**Supervisor: Dr. Mohammad "Youns  
Ebrahimi"**

**Year: 2022**





**Salam University**  
**Faculty of Sharia and Law**  
**Master Program in Jurisprudence and law**



**Islamic Emarite of Afghanistan**  
**Ministry of Higher Education**  
**DM of Academic Affairs**

# **Zakat of commercial goods and its contemporary adaptations**

**(Shares, bonds, cash and current accounts)**

**Master`s Thesis**

**Student: Abdul Halim "Hekmat" Hakimi"**

**Supervisor: Dr. Mohammad "Youns  
Ebrahimi"**

**Year: 2022**